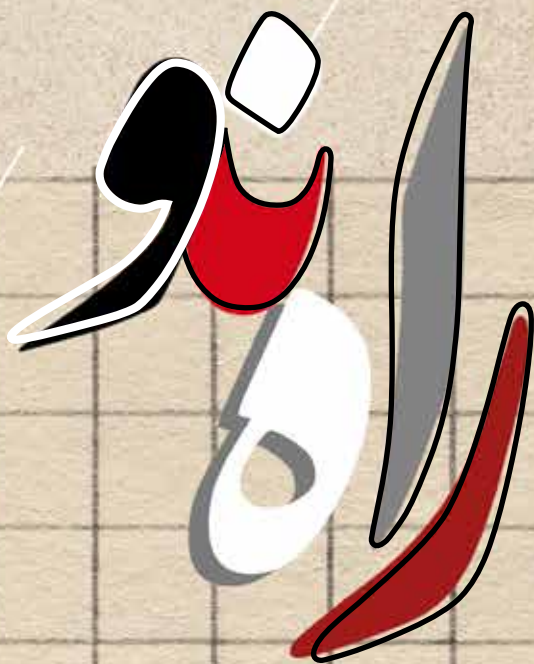


ویژه نامه
سیزدهمین همایش
تجلیل از مؤلفان
و پدید آورندگان مواد
ورسانه های آموزشی

مهر ۱۳۹۷



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی



یادواره شهید حججی

- مصاحبه با دکتر حیدر تورانی
- سرپرست سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی
- برنامه درسی باید به خلاقیت منجر شود
- تصویرسازی کتاب های درسی از دهه ۱۳۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت اصلی آموزش و پرورش اجرای سند تحول بنیادین است.
مقام معظم رهبری

تلاش خواهیم کرد محتوی برنامه درسی طوری تنظیم شود که نیازهای دانش آموزان در بیرون از مدرسه را مرتفع سازد و دانش آموزان مهارت‌هایی را در مدرسه فراگیرند که نسل امروز جامعه به آن نیاز دارد.
وزیر آموزش و پرورش

ویژه‌نامه همایش تجلیل از مؤلفان و پدیدآورندگان مواد و رسانه‌های آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: پرویز قراگوزلی
هیئت تحریریه: محمدابراهیم محمدی، پرویز قراگوزلی، فاطمه میرعارفین،
معصومه رضوانفر، معصومه چهره‌آرا
مدیر داخلی: اعظم لاریجانی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مرجان اندرودی
چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر نشریات و تکنولوژی آموزشی

- پیام وزیر آموزش و پرورش به همایش / ۳
- راه نو / مصاحبه با دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی / نصرالله دادار / ۴
- احیای مدرسه / اساس و محور همه کارهاست؛ مصاحبه با دکتر محمود امانی / ۱۴
- کتاب‌های درسی ایران از آزادی تألیف تا سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی / اسفندیار معتمدی / ۲۰
- در دنیای امروز ثبات از آن تغییر است / میزگرد مؤلفان کتاب‌های درسی نظری / ۲۶
- چاپ در ایران و نخستین گام‌ها در راه مدنیت / محمدجواد احمدی‌نیا / ۳۳
- برنامه درسی باید به خلاقیت منجر شود؛ میزگرد مؤلفان کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای / ۳۶
- کیفیت چاپ / رضا جواد زاده / ۴۲
- بسته آموزشی به مثابه رویکردی در تولید منابع آموزشی / دکتر مرتضی مجد فر / ۴۳
- هماهنگی فرایند تدوین کتاب درسی و فرایند چاپ؛ گفت‌وگو با سیدمحسن گلدان‌ساز مدیرعامل شرکت افست / ۴۸
- یک قرن و هشت سال؛ نگاهی به سیر شکل‌گیری و تطور سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی / محمد دشتی / ۵۶
- معرفی کتاب: اهداف دوره‌های تحصیلی / ۵۹
- تصویرسازی کتاب‌های درسی از دهه ۱۳۴۰ / محبت الله همتی / ۶۰
- سازمان پژوهش در دوره پساچهل سالگی / محمدابراهیم محمدی / ۶۶
- پیران سخن ز تجربه می‌گویند / حسن مظاهری / ۶۷
- تمبر اختصاصی همایش تجلیل از مؤلفان کتاب‌های درسی / ۶۸
- تاریخچه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در جهان و ایران / ۷۱
- فرایند آماده‌سازی کتاب‌های درسی و مواد و رسانه‌های آموزشی / ۷۶
- معلم یک رسانه است / محمدابراهیم محمدی / ۷۹
- مصاحبه با آقای سیدمحمد موسوی / مدیرعامل شرکت چاپ و نشر / ۸۰
- چند قاب از کتاب‌های کهنسال درسی / محمد دشتی / ۸۶
- معرفی دفتر انتشارات و کمک آموزشی / پرویز قراگوزلی / ۸۸
- معرفی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب درسی / فاطمه میرعارفین / ۹۲
- تألیف اجزای بسته آموزشی و رشته‌های فنی و حرفه‌ای / معصومه رضوانفر / ۹۶
- قصه این است: چه اندازه کبوتر باشیم! / ۱۰۱
- محسن حججی؛ تصویری از ایران متحد / مریم احمدی / ۱۰۲
- الگویی که راه را نشان داد: حاج احمد دست محسن را گرفت / احمد محمدتبریزی / ۱۰۳
- سفیر فرهنگی کتاب در پادگان و مدرسه / مریم احمدی / ۱۰۴
- نذر رضایت: بوسه بر پای مادر / احمد محمدتبریزی / ۱۰۵
- همه می‌دانستیم این بار، رفتن محسن برگشتی ندارد / مریم احمدی / ۱۰۶
- نمی‌خواست دیده شود، خدا به دنیا نشان داد / ۱۰۸
- دور از شهر اما به خدا نزدیک / احمد محمدتبریزی / ۱۰۹
- قول داده بودیم مانع پرواز هم نشویم / ۱۱۰
- به محسن اقتدا می‌کردیم / گفت‌وگو با حسن فرهادی، هم‌رزم شهید محسن حججی / ۱۱۲
- بدرقه آخر / دنیا حیدری / ۱۱۴
- ادبیات دفاع مقدس به مثابه ذکر / جعفر ربانی / ۱۱۶
- اشاعه فرهنگ دفاع مقدس در کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش / احمد رضا دوراندیش؛ محمد کفاشان / ۱۱۸
- فرهنگ‌نگاری حماسه هشت سال دفاع مقدس در کتاب‌های درسی / رضا نباتی؛ علی اکبر روشندل / ۱۲۵

پیام سید محمد بطحایی، وزیر آموزش و پرورش به مناسبت سیزدهمین جشنواره تجلیل از پدید آورندگان مواد و رسانه‌های آموزشی

آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان کشور، امری بس دقیق و دشوار است که همه اجزای مؤثر در آن از نقش، اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردارند. در این میان، موضوع تألیف و تدوین کتاب‌های درسی و نقش مؤثر آن، به سبب ورود عوامل مختلف و متنوع جهانی به خصوص در شرایط حاضر جامعه ما، اهمیت و جایگاهی والا دارد.

در آستانه برگزاری «سیزدهمین جشنواره تجلیل از پدیدآورندگان مواد و رسانه‌های آموزشی» فرصتی مغتنم فراهم آمده است تا ضمن تجلیل و قدردانسی از همه عزیزان سخت‌کوش و با بصیرتی که در طول بیش از یک قرن اخیر، به این کار سخت و ارزشمند مبادرت ورزیده‌اند، بر اهمیت و تأثیر این کتاب‌ها بر جامعه بزرگ مخاطبان آن و ضرورت پرداختن دقیق‌تر و کارشناسانه‌تر به این مهم، توجه و تأکید داشته باشیم.

این نکته مهمی که شاید در این فرصت کوتاه باید بر آن تأکید کنم، این است که ضرورت دارد دست‌اندرکاران تهیه و تولید کتاب‌های درسی و به خصوص مؤلفان کتاب‌های درسی، با مشارکت معلمان عزیز و طرح پرسش در ذهن دانش‌آموزان، فرصتی فراهم کنند که این کتاب‌ها را در فرایندی مهندسی

شده و منطبق با برنامه، همواره براساس پرسش‌ها و پاسخ‌های جدید دانش‌آموزان هوشمند و خلاق طراحی شوند. در ضمن، توجه به این نکته مهم لازم است که محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان باید با نیازهای بیرون از مدرسه انطباق یابد و مطالبی به آن‌ها آموخته شود که در زندگی اجتماعی به آن‌ها نیاز دارند و آموزش‌های مبتنی بر این متون، با برنامه‌ریزی و انجام، به سمت و سویی سوق پیدا کند که بتواند بخش مهمی از مهارت‌های مقدماتی و لازم برای زندگی آینده را به آنان بیاموزد.

امیدوارم به لطف و عنایت الهی و تلاش وافر همه عزیزان، از این رهگذر و از مسیر تلاش‌های هدفمندی که در پیش در دستور کار مسئولان این حوزه، به‌ویژه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار دارد، شاهد حضور و بالندگی نسلی قوی، و بارآده، فعال، مسئول و خلاق باشیم با تألیف کتاب‌های مؤثر و سودمند، این هدف ارزشمند را پیش‌پیش تحقق بخشیم.

سید محمد بطحایی
وزیر آموزش و پرورش





راه‌نو

پای صحبت دکتر حیدر تورانی،
معاون وزیر و سرپرست سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی

گفت‌وگو از نصرالله دادار
عکاس: اعظم لاریجانی

اشاره

سال ۹۶ مسئولیت رهبری و مدیریت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را پذیرفته است. شش ماه فرصت مناسبی است تا او ضمن مطالعه وضع موجود این سازمان، نقشه راه آینده‌اش را ترسیم کند. دکتر تورانی معتقد به اجرای سبک رهبری اثربخش در این سازمان است. پای صحبت ایشان می‌نشینیم:

● آقای دکتر! اکنون که همه کارهای نونگاشت کتاب‌های درسی به اتمام رسیده است، برنامه‌های جدید شما برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی چیست؟
○ حال که کار کتاب‌های پایه دوازدهم به اتمام رسیده، ما می‌خواهیم به دفترهای تألیف نظری، و فنی و حرفه‌ای و کل سازمان فرصتی بدهیم تا آنها به امور دیگری مانند تعمیق برنامه‌های درسی و کتاب‌ها بپردازند. چه کارهایی در این شرایط باید اتفاق بیفتد؟ ما به خاطر فوریت و زمان فشرده‌ای که برای هم‌سوسازی کتاب‌های درسی داشتیم و فرصت کافی برای مطالعه و تعمیق برنامه درسی ملی نداشتیم، می‌خواهیم حالا این فرصت را فراهم کنیم. البته این فرصت در یک سبک رهبری اتفاق خواهد افتاد که به آن «سبک رهبری اثربخش» گفته می‌شود.

- ما می‌خواهیم با رهبری اثربخش کاری کنیم که همه آموزش و پرورش با سند تحول و برنامه درسی ملی هم‌جهت شوند. خود سازمان هم جزئی از این حرکت است.

- ما به بلوغ سازمانی نمی‌رسیم، مگر اینکه ظرفیت‌های گفتمان و تعاملات اندیشه‌ای را گسترش دهیم و این قدرت و انرژی نهفته را آزاد کنیم.
- لازمه تقریب انگاره‌ها، توسعه گفتمان صادقانه، صریح و شفاف است.

- ما می‌خواهیم رفت‌وآمد آدم‌های بزرگ دانشگاهی و حوزوی را در سازمان پژوهش افزایش دهیم.
- دیدن معلم در چرخه برنامه‌ریزی درسی، دیدن مدیر مدرسه و برانگیختن مشارکت همه بخش‌ها، نگاه تیمی و برقراری ارتباط با بخش‌های بیرون از سازمان، مؤلفه‌هایی هستند که باید انجام شوند تا رهبری اثربخش تحقق پذیرد.

دکتر حیدر تورانی در یک نشست صمیمی، ضمن بیان مطالب فوق، نقشه راه آینده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را تشریح کرد. وی از اسفند

می‌خواهیم با رهبری اثربخش کاری کنیم که همه آموزش و پرورش با سند تحول و برنامه درسی ملی هم‌جهت شود؛ خود سازمان هم جزئی از این حرکت است و مستقل از آموزش و پرورش نیست

● منظور شما از «سبک رهبری اثربخش» چیست؟

○ رهبری اثربخش به این معنی است که اولاً یک چشم‌انداز و تصویر کلان از سازمان داشته باشیم. ثانیاً همه نیروها و منابع انسانی، مالی، مادی، زمانی و اطلاعاتی را برای عینیت بخشیدن به آن چشم‌انداز و تصویر کلان بسیج کنیم.

کار رهبری اثربخش در درجه اول الهام بخشیدن است. کارش برانگیختن، افزایش احساس تعلق به سازمان، توزیع وظایف، جلب مشارکت همگان در داخل و خارج سازمان و در نهایت ایجاد روحیه تعامل است.

نگاه رهبری اثربخش در سازمان یک نگاه و حرکت تیمی یا جمعی است، نه حرکت فردی مثل مسابقات دو. در مسابقه دو، هر دوندۀ ای می‌کوشد زودتر به خط پایان برسد تا خودش قهرمان و برنده شود، اما ما مسابقه دو نداریم. ما یک تیم کوهنوردی هستیم و زمانی که همه به نوک قله رسیدیم، برنده‌ایم.

با رهبری اثربخش می‌خواهیم کاری کنیم که همه آموزش و پرورش با سند تحول و برنامه درسی ملی هم‌سو بشوند. خود سازمان هم جزئی از این حرکت است و مستقل از آموزش و پرورش نیست. بنابراین، باید کاری کنیم که همه بخش‌ها و حوزه‌های آموزش و پرورش با سازمان هم‌سو شوند و ما هم متقابلاً با آن‌ها هم‌سو و همدل و هم‌جهت باشیم. رهبری اثربخش سازمان شش بعد دارد که عبارت‌اند از: رهبری برنامه درسی و آموزشی، مدیریت پژوهش، مدیریت راهبردی و مدیریت تضمین کیفیت، توسعه معلمان، توسعه منابع و مدیریت ارتباطات. بنابراین، در سازمان هیچ کاری نباید انجام بگیرد، مگر اینکه در زمره یکی از این شش بعد باشد.

● اشاره کردید که یکی از ابعاد رهبری اثربخش توسعه معلمان است. منظور شما

از توسعه معلمان چیست؟ مدیر مدرسه و خانواده چه جایگاهی در رهبری اثربخش دارند؟

○ یکی از مهم‌ترین غفلت‌هایی که در فرایند تحول اخیر در سازمان، در چرخه برنامه‌ریزی درسی، روی داد، این بود که ما عنصری به نام معلم را به وضوح و آن‌گونه که لازم بود، ندیدیم. متأسفانه مدیر مدرسه و والدین را هم ندیدیم. الان شما از هر کدام از این برنامه‌ریزان بخواهید مراحل چرخه برنامه‌ریزی درسی را برایتان بگویند، می‌گویند نیازسنجی، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی! بعد می‌گویند که مثلاً معلم را در اجرا می‌بینیم. در حالی که در اصل معلم باید در این چرخه به‌طور آشکار و اخص قرار بگیرد. به همین دلیل است که اگر ما بهترین کتاب را هم بنویسیم، ولی به دست معلمی متوسط و کم‌سواد بدهیم، کاری از پیش نخواهد برد.

اما اگر برعکس، یک کتاب ضعیف و حتی ضعیف‌ترین را به یک معلم قوی بدهیم، او می‌تواند موقعیت یادگیری بزرگی از آن خلق کند. اینجاست که بحث آموزش معلم بسیار مهم است و باید در چرخه برنامه درسی قرار بگیرد. خوشبختانه الان سازمان به تدریج دارد وارد آموزش معلمان می‌شود و امیدواریم این کار با جدیت توسعه یابد، چرا که در اساس نامه سازمان نیز دیده شده است؛ لکن این اختیار به آن واگذار نشده است.

نکته بعدی، موضوع مدیران مدرسه‌هاست. متأسفانه مدیران ما هیچ‌وقت در متن برنامه‌های نظام‌مند، طوری که بتوانند آن را پیگیری و بازخواست کنند، حضور نداشته‌اند. چطور می‌شود این همه کالا و محصول وارد مدرسه شود، اما مدیر مدرسه نفهمد این کالا چیست و به چه دردی می‌خورد و چگونه کار می‌کند؟ مگر می‌شود شما برای منزل خودتان ابزار و وسایلی تهیه کنید، ولی مادر خانواده نتواند با آن وسایل کار کند یا حتی از آن‌ها اطلاع نداشته باشد؟!

یکی از مهم‌ترین غفلت‌هایی که در فرایند تحول اخیر در سازمان و در چرخه برنامه‌ریزی درسی روی داد، این بود که ما عنصری به نام معلم را به وضوح و آن‌گونه که لازم بود، ندیدیم. متأسفانه مدیر مدرسه و والدین را هم ندیدیم

مدیر مدرسه باید در جریان تغییرات برنامه درسی و کتاب‌های درسی قرار بگیرد و بداند که این اتفاقات در حال انجام هستند تا بتواند از معلمان مطالبه کند و بازخورد بگیرد. ما بدون توجه به مدیر، در مدرسه را باز کرده‌ایم و وارد مدرسه شده‌ایم، بدون اینکه مدیر مدرسه، را توجیه کنیم.

مطالبه نمره

بحث والدین هم موضوع مهم دیگری است. هنوز مطالبه اصلی والدین از مدرسه نمره است. تا زمانی که این مطالبه از نمره، به عشق، دوستی، صلح و نشاط، شادی و خلاقیت چرخش نکند، ره به جایی نخواهیم برد. تا وقتی والدین نمره می‌خواهند، ارزشیابی‌های توصیفی هم به کار نخواهند آمد. خانواده‌ها از مدرسه نمره طلب می‌کنند، عشق و محبت طلب نمی‌کنند. البته بخشی از این مسئله هم به کنکور و آزمون‌های کاذب برمی‌گردد. ما باید این تغییرات را ایجاد کنیم تا چرخه نمره در مدرسه به مطالبات محتوایی و ارزشی تغییر پیدا کند. دیدن معلم در چرخه برنامه‌ریزی درسی، دیدن مدیر مدرسه، و برانگیختن مشارکت همه بخش‌ها، نگاه تیمی و برقراری ارتباط با بخش‌های بیرون از سازمان، مؤلفه‌هایی هستند که باید انجام شوند تا رهبری اثربخش تحقق پذیرد. برای تحقق تمام ابعاد رهبری اثربخش باید سیاست‌های راهبردی داشته باشیم، وگرنه برنامه‌ها و اهداف محقق نمی‌شوند.

سیاست‌های راهبردی جدید سازمان

● سیاست‌های راهبردی شما چیست؟

- سیاست‌های راهبردی ما شش پایه و اساس دارد:
- ۱. ماندگاری؛ ۲. انطباق؛ ۳. چندتألیفی و چندرسانه‌ای؛ ۴. پایدارسازی؛ ۵. مرزگستری؛ ۶. سبک‌سازی و چابکی برنامه درسی.

۱. ماندگاری کتاب‌های درسی

اولین سیاستی که کلید می‌زنیم، «ماندگاری کتاب‌های درسی» است. وقتی کار کتاب‌های پایه دوازدهم تمام شده است، نمی‌خواهیم دوباره از اول ابتدایی شروع کنیم به تغییر دادن و نونگاشت کتاب‌های درسی؛ فقط تغییرات جزئی را، آن هم در صورت لزوم، اعمال می‌کنیم. در این حد که شاید براساس نیاز و ضرورت، عکسی، جمله‌ای، بیتی

یا متنی اضافه یا جابه‌جا شود. دیگر کتاب نونگاشت نخواهیم داشت. می‌خواهیم حداقل تا پایان برنامه ششم جلوی نونگاشت و تغییر کلی کتاب‌ها را بگیریم. در این چند سالی که کتاب نونگاشت نخواهیم داشت، برنامه‌هایی در دست اقدام داریم. از این فرصت استفاده خواهیم کرد تا اهداف دوره‌های تحصیلی و راهنماهای حوزه‌های تربیت و یادگیری را تدوین و تصحیح کنیم و آن‌ها را تحقق بخشیم. همچنین، راهنماهای برنامه درسی حوزه‌های یادگیری را کامل کنیم. ما نباید راهنمای برنامه درسی ناقص به مدرسه ارائه کنیم. باید برنامه‌های اختیاری و نیمه تجویزی مدرسه‌ها را عمق ببخشیم و فرصت یابیم ساختار گروه‌های تألیف را بازنگری و ناوگان نیروی انسانی را نوسازی کنیم. باید معلمان را توانمند کنیم، والدین را آگاه کنیم و مدیران مدارس را همراه سازیم. بسته‌های آموزشی را تعمیق و تعمیم بدهیم و غنی‌سازی کنیم. بسته‌های آموزشی ما از غنای کافی برخوردار نیستند. ما باید با برنامه‌های آموزشی در سطح ستاد و صف همدل و هم‌سو شویم. باید فرصت پیدا کنیم بخش‌های دیگر را با خود همراه کنیم.

۲. انطباق

پس از مرحله «ماندگاری»، وقتی به توانمندی علمی و پشتیبانی رسیدیم، به سراغ تطبیق می‌رویم. یعنی باید ابتدا سازه‌های سخت و نرم فراهم شود و بعد انطباق بدهیم. انطباق یعنی سازواری و سازگاری دقیق. یعنی برنامه‌ریزی ما باید دقیقاً با برنامه درسی منطبق باشد؛ هم از جهت شکل و هم از نظر محتوا (چرخش از هم‌سویی به انطباق).

۳. چند تألیفی و چندرسانه‌ای

هم‌زمان با انطباق محتوای تولیدشده با مفاد سند و برنامه درسی ملی، بحث چندتألیفی و چندرسانه‌ای هم مطرح می‌شود. باید فرصت کنیم باب چندتألیفی و چندرسانه‌ای را باز کنیم.

برای این کار، باید پروژه‌هایی تدوین و نظام‌نامه‌ای تهیه و تصویب شود تا فرایند کار را مشخص سازد. باید ببینیم چه کتاب‌هایی را و در چه رشته‌هایی، در فنی‌حرفه‌ای و نظری و چگونه به چندتألیفی بسپاریم.

۴. پایدارسازی کتاب‌های درسی

پایدارسازی کتاب‌های درسی با ماندگاری کتاب‌های



اگر ما بهترین کتاب را هم بنویسیم ولی به دست معلمی متوسط و کم سواد بدهیم، کاری از پیش نخواهد رفت

درسی فرق دارد. ماندگاری یعنی ما برای چند سال کتاب نونگاشت نداریم، ولی پایدارسازی یعنی اینکه عمر مصرف کتاب‌های درسی بیش از یک سال باشد. چرا ما باید در دنیایی که این همه مشکلات زیست‌محیطی داریم و هر روز جنگل‌هایمان در حال نابودی است؛ این حجم کاغذ مصرف کنیم؟ الان، در ایران، هر سال حدود ۱۴۰ میلیون جلد کتاب درسی چاپ می‌کنیم. ۱۴۰ میلیون جلد برای حدود ۱۴ میلیون دانش‌آموز، در حالی که در هند که ۲۶۰ میلیون دانش‌آموز دارد، حدوداً ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیون جلد کتاب چاپ می‌شود. پس معلوم است که در هند برای هر دانش‌آموز کتاب چاپ نمی‌کنند. کتاب چاپ می‌کنند که معلم‌ها از آن به‌عنوان منبع در آموزش استفاده کنند. اگر قرار باشد در آن کشور به ۲۶۰ میلیون دانش‌آموز، هر کدام فقط یک جلد کتاب هم بدهند، می‌شود ۲۶۰ میلیون جلد کتاب و اگر فرض بگیریم که هر دانش‌آموز فقط چهار درس داشته باشد، متناسب با این جمعیت دانش‌آموزی، یک میلیارد جلد کتاب باید چاپ شود. مگر می‌توان این کار را انجام داد؟

۵. سیاست مرزگستری

دیگر سیاست‌های ما «سیاست مرزگستری» است. مرزگستری یعنی خودمان را توسعه دهیم و از همه ظرفیت‌های داخل و خارج از آموزش و پرورش استفاده کنیم.

۶. سبک‌سازی و چابکی برنامه‌های درسی

برنامه درسی باید سبک‌باز و چابک شود. یعنی باید کاری کنیم که به جای آنکه حجم مطالب قابل ارائه به بچه‌ها یا حجم داده‌ها افزایش یابد، تنوع داده‌ها بیشتر شود. به عبارت دیگر، یعنی یک مطلب کوچک و کم را که می‌آموزیم، همان مطلب را تعمیق بدهیم. بار اضافی به بچه‌ها ندهیم. اگر قرار است در یک پایه‌ای بچه‌ها از چهار عمل اصلی دو تا را یاد بگیرند، مثلاً جمع و تفریق را یاد بگیرند، دیگر ضرب را به او یاد ندهیم. برخی از مدرسه‌ها، برای آنکه ژست علمی بگیرند، می‌گویند بچه‌های ما ضرب هم بلد هستند. مثلاً بچه من دوم ابتدایی است، تقسیم هم بلد است، اما بچه‌های مدرسه دیگر تقسیم را بلد نیستند. در

حالی که قرار نبوده او تقسیم را هم یاد بگیرد. او باید در این پایه یا مرحله فقط دو عمل اصلی را خوب و عمیق یاد بگیرد. پس باید این دو عمل را آن قدر برای او عمیق درس بدهیم که برایش جا بیفتد.

• در تولید کتاب‌های درسی و آموزشی برای بخش خصوصی چه جایگاهی قائل هستید؟

ما یک سیاست راهبردی اعلام کردیم به نام راهبرد مرزگستری. راهبرد مرزگستری در مقابل راهبرد سپربلا مطرح می‌شود. سپر بلا می‌گوید که در مقابل رقبا و حریفان حرفه‌ای خود باید بجنگیم و مبارزه کنیم و آن‌ها را از دور خارج کنیم و همه چیز در دستان خود ما باشد، به خصوص در صنعت و تجارت. این ایده قبلاً خیلی مطرح بود. اما در نظریه‌های جدید، تئوری‌های مدیریت و رهبری می‌گویند، نباید هزینه‌ها صرف از رده خارج کردن رقبا شود، بلکه باید تلاش شود خود را توسعه دهیم و با توسعه کالا و خدمات و اندیشه‌های خود، کار خود را بهبود بخشیم و از این طریق فرصت‌های رقبا را از آن‌ها بگیریم. اصطلاحی هم در باورها و اندیشه‌های دینی داریم که می‌گوییم نهی از منکر و اشاعه معروف. یعنی منکر را از دو طریق می‌توان از بین برد: یکی با نهی از منکر و دیگری با اشاعه معروف. در مرزگستری می‌گوییم اشاعه معروف کنید و نه مبارزه. اگر در سیستمی معروف زیاد باشد، منکر جایی ندارد. مثلاً وقتی شما به یک محیط خیلی تمیز از نظر بهداشتی وارد می‌شوید، اگر یک چوب کبریت یا یک تکه کاغذ در دست داشته باشید که بخواهید آن را دور بیندازید، آن را آنجا نمی‌اندازید. دلتان نمی‌آید. اما اگر در محیطی قرار بگیرید که همه چیز به هم ریخته و کثیف است، شما هم هر چه در دست داشته باشید همان‌جا می‌اندازید.

مرزگستری می‌گوید شما به جای اینکه دور سازمان خود دیوار بکشید، کف‌سازی کنید برای سازمان. یعنی کف سازمان را قوی کنید و بستر و زمینه‌های کار نیروی انسانی خود را فراهم کنید تا این‌ها بتوانند

متأسفانه مدیران مدرسه‌های ما کمتر در متن برنامه‌های نظام‌مند، طوری که بتوانند آن را پیگیری و بازخواست کنند، حضور داشته‌اند. در صورتی که مدیر مدرسه باید در جریان تغییرات برنامه درسی و کتاب‌های درسی قرار بگیرد

دیدن معلم در چرخه برنامه ریزی درسی، دیدن مدیر مدرسه و برانگیختن مشارکت همه بخش‌ها، نگاه تیمی و برقراری ارتباط با بخش‌های بیرون از سازمان، مؤلفه‌هایی هستند که باید دیده شوند تا رهبری اثربخش تحقق پذیرد

به آسانی کار کنند و ارتباط برقرار کنند. این هم ناظر بر مرزگستری است.

با این نگاه، آموزش و پرورش و همه سازمان‌های ما نیاز دارند برای تحولات خود با مرزهای بیرون از خود ارتباط داشته باشند. یعنی با ذی‌نفعان خود در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی ارتباط داشته باشند و بتوانند از منابع آن‌ها استفاده کنند و مدیریت کنند و دانش و اطلاعات خود را نیز در اختیار آن‌ها قرار دهند. در تعاملات، گفت‌وگو و گفتمان، هم فکر نو خلق می‌شود و هم امکانات توسعه می‌یابند. در همین راستا، ذی‌نفعان سازمان‌ها کسانی هستند که روی سازمان اثر می‌گذارند و از سازمان اثر می‌پذیرند. در سند تحول بنیادین هم این نگاه دیده شده است و آن نگاه استفاده از همه منابع و امکانات داخل و خارج از سازمان است. الان کشور ما در شرایطی است که از لحاظ نیروی انسانی، فکر و اندیشه، منابع خارجی و خصوصی زیادی هستند که می‌توانند به ما کمک کنند. دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های علمی و مؤسسه‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های علمی و کارگروه‌های بازنشستگان می‌توانند به ما کمک کنند. این‌ها فکر و اندیشه دارند. چرا ما باید آن‌ها را کنار بگذاریم و از آن‌ها استفاده نکنیم؟ خلاً موجود این است که نسبت ما با این‌ها تعریف نشده و روشن نیست. بالاخره بخش خصوصی رقیب و دشمن ماست یا رفیق ما؟ این باید مشخص شود. معلوم است که طبیعتاً دشمن نیست. در حالت خیلی بدبینانه رقیب است. ولی من فکر می‌کنم رفیق است. این به نوع نگاه ما و نوع ارتباط‌گیری ما و بینش و سیاست‌های ما بستگی دارد.

من معتقدم، در راستای سیاست مرزگستری سازمان

هنوز مطالبه اصلی والدین از مدرسه نمره است. تا زمانی که این مطالبه از نمره به عشق، دوستی، صلح و نشاط، شادی و خلاقیت چرخش نکند، ره به جایی نخواهیم برد

باید در چارچوب ارزش‌ها و مبانی اسلامی و ایرانی مرزهایش را بگستراند و بال‌هایش را پهن کند و آغوش و درهای خود را به سمت همه متخصصان و بزرگان و علما و اندیشمندان دلسوز تعلیم و تربیت نونهالان و جوانان عزیز کشورمان بگشاید. ما به چه حقی باب ورود این افکار و اندیشه‌ها را می‌بندیم یا می‌خواهیم ببندیم؟ این حق سازمان است و حق دانش‌آموزان کشور است که ما دستمان را به سمت منابع و امکانات و سرمایه‌های اجتماعی دراز کنیم. یعنی بیش از اینکه آن‌ها حق داشته باشند، ما حق داریم. چرا باید سازمان را از این همه منابع بیرونی محروم کنیم؟

مشکل این است که ما برای استفاده از این منابع و امکانات خارجی، برنامه و معیار و استاندارد نداریم و اگر این‌ها را داشته باشیم، می‌توانیم به راحتی از همه این امکانات و استعدادها استفاده کنیم. ما اگر سبک سفارش داشته باشیم، می‌توانیم به همه سفارش دهیم. در حال حاضر ما سبک سفارش نداریم. نمی‌دانیم چه می‌خواهیم و با چه معیار و استاندارد. اگر این‌ها را داشته باشیم، دیگران خود را با ما هم‌سو و هماهنگ می‌کنند. بخش‌های خصوصی در بحث تعلیم و تربیت نگاه می‌کنند ما دنبال چه هستیم و همان را تولید می‌کنند. اگر ما روی حافظه‌مداری برویم، آن‌ها هم همان کار را می‌کنند و اگر ما روی تست و کنکور کار کنیم، آن‌ها نیز همان کار را می‌کنند و اگر ما روی خلاقیت و مهارت و مسئله‌محوری باشیم، آن‌ها نیز همان کار را می‌کنند. چون نگاه می‌کنند به بازار و اینکه مشتری چه می‌خواهد. ما مشتریان بخش خصوصی هستیم و آن‌ها به دست ما و فکر و اندیشه ما نگاه می‌کنند و همان را تولید می‌کنند. اگر بلد نباشند آموزش می‌بینند.

همین نگاه در ارتباط با کشورهای منطقه‌ای، اسلامی و جهانی هم هست. ما در سند تحول بنیادین این را در دو سه بند داریم. بند ۹/۱۱ می‌گوید: «رصد کردن تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم و تحولات علمی در حوزه علوم تربیتی در سطح منطقه، جهان اسلام و بین‌الملل و بومی‌سازی تجربه‌ها و یافته‌های مفید آن‌ها و بهره‌مندی آگاهانه از آن‌ها در چارچوب نظام آموزش و پرورش.» پس ما می‌توانیم و باید با جهان اسلام و کلاً با جهان ارتباط داشته باشیم. قدیم‌ها می‌گفتند جهان دهکده است. الان می‌گویند تالار است و دهکده

در ایران، هر سال حدود ۱۴۰ میلیون جلد کتاب درسی برای حدود ۱۳ میلیون دانش آموز چاپ می کنیم، در حالی که در هند برای ۲۶۰ میلیون دانش آموز، در حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیون جلد کتاب درسی چاپ می شود

نیست؛ یعنی اینقدر کوچک شده است. مگر می شود در این جهان ارتباط و تعامل نداشته باشیم؟ باید تأثیر بگذاریم و از منابع خوب آن ها استفاده کنیم. این در سند هم آمده است، بند ۱۱/۱۱ می گوید: «مشارکت فعال در تعاملات بین المللی با اولویت جهان اسلام و انعکاس نظریه ها و تجربه های موفق داخل در محافل علمی جهانی». وقتی ما در سند تحول مأمور شده ایم با جهان چنین ارتباطی داشته باشیم، از آنجا که راه جهان از داخل می گذرد، نمی شود ما منابع خود را کنار بگذاریم. پس از اینجا شروع می شود که اگر توانستیم و توانایی استفاده از بخش خصوصی خودمان را داشتیم، می توانیم از جهان هم استفاده کنیم. بنابراین، باید در این زمینه حرکت کنیم. مرزگستری هم در این رابطه خود را نشان می دهد و یکی از راهبردهای ماست. لازم است با دانشگاه و مراکز پژوهشی و مراکز مذهبی و دینی و با همه این ها ارتباط داشته باشیم.

• به طور شفاف، جمله ای در مورد بخش خصوصی بگویید.

○ بخش خصوصی در تولید محتوای آموزشی و درسی رفیق و یار ماست.

ضرورت استفاده از ایرانیان مقیم خارج از کشور در سازمان

• در سازمان پژوهش چقدر از دانشمندان ایرانی خارج از کشور استفاده می شود؟

○ اتفاقاً این یکی از نکات مهم است. تا صحبت از اندیشمندان خارجی می شود، فقط دنبال اندیشمندان با هویت و ملیت غیر ایرانی می گردیم. ما در سطح جهانی اندیشمندان و دانشمندانی داریم که در زمینه تعلیم و تربیت هم کار کرده اند و حرف های جدید و خوبی دارند. البته در سازمان، در گذشته های دور، خیلی بیشتر استفاده می شد، ولی آرام آرام استفاده از استادان خارجی و انجمن ها و نهادهای خارجی که در کار تعلیم و تربیت کارهای قوی و خوبی کرده اند،

کمرنگ شد. بعضی کشورها مثل فنلاند، استرالیا و ژاپن کارهای خوبی کرده اند و می شود از آن ها استفاده کرد. اما در رابطه با اندیشمندان خارج از کشور، خیلی از آن ها ایرانی هستند و ما از این غفلت کرده ایم. خیلی از ایرانی ها هستند که در بخش های مختلف تعلیم و تربیت صاحب اندیشه و فکر و نظر هستند و در کشورهای دیگر در حال تحصیل یا تدریس هستند و در آنجا استاد یا معلم اند و صاحب کتاب و کرسی اند و ایران را هم می شناسند و علاقه مند به ایران هستند.

در چند سالی که کتاب نونگاشت نخواهیم داشت، اهداف دوره های تحصیلی و راهنماهای حوزه های تربیت و یادگیری را تدوین و تصحیح می کنیم و آن ها را تحقق می بخشیم

این اشخاص فارسی زبان هستند و مشکل زبان با این ها نخواهیم داشت. به راحتی هم می توانند به ایران بیایند و به این کار علاقه مندند. هزینه های کمتری هم صرف آن ها می شود و خودشان هم دوست دارند این کار را بکنند. البته ما در دو سه مورد این کار را کرده ایم. مثلاً دکتر عطاران و دکتر آرائی به ایران می آیند و می روند. ما افراد این چنینی زیاد داریم. یکی از برنامه های ما این است که این اشخاص را شناسایی کنیم و به نوبت آن ها را دعوت کنیم بیایند و برای آموزش و پرورش دوره و کارگاه بگذارند. البته بخشی از برنامه های آینده ما این است که بتوانیم شهر آموزش ایجاد کنیم که البته جای آن را داریم و می خواهیم آن را تجهیز کنیم. اگر وزارت آموزش و پرورش، کار آموزش معلمان و کارشناسان خود را به ما بدهد، طبق شرح وظیفه سازمان، قصد داریم یک شهر آموزش راه اندازی کنیم و از طریق سیستم های الکترونیکی، ویدیو کنفرانس، رادیو از راه دور و آموزش از راه دور با استادان ارتباط برقرار کنیم. این کار بسیار آسانی است. استادان می توانند در اینجا بنشینند و برای کل کشور صحبت کنند. ما استادان بنامی در کشور داریم که وقت ندارند به همه مدرسه ها و همه استان ها بروند. اگر ما در اینجا بحث ویدیو کنفرانس را مهیا کنیم، به مدیران و معلمان مدرسه ها اعلام می کنیم که هفته آینده فلان ساعت کنفرانس داریم. اصلاً تقویم برنامه ارائه می دهیم که

را نبینید. رستوران که ندارد، در نمازخانه هم که همه برای نماز نمی‌آیند، پس جایی برای دیدار نیست. این جلسات حداقل جاست تا دو ماه یکبار همدیگر را ببینیم و بپرسیم چه کار می‌کنید و در چه وضعیتی هستید؟ لاقلاً از حال و وضعیت یکدیگر باخبر خواهیم شد. این جلسات و هیئت‌ها همان صلۀ ارحامی است که در قدیم بوده و در راستای تعاملات و گفت‌وگوها و تقریب انگاره‌ها صورت می‌گرفته است.

ضرورت توجه به رویکرد انسانی و اخلاقی در کتاب‌های درسی

• یک نقد به کتاب‌های درسی هست که متخصصان تعلیم و تربیت مطرح می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: تولید کتاب‌های درسی برای دوره‌های پیش‌دبستانی، دبستان و حتی دوره اول متوسطه باید با رویکردهای عاطفی، انسانی و اخلاقی باشد و حتی اشاره می‌کنند که در گذشته، کتاب‌های درسی ما از بوستان و گلستان سعدی که طبق این رویکردها جنبۀ تربیتی و تعلیمی داشتند، استفاده می‌کردند و این موضوع امروز مغفول واقع شده است. نظر شما در این باره چیست؟

○ من بخشی از فرمایش شما را قبول دارم که کتاب‌های ما باید ماندگار باشند و از نظر محتوا، عکس، شعر و داستان در ذهن ماندگار شوند، طوری که بعد از سال‌ها افراد بتوانند حس خوبی به آن‌ها داشته باشند؛ مطالبی مانند ربیع‌علی دهقان فداکار، چوپان دروغگو، تصمیم کبری، روباه و خروس، حسنک کجایی تا شعرهای حافظ و سعدی و ناصر خسرو و اشعار دیگر. این چیزها خیلی می‌توانست روح عاطفی را پرورش دهد و احساس و نگاه را تغییر دهد و بهتر کند. اما اینکه اکنون بخشی از این‌ها کمرنگ دیده می‌شود، ممکن است گاهی به خاطر این باشد که ما کج‌سلیقگی یا غفلت کرده‌ایم. اما بخشی از آن برمی‌گردد به تأثیر رسانه‌های چندگانه‌ای که وجود دارند. قبلاً همه منبع آموزشی دانش‌آموز کتاب بود و رسانه دیگری نداشت. همه خواندنی‌های او همان کتاب درسی بود. الان خواندنی‌ها، سرگرمی‌ها و منابع آموزش بچه‌ها فقط کتاب درسی نیست. دنیای مجازی و دنیای برنامه‌های گوشی همراه خودش هزاران فضای ارتباط و یادگیری ایجاد می‌کند. با آمدن این‌ها، مطالب قبلی خودبه‌خود کنار رفته‌اند. چندگانه بودن و تعدد و تنوع رسانه‌ها باعث کمرنگ

طبق شرح وظیفه سازمان، ما قصد داریم یک شهر آموزش راه‌اندازی کنیم و از طریق سیستم‌های الکترونیکی، ویدیو کنفرانس، رادیو از راه دور و آموزش از راه دور با استادان ارتباط برقرار کنیم

مثلاً این روزها دکتر فلاتی در مورد فلان مباحث با شما صحبت می‌کند. افراد می‌توانند اگر سؤال یا نظری دارند عنوان کنند. همه مدیران مدرسه‌ها می‌توانند در این آموزش‌ها شرکت کنند؛ بدون اینکه افراد را جایی بفرستیم و هزینه رفت‌وآمدهای طولانی را متقبل شویم. این هم برای داخل و هم برای خارج از کشور شدنی است.

• تقریب انگاره‌ها در داخل و خارج سازمان یکی از نیازهای اساسی کشور است. چه پیشنهادی برای تقریب انگاره‌ها دارید؟

○ یکی از راه‌های تقریب انگاره‌ها، توسعه گفت‌وگوست. لازمه تقریب انگاره‌ها توسعه گفت‌وگو صادقانه و صریح و شفاف است؛ به‌خصوص در داخل سازمان‌ها. در کنار این‌ها، گذاشتن میزگردهای شفافیت است. ما دنبال این هستیم که یک جلسه بگذاریم و خود من یک ساعت صحبت کنم و بگویم در این شش ماه چه کار کرده‌ایم. مدیران هم بالطبع باید به همین روش پاسخگو باشند. یکی هم بحث ضیافت همدلی است. خارجی‌ها اصطلاحی به نام Tea time یا وقت چای دارند. خیلی فکر کردم که اسم این را در ایران چه بگذارم. یعنی اسم جلساتی که هر از چند گاهی به مناسبت‌های زیبا، سازمان بهانه کند و کارکنان را به صرف چای و شیرینی دعوت کند و در سالن اجتماعات، بدون هیچ دستوری، دور هم باشند. این باعث می‌شود افراد همدیگر را ببینند و این برای رشد روابط عاطفی خوب است. در این جلسات، افراد دور هم جمع می‌شوند و با هم صحبت می‌کنند و همدیگر را می‌بینند. خیلی از مشکلات ممکن است آنجا حل شود. خیلی وقت‌ها ما یکدیگر را نمی‌بینیم. شما ممکن است دو ماه همواره بیایید سازمان و بروید، ولی ۹۰ درصد دوستان و همکارانتان

ما به بلوغ سازمانی نمی‌رسیم، مگر اینکه ظرفیت‌های گفتمان و تعاملات اندیشه‌ای را گسترش دهیم و این انرژی و قدرت نهفته را آزاد کنیم



• برخی‌ها تعدد رسانه‌های گوناگونی را که امروز به‌وجود آمده است را برای آموزش تهدید می‌دانند و برخی فرصت. نظر شما چیست ؟

○ من معتقدم، آنچه به‌عنوان تغییرات و نوآوری‌ها وارد جهان می‌شوند، کفهٔ سنگین آن به سمت جنبه‌های مثبت و پیشرفت و ترقی است. هر تغییری موجب بهبود نمی‌شود، اما هر بهبودی نیاز به تغییر دارد. سؤال این است که کدام تغییر موجب بهبود می‌شود؟ تغییرات بنیادین و اصولی موجب بهبود می‌شود. خیلی از تغییراتی که ایده‌پردازان و استارت‌آپ‌ها خلق می‌کنند، فی‌نفسه مثبت است و خیلی از آن‌ها هم به مصرف‌کننده‌اش برمی‌گردد. اگر خلق ارزش است، باید سبب کسب ارزش هم بشود، ولی اگر ارزش خلق شود و درست کسب نشود، به ضد خودش تبدیل می‌شود. خیلی از ارزش‌ها خلق شده است، اما کاربران آن نتوانسته‌اند از آن استفاده کنند و در حد و اندازه‌اش نیستند و از آن استفادهٔ خوبی نمی‌کنند.

با ورود رایانه و گوشی و ویدیو و انواع فناوری‌ها، خیلی‌ها از آن‌ها در جهت مثبت استفاده کردند و خیلی هم منفی. این برمی‌گردد به فهم آدم‌ها در کسب ارزش. به‌هرحال، هر ایده و فناوری جدیدی که می‌آید، اتفاقات مثبت و منفی دارد، اما بخش مثبت آن بیش از بخش منفی آن است. این ما هستیم که می‌توانیم تهدیدهای آن را کاهش دهیم و فرصت‌ها و قوت‌ها را بیشتر کنیم.

شدن اثر و نقش کتاب‌های درسی شد. همین‌طور که نقش معلم را هم کم‌رنگ کرد. معلم همان معلم است. زمانی ما فقط از معلم اثر می‌پذیرفتیم، ولی الان معلم به تنهایی نقش‌آفرین نیست. در دنیای امروز نقش معلم خیلی سنگین‌تر و پیچیده‌تر است. بخش زیادی از این ارتباطات عاطفی که شما اشاره کردید، به توانمندی معلم برمی‌گردد.

اگر معلمان ما توانا و با انگیزه و دانشمند باشند، می‌توانند بخش زیادی از این خلأها را پر کنند. این خلأها را فقط در کتاب درسی نمی‌توان جست. کتاب درسی ظرفیت محدودی دارد. یک کتاب فیزیک ۱۰۰ صفحه‌ای نمی‌تواند همه چیز را در خود جای دهد، بلکه برنامهٔ درسی و آموزشی و پرورشی همهٔ این‌ها رهبرانی دارند معلمان، مربیان و مشاوران دارند و این‌ها اگر تقویت و برانگیخته و صاحب انگیزه شوند، می‌توانند بخش زیادی از خلأهایی را که می‌فرمایید پر کنند. امروز دیگر نباید خیلی از خلأها را با کتاب درسی پر کرد. کتاب درسی آن توانمندی قدیم را برای پر کردن خلأهای ذهنی و عاطفی بچه‌ها ندارد. امروز بسیاری از خلأهای بچه‌ها را با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پر می‌کنند نه با کتاب‌های درسی. آینده هم دارد به سمت کلاس‌های بدون کاغذ می‌رود و چندرسانه‌ای می‌شود. بنابراین، ما در فضای آموزشی با پارادایم جدیدی قرار می‌گیریم که باید برای آن برنامه داشته باشیم.

خیلی از پدیده‌هایی که الان در اینجا و در کشور از آن به‌عنوان چالش آموزشی و تربیتی یاد می‌کنیم، کمابیش دامن همهٔ دنیا را فراگرفته‌اند.

هر ایده جدید و فناوری جدیدی که خلق می‌شود، نتایج مثبت و منفی دارد، اما نتایج مثبت آن بیشتر است

بنابراین، باید با نگاه مثبت ببینیم. با آن‌ها مخالفت نکنیم، به سراغ آن‌ها برویم، اگر بتوانیم، آن‌ها را مدیریت کنیم و در برابر آن سپریلا دست نگیریم تا به پیشرفت برسیم. مثلاً باران و سیل نعمت خدادادی است و ما بلد نیستیم از آن استفاده کنیم. می‌توانیم جلوی سیل سد بندیم و آب را ذخیره کنیم و برق بگیریم. باد که می‌وزد، عده‌ای دنبال ساخت دیوارند، اما عده‌ای آسیاب بادی می‌سازند. باد شدید برای خیلی‌ها تهدید است و برای خیلی‌ها فرصت. برای کسانی که فکر و اندیشه و امکانات ندارند، تهدید است، ولی برای کسانی که اندیشه دارند فرصت است. فناوری‌ها هم همین‌طورند. با ورود آن‌ها، اگر بتوانیم از آن‌ها استفاده کنیم، فرصت است و اگر نتوانیم تهدید می‌شود.

تحولات جهانی در کتاب‌های درسی

• در تولید کتاب‌های درسی چقدر به تحولات جهانی توجه می‌کنید؟

○ اینکه ما باید خود را با تحولات جهانی همراه کنیم، کاملاً بدیهی است، چون علم و پیشرفت فقط نزد ما نیست و نزد جهانیان است. ما اگر خودمان را با کاروان پیشرفت و ترقی همراه نکنیم، عقب می‌مانیم. کاروان پیشرفت در کل دنیا در حال حرکت است و به کشور خاصی مربوط نیست و در کل جهان به سرعت پیش می‌رود. اگر پیشرفت را به یک پرده تشبیه کنیم، دارد با سرعت می‌رود و اگر خودمان را به آن نرسانیم عقب می‌مانیم. این واقعیتی است که ما باید به آن توجه کنیم و احترام بگذاریم. کتاب درسی نیز باید خودش را با تحولات جهانی هماهنگ کند. مثلاً سلول‌های بنیادی، نانو، بیو، تکنولوژی‌ها و فناوری‌های جدید در بخش رایانه‌ای، محیط‌زیست و صنعت را که موجب پیشرفت در دنیاست، باید وارد کتاب‌های درسی کنیم و از این‌ها و از تکنولوژی‌های روز استفاده کنیم. شما در فنی‌وحرفه‌ای الی ماشاالله می‌بینید. در مکانیک و الکترونیک هم می‌بینید. در الکترونیک دیگر نمی‌توان سراغ جعبه تقسیم و کلید و پریز رفت، باید سراغ

چیزهایی نو مانند آپ‌ها و نرم‌افزارهای جدید و ربات‌ها و خودروهای بدون راننده هم برویم. این کار را ما داریم دنبال می‌کنیم و شما رد پای آن را در کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای دقیقاً می‌بینید. برای تألیف کتاب‌هایی مثل فیزیک و شیمی، امسال در پایه دوازدهم چندین کتاب خارجی را ترجمه کرده‌اند و بعد از ترجمه، مباحث جدید را بومی‌سازی کرده و در کتاب در حد فهم بچه‌ها آورده‌اند. در دنیای امروز، هر ۱۰۰ ساعت حجم اطلاعات دو برابر می‌شود، تا جایی که به زودی هر ۱۲ ساعت دو برابر شود. در چنین دنیایی که حجم اطلاعات و نوآوری‌های بسیار دارد، نمی‌توانیم خود را بیگانه از پیشرفت‌های دنیا قرار بدهیم. البته این‌ها همه به توانایی مؤلفان و برنامه‌ریزان و پژوهشگران ما برمی‌گردد. ما در این زمینه هر قدر بتوانیم بیشتر حضور و نقش‌آفرینی کنیم، می‌توانیم بهتر هم پیش برویم. این‌ها را ما تا حدودی دیده‌ایم، اما چیزی که ما الان در حال انجام آن هستیم، مطلوبان نیست. وضع موجود نسبت به گذشته بهتر شده، اما هنوز مطلوب نیست.

• آیا در تألیف کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای واقعاً تحولاتی انجام شده است و به اصطلاح، کارهای جدید جهانی را در کتاب‌های درسی آورده‌اید؟
○ بله. در فنی‌وحرفه‌ای نسبت به نظری بیشتر به آن توجه شده است و می‌شود.

• برخی از هنرآموزان می‌گویند هنوز محتوای کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای قدیمی است. در حالی که در بخش فنی‌وحرفه‌ای تحولات جهانی خیلی زیاد بوده است.

○ شما باید به شواهد توجه کنید نه صرفاً به گفته‌های دیگران. به‌رحال ما هنوز با مطلوب فاصله داریم. اگر هم موفق نبودیم، برمی‌گردد به اینکه ما ضعیف بوده‌ایم و نتوانسته‌ایم آن‌طور که باید وارد شویم.

ما باید خود را با تحولات جهانی همراه کنیم؛ چون علم و پیشرفت فقط نزد ما نیست و نزد جهانیان است. ما اگر خودمان را با کاروان پیشرفت و ترقی همراه نکنیم، عقب می‌مانیم

جست‌وجوگری و کاوشگری در کتاب‌های درسی

● در تولید کتاب‌های درسی چقدر به تقویت روحیه جست‌وجوگری و کاوشگری بچه‌ها توجه می‌شود؟

○ اصولاً کتاب‌های درسی را، به‌خصوص کتاب‌هایی مثل علوم، ریاضی، شیمی و فیزیک را با رویکرد کارآفرینی، خلاقیت‌محوری، مسئله‌محوری و پرسش‌محوری تدوین کرده‌ایم. یعنی بچه‌ها فعال می‌شوند. کارها فعالیت‌محور دیده شده و کتاب با این نگاه جلو رفته است. بخشی از این موضوع به نحوه تدوین ما برمی‌گردد و بخش عمده آن به توانایی معلم در بارور کردن همین رویکردها مربوط است. اگر معلم دید سنتی داشته باشد، از این محتواها چیزی در نمی‌آید. یعنی این کتاب را با سبک خودش درس می‌دهد. بدون اینکه به این مسائل توجه کند. ضمن اینکه ما در دوران تحول بنیادین یک‌سری کتاب‌های جدیدالعنوان هم داشته‌ایم؛ مثل کتاب‌های تفکر و پژوهش، تفکر و سبک زندگی، سلامت و بهداشت، خانواده و سبک زندگی، اخلاق حرفه‌ای، جهان‌شناسی معاصر و مطالعات فرهنگی. این‌ها کتاب‌هایی هستند که برای پرورش جست‌وجوگری و علاقه‌مند کردن به کاوشگری نوشته شده‌اند. اما متأسفانه این‌ها هم در اجرا با معلمان غیرآموزش دیده و غیرهمراه و غیرمسلط مصادف شدند و در عمل خیلی از این درس‌ها کم‌رنگ و به زنگ تفریح بچه‌ها تبدیل شده‌اند. خیلی از معلمان هم از این ساعات برای درس‌های دیگر استفاده می‌کنند و معلمان هم زیاد در این کارها به بچه‌ها سخت نمی‌گیرند و می‌گویند شب امتحانی است. یعنی این بهترین کتاب‌های ما که براساس ضروری‌ترین نیازهای ایران و جهان تدوین شده‌اند، مورد توجه لازم قرار نمی‌گیرند و این برمی‌گردد به توانمندی‌های ما در اجرا. مدیر مدرسه باید بشود رهبر برنامه درسی در مدرسه. چقدر می‌تواند در این زمینه نقش داشته باشد؟ خانواده‌ها از مدرسه عشق و محبت را مطالبه نمی‌کنند. خیلی جاها حجم کتاب زیاد نیست، بلکه از زمان خوب استفاده نمی‌کنند.

اصولاً کتاب‌های درسی را، به‌خصوص کتاب‌هایی مثل علوم، ریاضی، شیمی و فیزیک را با رویکرد کارآفرینی، خلاقیت‌محوری، مسئله‌محوری و پرسش‌محوری تدوین کرده‌ایم. یعنی بچه‌ها فعال می‌شوند

● کتاب‌های درسی چقدر در مؤلف و نویسنده کردن بچه‌ها نقش دارند؟

○ ما با این هدف و نگاه وارد تألیف کتاب‌های درسی نشده‌ایم. ما اهداف دوره‌های تحصیلی را تازه تصویب کرده‌ایم. جالب است کتاب‌های ۱۲ پایه تمام شده و امسال آخرین پایه آن است. ما اهداف دوره‌های تحصیلی را تازه نوشته‌ایم و دو ماه است که شورای عالی آن را تصویب کرده و هنوز هم ابلاغ نشده است. یعنی ما تازه اهداف را بازنویسی کرده‌ایم، ما به‌طور مستقیم این مسئله نویسنده شدن دانش‌آموزان را ندیده‌ایم این هم بیشتر برمی‌گردد به مطالعه و کتاب‌خوانی بچه‌ها و ما باید بچه‌ها را کتاب‌خوان بار بیاوریم. خواندن زیاد کتاب در نوشتن و تألیف کمک زیادی به بچه‌ها می‌کند. تمرین به نوشتن هم خیلی مهم است و باید نوشت. برای مثال، داستان‌نویسی را که به‌عنوان تکلیف نوروزی آورده‌اند، خیلی مهم است. نوشتن گزارش اردو و سفر و خاطره خیلی کمک‌کننده است و این مسئله‌ای پرورشی و آموزشی است که بچه‌ها را باید خوب بار بیاورند و هر سفری که می‌روند خاطره و گزارش آن را بنویسند. به قول آیت‌الله حسن‌زاده آملی، تا نویسا نشوی، دانا نشوی. واقعاً باید نوشتن و درک اهمیت نوشتن را به بچه‌ها آموخت. بعضی چیزها آموزش دادنی نیستند. شخص باید خودش علاقه داشته باشد و به دنبال آن برود. این‌ها را فقط با کتاب‌های درسی نمی‌شود دنبال کرد. نخواهید که همه چیز را با نسخه کتاب درسی درمان کنید. حتی دکتر هم وقتی نسخه‌ای به شما می‌دهد، می‌گوید بقیه آن به خود شما بستگی دارد. مثلاً اگر اضطراب داشته باشی و دعوا کنی و حرص بخوری، یا داروها را مرتب استفاده نکنی، خوب نمی‌شوی.



احیای مدرسه‌ها اساس و محور همه کارهاست

گفت‌وگو: نصراله دادار
عکاس: اعظم لاریجانی

پای صحبت دکتر
محمود امانی‌طهرانی
مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی
و تألیف کتاب‌های درسی
دوره ابتدایی و متوسطه نظری

کارهاست و شامل همه چیز می‌شود: ساختمان با کیفیت، معلم با کیفیت، مدیر با اختیار، زمان کافی و ...»

دکتر امانی‌طهرانی می‌گوید: «نمی‌شود انتظار داشته باشیم که آموزش و پرورش ما مثل سوئد، فنلاند و ژاپن باشد، اما مدرسه ما مخروبه، معلم ما فقیر و بی‌انگیزه و مدیر مدرسه ما هیچ‌کاره و دست‌وپا بسته باشد.

گفت‌وگوی ما را با دکتر محمود امانی‌طهرانی در ادامه ملاحظه می‌کنید:

● آقای دکتر! کار تألیف کتاب‌های درسی جدید که از سال ۹۰ آغاز شده بود، پس از اتمام تألیف کتاب‌های درسی پایه دوازدهم برنامه شما در دفتر چیست؟ به خصوص که رئیس سازمان پژوهش هم عوض شده و ایشان هم نگاه‌های جدیدی در رابطه با سازمان دارند.

○ آنچه در این فعالیت فشرده هفت‌ساله (۹۰ تا ۹۷) انجام شد، عنوان رسمی آن هم‌سوسازی برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی با اسناد تحولی بود. هم‌سوسازی یعنی هیچ‌کس در این مدت ادعای اجرای اسناد تحولی و برنامه درسی ملی را نداشته

اشاره
کار تألیف کتاب‌های درسی جدید که از سال ۱۳۹۰ آغاز شد، با پایان یافتن تألیف کتاب‌های درسی پایه دوازدهم، رو به اتمام است. برنامه‌های آینده دفتر تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه نظری چیست؟ دکتر محمود امانی‌طهرانی، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه نظری، در گفت‌وگو با ما، ضمن پاسخ به سؤال فوق، گفت: «عنوان اصلی کاری که دفتر تألیف از سال ۱۳۹۰ تاکنون انجام داده است، هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی با اسناد تحولی است.»

وی افزود: «مهم‌ترین کاری که امروز در آموزش و پرورش به کمک نیروهای بیرونی باید انجام شود، احیای مدرسه‌هاست. احیای مدرسه اساس و محور همه

آنچه در این فعالیت فشرده هفت ساله انجام شد، هم‌سوسازی برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی با اسناد تحولی بود. در چند سال آینده، ما موظفیم به اجرای اسناد تحولی، یعنی به انطباق با اسناد، دست بزنیم

اتفاقی فوری باشد. ما سه سال هیچ تولید جدید مبتنی بر این نخواهیم داشت، بلکه این سه سال باید برگردیم و اموری را انجام دهیم تا بتوانیم به کتاب‌های جدید برسیم. پس سه سال پایداری داریم و این حداقل زمان برای اولین پایه‌هایی است که وارد آن‌ها می‌شویم. ممکن است برای پایه‌های دیگر بیش از این پایداری داشته باشیم.

● با توجه به اینکه شما هنگام هم‌سوسازی نیم‌نگاهی هم به اسناد تحولی داشته‌اید، فکر می‌کنید چه درصدی از کتاب‌ها باز دستخوش تغییر شوند؟

○ این دقیقاً برمی‌گردد به اینکه ما تا چقدر خواهیم نظام آموزشی خود را نسبت به اهداف دوره‌های تحصیلی که به تازگی به تصویب شورای عالی رسیده است، بازتعریف کنیم. برای دستیابی به اهداف دوره‌های تحصیلی، شما می‌توانید با همین جدول‌های درسی کنونی جلو بروید و یا می‌توانید جدول‌ها را زیر و رو کنید. این بستگی به سیاست‌هایی دارد که ما در پیش می‌گیریم. اگر ما احساس کنیم نظام آموزشی‌مان تحمل تغییرات عمیق‌تر و گسترده‌تر را دارد، همین کار را خواهیم کرد. اما اگر در بررسی‌های آتی در جهت اجرای اسناد به این نتیجه برسیم که این نظام، الان به هر دلیل، تحمل تغییرات وسیع را ندارد، مثلاً در بخش اجرا، تأمین معلم و ارزشیابی توانمندی لازم را ندارد، طبیعی است به حداقل تغییرات بسنده کنیم.

● در نگاه‌های بیرونی نسبت به تألیف کتاب‌های درسی، این نقد وجود دارد که تدوین کتاب‌های درسی تحت تأثیر کنکورهای دانشگاهی قرار گرفته است؛ در صورتی که در اسناد تحولی سعی شده است از این موضوع فاصله گرفته شود. چقدر با چنین نقدی به تألیف کتاب‌های درسی موافقید؟

○ در جامعه، نسبت به کتاب‌های درسی نقدهایی ایراد می‌شود. برخی از آن‌ها برمی‌گردد به اینکه در مجموع جامعه از خروجی‌های نظام آموزشی رضایت ندارد و گاهی این را می‌گذارند پای کتاب. گاهی هم اگر جایی بحث کیفیت معلم باشد، پای معلم را وسط می‌کشند.

است. دلیل این بود که تولید حساب شده، با رعایت همه جوانب تولید علمی، نیازمند زمان بود و این زمان باید قبل از اجرا تخصیص داده می‌شد. مثلاً یک بازه زمانی سه‌ساله صرف تولید یکجا می‌شد. اما در عمل فرمولی که برای اجرای اسناد تحولی، برنامه درسی ملی و وزارت آموزش و پرورش تحمیل شد، این بود که از پایه اول شروع شد. بعد دوم و ششم، و بعد سوم و هفتم به‌صورت پله‌ای، تا الان که رسیده‌ایم به پایه دوازدهم. این کار در اساس فرصت اجرای کامل اسناد تحولی را گرفت. مثلاً باید روی تصویب اهداف دوره‌های تحصیلی کار جدی می‌شد و این فرصت گرفته شده یا باید روی تولید برنامه‌های درسی حوزه‌های تربیتی کار می‌شد که نشد. به‌طور طبیعی، آنچه کار شد، اسمش هم‌سوسازی بود و بدین ترتیب بود که کتاب‌ها از حیث محورهای خاص محتوایی، روشی و ارزشی بازنگری شوند. البته تعدادی درس جدید هم در جدول درس‌ها بود که برای آن‌ها هم برنامه‌ریزی درسی و تولید مواد آموزشی انجام شد.

اما در چند سال آینده، وضعیت کاملاً متفاوت خواهد بود. موظفیم به اجرای اسناد تحولی دست بزنیم؛ یعنی به انطباق با اسناد، نه هم‌سوسازی. الان اهداف دوره‌های تحصیلی را شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کرده و در دست ماست. برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری هم تهیه شده است. ما باید اقداماتی را آغاز کنیم که به تولید مواد آموزشی برنامه‌های درسی و مواد آموزشی منطبق با اسناد تحولی منجر شود. این کار به‌طور طبیعی باید از دوره ابتدایی آغاز شود. الان ما به تولید یکپارچه مواد آموزشی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی می‌اندیشیم و برای آن کارگروه کارشناسی تشکیل داده‌ایم. ما الان برای برنامه درسی صفر تا شش سال تعهداتی داریم که باید انجام دهیم و آن را به پروژه‌های علمی تبدیل کرده‌ایم و پس از اینکه این دو برنامه سامان گرفت، اجرای آن‌ها را خواهیم داشت و به حسب سیاست‌های بعدی، باید به دوره‌های بالاتر بیاویم. می‌خواهیم بگویم، حجم عمده کار کیفی ما پس از این آغاز خواهد شد. در این راه، سیاست‌هایی که سرپرست محترم سازمان عنوان کرده‌اند، مثل سیاست مرز گستری و استفاده از توان بیرونی در انجام امور مرتبط با برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتاب، جزو لوازم کار ماست.

● فرمودید آنچه تا به حال انجام گرفته، هم‌سوسازی با سند تحول بوده، نه اجرای کامل آن، آیا فکر می‌کنید برای اجرای اسناد تحولی باز هم کتاب‌ها دستخوش تغییر شوند؟

○ بله. حتماً باید این اتفاق بیفتد؛ البته نه اینکه

هر کتاب درسی باید از سه تراز یا استاندارد برخوردار باشد: استاندارد علمی، استاندارد پداگوژیک و تربیتی و استاندارد ارزشی

می‌داند که قرار است فقط این مطالب را به‌خاطر بسپارد و حفظ کند؟ اینجاست که کتاب درسی از کتاب غیردرسی و کتاب علمی جدا می‌شود. در کتاب علمی، شما پداگوژی ندارید و راجع به علم می‌نویسید. اما در کتاب درسی پداگوژی دارید؛ یعنی اینکه فرایند یادگیری را از کجا شروع کنیم، چه فعالیتی را بیاوریم، چه پرسشی بپرسیم، و چه کاری را گروهی و چه کاری را انفرادی انجام دهیم. تمام این‌ها جایگاه دارند.

سومین تراز کار ما «تراز ارزشی» است؛ ارزش‌های دینی و اجتماعی و ملی و فرهنگی و تمدنی. آیا این کتاب نسبت خود را با ارزش‌ها درست بیان می‌کند یا نه؟ خطوط قرمز کتاب و مسائل فرهنگی کشور رعایت شده است یا نه؟ این سه تراز در هر کتابی بود، یعنی کار به درستی انجام شده و اگر نبود، درست نیست. به نظر من، اگر شما امروز از منظر کاملاً علمی و تحلیلی، محتوای کتاب‌های درسی ایران و چند کشور دیگر را مقایسه کنید می‌بینید فاصله فاحشی بین آن‌ها وجود ندارد. یعنی اگر کشورهای دیگر وجوه قدرتی دارند، ما هم داریم و اگر وجوه ضعیفی دارند، ما هم داریم. این‌طور نیست که یک بررسی علمی نشان دهد کتاب‌های ما از حیث این سه استاندارد پایین هستند و کشورهای دیگر خیلی بالاترند. حتی از حیث هنری و آماده‌سازی هم همین‌طور است. در کتاب‌های درسی جدید، مدیران هنری ما نقش بسیار خوبی ایفا کرده‌اند و کتاب‌ها با کتاب‌های قدیم فرق کرده‌اند. الان کتاب فیزیک ژاپن ۲۰۱۸ اینجاست. اگر شما این کتاب فیزیک را کنار فیزیک ما بگذارید، می‌بینید کتاب فیزیک دبیرستان ما به لحاظ محتوا و روش هنری و پداگوژی به مراتب از آن کتاب بهتر است. در خصوص هر برنامه درسی سه مرحله اصلی قابل توجه است. مرحله اول طراحی برنامه درسی، یعنی تصمیم‌گیری درباره اهداف، محتوا، روش یاددهی - یادگیری، روش ارزشیابی و غیره.

مرحله دوم مرحله تدوین برنامه درسی است یعنی تولید مواد آموزشی؛ کتاب‌های درسی و دیگر ملزومات آموزشی.

مرحله سوم اجرای برنامه درسی در سطح کشور است.

آنچه بین آموزش و پرورش ما و دنیا و به‌خصوص کشورهای پیشرفته فاصله ایجاد کرده، مرحله اجراست. مثلاً زمان حضور بچه‌های ما در مدرسه نسبت به تراز بین‌المللی کشورهای دیگر بسیار کمتر است. در نتیجه مدرسه تأثیرگذاری کمتری دارد. یعنی اجراست که بین کشورها فاصله ایجاد می‌کند.

نکته دیگر این است که سهم عوامل بیرونی را نباید نادیده بگیریم. به‌نظر من، آموزش و پرورش حتی در

اگر جایی بحث کارآمدی وزارت آموزش و پرورش باشد، پای وزارت آموزش و پرورش می‌نویسند. اگر هم جایی بحث اقتصاد آموزش و پرورش باشد، به پای این می‌نویسند که پول کافی در آموزش و پرورش نیست. همه این‌ها به یک حرف کلی برمی‌گردد و آن اینکه مردم در کل احساس می‌کنند آن اتفاقی که باید در آموزش و پرورش بیفتد، نمی‌افتد.

اما اگر بخواهیم به‌طور دقیق بررسی کنیم، باید ببینیم سهم هر مورد را روشن کنیم. حتی چه‌بسا سهم پاره‌ای از بخش‌های اجتماعی را معلوم کنیم که خواه‌ناخواه روی کار ما تأثیر می‌گذارد، اما بیشتر اوقات آن‌ها را در نظر نمی‌گیریم. حتی روی نقش شرکای اجتماعی‌مان که روی رسیدن به اهداف ما تأثیر دارند، بحث کنیم؛ مثل فضای رسانه‌ای کشور، صداوسیما، شبکه‌های تلویزیونی اعم از داخلی و خارجی، والدین و ...

اگر نتوانیم سهم این‌ها را به‌درستی احصا کنیم، به‌طور مداوم به محکوم کردن کورکورانه یکدیگر ادامه خواهیم داد. در این بین، هر کسی خود را از این حیث که من در این قضیه سهمی دارم، جدا می‌کند و لذا از ایفای نقشی که باید داشته باشد استنکاف خواهد کرد.

به نظر من، به سراغ هر بخش می‌رویم، اگر بتوانیم با استانداردهای مربوط به آن بخش، آن را بسنجیم، می‌توانیم قضاوت کنیم که در مورد وظایف خود چه کوتاهی‌هایی کرده است که باید جبران شود. یعنی با خط‌کش باید به سراغ هر بخش برویم. ما در بخش خود خط‌کش معینی داریم و با همان سراغ برنامه‌ها و کتاب‌های درسی می‌آییم. می‌گوییم هر کتاب درسی باید از سه تراز برخوردار باشد و این سه تراز استانداردهای بین‌المللی است. یکی از آن استانداردها «استاندارد علمی» است. یعنی کتاب باید از نظر علمی در سطح تراز باشد و مطالب سست، غلط، بی‌ارزش و غیرمفید نداشته باشد.

دومین استاندارد هر کتاب درسی «استاندارد پداگوژیک و تربیتی» کتاب درسی است. پداگوژی یعنی علم و هنر یاددهی. آیا این کتاب از روش یاددهی - یادگیری درستی بهره می‌برد یا خیر؟ آیا به دانش‌آموز به‌عنوان عنصر و یادگیرنده فعالی که تفکرش باید تقویت شود، نگاه می‌کند، یا او را یک فرد منفعل دریافت‌کننده

من با نقدهایی که خیلی عامیانه و بدون بررسی دقیق اند، موافق نیستم. با اطمینان می‌گویم، خیلی از کسانی که از آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی ایراد می‌گیرند، اصلاً با وضعیت امروز آموزش و پرورش آشنا نیستند

پایانی متوسطه، با وجه استدلالی دین مواجه می‌شود. لذا وجه استدلالی در کتاب‌های دوره دوم متوسطه موج می‌زند. دانش‌آموز با این کتاب‌ها شالوده فکری خود را از ایده‌های شهید مطهری و علامه طباطبایی گرفته و مستحکم کرده است و این واقعاً در بچه‌های این دوره به چشم می‌خورد. وقتی با بچه‌ها صحبت می‌کنید، می‌بینید کاملاً با چارچوب‌های استدلالی با ما حرف می‌زنند. من با نقدهایی که خیلی عامیانه و بدون بررسی دقیق اند، موافق نیستم. با اطمینان می‌گویم، خیلی از کسانی که راجع به آموزش و پرورش ایراد می‌گیرند یا به‌طور خاص راجع به کتاب‌های درسی صحبت می‌کنند، اصلاً با وضعیت امروز ما آشنا نیستند. حتی با وضعیت امروز جامعه هم آشنا نیستند و چیزهایی را محکوم می‌کنند که اصلاً اطلاع کافی از آن ندارند و این هیچ کمکی به ما نخواهد کرد. امروز دوره‌ای است که باید سخن سنجیده و درست زد تا به تغییرات اساسی و درست منجر شود.

● **قبول داریم که خیلی از نقدها به آموزش و پرورش عوامانه و غیرعلمی است و در تألیف کتاب‌های درسی سعی شده ترازاها و استانداردها لحاظ شود. اما خروجی‌های آموزش و پرورش به‌گونه‌ای نیست که شما خودتان هم قبول داشته باشید. به نظر شما علت چیست و چه باید کرد؟**

○ به نظر من، کاری که آموزش و پرورش باید به کمک بیرون انجام دهد، این است که شروع به احیای مدرسه‌های خود کند. احیای مدرسه محور همه چیز است. احیای مدرسه، یعنی ساختمان مدرسه، زمان کار مدرسه، کیفیت معلم و اختیارات مدیر. یعنی مدرسه در هر محله‌ای که قرار گرفته، ساختمانش نسبت به سایر ساختمان‌های آن محله وضعیت بهتری داشته باشد. اگر در روستاست در حد روستا باشد و اگر در شهر است در حد همان شهر باشد. خیلی از کشورهایی که ما به‌عنوان الگو قرار می‌دهیم، از همین جا شروع کرده‌اند. اختیار مدیر مدرسه هم یعنی اینکه او باید در انتخاب همکاران خود نقش داشته باشد. در تشویق و تنبیه

همین شرایط نقش خودش را در پرورش یک نسل به خوبی انجام می‌دهد. هنگامی که بچه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، در مهارت‌های پایه یادگیری مثل خواندن و نوشتن و حساب کردن و بسیاری از زمینه‌های مربوط به مهارت‌های پایه یادگیری رشد خوبی کرده‌اند. در زمینه نگاه استدلالی و نگاه دقیق به مقوله‌های دینی و اعتقادی هم رشد بسیار خوبی کرده‌اند. وقتی با دانش‌آموزان دبیرستانی صحبت می‌کنید، آن‌ها کاملاً مستدل و قوی حرفشان را به شما می‌زنند، به نحوی که از رشدشان لذت می‌برید و این رشد حاصل کتاب‌هایی است که موقعیت‌های زیادی برای یادگیری آن‌ها فراهم کرده‌اند. افرادی هستند که شاید سال‌ها است کتاب درسی را با دقت ندیده‌اند و می‌گویند کتاب‌های ما حافظه‌مدار و حجمشان زیاد است و فعال نیست و آموزش ما متعلق به سال‌ها قبل است. این‌ها درست نیست. این حرف‌ها از ناآگاهی نسبت به واقعیت ناشی می‌شود. اگر امروز کسی کتاب‌های درسی را ورق بزند، می‌بیند که مملو از موقعیت‌های تفکر، گفت‌وگو، بحث، بررسی، تبادل نظر، تفکر نقاد، تفکر همه‌جانبه، مشاوره و جمع‌آوری اطلاعات است که مهارت‌های پایه یادگیری محسوب می‌شوند. الان شما وارد مدرسه شوید و به بچه‌ها بگویید گروه سه‌نفره تشکیل دهند. بچه‌ها خیلی راحت تشکیل می‌دهند. دیگر طوری نیست که بچه‌ها کار گروهی را نشانند. می‌خواهم بگویم که آموزش و پرورش با همین حد از امکانات بسیار اندکی که دارد، نقش خود را به خوبی اجرا می‌کند. مثلاً ما در درس دینی به خوبی هدف‌گذاری کرده‌ایم. دینی سه قسمت دارد: اعتقادات، اخلاق و احکام. البته در کنار آن قرآن و سیره هم مطرح است. در بخش اعتقادات، چهار پله چیده‌ایم و گفته‌ایم در سه سال اول ابتدایی بچه‌ها باید با چهار صفت خداوند یعنی مهربانی، بخشنده‌گی، دانایی و توانایی آشنا شوند تا احساس امنیت خاطر کنند. این خیلی جالب است. اگر فرزندی پدری داشت که بخشنده و دانا و توانا بود، به‌طور طبیعی نسبت به این پدر احساس آرامش و امنیت خاطر می‌کند. همین موضوع را به خداوند تعمیم و توسعه داده‌ایم تا کودک بفهمد خدایی دارد که مهربان و بخشنده و دانا و تواناست. در سه سال دوم دبستان دانش‌آموز باید شناختی اجمالی از اصول دین پیدا کند. یعنی بداند که اصول دین من توحید، نبوت، عدل، معاد و امامت است و به آن‌ها تعلق خاطر پیدا کند و به این اصول دین باورمند شوند. در دوره اول متوسطه، نوجوانان باید چارچوب کلی معارف دینی را پیدا کنند و احساس هویت کنند. در دوره دوم متوسطه، دانش‌آموزان با وجه استدلالی دین آشنا می‌شوند و احساس می‌کنند می‌توانند در مقام صیانت و دفاع از اعتقاداتشان برآیند. کسی که این چهار پله را این‌طور می‌گذرانند، در دوره



امروز کشور ما را جوی فرا گرفته که مملو از سم است؛ سم بدبینی، ناامیدی و اتهام. این سموم بچه‌ها را از پا در می آورد

آن‌ها نقش داشته باشد و ... در سیستم کنونی، به مدرسه معلم می‌دهند، ولی مدیر نمی‌تواند ریالی از وجه پرداختی به معلم را کم یا به آن اضافه کند. و سطح اختیار مدیر خیلی کم است. احیای مدرسه یعنی احیای مدیریت. آیا مدیر مدرسه می‌تواند آموزش‌های داخلی برای همکارانش بگذارد و گواهی دهد یا خیر؟ این امکانات را ما برای مدیر قائل نیستیم. اگر مدیر بخواهد در جهت مثبت خودنمایی کند که لازمه هر انسانی است، مجالی ندارد. ما برای احیای مدرسه به توجه بسیار جدی ملی نیاز داریم. نمی‌شود انتظار داشته باشیم آموزش و پرورش ما مثل سوئد و فنلاند و دانمارک و ژاپن باشد، اما مدرسه ما مخروبه، معلم ما فقیر و بی‌انگیزه و مدیر ما هیچ‌کاره و دست‌وپا بسته باشد. چند درصد از استعداد های کشور و رتبه‌های یک تا ده‌هزار کنکور هر سال معلم می‌شوند؟ مهم سهم آموزش و پرورش از قله استعدادی کشور است. این خیلی مسئله مهمی است. نقطه مقابلش این است که امروز عوامل بسیار زیادی دارند همین دستاوردهای اندک مدرسه‌ای را هم تخریب می‌کنند. شما در مدرسه به بچه‌ها درس حق الناس و درستکاری و حلال و حرام می‌دهید، اما وقتی فرزند ما پایش را از مدرسه بیرون می‌گذارد، اخباری مغایر با آموخته‌هایش را می‌شنود. این

فارغ التحصیل که در فضای روانی‌ای که قرار می‌گیرد که احساس می‌کند نه آینده‌ای برای او وجود دارد. و نه در کشورش آینده و امکان اشتغال برایش فراهم است. لذا، انگیزه‌های درونی‌اش از بین می‌رود. امروزه این جو مسموم دارد بچه‌ها را از پا در می‌آورد.

امروز فضای عمومی کشور ما نسبت به ۱۰ سال قبل آغشته به سموم جانکاهی مثل ناامیدی و بدبینی و بی‌اعتمادی شده است که همه دارند سرمایه‌های ملی ما را از بین می‌برند. اگر روزی در مورد دفاع مقدس حرف می‌زدیم، در دفاع مقدس یک چیز واضح بود و آن آینه هر کس می‌رود و می‌جنگد برای دفاع از اعتقاداتش و ناموس و کشور و میهنش و مردم خودش می‌رود و می‌جنگد. اما اگر امروز بجنگد، می‌گویند این فقط برای منافع خودش می‌جنگد. می‌خواهم بگویم که کار آموزش و پرورش خیلی دشوار شده است. هم بار خودش را باید بکشد و هم بار خرابکاری دیگران را. آن هم خرابکاری‌هایی که آموزش و پرورش در ایجاد آن‌ها نقشی نداشته و حتی کار کسانی است که آنچنان که لازم بوده، به آموزش و پرورش نرسیده‌اند. بودجه‌ها و هزینه‌ها را جاهای دیگر صرف کرده‌اند و امروز فقط شده‌اند مطالبه‌گر. یعنی کسانی که باید بدهکار باشند، خودشان را در مقام طلبکار آورده‌اند که چرا بچه‌ها آن‌طور که می‌خواهیم نیستند؟ جواب روشن است. زیرا شما آن‌طور که باید باشید، نیستید!

اتفاقاً من با جوانان امروز خیلی سروکار دارم. جوانان امروز به مراتب از نسل قبلی بهترند و خیلی مزیت‌ها دارند که نسل قبل ندارند. مثلاً اهل ریا نیستند، بسیار تفکر سالم‌تری دارند و افکار مادی و منفعت‌جویانه‌ای را که نسل قبل داشت و می‌خواست به هر قیمتی به جایی برسد، این‌ها ندارند. خیلی راحت می‌خواهند زندگی کنند و فهمشان از دین روشن‌تر است و عینی‌تر. قلبشان هم خیلی پاک‌تر است و در معنویت هم خیلی با شما همراهی بهتری دارند. با خیلی از ظاهرسازی‌هایی که دیگران می‌کنند، مخالفت می‌کنند و راحت آن‌ها را محکوم می‌کنند.

● در فرمایشات خود اشاره‌ای داشتید به سن پیش از مدرسه و سن زیر ۶ سال. برای آن‌چه برنامه‌هایی دارید؟

○ خیلی برنامه‌های خوبی داریم. یک پروژه کامل داریم که یکی از کارهای جدی ماندگار ماست. برای سنین زیر چهار و پنج تا شش سال دو برنامه و چهار اقدام مهم در حال انجام است. برنامه زیر چهارسال

تأمین محتوای مهدهای کودک است که مجری آن سازمان بهزیستی است، اما طبق قانون، محتوا را باید وزارت آموزش و پرورش بدهد و ما الان پروژه تولید آن را داریم. برنامه پنج و شش سال هم مربوط به پیش دبستان است که هم اجرا و هم محتوا با ماست و برای آن پروژه های جامع و قابل توجه و کاملاً علمی را در سازمان پژوهش آغاز کرده ایم. ان شاء الله ظرف یکی دو سال برنامه های درسی آن تولید می شود.

● ممکن است تا سال ۱۴۰۰ اجرایی شود؟
○ بله و شاید کم هم زودتر.

● درباره وظیفه معلم به پداگوژی اشاره کردید. اگر پداگوژی را رهبری آموزشی در نظر بگیریم، در برنامه های کتاب های درسی، چقدر به تقویت معلم و اینکه معلم واقعاً بشود رهبر آموزشی، توجه شده است؟

○ ما در سال های اخیر روی پداگوژی معلمی خیلی کار کرده ایم. اولاً اینکه کتاب ها را بر اساس و مبنای اصول پداگوژیک می نویسیم. برای این کار روی مؤلفان خیلی کار کرده ایم تا خودشان پداگوژی را درک کنند تا کتاب ها را بر اساس اصول پداگوژی بنویسند. در باب آموزش معلمان هم چند سال است مؤلفان کار آموزش معلمان را انجام می دهند و هر معلمی، به طور مستقیم توسط مؤلف و از طریق زیرساخت های الکترونیک آموزش می بیند. تمام آموزش ها فیلم برداری و بارگذاری می شود تا هر معلمی در منزلش هم بتواند آموزش های مؤلفان را دریافت کند.

● برخی از افرادی که درباره آموزش و پرورش و اسناد تحولی مطالعه می کنند و به کتاب های درسی پرداخته اند، معتقدند در اسناد تحولی بُعد دینی و بُعد انسان شناسی دانش آموزان برابر دیده شده است، ولی در کتاب های درسی به بُعد دینی بیشتر توجه شده تا بعد انسان شناسی. علت چیست؟
○ بیشترین جایی که این موضوع مطرح است، در حوزه اخلاق است. عده ای می گویند در اخلاق خیلی لازم نیست الزاماً طبق دیدگاه های درون دینی جلو برویم و اگر روی بخش اخلاق انسانی متمرکز شویم، شاید حدود ۸۰ درصد مسائل اخلاقی مورد نیاز یک انسان پوشش داده

شود. ما معتقدیم، اتفاقاً همان بخش های اخلاقی انسان هم دینی است و ما نگاه فطری به آن داریم. ما می گوییم هنگامی که خداوند انسان را به این عالم فرستاد، درون او چیزی به نام فطرت قرار داد و در این فطرت مشخصه هایی قرار داد. مثلاً از مشخصه های رویکرد فطرت گرایی، میل به زیبایی است. یا میل به فضیلت هاست که راست گویی یکی از آن هاست. میل به عدل و نفرت از ظلم است. این مشخصه هایی که خداوند در انسان گذاشته، در واقع خودش نگاه دینی به مسائلی است که ما به آن اخلاق انسانی می گوییم. از دید ما، خود اخلاق انسانی هم ریشه دینی دارد و ما اصلاً نسبت به این موضوع در آموزش اخلاق احساس جدایی و دوگانگی نداریم. مهربانی، نوع دوستی و کمک به دیگران عبارت هایی هستند که در برنامه درسی و اهداف ما به خوبی آمده و فصل مشترک همه آدم ها در این عالم اند. اینکه بگویند در برنامه های درسی این ها را با رنگ و بوی دینی آورده ایم، درست است. یعنی این ها می تواند با رنگ و بوی سکولار و غیردینی بیاید، در حالی که در کتاب ها با رنگ و بوی دینی آمده است. ما پرهیزی از این نداریم. می شود راست گویی را در فضای درون دینی گفت و می شود خارج از دین به عنوان یک ویژگی انسانی گفت. ما وجه دینی آن را هم مطرح می کنیم که خدا راست گویان را دوست دارد و دروغ گناه است و ... شما هم می توانید بگویید نسبت به والدین مهربان باشید و هم می توانید کنار آن بگویید «و بالوالدین احسانا».

ما در جامعه ای زندگی می کنیم که نظام دینی را پذیرفته است و مردم ما مؤمن هستند. بنابراین، ما چیزهای را حذف نکرده ایم، ولی مسائل انسانی را از زاویه دینی هم می گوییم. ما نوع دوستی، مهربانی، حسن خلق، کمک به دیگران، آزار نرساندن به دیگران، و تحقیر نکردن مردم را داریم. چیزی را کنار نگذاشته ایم و اگر کنار گذاشته بودیم، آن را پوشش می دادیم. اما این طور هم نبوده که الزاماً چون دینی است بگوییم. الان در جامعه نسبت به آدم هایی که از دین حرف زدند، ولی برعکس عمل کردند، حساسیتی به وجود آمده است. به همین خاطر، این گونه فکر می کند که ما در کتاب درسی به ابعاد انسانی کم توجه کرده ایم، در حالی که از دید ما، مقولاتی که تحت عنوان اخلاق انسانی شهرت یافته است، عموماً از منظر دینی نیز مورد تأیید و تأکید کامل قرار دارد تضادی بین این دو مشاهده نمی شود.

۱۲۳۰-۱۳۹۷

کتاب‌های درسی ایران

از واگذاری تألیف تا سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

اسفندیار معتمدی

بیشتر براساس فرهنگ ایرانی - اسلامی بودند. کتاب‌های درسی دوره متوسطه را غالباً دبیران با استفاده از جزوه‌هایی که در دارالفنون نوشته بودند، تألیف می‌کردند. آن‌هایی که زبان‌های خارجی می‌دانستند، کتاب‌های اروپایی را ترجمه می‌کردند. ابتدا این ترجمه‌ها را به صورت جزوه برای دانش‌آموزان در کلاس می‌گفتند و آن‌ها می‌نوشتند و بعد همین جزوه، همراه فهرست کتاب خارجی، به شکل کتاب درسی درمی‌آمد. در مقدمه نخستین کتاب درسی فیزیک چنین آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«بعد الحمد والصلوة، هشت نه سال قبل این بنده در مدرسه علمیه که از مدارس متوسطه شهر تهران محسوب می‌شود، سمت معلمی علم فیزیک داشتم و سه دوره این علم را برای سه طبقه از طبقات آن مدرسه تدریس نمودم. دوره اول را به مقتضای استعداد محصلین بالنسبه معضل گفتم و دوره‌های دوم و سوم را که کم قوه‌تر بودند، مختصر کردم و از آنجا که کتابی در این علم متناسب تدریس طبقات مزبور موجود نبود، مطالب را از خارج تقریر می‌نمودم و می‌نوشتند. تقریراتی که برای طبقات دوم و سوم کرده بودم، چون جمع و تدوین شد، به صورت کتابی درآمد. ۱۳۲۷. هج بنده شرمند، محمدعلی بن فروغی (ذکاءالملک)».

قانون اداری و قانون اساسی وزارت معارف

وزارت علوم در سال ۱۲۳۹ شمسی تأسیس شد و پس از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش) و تصویب قانون اساسی و متمم آن، نام آن به وزارت «معارف، اوقاف و

نخستین کسی که در ایران مدرسه تأسیس کرد و کتاب‌های درسی نوشت، حاج میرزا حسن رشديه، معروف به «پدر معارف ایران» بود (قاسمی پویا، ۱۳۷۷). او بود که براساس برنامه و هدف معین و متناسب با درک و فهم و نیاز کودکان کتاب «بدایة التعلیم» را در سه جلد برای نوآموزان سال اول ابتدایی نوشت. جلد اول برای دو ماه اول و جلد‌های دوم و سوم برای ماه‌های بعد. پیش از آن، کتاب درسی «مکاتب»، همان کتاب‌های معمولی بزرگسالان بود، با این تفاوت که به کودکان و نوسوادان، هر بار بیش از چند سطر درس نمی‌دادند و محصل، به کمک تکرار، مطالب را به حافظه می‌سپرد و بیان می‌کرد. نمونه این کتاب‌ها «مقدمه گلستان سعدی» و «پنج الحمد» بودند.

پس از آنکه نهضت مدرسه‌سازی در ایران شکل گرفت و مدرسه‌ها در تهران و شهرستان‌ها دایر شدند، مؤسسان، مدیران و معلمان این مدارس، به تألیف کتاب‌های درسی، مطابق ذوق و علاقه خود، پرداختند. نمونه آن‌ها چنین‌اند:

کتاب‌هایی در اخلاق و اصول و فروع دین از حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی
تعلیم الاطفال در الفبا و قرائت فارسی از میرزا محمودخان مفتاح الملک.

تاریخ مختصر ایران از محمدعلی فروغی ذکاء الملک.

حاج سید سعید طباطبایی نائینی (۱۲۹۳ هـ - ۱۲۵۶ ش) بنیان‌گذار ۱۰ مدرسه، یک کتابخانه و چاپخانه در اصفهان، همچنین مؤسس کتابخانه گوهرشاد مشهد، ۱۸ جلد کتاب درسی برای کودکان تألیف کرد (ایمانید، یادمان فرهنگ اصفهان). کتاب‌هایی که برای دوره ابتدایی نوشته می‌شدند،



آن‌ها کسر و به خزانه دولت واریز شود و در اجرای این کار، برای هر ولایت و ایالت مدرسه ساخته شود. تأسیس این مدارس به علت آن بود که اکثر مدارس ملی که قبلاً وجود داشتند، در اثر فقر مردم تعطیل شده بودند.

میرزا احمدخان دستور داد که نباید فرصت را از دست داد. باید مدارس جدید را با نمره مشخص کرد تا بعدها نام مناسب برای آن‌ها تعیین شود (مدارس نمره‌ای، نمره ۱، نمره ۲، نمره ۳ و ...)

وزیر در همان سال دستور داد علاوه بر تأسیس مدارس، دارالمعلمین و دارالمعلمیات برای تربیت آموزگاران مرد و زن تأسیس شود. مدیریت دارالمعلمین به میرزا ابوالحسن فروغی محول شد. در همین سال، ۱۲۹۷ شمسی، شورای عالی معارف شکل گرفت و برنامه درسی مورد تجدید نظر و اصلاح واقع شد. مدرسه‌های دولتی و مجانی تأسیس شدند. معلم دولتی به کلاس رفت و تربیت معلم پایه‌گذاری شد.

کتاب‌های وزارتی

در سال ۱۳۰۰ قانونی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید که به موجب آن کلیه مدارس شامل سازمان، برنامه، امتحانات، استخدام معلم و مدت زمان آموزش در سطح کشور یکسان شد و مؤلفان ملزم شدند کتاب‌های درسی را مطابق برنامه‌ای که وزارت معارف به آن‌ها ابلاغ می‌کرد، تألیف کنند. در همین برنامه بود که آموزش علوم (علم‌الاشیا) از دوره ابتدایی آغاز شد و کتاب‌هایی برای آموزش علوم نوشته شدند. البته تدریس این کتاب‌ها بیش از سه چهار سال ادامه نداشت و به دلیل کمبود کاغذ، مشکل چاپ و ناتوانی معلم، کتاب‌ها از برنامه خارج شدند و فقط کتاب علم‌الاشیا برای سال پنجم دبستان جای کتاب‌های علوم را گرفت.



در سال ۱۳۰۷، در زمان وزارت یحیی خان قره‌گوزلو (اعتمادالدوله) تهیه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر عهده وزارت معارف قرار گرفت و کتاب‌هایی نوشته شدند که از لحاظ مفاهیم علمی و ادبی متناسب با نیاز سنی و احتیاجات اجتماعی دانش‌آموزان بودند و نسبت به کتاب‌های قبلی ارزان‌تر و از نظر چاپ مرغوب‌تر بودند و به موقع به دست دانش‌آموزان می‌رسیدند. در ۲۷ مهرماه ۱۳۱۷ تصویب‌نامه‌ای از هیئت وزیران

صنایع مستظرفه» تغییر یافت (یغمایی، ۱۳۵۷). قانون اداری این وزارتخانه در ۱۱ شهریور ۱۳۸۹ و قانون اساسی معارف در ۱۲۹۰ از تصویب مجلس گذشت. طبق این قوانین، دولت مسئولیت آموزش و پرورش را برعهده گرفت و در خصوص برنامه مدارس و کتاب‌های درسی، موارد زیر در مجلس به تصویب رسید:

ماده ۱: مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی، علمی و بدنی انبای نوع دایر می‌گردد.

ماده ۲: پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نما بدنی ملحوظ باشد.

قانون اساسی معارف در زمان وزارت ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) از تصویب مجلس گذشت و براساس آن برنامه‌های درسی نوشته شدند. در زمان همین وزیر، قانون اعزام ۳۰ تن از جوانان مستعد کشور برای تحصیل در خارج از کشور تصویب شد که ۱۵ نفر آنان در رشته تعلیم و تربیت تحصیل کنند. دکتر عیسی صدیق و دکتر علی اکبر سیاسی جزو این ۱۵ نفر بودند.

نصیرالدوله و اصلاح برنامه درسی

در سال ۱۲۹۷ ش میرزا احمدخان بَدِر (نصیرالدوله) وزیر معارف شد. او در زمانی به وزارت رسید که ایران یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ خود را می‌گذراند؛ به خاطر آثار شوم جنگ جهانی اول و تسلط روس و انگلیس بر ایران، قحطی، خشک‌سالی، بیماری‌هایی همه‌گیر، اغتشاشات داخلی و خالی بودن خزانه دولت. اما در عوض یک وزیر با تدبیر و یک مجلس قانون‌گذاری مصمم داشتیم که پیشنهاد وزیر را به صورت زیر در آبان ۱۲۹۷ شمسی چنین تصویب کرد:

اول: چهل باب مدرسه ابتدایی مجانی و شش باب دبیرستان متوسطه غیرمجانای که فقط کسر بودجه آن را دولت به‌طور اعانه خواهد داد، به مصارف مبلغ هشت هزار تومان، به موجب صورت برآوردی که در هیئت وزیران ملاحظه شد، در دارالخلافه تهران تأسیس شود.

دوم: محل مصارف مزبور از یک درصد حقوق تصویب می‌شود؛ اعم از اداری و شخصی و شهریه و غیره.

سوم: وزارت مالیه و هشت هزار تومان مصارف مزبور را از صندوق مالیه در آخر هر ماه پرداخته و صد یک حقوق کارمندان دولت را موافق ماده دو کسر و ضبط نماید.

چهارم: وزارت مالیه و معارف از برج میزان [آبان] هذا السنه، مأمور اجرای این تصویب‌نامه خواهند بود. علاوه بر کسر یک صد حقوق کلیه کارمندان دولت، مصوب شد که از مالکین هم یک صد درآمد سالانه

این تصمیم قاطع در جلسه مورخه ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ هیئت وزیران به صورت تصویب‌نامه زیر اعلام شد: «به منظور بهبود وضع کتب درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و تهیه متن کتاب‌هایی که متناسب با پیشرفت علم و فرهنگ و ارزانی بها و توزیع منظم باشد، هیئت وزیران تصویب نمودند:

ماده ۱. تألیف و تهیه کتاب‌های درسی دبستان و دبیرستان از این تاریخ منحصراً برعهده وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش کنونی) باشد.

ماده ۲. برای تهیه متون این کتاب‌ها هیئتی در وزارت فرهنگ، مرکب از عده‌ای از دبیران و استادان و سایر دانشمندان به تشخیص و دعوت وزارت مزبور تشکیل می‌گردد.

به دنبال این تصویب‌نامه، سه کار اساسی زیر صورت گرفت:

۱. تشکیل شرکت سهامی طبع و نشر کتاب درسی، که قرارداد چاپ و توزیع کتاب‌های درسی به آن واگذار شد.

۲. تشکیل ۱۴ کمیسیون با شرکت ۶۳ نفر از استادان و دبیران کارآزموده برای انتخاب یک کتاب برای هر ماده درسی

۳. تهیه اساس‌نامه سازمان کتاب‌های درسی ایران

به دنبال تهیه اساس‌نامه، مقدمات تشکیل سازمان کتاب‌های درسی ایران فراهم شد و سرانجام نخستین جلسه هیئت امنای آن با شرکت آقایان دکتر خانلری و دکتر ضیایی، رضا اقصی، دکتر محمود بهزاد و پروفسور فاطمی در ۱۳۴۳/۸/۱۴ تشکیل شد و آقای دکتر محمود بهزاد با پیشنهاد وزیر فرهنگ و تصویب هیئت دولت به مدت سه سال به ریاست سازمان کتاب‌های درسی ایران برگزیده شد (اسفندیار معتمدی، ۱۳۵۷).

تشکیل سازمان کتاب درسی در همان سال اول به نتیجه رسید:

«سهولت و سرعت کار در امر توزیع و انتشار کم‌نظیر درخور همه گونه ستایش و تقدیر بود. همتی که کارگزاران فرهنگ و دانشمندان بلندپایه و گران‌سنگ در فراهم کردن متن مذهب و مطلوب کتاب‌های درسی در کار کرده‌اند، شایسته هر گونه تحسین و تشویق و آفرین است که رنج برده‌اند و گنج آورده و خون خورده و مشک پرورده‌اند (ماهنامه آموزش و پرورش، ۱۳۴۳، دکتر مظاهر مصفا).

مشکلات تازه کتاب‌های درسی

تا سال ۱۳۴۵ دوره تحصیل پیش از دانشگاه شامل دو دوره شش ساله ابتدایی و شش ساله متوسطه بود: از این سال نظام آموزش تغییر کرد و به سه دوره ابتدایی

گذشت که در آن تألیف کتاب‌های درسی دبیرستان بر عهده وزارتخانه قرار گرفت و مدت سه سال بالغ بر ۸۰ جلد کتاب دبیرستانی به سرمایه وزارت فرهنگ منتشر شد. این کتاب‌ها که به‌عنوان «کتاب‌های وزارتی» معروف شدند، از نظر دقت در صحت مطالب و زیبایی چاپ و نوع کاغذ و جلدسازی ممتاز بودند.

مخارج تألیف از راه فروش کتاب‌ها تأمین می‌شد. برای هر درس در دوره متوسطه گروه مؤلف تشکیل شده بود. مثلاً گروه تاریخ عبارت بودند از:

عبدالحسین شیبانی، استاد دانشگاه، دکتر رضا زاده شفق، استاد دانشگاه، نصرالله فلسفی، استاد، غلامرضا

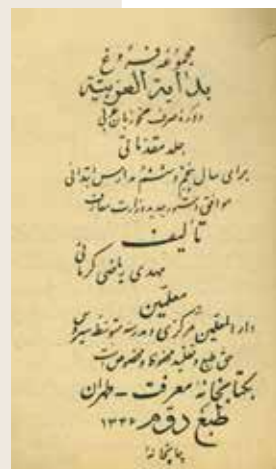
رشیدیاسمی، و حسین فرهودی دبیر. مشکل این کتاب‌ها اصطلاحات و واژه‌هایی بودند که فرهنگستان ایران انتخاب و توجیه کرده بود و هنوز در ذهن معلمان و محصلان جای نگرفته بودند.

آزادی تألیف

در ۱۳۲۰، ایران مدتی به اشغال بیگانگان درآمد و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن آشفته شد و دولت توانایی مالی چاپ کتاب‌های وزارتی را نداشت. در نتیجه، چاپ کتاب‌های درسی آزاد شد. گرچه آزادی تألیف سبب شد بسیاری از دبیران و استادان به سوی تألیف و ترجمه گرایش یابند و کارهای ارجمندی ارائه دهند، اما آشفتگی‌های تازه‌ای به بار آمد. فضای رقابت آزاد سبب شد که برای یک درس مشخص ناشران و مؤلفان گوناگون کتاب‌های مختلفی بنویسند، به‌طوری که جای ۸۰ عنوان کتاب دوره دبیرستان ۲۲۸ عنوان کتاب چاپ شده بود (آل‌احمد، بلیشوی کتاب درسی، ۱۳۳۹)، به گونه‌ای که ادامه رقابت آزاد به هرج و مرج منتهی شد و کتاب درسی از نظر کمی و کیفی به ابتذال کشانده شد.

تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران

«وضع کتاب‌های درسی ایران در سال‌های اخیر از نظر ابتذال محتویات و تنوع بی‌حد و حصر و گرانی آن‌ها و زد و بندها و سوءاستفاده‌هایی که در کارها بود، به جایی رسید که باید تصمیم قاطعی به نفع مردم گرفته می‌شد و آن فساد و هرج و مرج پایان می‌یافت» (دکتر خانلری، ۲۴ شهریور ۱۳۴۲).





کیفی آموزش و پرورش و ارزشیابی مستمر و تنظیم برنامه‌های تحصیلی و تألیف و تدوین کتب درسی و آماده‌سازی مدارس و مؤسسات آموزشی تابع وزارت آ. پ، برای کاربرد وسایل و روش‌های نو در جهت اعتلای کیفیت آموزش و پرورش، سازمانی به نام «سازمان پژوهش و نو سازی آموزشی» تشکیل می‌گردد. ماده ۲. وظایف سازمان عبارت‌اند از:

۱. پژوهش در محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف تحصیلی، با توجه به نیازمندی‌های کشور و توانایی و خصوصیات روانی دانش‌آموزان و تشخیص هدف‌های هر دوره تحصیلی و تهیه و تنظیم برنامه‌های درسی و تعیین کمیت‌های مطلوب برای تحصیلات در سطوح و رشته‌های مختلف
۲. مطالعه و تنظیم روش‌های ساده در تنظیم امتحانات و رشته‌های مختلف
۳. تهیه و تألیف کتب و نشریات آموزشی و کمک برای دانش‌آموزان و معلمان و مربیان
۴. تعیین و تهیه مواد و وسایل آموزشی و فهرست استاندارد و تجهیزات و وسایل آموزشی
۵. انجام دادن تحقیقات بنیادی در زمینه بهبود کیفی و کمی آموزش و پرورش
۶. تربیت کارشناسان مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی به وقوع پیوست و در ۱۳۵۸/۱۲/۲۵ مصوبه‌ای به تصویب شورای انقلاب رسید که به موجب آن «سازمان پژوهش و نو سازی آموزشی» به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» تغییر نام داد و از سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش شد.



بعد از انقلاب اسلامی، برنامه‌های درسی و به دنبال آن کتاب‌های درسی تغییرات پیاپی یافتند و برنامه‌های دوره پنج ساله ابتدایی و سه ساله راهنمایی و چهار ساله متوسطه به تصویب شورای عالی رسیدند و برخی از کتاب‌های درسی از برنامه‌ها حذف شدند و محتوای کتاب‌های درسی (به غیر از کتاب‌های علوم تجربی و ریاضی) تغییرات مداوم داشتند. برای اصلاح برنامه‌های آموزشی در سال ۱۳۶۵ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، «شورای

پنج ساله، راهنمایی سه ساله و متوسطه چهار ساله تقسیم شد. در نظام جدید، نوآوری‌های فراوانی صورت گرفت: آموزش هنر و علوم تجربی از کلاس اول ابتدایی آغاز شد. در دوره ابتدایی و راهنمایی، علاوه بر کتاب دانش‌آموز، کتاب راهنمای تدریس معلم تألیف و توزیع شد. بسیاری از کتاب‌ها با چاپ رنگی منتشر شدند. فعالیت عملی اساس کار برنامه قرار گرفت. رشته حرفه و فن برای تربیت معلم شروع به کار کرد و درسی به همین نام در دوره راهنمایی تدریس شد. اما مسائلی مانع از رسیدن به هدف‌های نظام جدید شدند.

«اصلاح نظام آموزش و پرورش کشور که از حدود سال ۱۳۴۲ با تشکیل شورای اصلاح نظام آموزش و پرورش به‌طور جدی آغاز شده بود، تا مرحله تهیه برنامه تحصیلی دوره پنج ساله ابتدایی همچنان زیر نظر شورای اصلاح نظام با کیفیت مطلوبی ادامه یافت تا آنکه اصلاح نظام به تدریج از رونق افتاد و اقدامات مربوطه روز به روز کمرنگ‌تر شدند: به طوری که تهیه برنامه دوره راهنمایی که در حقیقت شاه بیت ترانه اصلاح نظام به شمار می‌آمد و فرایندی انقلابی و بی‌سابقه بود، به دست کارشناسان با سابقه وزارت آموزش و پرورش افتاد که جز در چارچوب نظام آشنای گذشته، نمی‌توانستند بیندیشند. در نتیجه، جریان اصلاح نظام یکباره از مسیر اصلی خود منحرف گردید (شکوئی، ۱۳۵۷).

سازمان کتاب‌های درسی در سال ۱۳۵۳ با دو مشکل عمده روبه‌رو شد، یکی تألیف کتاب‌های جدید و دوم مشکل چاپ و توزیع کتاب‌های تألیف شده. تهیه ۵۰۰ عنوان کتاب جدید بر طبق برنامه، به‌ویژه برای دوره متوسطه نظری و فنی کار آسانی نبود. برای بعضی از این رشته‌ها مؤلف نداشتیم و پیش از این کتابی در فارسی برای بعضی از این رشته‌ها وجود نداشت. از سوی دیگر، چاپخانه‌های کشور ممکن نبود حدود ۵۵ میلیون جلد کتاب را در پنج ماه اول سال ۱۳۵۶ چاپ و تولید و توزیع کنند. این سازمان در سال تحصیلی ۵۸-۵۷، ۶۳۶ عنوان کتاب درسی را در مجموع بالغ بر ۷۰ میلیون جلد تألیف، چاپ و توزیع کرد و ۱۵ سال، برای نخستین بار، کتاب‌هایی را تألیف و منتشر کرد که از نظر درستی متن، تناسب با یادگیرنده، زیبایی چاپ و جلدبندی، با کتاب‌های گذشته متفاوت بود.

سازمان پژوهش و نو سازی آموزشی

در ۲۷ تیرماه ۱۳۵۵ قانون تشکیل سازمان پژوهش و نو سازی آموزشی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و جای سازمان کتاب‌های درسی را گرفت. چند ماده از این قانون چنین است:

ماده ۱. به منظور تحقیق و بررسی در مسائل

نوشتن و به کار گرفتن چشم و گوش و زبان. اما اکنون تغییرات مهمی از نظر آموزش و یادگیری صورت گرفته است و آن بسته آموزشی است. بسته آموزشی مجموعه ابزار، وسایل و ابزارهای دیداری و شنیداری و عملی است که به کمک به آن‌ها می‌توان یادگیری را آسان‌تر، سریع‌تر و گسترده‌تر کرد و مطالب یاد گرفته را تثبیت کرد و تعمیم داد. اکنون سال‌هاست که برای هر دانش‌آموز در هر پایه تحصیلی بسته آموزشی تهیه می‌شود. بسته آموزشی مجموعه منسجمی از کتاب دانش‌آموز، کتاب کار و تمرین، کتاب آزمایشگاه، دفترچه راهنما برای معرفی سایت‌های مفید و کتاب‌ها و اماکن دیدنی است، به طوری که دانش‌آموز می‌تواند برای یادگیری از چشم و گوش و سایر حواس خود استفاده کند.

در سال‌های اخیر، اقدامات بسیار مؤثری از نظر تولید نرم‌افزارهای آموزشی، تجهیز آزمایشگاه، اتصال به شبکه ملی اطلاعات، گالری‌های عکس، وبسایت هدفمند کردن رایانه، مقالات شبکه رشد و دانش‌نامه انجمن‌های علمی و گروه‌های المپیاد صورت گرفته و بعضی از مدرسه‌ها هوشمندسازی شده‌اند.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد.

به دنبال چهار دهه فعالیت و نوشتن اسناد فرادستی مانند «سند چشم‌انداز بیست ساله کشور»، «سند تحول بنیادین» در دوم مرداد ۱۳۸۹ در جلسه ۸۲۶ شورای عالی آموزش و پرورش مورد تأیید قرار گرفت و برای اجرا به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شد. بر طبق دستورالعمل‌هایی که در این سند و دنباله‌های آن آمده است، دوره دوازده ساله پیش از دانشگاه شامل دو دوره ابتدایی و دو دوره متوسطه، هر کدام شش سال است. دوره راهنمایی حذف شده است. دانش‌آموزان اول ابتدایی از سال ۱۳۹۰ و دانش‌آموزان اول متوسطه از همان سال در کلاس اول در دوره جدید قرار گرفتند و نظام جدید هم‌زمان از ابتدایی و متوسطه آغاز شد. در راهکار ۹/۳ در سند تحول بنیادین، توسعه مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی در انجام امور به تولید، چاپ، توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش تا تأکید بر سیاست تولید بسته‌های آموزشی و سیاست چند تألیفی در کتاب درسی پیش‌بینی شده است.

اکنون راهبرد سازمان پژوهش آن است که بسته آموزشی را با سند تحول بنیادین انطباق دهد و کتاب

تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش «به وجود آمد و پس از مطالعه «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش» در دوره عمومی و دوره فراگیر کاربردی - علمی مطرح شد. در تیرماه ۱۳۶۸ کلیات تغییر نظام مورد تأیید شورای انقلاب فرهنگی قرار گرفت. در تابستان ۱۳۶۹ «طرح انتقال به آموزش متوسطه مطلوب» تدوین شد و از مهر ۱۳۷۱ برای حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان پایه اول متوسطه نظام جدید به طور آزمایشی به اجرا درآمد. از نوآوری‌های عمده در نظام جدید متوسطه، تشکیل شاخه کار و دانش برای مهارت‌آموزی و تأسیس دوره‌های پیش دانشگاهی و کاردانی پیوسته بود (آموزش متوسطه، ۱۳۷۲).

با وجود بعضی از پیش‌بینی‌ها، این طرح نیز در عمل با مسائل و مشکلات فراوانی روبه‌رو شد و به دنبال اجرای این طرح، کتاب‌های درسی متوسطه دو سه بار تغییر کردند. گرچه کوشش بر آن بود که کتاب‌های درسی جدید براساس فعال کردن دانش‌آموز تنظیم شود و با تمرین‌ها و فعالیت‌ها، به جای حفظ کردن و به خاطر سپردن مفاهیم، دانش‌آموزان متوجه سطح بالای یادگیری شوند، اما متأسفانه در عمل آزمون سراسری برای ورود دانش‌آموزان به دانشگاه‌ها و مدارس عالی همه هدف‌های دوره متوسطه را تحت تأثیر نامطلوب خود قرار داد و به جای مهارت‌های عملی و رشد قدرت تفکر، مهارت تست زدن جای همه هدف‌ها قرار گرفت که هنوز در همه سطوح آموزشی ادامه و تسلط دارد. یکی از طرح‌ها و برنامه‌های موفق آموزش و پرورش بعد از انقلاب اسلامی، طرح آموزش علوم در دوره ابتدایی و راهنمایی (دوره عمومی) بود. این طرح در دفتر تألیف و برنامه‌ریزی به صورت غیررسمی از ابتدای دهه ۱۳۷۰ مطرح شد و گروهی از دبیران علاقه‌مند و دلسوز شورای آموزش علوم در دوره عمومی را تشکیل دادند و تألیف کتاب‌های درسی، راهنمای معلم، کتاب کار و تربیت معلم را بر عهده گرفتند. این شورا توانست هدف‌های جدید آموزش علوم را بشناسد و بشناساند و به تدریج معلمان را با هدف‌های دانشی، توانشی و نگرشی آشنا کند و کتاب‌های درسی را طوری بنویسد که دانش‌آموزان با مهارت‌های مشاهده، طبقه‌بندی، اندازه‌گیری، برقراری ارتباط، تفسیر، پیش‌بینی، جمع‌آوری و انجام آزمایش آشنا شوند و در عمل به کار یادگیری بپردازند. ضمن آنکه هدف‌های نگرشی چون مسئولیت‌پذیری، نظم، همکاری، حفظ محیط زیست و ... در آن‌ها تقویت شود.

بسته آموزشی به جای کتاب درسی

قرن‌ها تنها مواد آموزشی کتاب‌ها بودند و خواندن و

درسی را پایدارسازی کند، به طوری که لازم نباشد کتاب درسی هر ساله تغییر کند.

یکی از اشکالات تغییر نظام آموزش و پرورش آن است که با تغییر نظام، مجموع کتاب‌های درسی رایج تغییر می‌کنند و برای آموزش معلمان و آشنایی آن‌ها با کتاب‌های جدید فعالیت لازم صورت نمی‌گیرد. از این‌رو، معلمان با اصطلاحات یا مفاهیم کتاب‌های جدید آشنا نیستند و در برابر این کتاب‌ها مقاومت می‌کنند، یا اگر عکس‌العمل نشان نمی‌دهند، راندمان تدریس آن‌ها بسیار ناچیز خواهد بود.

خلاصه و نتیجه کار

با تأسیس مدارس جدید، لزوم تألیف کتاب‌های درسی احساس شد. مؤسسان، مدیران و معلمان این مدرسه‌ها براساس علاقه خود دست به تألیف کتاب درسی زدند. پس از انقلاب مشروطه، وزارت معارف مسئولیت آموزش و پرورش کشور را بر عهده گرفت و برنامه درسی هر کلاس را مشخص و مؤلفان آزاد را به رعایت برنامه ملزم کرد. در ۱۳۰۷ آموزش و پرورش تألیف کتاب‌های دوره ابتدایی و در ۱۳۱۷ تألیف کتاب‌های متوسطه را بر عهده گرفت. از ۱۳۲۰ به بعد، دولت نتوانست کتاب‌های متوسطه را چاپ و منتشر کند و تألیف کتاب‌های درسی آزاد شد و دبیران و استادان به طور آزاد به کار تألیف کتاب درسی پرداختند. اما این کار به هرج و مرج کشیده شد، به طوری که دولت ناچار شد دخالت کند و سازمان کتاب درسی را تأسیس کند و خود در عمل مسئولیت تألیف کتاب‌های درسی را بر عهده گیرد. سازمان کتاب‌های درسی ایران پانزده سال مسئولیت تألیف و توزیع کتاب درسی را بر عهده داشت تا آنکه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و بعد برنامه‌ریزی درسی جای آن را گرفت و کتاب درسی را تولید و منتشر کرد. نگاهی به تاریخ تألیف کتاب درسی در ایران نشان از پیشرفت مداوم کتاب درسی و توجه به ذوق و علاقه و نیاز دانش‌آموزان داشته و دارد و کوشش بر این است که کتاب‌های درسی بتوانند عاملی برای یادگیری مهارت‌های زندگی فردی و شغلی و اجتماعی دانش‌آموزان باشند و نشاط و فعالیت آن‌ها را همراه یادگیری افزایش دهند.

نظر وزیر آموزش و پرورش نسبت به کتاب درسی

در روز شنبه ۹۷/۴/۲۱ اعضای شورای اجرایی اتحادیه ملاقاتی با جناب آقای دکتر سید محمد بطحایی وزیر

محترم آموزش و پرورش داشتند. جناب وزیر درباره کتاب درسی گفتند: «مؤلفان و کارشناسان با دقت کامل کتاب‌های درسی را با توجه به هدف‌های آموزشی که مهم‌ترین آن‌ها رشد مهارت‌های عملی و زندگی و تقویت قوای ذهنی و قدرت تفکر است، تألیف و برای هر جمله آن با افراد صاحب‌نظر مشورت می‌کنند تا کتاب کامل‌تر شود و مسئله طرح می‌کنند تا دانش‌آموزان قدرت حل مسئله یابند. اما هنوز کتاب‌های درسی به دست آن‌ها نرسیده، انواع حل‌المسائل و کتاب راهنما با عنوان‌های جذاب پاسخ مسائل را در اختیار دانش‌آموزان و خانواده آن‌ها می‌گذارند و تلویزیون هم تبلیغ می‌کند و بچه‌ها خوش حال می‌شوند که پاسخ مسائل را می‌دانند. این موضوع مانع از رشد ذهنی دانش‌آموزان می‌شود و برای جامعه، از هر مواد مخدري، خطرناک‌تر است.

هدف آموزش و پرورش توانا کردن قدرت تفکر دانش‌آموزان از راه روبه‌رو شدن با مسائل و تلاش در یافتن راه حل آن‌هاست، لیکن بسیاری از کتاب‌های کمک‌آموزشی موجود پاسخ مسائل را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند و تلویزیون مبلغ این‌گونه کتاب‌ها و روش‌های نادرست می‌شود».

منابع

۱. آل احمد، جلال (۱۳۳۹)، سرمقاله دیگر.
۲. آموزش و پرورش (۱۳۹۱). ۲۹۰ اقدام برای تحول بنیادی در وزارت آموزش و پرورش. دوره هشتم.
۳. شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۱). بررسی نظام جدید آموزش متوسطه». نشریه دانشکده علوم تربیتی. شماره ۲.
۴. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱). حیات یحیی. عطار. تهران.
۵. برنامه درسی ملی (۱۳۸۸). وزارت آموزش و پرورش. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۶. فروغی، محمدعلی (۱۳۳۹ق). دوره علم فیزیک. کتابخانه ایران. طبقه سوم.
۷. قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجاریه. بنیان پیشروان. مرکز نشر دانشگاهی.
۸. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران. دانشگاه تهران.
۹. معتمدی، اسفندیار (۱۳۵۷). سازمان کتاب‌های درسی. پلی‌کپی.
۱۰. معتمدی، اسفندیار (۱۳۹۱). تاریخ علم در ایران، از دوره مشروطه تاکنون. ج ۴. مهاجر. تهران.
۱۱. یغمایی، اقبال (۱۳۵۷). وزیران علوم، معارف و فرهنگ ایران. مرکز نشر دانشگاهی آموزش و پرورش. تهران.



دردنیای امروز، ثبات از آن تغییر است

با مؤلفان کتاب‌های درسی دوره متوسطه نظری

گفت‌وگو: محمد حسین دیزجی

اشاره

کدام است؟
با این پرسش‌ها میزگردی تشکیل دادیم و از چند فعال حوزه تألیف کتاب‌های درسی دوره نظری دعوت کردیم این پرسش‌ها را با آنان در میان بگذاریم و از نظرات آنان مطلع شویم. ناهید فلاحیان، مسئول گروه مطالعات اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی و مؤلف کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی، عباس پرتوی مقدم، مسئول گروه تاریخ دفتر تألیف و مؤلف کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و مطالعات اجتماعی؛ نازیبا ملک‌محمودی، کارشناس مسئول گروه جغرافیا و مؤلف کتاب‌های جغرافیا، مطالعات اجتماعی و انسان و محیط زیست، و احمد احمدی، مسئول بخش فیزیک دفتر تألیف و مؤلف کتاب‌های علوم و فیزیک، حمیدرضا امیری، کارشناس گروه ریاضی در این نشست حضور پیدا کردند. حاصل کار پیش روی شماست.

● کتاب‌های درسی در طول چند دهه همواره با تغییر و اصلاح از نظر محتوا، تصویر و حجم روبه‌رو بودند، آخرین تغییرات نیز بر اساس

جهان دقیقه‌ای مکتب نمی‌کند و با سرعتی شگفت‌انگیز به سمت توسعه و پیشرفت پیش می‌رود. ما برای زندگی در هر مقطعی از زمان، اگر بخواهیم هم پای این پیشرفت و توسعه گام برداریم، سخت نیازمند آموزش هستیم. برخی آموزش‌ها در خانواده صورت می‌گیرد و بخش دیگری از آن را باید در محیطی با عنوان مدرسه فرا بگیریم. کتاب‌های درسی دبستان تا پایان دبیرستان و سپس در دوران دانشگاه، یکی از این ابزارهای آموزشی است. اگر بنا باشد با جهان امروز همگام باشیم و در کنارش آموزش ببینیم و رو به جلو حرکت کنیم، پس باید شرایط محیط آموزشی فرزندانمان را مطابق روز مهیا کنیم. تغییر کتاب‌های درسی که در طول سالیان سال شاهد آن بودیم، رویدادی قابل تأمل است که تنها به نظام آموزشی کشور ما اختصاص ندارد. مدت کوتاهی است که آخرین تغییرات منطبق با نظام آموزشی ۶.۳.۳ کتاب‌های درسی را پشت سر گذاشته‌ایم. حال این سؤال پیش روی ماست که آیا این تغییرات به پایان آمده یا چندی بعد دوباره ادامه خواهند یافت. مسیر تهیه و تولید کتاب‌های درسی و فرایند این کار چگونه است؟ دغدغه‌های این کار



امیری: مطمئناً برای علمی چون ریاضی که ملکه علوم است نیز باید این تغییرات را و البته همسو و همراستا با نیازهای جامعه و علوم دیگر مانند فیزیک شاهد باشیم.

امیری: کتابهای درسی براساس چند محور اصلی تألیف می‌شوند که فهرستوار به آن‌ها اشاره می‌کنم. البته هر کدام از این محورها به توضیحاتی مبسوط نیاز دارد که در فرصتی دیگر به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. مطالعه تطبیقی چندین برنامه درسی ریاضی از کشورهایی که در آموزش ریاضی موفق بوده‌اند و مطالعه اسناد بالادستی مانند سند تحول و سند برنامه درسی ملی و پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی و تدوین برنامه درسی حوزه ریاضی برای پایه‌های ۱ تا ۱۲؛

۲. تشکیل تیم‌های تألیف شامل دبیران مجرب با سابقه تألیف، استادان و متخصصان موضوعی ریاضی، آموزشگران ریاضی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی و تألیف براساس برنامه تدوین شده و با توجه به خرد جمعی و شرکت همه اعضای تیم تألیف در تألیف همه فصل‌های کتاب (بیش از ۴۰ جلسه سه ساعته برای تألیف هر کتاب از پنج کتاب تألیف شده برای پایه دوازدهم در سه رشته)

۳. قرار دادن نسخه اولیه تألیف‌های انجام شده روی سامانه اعتبارسنجی و سایت گروه ریاضی، به منظور دریافت نظر دبیران و کارشناسان محترم

● **خانم ملک محمودی شما چه نظری در این باره دارید؟**
ملک محمودی: از سال ۹۰ تا ۹۷ روند پرشتایی

سیستم آموزشی ۶۳۳ انجام شد. سؤال نخست من این است؛ آیا به نظر شما، تغییر در کتابهای درسی ضروری است و اگر لازم است، این مهم باید چگونه و با چه ویژگی‌هایی انجام شود؟

فلاحیان: به‌طور کلی، کتابهای درسی یک عمر مفید دارند. برای طول مدت این عمر سال‌های مختلفی ذکر شده که بیشتر آن را بین پنج تا هفت سال دیده‌اند. البته این عمر بر حسب استاندارد کشورها ممکن است متفاوت باشد. مؤلفان کتابهای درسی در کشور ما غالباً از نظر مدت‌زمان برای تألیف کتاب جدید همیشه محدودیت زمان داشتند، اما با وجود این، تلاش کرده‌اند کتابهای مناسب به دست دانش‌آموزان و معلمان برسند. در طول این سالیان، تلاش شد کتاب‌ها و محتوای آموزشی از حالت حافظه‌محور بودن به سمت فعالیت‌محور بودن و کاربردی شدن در زندگی افراد حرکت کند. البته اتفاق‌های خوبی در این زمینه افتاد. شاید تغییرات جزئی باشند، اما کتاب‌های فعلی ما تا چند سال آینده پاسخگوی نیازهای کشور هستند اما آنچه در کنار این تغییرات و به موازات آن باید شکل بگیرد، بحث تغییر در روش آموزش معلمان، روش ارزشیابی، و تحول در ساختار ارزشیابی آموزش این مباحث در کتاب‌هاست. این تغییرات شاید تا حدی هم به موازات تغییر کتاب‌ها انجام شده باشد، اما کافی نیست. ما در این زمینه به تکمیل بسته آموزشی نیاز داریم، موادی که ضمیمه کتاب باشند، تا معلم و شاگرد در مسیر آموزش بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.

امیری: بله این تغییرات ضروری‌اند و با توجه به توسعه و تغییری که در وجوه مختلف علوم در حال انجام‌اند، مطمئناً برای علمی چون ریاضی که ملکه علوم است نیز باید این تغییرات را و البته همسو و همراستا با نیازهای جامعه و علوم دیگر مانند فیزیک شاهد باشیم.

● **جناب آقای پرتوی شما در این رابطه چه نظری دارید. آیا با بازنگری کتابهای درسی موافق هستید؟ اگر قائل به بازنگری هستید، این مهم چگونه باید صورت بگیرد؟**

پرتوی: از نظر من بازنگری به چند دلیل باید انجام شود. اول اینکه ساختار آموزشی به شکل نامتعارف از پایه ششم شروع شد. اجرای آزمایشی هر طرحی در همه جای دنیا هست، اما چون این تغییرات از پایه ششم صورت گرفت امکان انجام آزمایشی آن میسر نشد. دوم اینکه تغییرات در اطلاعات کتابهای درسی، در سایر کشورهای دنیا هم انجام می‌شود باید ارزیابی کرد و سپس بازخوردها را دید. محتوا و روش تدریس را بررسی و نقاط قوت و ضعف را با دقت مطالعه کنیم.

موضوعات و مباحث مطرح شده در کتاب درسی باید با سطح درک دانش‌آموزان و نیازهای جامعه مطابقت داشته باشند.

● آیا نظرسنجی محدوده خاصی داشت؟ مثلاً معلمان استان تهران مخاطب بودند یا دامنه کار وسیع تر بود؟

ملک‌محمودی: نظرسنجی مربوط به کل کشور بود. یک رویداد دیگر در این باره، نظرسنجی توسط پژوهشگاه بود که انجام شد. این کار در واقع نوعی اعتباربخشی بود که نظرات معلمان، دانش‌آموزان، دبیران و کارشناسان را به‌طور تصادفی و رندم دریافت کردند. این‌طور نیست که وقتی یک کتاب نوشته می‌شود، دیگر دست‌نخورده و هیچ چک و اصلاحی نداشته باشد. گاهی اصلاح جزئی و گاه کلی لازم است. کتاب جغرافیای ایران دائم در حال تغییرات است.

فلاحیان: لازم است من این نکته را یادآوری کنم که تغییر با تصحیح متفاوت است. در تغییر، کتاب به‌طور کلی عوض می‌شود، اما بحث اصلاح به شکل جزئی‌تر است و ما به‌طور مستمر با اصلاح کتاب‌ها در ارتباط هستیم. گاهی مبنای این اصلاح، نظرات مخاطبان و مردم است؛ حتی اگر برای یک متن، عکس بهتری به دست ما برسد، کارشناسان این جابه‌جایی را در نظر می‌گیرند.

ملک‌محمودی: ما ۳۱ کتاب استان شناسی داریم. در این کتاب‌ها آداب‌ورسوم، فرهنگ، زبان، اقلیم و برخی نکته‌های دیگر را داریم که گاه بر اثر برخی تغییرات جغرافیایی یا نظیر آن، باید این تغییرات را اعمال کنیم. برای مثال، یک شهرستان تا سال قبل جزو یک استان محسوب می‌شد و از امثال زیرمجموعه استان دیگری قرار گرفته است. ما باید این را در کتاب درسی خود لحاظ کنیم. این موارد جزو کارهای اصلاحی کتاب درسی هستند.

امیری: به نظر من، یکی از چالش‌های مهم در تألیف کتاب‌های درسی ریاضی، ارائه مطالب کتاب به‌صورت کاربردی است، طوری که دانش‌آموزان در ارتباط با زندگی روزمره، قابلیت درک و استفاده از این مطالب را داشته باشند. همچنین، کمبود وقت کافی و آزمایشی تدریس شدن این کتاب‌ها، چالش‌های دیگری برای مؤلفان به شمار می‌روند. در مسیر تألیف کتاب مشکلات دیگری نیز وجود دارند که بسیاری از آن‌ها به آموزش به موقع و به اندازه معلمان و دبیران محترم برمی‌گردند.

● بنابراین، اقشار، نهادها و عموم مردم در جامعه نسبت به این تغییرات حساس هستند و هر کدام بنا به جایگاه و نیاز خود با



پرتوی: در پایه دوم متوسطه، سامانه‌ای تعریف شد که به ما کمک کرد بتوانیم از تعداد بیشتری دبیر در سراسر کشور برای هر کتاب درسی استفاده کنیم و از نظرات آنان در مسیر کار بهره ببریم

در این باره شکل گرفت. من احساس می‌کردم در وضعیت جنگی قرار داریم. اما حالا با شنیدن نظرات دکتر تورانی، ریاست سازمان، احساس آتش‌بس دارم. البته کارهای خوبی در این سال‌ها انجام شد. چند بار نظرسنجی داشتیم. یک مرحله نظرسنجی توسط دبیرخانه صورت گرفت و دبیران هم به ما کمک کردند، تا حدی که درباره جمله‌ها و عبارات درسی کتاب‌ها هم نظر دادند.

امیری: دغدغه‌های زیادی درباره تألیف کتاب درسی وجود دارد. مثلاً اینکه هیچ نوع غلط یا اشکال محتوایی، علمی، تایپی یا ویرایشی نباید در کتاب درسی به چشم بخورد. از دیگر دغدغه‌های تألیف کتاب‌های درسی، آموزش آن به معلمان و دبیران محترم است که در خط مقدم این جبهه آموزش قرار دارند. به صورتی که بتوانند تمام اهداف آموزشی موجود در کتاب‌های درسی را به دانش‌آموزان منتقل کنند. از طرف دیگر،



احمدی: در دنیایی که همه چیز به سرعت تغییر می کند و پیشرفت ها به روز و ساعت هستند، ما باید محتوایی را برای دانش آموزان خود تهیه کنیم که مناسب امروز و فردای آنان باشد

مستقیم با آن در ارتباط هستند، شاید موضوعی بدیهی و آشنا باشد، حال آنکه برای بسیاری از مخاطبان کتاب های درسی، این مسیر چندان شناخته شده نیست. در این باره برایمان صحبت کنید .

پرتوی: فرایند تألیف کتاب های درسی فرآیندی منظم و پیچیده است. بعد از آنکه اهداف برنامه در سازمان، دفتر و گروه های درسی مورد نظر تعیین شد، یک شورای برنامه ریزی برای هر درس داریم که شامل کارشناسان گروه درسی، متخصصان موضوع مورد نظر و استادان آن درس و رشته هستند. در کنار این افراد، معلمان مجرب را هم باید در نظر بگیریم. این شورا کار برنامه ریزی و تألیف را به عهده دارد. در گام اول، سرفصل ها مشخص می شود. سپس در هر درس، بخش های آن را تعیین می کنند. مسیر و قلمرو یادگیری را هم معلوم می کنند. سپس به موضوع انتخاب مؤلف می رسند. گروه مؤلفان ممکن است از میان همان شورای برنامه ریزی انتخاب

آموزش و پرورش ارتباط می گیرند و نظرات خود را مطرح می کنند.

احمدی: مطالبه جامعه از آموزش و پرورش زمانی باید صورت بگیرد که تغییر در کتاب درسی صورت نگرفته باشد. ماهیت دنیای امروز ماهیت تغییر پذیری با سرعت بالاست. در حال حاضر، آنچه در دنیای امروز ثابت دارد، خود تغییر است. هر وقت از این تغییر باز بمانیم، باید اعتراض کنیم و خواستار آن شویم. روزگاری کتاب را بعد از ۱۰-۱۵ سال عوض می کردند. بعدها این زمان کوتاه تر شد. برای مثال، کتاب فیزیک هالیدی را هر ۵ سال بازنگری می کردند. کم کم این زمان به دو سال یکبار رسید و شاید امروز هر یک سال یکبار کتاب را بررسی می کنند و در صورت لزوم اصلاحاتی در آن انجام می دهند. این ماهیت دنیای امروز است. در این تغییرات و اصلاح کردن ها به دانش، شیوه آموزش آن و موارد مرتبط توجه می شود. امروزه تغییر جزو ماهیت آموزش محسوب می شود.

نکته مهم در اینجا آن است که این تغییر اصلاً برای دانش آموز جدید تغییر محسوب نمی شود. یعنی دانش آموزی که امسال وارد پایه مثلاً دهم شده است، سال قبل در این پایه نبوده و تغییر کتاب امسال برایش محسوس نیست. این تغییر را معلم متوجه می شود که چند سال است در این پایه تدریس می کند. درواقع، دانش آموز با نیازی که خودش دارد کتاب را آموزش می بیند .

● لطفاً یک مثال ملموس بزنید.

فرض کنید ما تا سال قبل درباره تزییق مطالبی را به دانش آموزان خود یاد می دادیم. مثلاً داخل سرنگ دارو می ریزیم و از طریق رگ یا عضله آن را وارد بدن می کنیم. حالا در علم فیزیک روش دیگری آمده است که طبق آن، تزییق دارو بدون سرنگ انجام می شود و بیمار دردی حس نمی کند. این علم روز است و ما این مطلب را در کتاب درسی می آوریم. شاگرد این محتوا را که برابر دانش روز دنیاست، در کتاب درسی فرامی گیرد. وقتی علم روز به روز و با سرعت تغییر می کند، ما هم باید مطالب درسی خود را برابر دانش روز به مخاطب عرضه کنیم. الان در ریاضی بچه ها باید فلسفه یک مبحث، مثلاً عمل تقسیم را، یاد بگیرند و ما آن را یاد می دهیم. علاوه بر علم، فناوری هم تغییر می کند. شیوه های مناسب آموزش هم تغییر می کنند. لذا باید این تغییر مناسب و بجا و از پیش قراولان و صف شکنان این امر هم حمایت کنیم.

● **مسیر تهیه و تولید کتاب های درسی و تغییر و فرآیند آن برای کسانی که به طور**

آنان در مسیر کار بهره ببریم. ما برای برخی از درس‌ها بین ۱۰ هزار تا ۱۲ هزار نظر برای یک فصل از کتاب درسی دریافت کردیم.

فلاحیان: این چند هزار نظر استخراج و مطالعه شدند و بعد از پالایش آن‌ها، نظرات خوب و مفید را بررسی و سپس اعمال کردیم. گاهی نظر این‌طور بود که مثلاً در این پاراگراف از کتاب، اگر این دو جمله را اصلاح کنید، به مراتب بهتر است. حتی نظرانی به دست ما رسیدند که در آن‌ها گفته شده بود این فعالیت کتاب در عمل قابلیت اجرا ندارد. ما آن را بررسی کردیم و زمانی که مشخص شد نظر صحیح است، آن را اعمال کردیم.

ملک‌محمودی: در انتهای هر کتاب، اسامی دبیرانی که نظرات آنان اعمال شده‌اند آمده است. برای مثال، در یک کتاب ۷۳ نفر نظر دادند که اسامی آنان لحاظ شد.

● **روش کار در سامانه به چه ترتیب بوده است؟**
فلاحیان: در سامانه، هر فصل و هر بخش از کتاب به صورت بندبند ارائه می‌شد و دبیران در مورد هر پاراگراف نظر می‌دادند. گاهی ممکن است یک دبیر ۳۰ نظر در مورد بخش‌های یک کتاب را در سامانه بنویسد. پرتوی: اگر قرار باشد به این فعالیت‌ها نگاهی منطقی داشته باشیم، آن وقت است که مشخص می‌شود همکاران ما چه کار سنگین و طاقت‌فرسایی را در مدت زمانی کوتاه در طول یک دوره انجام دادند. کاری را که ما انجام دادیم، با توجه به قیمت و هزینه‌های آن، شاید هیچ نویسنده‌ای حاضر به پذیرش آن نباشد. این در حالی است که مؤسسه‌ها و ناشران خصوصی برای کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی به مراتب بیش از این هزینه می‌کنند.

● **در تألیف هر کتاب درسی، گاهی دغدغه‌هایی هست که شاید در نگاه اول نتوان به درستی به اهمیت و دشواری آن پی‌برد. در این باره اگر نقطه‌نظری دارید اشاره کنید.**
احمدی: در تألیف کتاب، آنچه بیشترین سردرگمی را برای همه ایجاد می‌کند، آن است که ما امروز چه چیزی را برای آموزش در نظر بگیریم که به درد فردای دانش‌آموز بخورد. این نکته‌ای است که همه مسئولان باید روی آن تمرکز کنند. هر کسی در رشته تخصصی خودش باید به آن فکر کند. در واقع، در دنیایی که به سرعت همه چیز تغییر کرده و پیشرفت‌ها به روز و ساعت هستند، ما باید چه محتوایی را برای دانش‌آموزان خود تهیه کنیم که مناسب امروز و فردای آنان باشد. اگر به این موضوع دقت کنیم، آن وقت است که فلسفه تألیف و فرایند آن متفاوت می‌شود. سازمان‌دهی ما



فلاحیان: الان یکی از نیازهای مبرم آموزش و پرورش کشور ما ایجاد تحول در مطالعه، تحقیق و تولید برنامه‌های مربوط به ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است، در حالی که اکنون این کنکور است که برنامه‌های آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار می‌دهد

شوند و شاید افراد دیگری برای تألیف کتاب تعیین شوند. گاهی هم ممکن است این افراد در هر دو قسمت مشترک باشند. در ادامه، واحد یادگیری تألیف شده، در همان شورا بررسی می‌شود.

اینجاست که برخی از مطالب و مباحث تأیید یا رد می‌شوند. گاهی در این زمینه، برای ادامه کار، تصحیح صورت می‌گیرد و گاه مبحث و موضوع و درس را به مؤلف جدید می‌سپارند. برخی از مواقع هم بحث تغییر نیست و کار با اصلاح به نتیجه می‌رسد. تا جایی که من به خاطر دارم، موردی نداشته‌ایم که کارش به اصلاح نرسیده باشد. حتی در گروه‌های درسی اثر آماده شده را به گروه‌های دیگری می‌دهند تا آن را ملاحظه و درباره‌اش اظهار نظر کنند.

شکل دیگری از کار هم این‌طور است که ممکن است چند سفارش تألیف درباره آن درس و موضوع داده شود و در نهایت یک مورد نهایی و انتخاب شود. پس از آنکه کار تألیف شده در شورا به تأیید رسید، نوبت به آماده‌سازی می‌رسد. در ادامه کار به اعتباربخشی می‌رسیم. فرایند اعتباربخشی در این تغییرات کامل‌تر می‌شود.

در پایه دوم متوسطه سامانه‌ای تعریف شد که به ما کمک کرد بتوانیم از تعداد بیشتری از دبیران سراسر کشور برای هر کتاب درسی استفاده کنیم و از نظرات

باید به گونه‌ای باشد که شاگردان هم با این مفاهیم به شکلی درگیر و مرتبط شوند که خودشان تولید کردن مفهوم را یاد بگیرند. به عبارت دیگر، روش اکتشاف علمی در حالت کلان و هدایت‌شده را با بچه‌ها تمرین کنیم. آنچه باقی می‌ماند این است که همه مطالب کهنه می‌شوند. بچه‌ها باید یاد بگیرند که با مسئله و چالش جدید چگونه برخورد کنند و روش علمی رسیدن به پاسخ چگونه باید باشد. برای این موضوع، حتماً نیاز به دانش پایه و اساسی وجود دارد که براساس آن بتوان روش اکتشافی را دنبال کرد. همچنین، به روش چگونگی یادگیری هم باید توجه شود. حالا بعد از ماجرای تألیف کتاب با این مشخصه، معلم باید ادامه مسیر را ترسیم کند.

کتاب درسی کتاب خودآموز نیست. در کنار کتاب، معلم، آزمایشگاه، بسته‌های آموزشی، سایت‌های اینترنتی و نرم‌افزار هم تعریف می‌شود، زیرا کتاب براساس همه این مؤلفه‌ها به هدف می‌رسد و معلم باید به دانش‌آموز خود بگوید چه کاری انجام بدهد تا به نتیجه برسد.

● خانم فلاحیان شما در خصوص بحث فرایند و ادامه صحبت آقای پرتوی نقطه‌نظری دارید. لطفاً بفرمایید.

فلاحیان: یک چالش بزرگ که ما در بحث تألیف با آن روبه‌رو بودیم و برایمان مشخص است، محقق بودن مؤلف است. یعنی مؤلف، علاوه بر کار تألیف، باید محقق و پژوهشگر هم باشد. فرض کنید در بحث جغرافیای اقتصادی از آمریکا و روسیه به‌عنوان صاحبان رتبه اول در تولید گندم یاد می‌شد، اما امروزه کشور چین و یکی دو کشور دیگر هم مطرح هستند. درس جغرافیای سیاسی باید به‌روز باشد. اما در کتاب درسی ما نمی‌توانیم از منابع غیرموثق اطلاعات و محتوا را در کتاب وارد کنیم. مؤلف ابتدا باید تحقیق و سپس محتوا را به زبان قابل فهم شاگرد ارائه کند.

گاهی برخی از نکته‌های موردنیاز برای کتاب درسی منابع مستقیم ندارند. فرض کنید برای درس حمل‌ونقل در درس جغرافیا باید اطلاعاتی را در کتاب بیاوریم. من برای این کار ناچار شدم آمارهایی را از منابع حمل‌ونقل هوایی، دریایی و زمینی بگیرم. باید از منابع قابل اطمینان اطلاعات دریافت کرد. بنابراین، نباید تصور کرد مؤلف فقط کسی است که خوب می‌نویسد. این کار مثل اثبات نوشتن نیست، بلکه مؤلف باید دانش را به‌روز تحقیق کند. اینجاست که باید گفت محقق بودن مؤلف اصلاً دیده نمی‌شود. مؤلفان ما در این سال‌ها در زمان کوتاهی که برای

تأمین محتوای کتاب‌ها داشتند، بسیار تلاش کردند و فشار زیادی را تحمل کردند. فرض کنید برای نوشتن یک کار باید سه سال فرصت می‌داشتند، اما ناچار بودند ظرف چهار پنج ماه کار را به سرانجام برسانند. برخی کتاب‌ها بسیار پرکارند و برخی باید به روز باشند. تعدادی از کتاب‌ها هم بیش از بقیه عکس، جدول، نقشه، طرح، نمودار و نظایر این‌ها نیاز دارند. پرتوی: من می‌خواهم در ادامه صحبت‌های جناب آقای احمدی در خصوص سامان‌دهی و رویکردها، به نکاتی اشاره کنم. ما در بحث علوم انسانی و درس‌های اجتماعی باید محتواهایی را تولید و انتخاب کنیم که با زندگی بچه‌ها مرتبط باشد و به تقویت مهارت‌ها و شایستگی‌های دانش‌آموزان منجر شود. به همین دلیل، کار علوم انسانی از علوم تجربی سخت‌تر است. در علوم انسانی، مباحث حالت انتزاعی دارند و ما باید آن‌ها را طوری سامان‌دهی کنیم که دانش‌آموز را برای زندگی آینده‌اش آماده کنیم. در مطالعات اجتماعی، براساس رویکردها و برنامه‌های تحولی، کار تألیف و برنامه‌ریزی درسی و ارائه بسته‌های آموزشی باید به گونه‌ای باشد که در انتقال محتوا فقط پرکردن ذهن دانش‌آموز ملاک نباشد، بلکه در قالب کاوشگری و حالت اجرایی داشته باشد و او را درگیر مسائل زندگی و کاربردی کند. لذا باید مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و کاوشگری‌ها را طراحی کرد که شاگرد را درگیر، علاقه‌مند و باانگیزه کند و به تقویت شدن راه و روش در او بینجامد. این امر مهم با هدایت و راهنمایی معلم به موفقیت می‌رسد. باید برنامه را طوری طراحی و ارائه کنیم که اگر شاگرد مشتاق شد، خودش بتواند مسیر را پیدا کند و ادامه بدهد. برای مثال، داده‌های جغرافیایی در فرایند آموزش مهم هستند، اما هدف اصلی این نیست. باید مهارت و علاقه را در شاگرد تقویت کنیم تا خودش جست‌وجو کند که به یک فهم درست برسد و تحلیل و قضاوت درست از موضوع داشته باشد.

● اجازه بدهید به‌عنوان آخرین سؤال درباره چالش‌ها و کاستی‌های مرتبط با این موضوع با هم صحبت کنیم و از نظرات شما مطلع باشیم.

پرتوی: اول انتخاب و سامان‌دهی محتواست که باید فعالیت‌محور باشد و کلاس را از حالت منفعل به سمت کلاس زنده هدایت کند. نوشتن چنین محتوایی نیازمند زمان و تجربه است. ما به تدریج همین کار را انجام می‌دهیم که این امر خود حاصل خلاقیت، نوآوری و تجربه‌هایی است که حتی از کشورهای دیگر گرفته‌ایم. ما قبول داریم که خودمان در این زمینه در

چالش بعدی این است که اسناد تحولی ما نگاه فوق‌العاده تربیتی، جالب و جذابی در مورد امتحان و آزمون دارند. اما آیا آیین‌نامه‌های ارزشیابی ما هم از این امر پیروی می‌کنند؟ ما همچنان با روش حافظه‌محور پنجاه سال قبل کار و شاگردان خود را ارزشیابی می‌کنیم. ارزشیابی حلقه مهم و پایانی آموزش است. روش حافظه‌محور، به جای آنکه در این برنامه به ما کمک کند، روش‌های درس ما را هم خنثی می‌کند.

فلاحیان: الان یکی از نیازهای مبرم آموزش و پرورش کشور ما ایجاد تحول در مطالعه، تحقیق و تولید برنامه‌های مربوط به ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است. در حالی که اکنون این کنکور است که برنامه‌های آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا در این زمینه اقدام صحیح صورت نگیرد، تمام تلاش‌های ما برای تغییر کتاب‌های درسی بی‌اثر می‌شوند.

ملک محمودی: در بحث آموزش، ما با مثلث معلم، کتاب و دانش‌آموز روبه‌رو هستیم. دانش‌آموز که هر سال هست، کتاب را هم ما عوض می‌کنیم، اما نکته مهم در این باره معلم است. اگر معلم در این زمینه آموزش کافی نبیند، کار به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. من خودم مدرس آموزش‌های ضمن خدمت هستم و لازم است بگویم کیفیت‌های لازم را در این زمینه نداریم. دبیر غیرمرتبط آفت نظام آموزشی است. وقتی دبیر ورزش برود سر کلاس زمین‌شناسی، شما چه انتظاری از آن کلاس و دانش‌آموزانش دارید؟ اگر محیط‌زیست دغدغه کشور ماست، پس متخصص آن باید سر کلاس برود و تدریس کند. کتاب خوب و مفید برای آموزش نوشته و تألیف شده است، اما این معلم کاربرد و متخصص است که باید کلاس را هدایت کند.

فلاحیان: من هم کم بودن ساعات آموزشی را مانعی در این مسیر می‌دانم. این ساعت واقعی آموزشی نیست که الان ما داریم. برای هر درس حداقل باید دو زمان ۵۰ دقیقه‌ای داشته باشیم، حال آنکه در عمل ۷۵ دقیقه برای هر درس کلاس داریم. از سوی دیگر، تعطیلی روزهای پنجشنبه هم خودش آسیب است. شاگرد امروز این زمان آموزشی را از دست داده است. الان هم که نمی‌توانند آن را برگردانند. معلوم است که معلم هم آن را پذیرا نیست.

● از حضورتان در این گفت‌وگو صمیمانه سپاس‌گزاریم.



ملک محمودی: این طور نیست که وقتی یک کتاب نوشته می‌شود، دیگر دست‌نخورده و هیچ حک و اصلاحی نداشته باشد. اصلاح گاهی جزئی و گاه کلی است

حال تجربه هستیم و باید آن را تقویت کنیم. اما چالش دیگر در حوزه برنامه‌ریزی و تألیف است. تغییراتی هم در حوزه اجرا باید انجام شود که نشده‌اند. اسناد تحولی می‌گویند معلم باید آموزش ببیند و کلاس درس مجهز به تجهیزات شوند. اما آیا همه مدارس ما به این شرایط رسیده‌اند؟ نکته دیگر آن است که کلاس باید تعاملی و فعال باشد تا طبق برنامه نوشته شده در کتاب درسی، کار به نتیجه برسد. وقتی کلاس درس ۴۰ نفره است، معلم چگونه می‌تواند با روش فعالیت‌محور و کاوش‌محور پیش برود. در چنین کلاسی، معلم شبیه یک مبصر است تا رهبر و هدایت‌کننده. وقتی کلاس چنین جمعیتی دارد و امکانات لازم را ندارد، چطور می‌تواند برنامه جدید درسی را اجرا کند و به نتیجه هم برسد.

چاپ در ایران و نخستین قدم‌ها در راه مدنیت

محمد جواد احمدی‌نیا
پژوهشگر تاریخ چاپ

اشاره

خویش رقم زد، زرگری آلمانی به نام یوهانس گوتنبرگ^۲ بود. او که احتمالاً تا آن زمان از تهیه حروف متحرک^۴ در مشرق زمین بی‌خبر بود، در سال ۱۴۵۰ میلادی قالب حروف^۵ را ابداع و غرب را از شیوه نوین چاپی خویش مطلع ساخت. در سال ۱۴۵۵ نیز نخستین و مشهورترین کتاب خود را بدین سبک با عنوان «انجیل چهل و دو سطر»^۶ در ۱۶۰ نسخه ۱۳۰۰ صفحه‌ای به چاپ رساند (وایت، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

مسلمانان نیز، سال‌ها پیش از اختراع دستگاه گوتنبرگ، به واسطه ارتباط با شرق، از مصرف‌های گوناگون این صنعت آگاهی یافتند (سامرای، ۱۹۶۶: ۴۹). آن‌ها در اواخر سده سوم، در مشرق اسلامی و اندلس، به شیوه چینیان، با الواح چوبی کتاب‌هایی چاپ می‌کردند. همچنین، بیش از پنجاه سند در نزدیکی فیوم مصر کشف شده‌اند که به سال‌های ۲۷۸ تا ۷۵۱ قمری تعلق دارند و نشان می‌دهند آن‌ها با به‌کارگیری الواح چوبی روی پوست، کاغذ و پارچه، عمل چاپ را انجام می‌دادند. (استیپ چویچ، ۱۹۹۳: ۲۵۰-۲۴۹) اما ظاهراً اکراه مسلمانان از به‌کارگیری فن چاپ، که در این دوره فقط با الواح چوبی ممکن بود، به پیشرفت چشمگیر آنان در هنر خوش‌نویسی و کتاب‌آرایی بر می‌گردد که به این دلیل، تا مدت‌ها کتاب‌های ساده چاپی نمی‌توانست در بازارهای اسلامی جایی باز کند (سامرای، ۱۹۹۶: ۴۹). تا آنجا که حروف به‌کار رفته در این چاپ‌ها در مقایسه با نسخه‌های خطی نفیس مسلمانان چندان جذابیتی برای آنان نداشت. برای نمونه، کتاب قانون ابن‌سینا، چاپ ۱۵۹۳ میلادی در مطبعه مدیچی^۷، یک دهم نسخه خطی این اثر قیمت داشت، ولی طلاب مسلمان حاضر به خرید آن نبودند (قدوره، ۱۹۹۶: ۱۱۷).

ابداع صنعت چاپ سرآغاز تحولی دوران‌ساز در زندگی بشر بوده و تغییرات و جابه‌جایی‌هایی را در زندگی اجتماعی پدید آورده است. بی‌شک ورود چاپ سری به ایران در دوره قاجار، یکی از پایه‌های مدرن شدن جامعه ایرانی، تحرک اجتماعی و سوادآموزی طبقات فرودست جامعه بود که به برکت صنعت چاپ، راه آن گشوده شد.

ایرانیان از نظر تاریخی بسیار دیرتر از دیگر ملل دنیا صاحب صنعت چاپ شده‌اند و حتی سالیان طولانی از داشتن چاپخانه محروم بوده‌اند. اگر بخواهیم کشورهای لاتین زبان را نیز نادیده بگیریم، حتی نسبت به کشورهای که به لحاظ مذهبی و شیوه نگارشی اشتراکاتی با ایران داشته‌اند نیز ایران با تأخیر به صنعت چاپ دست یافته و از خیلی از مزایای آن بی‌بهره بوده است، به گونه‌ای که قبل از آمدن صنعت چاپ به ایران، بسیاری از کتاب‌های عربی و فارسی در کشورهای دیگری همچون هند، مصر، عثمانی و حتی در کشورهای اروپایی مانند ایتالیا، انگلیس و روسیه چاپ می‌شدند.^۱

درآمدی اجمالی بر تاریخ چاپ در جهان

چاپ سری به کنار هم قرار دادن حروف متحرک فلزی و ساختن کلمات و سطور از طریق آن‌ها انجام می‌شود. در هنگام ورود چاپ به ایران، چاپ سری را به اعتبار واژه لاتین آن، «تیپوگرافی»^۲ می‌نامیدند. در کتاب «معرفة فی الفنون و الصنایع» (۱۳۲۴ قمری) آمده است:

«حروفات چاپ را تیپ نامیده و چون عمل چاپ حکم کتابت را دارد، لهذا چاپخانه را تیپوگرافی یعنی با تیپ نوشتن و کارگران را تیپوگراف می‌نامند، یعنی حروف‌چین...» (دوشوز، ۱۳۲۴: ۳۷۶-۳۷۵) در تاریخ اولین کسی که اختراع چاپ را به نام

چاپ سربی با کنار هم قرار دادن حروف متحرک فلزی و ساختن کلمات و سطور از طریق آن‌ها انجام می‌شود. در هنگام ورود چاپ به ایران، چاپ سربی را، به اعتبار واژه لاتین آن، «تیپوگرافی»^۲ می‌نامیدند.

گرفته بود، اما ایرانیان فارسی‌زبان سالیان دراز توجهی به آن نداشتند و در قیاس با بسیاری از کشورها، بسیار دیر به مزایا و نتایجی که صنعت چاپ می‌توانست در جامعه داشته باشد پی بردند (آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۲۲۹/۱). اگر هم اشتیاق و علاقه‌ای وجود داشته، تنها از مرحله حرف جلوتر نمی‌رفته است، چنانکه ژان شاردن^{۱۲}، جهانگرد معروف فرانسوی، در سفرنامه‌اش به ایران می‌نویسد:

«ایرانیان صد دفعه تا حال خواسته‌اند مطبعه داشته باشند. فواید و منافع آن را می‌دانند و ضرورت و سهولت آن را می‌سنجند، لیکن تا حال کامیاب نشده‌اند. برادر وزیر اعظم که آدم خیلی عالم و مقرب است، در سنه ۱۰۸۷ قمری از من خواست تا عمله از فرنگ بیاورم که این کار را به ایرانیان بیاموزد و کتب عربی و فارسی که من به او دادم به شاه نشان داد و اجازه گرفته بود، ولی وقتی پای پول به میان آمد، همه چیز به هم خورد» (شاردن، ۱۳۴۹: ۱۳۳۶).

ورود چاپ به ایران در دوره قاجار

دوره قاجار زمان ورود بسیاری از پدیده‌های نوین اجتماعی به ایران بود. در همین راستا، گسترش فرهنگ چاپ نیز از تحولات فرهنگی مهم آن عصر به شمار می‌رود. تحول عمده در فن چاپ و انتشار مواد چاپی، اعم از کتاب و روزنامه، از دوره ولایت‌عهدی عباس میرزا (۱۲۰۳ تا ۱۲۴۹ق)، پسر فتحعلی شاه قاجار، آغاز می‌شود که با پیامدهای جنگ‌های ایران و روس مصادف شد. شاید او نخستین کسی بود که به نیاز درک بنیان فکری، تجربیات و دستاوردهای تکنیکی و نظامی غرب پی برد!

«علت اصلی آنکه شاهزاده ولیعهد را به فکر بهره‌گیری از دستاوردهای دانش اروپاییان وا داشت، شکست ایران در جنگ با روسیه در سال‌های ۱۳- ۱۸۰۳ میلادی بود. شکست‌های جنگی او را بر آن داشت راهی برای تقویت ارتش جست‌وجو کند. از این‌رو، انگلیسی‌ها را به خدمت گرفت تا سپاه او را سازمان‌دهی کنند. با درک لزوم داشتن نیروهای خودی، عباس میرزا چندین بار جوانان ایرانی را برای آموزش‌های نظامی، کارهای ساختمانی و آموختن مهندسی، ریاضی



پیشینه تاریخ چاپ در ایران

اگر بخواهیم چاپ را همان شیوه‌ای بدانیم که گوتنبرگ اختراع کرد و با حروف متحرک انجام می‌گرفت، تاریخ و زمان اولین ورود چاپ به ایران به قرن ۱۱ قمری، یعنی دوران حکومت صفویه، بر می‌گردد. در آن عهد، اولین چاپخانه حروفی با حروف مجزا را ارامنه کارملی^۸ در اصفهان دایر کردند. پدر جان تادئوس^۹ ۱۰۲۷ قمری درخصوص معرفی این شیوه جدید چاپی به شاه‌عباس در چنین نوشته است:

«حروف چاپی را طی ملاقات رسمی به سال ۱۶۱۸ میلادی در قزوین به شاه‌عباس نشان دادم. او علاقه زیادی نشان داد و بیان داشت که مایل است چاپخانه‌ای در کشور خود راه‌اندازی کند و شاه حتی من را مسئول تأمین آن کرده است.» (A Chronicle..., 305:1939)

نخستین کتابی که به این شیوه در ایران چاپ شد، «ساغوس»^{۱۰} یا «زبور داود» نام دارد که خلیفه خاچادور کیساراتسی^{۱۱} به حروف ارمنی در کلیسای وانک اصفهان به سال ۱۰۴۹ قمری منتشر کرد. این کتاب ۵۷۲ صفحه با ابعاد ۸/۵×۱۵/۲ سانتی‌متر دارد که وی و همکارانش همه وسایل چاپ آن را از کاغذ و مرکب تا ماشین و حروف خود با زحمت فراوان ساختند. با آنکه چاپ در ابتدا در دوره صفویه به زبان ارمنی یا

و فیزیک به اروپا فرستاد. بخشی از فرستادگان نیز باید پزشکی و هنر، و بخشی دیگر زبان‌های خارجی می‌آموختند. چند تن نیز کار چاپ را فراگرفتند» (شگلو، ۱۳۸۸: ۴۰).

این نبرد و پیامدهای آن در جامعه سبب شد شروع چاپ در ایران با این حادثه تاریخی مهم گره بخورد و اولین کتابی هم که در ایران به طبع رسید، کاملاً در ارتباط با این نزاع باشد.

«دارالسلطنه تبریز» مکانی است که در آن کتاب «رساله جهادیه» در سال ۱۲۳۳ قمری (تصویر ۲) توسط محمدعلی بن محمدحسین الاشتیانی به شیوه چاپ سربی انتشار یافت.

این کتاب مجموعه‌ای از سخنان بزرگان و مراجع تشیع است که به منظور تهییج مردم به نبرد با نیروهای روس صادر شده است. فتح‌علی‌شاه برای کمک به عباس میرزا به فکر جهاد مسلمانان افتاد. برای انجام این مقصود به میرزا بزرگ قائم‌مقام فرمان داد علمای شیعه فتوای مبنی بر جهاد علیه دشمنان اسلام را صادر کنند (بابازاده، ۱۴: ۳۷۸).

در ارتباط با تاریخ چاپ رساله جهادیه در ترقیمه آن نوشته شده است: «قد تم الكتاب علی ید اضعف العباد محمدعلی ابن حاجی محمدحسین الاشتیانی المامور بعمل الطبع من الدوله العلیه القاجاریه فی دارالانطباع الواقعه فی بلده تبریز بتاريخ خمس و عشرين شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۳ هجریه»

تولید کتاب‌های چاپ سربی در ایران در ابتدا کاملاً مطابق شیوه کتاب‌آرایی سنتی ایرانی بوده است و سازندگان آن‌ها تا آنجا که امکانات محدود این شیوه چاپی اجازه می‌داد، سعی می‌کردند این کتاب‌ها را مطابق با اصول کتاب‌آرایی سنتی ایرانی انجام دهند و این دلیلی نمی‌تواند داشته باشد، جز اینکه ما بسیار دیرتر از کشورهای دیگر و حتی منطقه، به صنعت چاپ دست یافتیم. به همین دلیل، برای حروف‌چینان و به‌خصوص عموم مردم جامعه، ارتباط با شیوه کتاب‌آرایی جدید غربی سخت بوده است، از این‌رو، چاره‌ای جز این نبود که نسخه‌های خطی ایرانی سرلوحه ساخت کتاب‌های چاپ سربی قرار گیرند.

بدین ترتیب، روند رشد چاپ کتاب به شیوه سربی آرام‌آرام در مسیر جدی خود قرار گرفت و به تناوب شاهد چاپ کتاب‌های دیگری نیز در این شهر و شهرهای دیگر ایران بودیم. در سال‌های بعد، این روند آرام جای خود را به روندی سریع و با کیفیت‌تر داده و هرچه بیشتر زمان می‌گذشت، این سرعت و کیفیت در مسیر تجربه نیز قرار گرفت و کتاب‌ها اصولی‌تر چاپ و حروف‌چینی شدند.

با آنکه چاپ در ابتدا و در دوره صفویه به زبان ارمنی پا گرفته بود، اما ایرانیان فارسی زبان سالیان دراز توجهی به آن نداشتند و در قیاس با بسیاری از کشورها، بسیار دیر به مزایا و نتایجی که صنعت چاپ می‌توانست در جامعه داشته باشد پی بردند

منابع

۱. آرتین پور، یحیی (۱۳۵۴). از صبا تا نیما. تهران.
۲. استیچیویچ، الکساندر (۱۹۹۳). تاریخ، ترجمه محمد ارنالووط، مجلس الوطنی للثقافه و الفنون و الاداب، کویت.
۳. بابازاده، شهلا (۱۳۷۸). تاریخ چاپ در ایران، کتابخانه طهوری، تهران.
۴. دوشوز، لسون (۱۳۲۴). معرفه‌البدايع فیالفنون و الصنائع. ترجمه عیسی طیب. مطبعه شاهنشاهی، تهران.
۵. شاردن، ژان، (۱۳۴۹). سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد ۲، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۶. شگلو، الیمپادا پاولونا (۱۳۸۸). تاریخ چاپ سنگی در ایران. ترجمه پروین منزوی. معین، تهران.
۷. قدوره، وحید (۱۹۹۶). ندوة تاریخ العربیه حتی القرن عشر (اوائل العربیه بلادالشام)، منشورات الثقافی، ابوظبی.
۸. وایت، الکس (۱۳۸۹). تاملی در طراحی حروف. ترجمه محمدرضا عبدالعلی و عاطفه متقی. فرهنگسرای میردشتی، تهران.

9. A Chronicle of the Carmelites in Persia (1939). vol.1, London

پی‌نوشت‌ها

۱. به‌عنوان نمونه می‌توان به چاپ کتاب‌های فارسی «داستان مسیح» در سال ۱۶۳۹ میلادی در اروپا و «دیوان حافظ» در سال ۱۷۹۱ میلادی در هند اشاره کرد.

2. Typography
3. Johannes Gutenberg
4. Movable Types
5. Matrix
6. The 42-Line Bible
7. Medici
8. Carmelite
9. John Thaddeus
10. saghmosaran
11. Khachator Kesaratsi
12. Jean Chardin



برنامه درسی باید به خلاقیت منجر شود

میزگردی با تنی چند از مؤلفان کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش

محمدحسین دیزجی

اشاره

کتاب‌های کشاورزی، بشری گلبخش، سرگروه هنر و مؤلف کتاب‌های صنایع دستی و فرش، معصومه صادق، رئیس گروه خانواده و سلامت و مسئول برنامه‌ریزی رشته کودکیاری، و طیبه کنشلو، مسئول کمیسیون صنایع شیمیایی و مؤلف کتاب‌های رشته صنایع شیمیایی، در این نشست به سؤالات ما پاسخ دادند.

● این روزها دیگر کتاب به تنهایی منبع آموزش نیست. منابع آموزشی مطرح هستند و مخاطبان با پدیده‌ای به نام «بسته آموزشی» سروکار دارند. در شاخه فنی و حرفه‌ای بسته آموزشی حاوی چه اجزایی است؟

کنش‌لو: در وضعیت فعلی آموزش فنی و حرفه‌ای، بسته یادگیری یا همان بسته آموزشی شامل کتاب درسی هنرجو، کتاب همراه هنرجو، کتاب هنرآموز و برخی نرم‌افزارهای دیگر می‌شود. گذر از تألیف منبع آموزشی به سمت کتاب درسی، اتخاذ رویکرد پودمانی در تألیف، ارائه و ارزشیابی، کاهش حجم محتوا با تأکید بر فعالیت‌های یادگیری ساخت یافته، درهم تنیدگی شایستگی‌های فنی و غیرفنی در محتوا، و

ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید و کارآفرینی، آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد، ارتقای کیفیت آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی، فراهم‌سازی زمینه دستیابی به عدالت آموزشی در حوزه شغل و حرفه، زمینه‌ساز تحول در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در نظام آموزش و پرورش ما شده‌اند. یکی از گام‌های مهم در این مسیر، تغییر و اصلاح کتاب‌ها و منابع آموزشی است. این کتاب‌ها و منابع چه ویژگی‌هایی دارند؟ چگونه تدوین و تألیف و آماده‌سازی می‌شوند؟ فراز و فرود کار در این مسیر به چه ترتیب است؟ آیا روال کار به همان ترتیب کتاب‌های دوره نظری است؟ شیوه ارزشیابی در گروه فنی و حرفه‌ای بر چه منوال است؟

با چنین سؤالاتی، با تنی چند از پدیدآورندگان و افراد مؤثر در تألیف کتاب‌های درسی گروه فنی و حرفه‌ای به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن پیش روی شماست. دکتر مهدی اسماعیلی، عضو هیئت علمی و رئیس گروه مکانیک دفتر تألیف، سیدمحمود صموتی، مدرس، محقق و مؤلف کتاب‌های الکترونیک، جلیل تاجیک، مدرس، مؤلف و رئیس گروه

نیز در نظر گرفتن انواع تعامل بین هنرجو و هنرآموز، هنرجو و محتوا، و هنرجو و هنرجو از طریق طراحی فعالیت‌های یادگیری ساخت‌یافته، از جمله ویژگی‌های کتاب‌های جدید فنی و حرفه‌ای هستند.

● منظور از شایستگی‌های غیرفنی در کتاب‌های فنی و حرفه‌ای چیست؟

صادق: به آن دسته از شایستگی‌هایی که فرد را برای اشتغال بهره‌ور آماده می‌سازند، شایستگی‌های غیرفنی می‌گوییم. مسئولیت‌پذیری، مدیریت منابع، مدیریت زمان، وجدان کاری، احترام به مشتری، و رعایت اخلاق حرفه‌ای از جمله مواردی هستند که در کتاب‌های جدید به آن‌ها توجه شده است. این موارد چه به صورت مستقل در امر آموزش و چه به صورت درهم تنیده در فعالیت‌های عملی قابل ارزشیابی، برای پیشرفت تحصیلی هنرجویان لحاظ شده‌اند.

● کتاب‌های فنی و حرفه‌ای با کتاب‌های گروه نظری تفاوت‌هایی دارند که شاید در نگاه اول خیلی مشخص نباشد. از ویژگی‌های این کتاب‌ها برایمان بیشتر بگویید.

صموتی: کتاب‌های فنی و حرفه‌ای با سایر کتاب‌ها تفاوت دارند. این کتاب‌های درسی در قالب بسته آموزشی و به صورت درهم تنیده تهیه می‌شوند. مباحث نظری، عملی، نرم‌افزاری و شایستگی غیرفنی باید در کتاب‌های درسی گنجانده شوند. محتوای چنین کتاب‌هایی باید در کارهای عملی و پروژه‌ها قابلیت

اجرا داشته باشد. برای اجرایی نوشته شدن فعالیت، مؤلف باید پیش از تألیف آن را در عمل انجام داده باشد. بعد از همه این‌ها یکی از شرط‌های به نتیجه رسیدن، داشتن زمان است. ما در بخش فنی و حرفه‌ای باید هر موضوع و مبحث را خودمان در عمل اجرا کرده و به نتیجه رسیدن آن را دیده باشیم.

اسماعیلی: ما برخلاف کتاب‌های نظری، ابتدا باید خودمان هر محصول را بسازیم. این کار به طراحی نیاز دارد. چنین فرایندی در همه کتاب‌های درسی ما رعایت شده، به منت‌های خود رسیده و در عمل اجرا شده و سپس به کتاب درسی راه یافته است. پودمانی بودن درس‌ها را هم باید رعایت کنیم. در نهایت پس از همه این موارد کتاب درسی تهیه و تدوین می‌شود. حالا در کنار این کتاب‌ها، باید فیلم، نرم‌افزار، پوستر و سایر مواد آموزشی مورد نیاز را هم تهیه و ارائه کنیم. انجام این مراحل نیازمند زمان و بودجه است. همکاران ما در سازمان برای آماده‌سازی و تألیف کتاب‌ها فداکاری می‌کنند. تابلوهای آموزشی و قطعاتی را که در این زمینه می‌سازیم، باید از نزدیک ملاحظه کنید. ما در کنار این کار، مؤلف هم تربیت می‌کنیم.

ما در کشورمان پیش از این به تولید علم خیلی توجه داشتیم. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدیم که باید به کارآفرینی و نیازهای جامعه توجه نشان بدهیم. در زمینه فناوری آموزشی و تربیت نیروی انسانی هم لازم است کار کنیم. ما باید تفکر خلاق سیستمی را آموزش بدهیم. در واقع برنامه درسی تنها هدف ما نیست، بلکه آموزش باید به خلاقیت منجر شود.



اسماعیلی: لازم است بین مسئولان آموزش و پرورش و سایر سازمان‌ها و نهادهای ارتباطات بیشتر و بهتری برقرار و تفاهم‌نامه‌های عملی و قابل اجرا نوشته شوند تا هنرجویان این رشته‌ها بتوانند در آینده با امید بیشتری وارد دنیای کار شوند



صموتی: یکی از مشکلات ما در تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای، همانا تأمین عکس، فیلم و رسامی برای مطالب و محتواهای درسی است. گاهی تأمین عکس مناسب هزینه فراوانی دارد



صادق: سعی کردیم آموزش ما مبتنی بر دنیای کار باشد. کتاب‌های ما کارگاهی‌اند و کارآموزی دارند



گل‌بخش: ما کتاب‌های فنی و حرفه‌ای را طوری طراحی کرده‌ایم که معلم بتواند پروژه کتاب را تغییر بدهد. حتی معلم می‌تواند با توجه به تفاوت‌های فردی، اقلیمی، محیطی و نوع منطقه تغییراتی را ایجاد کند

فنی و حرفه‌ای نباید غفلت کرد. اسماعیلی: من در مورد مبحث ایمنی در کتاب‌های فنی و حرفه‌ای می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم. تصور کنید کار با یک وسیله یا دستگاه را در یک کتاب توضیح می‌دهیم. زیر هر تصویر و مرتبط با آن وسیله، باید توضیحاتی آورده شود تا شاگرد با توجه به آن و توضیحات معلم کار را با دقت یاد بگیرد. حالا تصور کنید که صفحه‌آرا، تمام این توضیحات لازم را از زیر تک‌تک تصویرها حذف کند و آن‌ها را در یک پاکس جداگانه و در انتهای مطلب بیارد و شاگرد هم نسبت به این نکات ایمنی بی‌دقت باشد. آموزش ما پله‌پله است و با حذف توضیحات در عمل آموزشی صورت نمی‌گیرد.

از طرف دیگر، وقتی من وسیله‌ای را در کتاب معرفی می‌کنم، باید همهٔ مدرسه‌های مرتبط با این رشته، آن وسیله را داشته باشند. درحالی‌که ممکن است فقط تعدادی از مدرسه‌ها از این وسیله برخوردار باشند. در هر صورت، باید نکات ایمنی را با دقت اجرا کرد. اگر شاگرد متوجه نکات ایمنی نشود، خسارت و حادثه خواهیم داشت. اینجاست که حوادث شغلی و مشکلات بیمه‌ای مطرح می‌شوند.

تاجیک: ما این روند را طی کردیم، اما در ارزشیابی مشکل داشتیم. در این مسیر، از نوشتن ماکت یک درس گرفته تا انجام فعالیت‌های عملی و کار با ابزارهای متفاوت را باید در نظر بگیریم. در حوزه کار ما نکات ایمنی هم وجود دارند که نباید از آن‌ها غافل شد.

● یک مثال می‌زنید؟

تاجیک: هنرجوی دورهٔ کشاورزی در بخشی از دورهٔ آموزشی خود باید پشت تراکتور بنشیند و برای آموزش موضوع مورد نظر تجربه کند. او در این سن و سال گواهی‌نامه ندارد. اگر هم کار نکند یاد نمی‌گیرد. پس چطور باید این فناوری را فرا بگیرد. نکات ایمنی و ارگونومی در کار ما اهمیت زیادی دارند. از کنار شایستگی غیرفنی و اخلاق حرفه‌ای هم که نمی‌توان گذشت. این موارد را باید به هنرجو آموزش داد. وقتی به هنرجوی رشتهٔ کشاورزی بذر می‌دهید تا در زمین بکارند، اگر پیش از آن اخلاق حرفه‌ای را به او آموزش نداده باشید، ممکن است بذرها را براساس اصول صحیح در زمین قرار ندهد و مثلاً همه را یک‌جا بپاشد و کار را رها کند. آموزش نکته‌های زیست‌محیطی به افراد نیازمند زمان است.

● ارزشیابی این درس‌ها چگونه است؟

● بنابراین از بحث ایمنی در کتاب‌های



تاجیک: اشتباه تایی در حوزه کتاب‌های نظری ممکن است به بدفهمی و کج‌فهمی منجر شود اما در کتاب‌های ما گاه تا خسارت‌های تجهیزاتی، مالی و جانی پیش می‌رود



کنش‌لو: در وضعیت فعلی آموزش فنی و حرفه‌ای بسته یادگیری یا همان بسته آموزشی شامل کتاب درسی هنرجو، کتاب همراه هنرجو، کتاب هنر آموز و برخی نرم‌افزارها می‌شود

حائز اهمیت است، تلاش کرده‌ایم این موارد از طریق کتاب‌های درسی در وجود بچه‌ها نهادینه شوند. لذا بحث شایستگی‌های فنی و غیرفنی، هر دو را مدنظر قرار داده‌ایم. یعنی هنرجو نمی‌تواند بدون توجه به ایمنی در آن درس نمره بیاورد. در بحث بحران آب هم گروه کشاورزی ما کار کرده است و کشور را از نظر منطقه آبخیز و کشت انواع محصولات تقسیم‌بندی کرده‌ایم. درواقع به مخاطب انواع کشت‌ها و محصولات را در کنار وضعیت مناطق معرفی کرده‌ایم، اما برای آنان مشخص شده است که در کدام مناطق چه مباحثی باید تدریس و چه اقلامی باید کشت شوند. برای مثال، کشت برنج مختص مناطق پرآب است و در مناطق دیگر نباید کشت شود.

● **کتاب‌های فنی و حرفه‌ای از تعدد و تنوع در رشته‌ها و شاخه‌ها برخوردارند. تهیه و تدوین این کتاب‌ها نیازمند دسترسی به افراد متخصص در آن شاخه‌هاست که معمولاً خیلی به چشم نمی‌آیند.**

گل‌بخش: ما کتاب‌های فنی و حرفه‌ای را طوری طراحی کرده‌ایم که معلم بتواند پروژه کتاب را تغییر بدهد. حتی معلم می‌تواند با توجه به تفاوت‌های فردی، اقلیمی، محیطی و نوع منطقه تغییراتی را ایجاد کند. برای مثال، در حوزه صنایع دستی افراد

صموتی: سیاست‌های ارزشیابی باید بیرونی باشند درحالی‌که اکنون درونی هستند. یعنی باید کارها از بیرون و براساس استانداردهای آموزشی و آرسی و ارزشیابی شوند.

صادق: ما نباید کتابی بنویسیم که در همه جا برای همه قابل اجرا باشد. نظام آموزشی ما باید به طرف آموزش غیرمتمرکز پیش برود. هر کتاب را باید براساس منطقه و نیازهای آن نوشت و تألیف کرد.

صموتی: ارزشیابی ما باید به گونه‌ای باشد که وقتی مدرکی به دست هنرجو دادیم، در همه جا معتبر باشد. وقتی شما به یک خلبان یا مهندس مدرک می‌دهید، جاهای دیگر هم آن را می‌پذیرند. **تاجیک:** البته کتاب‌های جدید همکاران ما را هم به تحرک و پویایی واداشته‌اند. وقتی کتاب تنها به صورت تئوری باشد، مخاطب رغبتی برای یادگیری ندارد. در هنرستان رشته کشاورزی، کتاب و محتوای تئوری جواب نمی‌دهد. هنرجو درس پرورش قارچ را در عمل و سر زمین کشاورزی به درستی یاد می‌گیرد و تجربه می‌کند. فلسفه درهم تنیدگی همین است. وقتی علم و عمل و نگرش و مهارت را یکجا به مخاطب ارائه می‌کنید، او در عمل می‌آموزد و اخلاق حرفه‌ای را هم در عمل فرا می‌گیرد.

گل‌بخش: از آنجا که ایمنی و محیط‌زیست بسیار



اسماعیلی: پیش از این به تولید علم خیلی توجه داشتیم. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدیم که باید به کار آفرینی و نیازهای جامعه توجه نشان بدهیم.

صادق: سعی کردیم آموزش ما مبتنی بر دنیای کار باشد. کتاب‌های ما کارگاهی‌اند و کارآموزی دارند. هنرجو برای فهم بهتر و نهادینه شدن مطلب باید در عمل کار انجام بدهد. بحث آموزش در هنرستان باید با کار و امکانات همراه باشد. لذا باید با نهادهای مرتبط ارتباط گرفت و برای تربیت نیروی کارآمد و ماهر از آنان یاری خواست. اگر این اتفاق نیفتد، کار آموزش در هنرستان ابتر می‌شود. **اسماعیلی:** معاونت آموزشی وزارتخانه باید این کار را اجرایی کند. لازم است بین مسئولان آموزش و پرورش و سایر سازمان‌ها و نهادهای ارتباط بیشتر و بهتری برقرار و تفاهم‌نامه‌های عملی و قابل اجرا نوشته شوند تا هنرجویان این رشته‌ها بتوانند در آینده با امید بیشتری وارد دنیای کار شوند. ما امروز چند مسئول در کشورمان داریم که از حوزه فنی و حرفه‌ای به آن جایگاه و مسئولیت رسیده‌اند؟

● **با این توصیف‌ها که شما تا اینجا در مورد کتاب‌های فنی و حرفه‌ای داشتید، اشتباه در نوشتار و تایپ مطالب هم می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. تاجیک:** بله، یکی از نکته‌های مهم در تألیف کتاب‌های درسی حوزه فنی و حرفه‌ای بحث اشتباه

متخصص در سراسر کشور پراکنده‌اند. البته برخی رشته‌ها مختص برخی استان‌ها هستند. ما برای نوشتن کتاب سراغ افراد متخصص همان منطقه رفتیم. تعدادی از آن افراد متخصص هستند اما توان نوشتن تخصص خود را ندارند. لذا ما تمام هماهنگی‌های لازم را انجام داده‌ایم تا کتاب منطبق با ادبیات آن منطقه، رشته و تخصص خاص تألیف شود. دریافت اطلاعات از این افراد و تبدیل آن به محتوای آموزشی، زحمت و پیچیدگی خاص خود را دارد. تصور کنید شخص متخصصی داریم که فرش‌های موزه‌ای را مرمت می‌کند. او آدم خاصی است. نه می‌توان از کار و تخصصش چشم پوشید و نه به راحتی می‌توان اطلاعات لازم را در این رشته از وی دریافت کرد.

کنش لو: تألیف کتاب‌های تخصصی رشته‌های فنی و حرفه‌ای و از جمله رشته صنایع شیمیایی با مشکلات و محدودیت‌های بسیاری همراه است. موارد زیر از این جمله‌اند:

- آشنا نبودن یک مؤلف با تمامی مباحث رشته که تعدد مؤلفان را ایجاد می‌کند.
- گستردگی و پراکندگی بیش از حد رشته صنایع شیمیایی و دانش پایه ضعیف هنرجویان، عدم آشنایی کامل برخی از مؤلفان به امکانات هنرستان و توانایی هنرجویان.

نوشتاری و تایپ مطالب است. در حوزه کتاب‌های نظری اگر این اتفاق بیفتد، بدفهمی و کج‌فهمی اتفاق خواهد افتاد، اما در کتاب‌های ما گاهی هزینه‌های غیرقابل جبرانی به دنبال خواهد داشت. این خسارت‌ها ممکن است تخریب ابزار و تجهیزات، و یا مالی و جانی باشد. فرض کنید در کتاب یک عدد مربوط به برق، بر حسب آمپر، وات و امثال آن به اشتباه نوشته شود. مثلاً ۲۲۰ ولت را ۱۲ ولت بنویسیم و هنرجو با این خطا دچار برق‌گرفتگی می‌شود. در ظاهر یک عدد اشتباه نوشته شده است، اما در واقعیت خسارتی به دنبال این آموزش پیش می‌آید.

اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. از این پس ترس در دل دانش‌آموز ما رخنه می‌کند و او دیگر دنبال یادگیری نخواهد بود. درحالی‌که اگر در دوره نظری این اتفاق بیفتد، در نهایت یک اشتباه عددی است که تصحیح خواهد شد. شاگرد شما اگر در دوره نظری با اشتباهی در آموزش درس خود روبه‌رو شود، به کلاس‌های خصوصی می‌رود و موضوع را یاد می‌گیرد. اما در رشته ما، کجا در بیرون از هنرستان دستگاه تراش داریم که هنرجو دنبال یادگیری مطلبی برود که در محیط هنرستان نتوانسته است آن را فرا بگیرد؟!

● آزادی عمل معلم در تدریس مطالب تا چه حد است؟

صموتی: از یک زاویه می‌توان این کتاب‌ها را زیر عنوان‌های تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی طبقه‌بندی کرد. در نوع تجویزی از معلم خواسته می‌شود محتوای کتاب را عیناً آموزش بدهد. نوع نیمه تجویزی به حالت پودمانی است که متناسب با شرایط اقلیمی و نیاز منطقه امکان انتخاب دارد. مانند آموزش کشت و آبیاری گندم و برنج در استان‌های متفاوت کشور که قابل انتخاب است. مورد سوم یا غیرتجویزی براساس برنامه درسی گفته می‌شود. معلم اختیار دارد براساس

برنامه آموزشی، محتوایی را که لازم می‌داند، درس بدهد. فرض کنیم معلم قرار است لحیم‌کاری را آموزش بدهد. او می‌تواند از انواع چسب، اتصالات و جوش برای تدریس خود استفاده کند.

● در بحث عکاسی، رسامی و فیلم‌برداری مورد نیاز کتاب‌های درسی شما وضعیت بر چه منوالی است؟

صموتی: یکی از مشکلات ما در تألیف این کتاب‌ها، همانا تأمین عکس، فیلم و رسامی برای مطالب و محتوای درسی است. گاهی تأمین عکس مناسب هزینه فراوانی دارد. زیرا باید عکس حرفه‌ای تهیه کرد و این کار با قیمت معمول و پایین میسر نیست. از سوی دیگر، برای رسامی هم دقت‌های خاص لازم است که هر گرافیکی امکان انجام آن را ندارد. برای برخی کارها هم نیازمند فیلم هستیم. این فیلم‌های آموزشی گاه باید در یک فاصله زمانی، مثلاً طی چند روز یا چند هفته، تکه‌تکه تهیه و آماده شوند. فیلم‌برداری که بخواهد با ما همراهی کند، در این فاصله زمانی، دستمزدی طلب می‌کند، که گاه تأمین آن میسر نیست.

● و سخن پایانی

اسماعیلی: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید به‌طور مستقیم با استانداردهای شایستگی حرفه‌ای مرتبط باشد و براساس آن‌ها تدوین شود. این امر برای ارزشیابی دقیق میزان توانایی فرد ضروری است. از نظر فردی، ارزشیابی می‌تواند به دریافت گواهی‌نامه و ورود به حرفه و شغل منجر شود، اما از نظر کارفرمایان، ارزشیابی می‌تواند در استخدام، ارتقا و برنامه‌ریزی برای آموزش‌های داخلی بکار برده شود.

● از شما برای حضور در این نشست و میزگرد صمیمانه تشکر می‌کنیم.

کیفیت چاپ

رضا جوادزاده

این قدر سخت می‌گیری! با این حال، من هیچ وقت در کارم ناامید نشدم. با گذشت زمان و پیگیری‌های مداوم و کم شدن حجم کارهای چاپی، کم‌کم توجه به چاپ کارهای آموزش و پرورش بیشتر شد. با خرید ماشین‌آلات جدید و بحث کنترل کیفیت و تست دوره‌ای مرکب و کاغذ امروزه می‌توان گفت بالاخره چاپ این مجلات و کتاب‌ها، در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به گذشته قرار گرفته است.

از دیگر عوامل نامطلوب بودن چاپ، وجود نیروهای غیرمحبوب و آموزش ندیده، به‌خصوص با توجه به بازنشسته شدن کارگران متخصص چاپ است. به‌طور طبیعی، آموزش نیروهای متخصص می‌تواند این مشکل را تا حدود زیادی جبران کند.

دغدغه دیگری که می‌تواند بر روند کیفیت چاپ تأثیر نامطلوب بگذارد، زمان محدود و حجم بالای کار و ضرورت رسیدن مجلات و کتاب‌های درسی در محدوده زمانی معینی است که صرف دقت و توجه لازم برای چاپ را با مشکل مواجه می‌کند.

سال گذشته که به‌طور اتفاقی یکی از همکاران دفتر تألیف را دیدم، ایشان پرسید، مگر امکانات چاپ مجلات رشد و کتاب‌های درسی متفاوت است؟! ایشان می‌خواست بدانند چرا کیفیت چاپ مجلات رشد نسبت به کتاب‌های درسی بهتر است. در جواب گفتم، امکانات یکی است. مشکل اینجاست که شما همواره باید کار خوب مطالبه کنید تا به نتیجه خوب هم برسید. و جواب این بود که متأسفانه ما فرصت چنین کاری را نداریم، چرا که درگیر تألیف کتاب‌ها هستیم و به محض پایان یافتن هر کتاب، باید برای کتاب سال بعد برنامه‌ریزی و کار کنیم.

بنده معتقدم، برای رسیدن به کیفیت مطلوب در چاپ، باید اصل کار با حداقل مشکلات و طراحی خوب و حرفه‌ای و زمان‌بندی دقیق صورت گیرد تا پس از آن بتوانیم کار بدون نقص هم مطالبه کنیم. در حال حاضر، در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، کنترل پیش از چاپ انجام می‌شود و قبل از چاپ، مشکلات فنی و هنری بررسی می‌شوند تا کار بدون اشکال به چاپخانه ارسال شود. این فرایند در سرعت و دقت و کیفیت چاپ مؤثر است. امید است با برنامه‌ریزی دقیق و پیگیری‌های به موقع بتوانیم در بهبود کیفیت چاپ تأثیرگذار باشیم.



اشاره

از دغدغه‌های مهم تولید مجلات رشد و کتاب‌های درسی، مسائل مربوط به فرایند چاپ است که کیفیت مطلوب آن همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. یکی از دلایل نامطلوب بودن چاپ این است که چون مجلات و کتاب‌های درسی شمارگان بالایی دارند، غالباً کمیت فدای کیفیت می‌شود و با توجه به محدود بودن زمان آن و توزیع سراسری، همواره «سرعت چاپ» بر «کیفیت آن» غلبه می‌کند.

از دیگر دلایل می‌توان به موضوع روزمرگی در چاپ اشاره کرد. چاپ مجلات و کتاب‌های درسی صرفاً به دو چاپخانه افسست، و چاپ و نشر محدود است و نبود رقیب، میل به بهتر شدن را کم می‌کند و روزمرگی را به دنبال دارد. برای مثال، از زمان شروع کار در چاپخانه افسست، به دلیل حجم بالای کار، تنوع کارهای چاپی و ظرافت‌های راضی نگه‌داشتن مشتریان، کار چاپ سنگین و سخت می‌نمود، اما چاپ مجلات رشد و کتاب‌های درسی از کارهای راحت‌تر و زمان صرف شده برای آن‌ها به نوعی زمان استراحت محسوب می‌شد. در واقع تمام توان کاری صرف کارهای دیگر می‌شد، زیرا کتاب‌های درسی و مجلات رشد بر روند سوددهی چاپخانه تأثیری نداشتند و جزو برنامه همیشگی و اصلی چاپخانه‌ها بودند که منحصر در این چاپخانه صورت می‌گرفتند. من برای تغییر این شرایط، در همان اوایل کار، روزی یکی از ماشین‌های چاپ را به خاطر نداشتن کیفیت مطلوب متوقف کردم. یکی از مسئولان وقت چاپخانه مرا مؤاخذه کرد که چرا

بسته آموزشی به مثابه رویکردی در تولید منابع آموزشی

با نگاهی به وظایف و
فعالیت‌های سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی

دکتر مرتضی مجدفر

آموزشی در دو بخش فعالیت‌های
تولیدی و فعالیت‌های نظارتی
و توأم با استانداردهای
طراحی شده توسط بخش‌های
گوناگون سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی بهره‌مند

شویم. در واقع، با کدام بخش این نرم‌افزار و اجزای آن
می‌توانیم تولیداتمان اعم از مجلات، کتاب‌ها، فیلم‌ها،
نرم‌افزارها، لوح‌های فشرده و جز آن‌ها را که در اصل
بخش‌هایی از اجزای هر بسته آموزشی هستند،
عرضه کنیم و با بهره‌گیری از کدام اجزای بسته
آموزشی به فعالیت‌های غیرتصدی‌گرایانه و نظارتی
خودمان شکل و سامان بدهیم. برای مثال، وقتی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، به مثابه یکی از
دفترهای سازمان، پس از راه‌اندازی انتشارات مدرسه،
به مرور از تولید کتاب‌های آموزشی فاصله گرفت و
در طول زمان، تولیداتش را به صفر رساند، آن‌وقت
توانست در حوزه سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی،
کمک آموزشی و مجموعه تمرینات انفرادی که همگی
اجزایی از بسته آموزشی هستند، به سیاست‌گذاری
بپردازد و با اجرای طرح سامان‌دهی کتاب‌های
آموزشی رشد و اقدامات جنبی و بسیار مفید آن مانند
انتشار کتاب‌نامه‌ها، برگزاری جشنواره، تولید اسناد
مربوط به استانداردهای تدوین کتاب‌های آموزشی و
اقداماتی از این دست، نقش نظارتی خود را ایفا کند.
مثال دیگر می‌تواند برگزاری جشنواره فیلم رشد
باشد. همه می‌دانیم که فیلم (از هر نوع آنکه باشد)،
از اجزای اصلی بسته آموزشی است. ما قریب ۵۰
سال است که جشنواره فیلم رشد برگزار می‌کنیم
و از طریق این جشنواره و انتخاب فیلم‌های برگزیده،
سلیقه یا به نوعی همان استاندارد مدنظر خودمان
از فیلم آموزشی را ارائه می‌دهیم. اکنون اگر از
منظر بسته آموزشی وارد عرصه شویم و بگوییم
فیلم آموزشی استاندارد که می‌تواند درون بسته
آموزشی یک برنامه درسی خاص قرار بگیرد، این

اشاره

چندی پیش، دکتر مرتضی مجدفر، همکار
بازنشسته سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی
آموزشی، که ۱۳ سال آخر خدمتش را در همین
سازمان سپری کرده است، در ارتباط با وظایف
و کارکردهای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی
آموزشی از منظر «بسته آموزشی به مثابه یک
رویکرد در تولید منابع آموزشی» سخنرانی کرد.
به لحاظ اهمیت موضوع، متن پیراسته این
سخنرانی را در پی می‌آوریم.

تعریف بسته آموزشی و جایگاه آن در فعالیت‌های سازمان

بسته آموزشی محصول نگرش سیستمی است و
تقریباً از سال ۱۹۹۰ میلادی با تعریف فعلی پا به
عرصه آموزش گذاشته است. درست است که از بسته،
مفهوم «پکیج» و یکجا بودن مستفاد می‌شود، ولی
اجزای بسته آموزشی لزوماً داخل یک مجموعه به
مخاطب ارائه نمی‌شوند و ممکن است در مکان‌های
متفاوت و توسط تولیدکنندگان گوناگون تولید و ارائه
شوند. آنچه اجزا را در کنار هم قابل استفاده می‌کند،
نگرش سیستمی و نیازی است که مخاطب در خود
احساس می‌کند.

چتر ما چیست؟

قبل از آنکه بسته آموزشی از تعریف و اجزای آن را
توضیح دهیم، لازم است هدف از طرح این موضوع در
این جستار کوتاه را بازنماییم. ما به دنبال این
هستیم که بدانیم چگونه می‌خواهیم از رویکرد بسته

بهره می‌گیرد. شاید ارائه مثالی در این زمینه مناسب باشد.

زمانی انسان روی دیوار غارها با زغال می‌نوشت. بعدها زغال به گچ و دیوار غار به تخته‌سیاه تبدیل شد. آن‌گاه وایت‌برد آمد و الان تخته هوشمند و حتی تخته هوشمندی که از نوشته‌های خود عکس می‌گیرد و با فتوکپی ضمیمه‌اش، همان نوشته‌ها را به تعداد دانش‌آموزان تکثیر و حتی در نمونه‌های جدیدترش، به رایانه شخصی یا تلفن همراهشان ارسال می‌کند. همه این سیر تکاملی را که تکنولوژی آموزشی برایمان تشریح می‌کند، شما در آخرین تغییرات بسته آموزشی و اجزای پیش‌بینی شده آن می‌بینید.

اجزای بسته آموزشی کدام است؟

در حال حاضر، پنج بخش زیر از اجزای اصلی بسته‌های آموزشی به شمار می‌روند:

۱. موارد یادگیری انفرادی برای فراگیرندگان؛
۲. راهنمای تدریس؛
۳. آزمون یا ابزارهای اندازه‌گیری تشخیصی؛
۴. وسایل آموزشی مورد استفاده در کلاس درس؛
۵. تجهیزات دیداری - شنیداری.

اگر دقت کنید، هر چیزی که ما در حوزه یاددهی - یادگیری تصور کنیم، در این پنج جزء پیش‌بینی شده است.

البته من در کلاس‌هایی که با دانشجویان دارم، با نشان دادن تصویر زیر، از آن‌ها می‌پرسم شما فکر می‌کنید بسته آموزشی جزء ششمی هم دارد؟ پاسخ به این پرسش بحث چالشی خوبی را در کلاس ایجاد می‌کند. هر چیزی که آن‌ها می‌گویند، حتماً در یکی از این پنج جزء اصلی و اجزای زیرهر یک وجود دارد و این به معنای همان سیستمی و تکاملی بودن، بهره‌گیری از علوم گوناگون و نگاه رو به آینده داشتن بسته آموزشی است. در واقع، ممکن است بسته‌های آموزشی جزء ششمی هم داشته باشند، ولی این جزء به‌طور قطع و یقین، به‌طور منفرد و در عالم خیال رخ نخواهد داد و برگرفته از دیگر علوم و در راستای تکامل همه علوم تربیتی و زمینه‌های وابسته مانند رایانه، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی خواهد بود.

تشریح اجزای بسته‌های آموزشی

حال وقت آن است که اجزای اصلی هر بسته آموزشی و زیر اجزای هر کدام را تیتروار مطرح کنم و در هر بخش، وظایف و کارکردهای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مرور کنم.

اگر دقت کنید، مجموعه‌های گوناگون یادگیری انفرادی، مانند کتاب‌های آموزشی و فیلم‌هایی که ناشران و تولیدکنندگان در زمینه‌های گوناگون برنامه درسی تولید می‌کنند، کتاب‌های کار، کتاب‌نامه رشد و فهرستی از کتاب‌های آموزشی مرتبط در زمینه برنامه درسی، همه و همه داخل همین جزء و زیراجزای آن می‌گنجند. می‌بینید چقدر کار داریم؟ اگر فقط به دنبال سیاست‌گذاری و استانداردسازی برای همه این موارد باشیم، مدت‌ها باید چند شیفته کار کنیم.

ویژگی را دارد، آن‌وقت وارد عرصه سیاست‌گذاری، نظارت و اعمال غیرتصدی‌گرایانه شده‌ایم. به دیگر سخن می‌خواهم بگویم، تا چتری که در اینجا چتر رویکردی بسته آموزشی است، بر کارهای ما سایه نیفکند، فعالیت‌هایمان راهبردی و مبتنی بر سیاست‌گذاری نخواهد بود. از این‌رو لازم است هر کدام از واحدهای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همواره اقدامات عملیاتی و نیز کارکردهای نظارتی و سیاست‌گذارانه خود را با اجزای گوناگون بسته آموزشی متناسب‌سازی کنند و همگی درصد تکمیل تدریجی اجزای بسته باشند.

بنابر تعریف، بسته آموزشی یک نرم‌افزار آموزشی کارآمد است که علاوه بر آنکه سیستمی کامل از فعالیت‌های یادگیری را عرضه می‌کند، می‌تواند در انفرادی کردن آموزش و پرورش استعدادها و توانمندی‌های بالقوه دانش‌آموزان و نیز علمی کردن ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان و آزمون‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری تشخیصی و مجموعه فعالیت‌های انفرادی و گروهی آن‌ها و نیز تبیین و شناسایی تجهیزات دیداری - شنیداری و وسایل آموزشی مورد استفاده در کلاس درس، و ارائه راهنمای تدریس و الگوهای طراحی آموزشی و طرح درس یاری‌دهنده کار تعلیم و تربیت باشد. این تعریف جامعی به مرور کامل شده است. کامل شدن تعریف نیز از تکامل دانش‌های تربیتی زمینه‌ساز مانند تکنولوژی آموزشی، مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و ارزشیابی آموزشی نشئت می‌گیرد.

یعنی بسته آموزشی از تکامل همه این دانش‌ها

الف) مواد یادگیری انفرادی برای فراگیرندگان شامل:

- تکالیف گوناگون برای یادگیری‌های انفرادی دانش‌آموزان در انواع گوناگون؛
- راهبردهایی برای متون و مجموعه‌های مختلف یادگیری‌های انفرادی موجود در بسته برای کاربران بسته آموزشی؛
- کتاب درسی به همراه فهرست مشخصات یا اصل کتاب‌های آموزشی و مرتبط با موضوع بسته آموزشی؛
- کتاب‌های کار، کاربرگ‌ها، مجموعه‌های تمرین و دفترهای کمک‌آموزشی، ویژه برنامه درسی مورد بحث؛

این جزء و زیراجزای آن بخش بسیار شلوغی است و خیلی از وظایف و کارکردهای نظارتی و تولیدی سازمان از دفترهای تألیف گرفته تا دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و حتی اداره چاپ و توزیع، در همین بند تجمع پیدا کرده است. تولیدات انتشارات مدرسه و دیگر ناشران بخش‌های دولتی و خصوصی، نرم‌افزارهای تولید سازمان و نرم‌افزارهایی که دیگران تولید می‌کنند، مجموعه تمرینات سنتی شامل مجموعه‌های تک‌برگی، چندبرگی، دفترچه‌های چاپی، کاربرگ‌ها، نمونه سؤال‌ها و مجموعه تمرینات مدرن شامل نرم‌افزارهای کامپیوتری مبتنی بر آموزش برنامه‌های و خیلی چیزهای دیگر هم در همین بخش قرار می‌گیرند.

اگر شرکت یا مؤسسه‌ای این قبیل مجموعه‌ها را تولید کرد و قصد فروش تولیدات خود در مدرسه‌ها را داشت، استاندارد و تأییدیه‌اش را از کجا باید بگیرد؟ به‌نظر من، این کار صرفاً از طریق اتحاد وظیفه‌ای بخش‌های گوناگون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی شکل می‌گیرد؛ اتحادی که این دفتر صدور مجوز آن را به گردن دیگری نیندازد و دفتر دیگر از خود سلب مسئولیت نکند. اگر نظارت نباشد و استاندارد ندهیم، آشفته‌بازاری پیش می‌آید و نمونه سؤال‌فروشی و اسم‌گذاری‌هایی من‌درآوردی برای کتاب‌های کمک درسی رونق می‌گیرد که متأسفانه اکنون هم باب شده است.

اگر دقت کنید، مجموعه‌های گوناگون یادگیری انفرادی، مانند کتاب‌های آموزشی و فیلم‌هایی که ناشران و تولیدکنندگان در زمینه‌های گوناگون برنامه درسی تولید می‌کنند، کتاب‌های کار، کتاب‌نامه رشد و فهرستی از کتاب‌های آموزشی مرتبط در زمینه برنامه درسی، همه و همه داخل همین جزء و زیراجزای آن می‌گنجند. می‌بینید چقدر کار داریم؟ اگر فقط به دنبال سیاست‌گذاری و استانداردسازی برای همه این موارد باشیم، مدت‌ها باید چند شیفته کار کنیم.

اگر شرکت یا مؤسسه‌ای مجموعه‌هایی را تولید کرد و قصد فروش تولیدات خود در مدرسه‌ها را داشت، استاندارد و تأییدیه‌اش را از کجا باید بگیرد؟ به‌نظر من، این کار صرفاً از طریق اتحاد وظیفه‌ای بخش‌های گوناگون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی شکل می‌گیرد؛ اتحادی که این دفتر صدور مجوز آن را به گردن دیگری نیندازد و دفتر دیگر از خود سلب مسئولیت نکند.

البته فقط به بخش‌های غیراصلی اشاره کردم. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، کتاب درسی هم همین‌جا شرف حضور دارد. این همان حرفی است که در سال‌های گذشته همواره در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی زده شده و آن اینکه کتاب درسی هم یکی از اجزای اصلی بسته آموزشی یا به عبارتی برنامه درسی است و نباید اجازه دهیم حاکم مطلق فرایند یاددهی - یادگیری و تنها جزء تأثیرگذار بسته باشد.

ب) راهنمای تدریس شامل:

- هدف‌های برنامه درسی یا کتاب درسی؛
- رهنمودهایی برای استفاده از برنامه درسی؛
- مطالب مربوط به سابقه موضوع درسی؛
- مواد آموزشی تکمیلی؛
- مجموعه طرح درس پیشنهادی؛
- مجموعه راهبردهای یاددهی - یادگیری.

این جزء و زیراجزای آن، به‌طور مستقیم، عمدتاً و غالباً زیرمجموعه فعالیت‌های دفترهای تألیف کتاب‌های درسی است. طبیعی است دفترهای تألیف نمی‌توانند همه این کارها را به‌طور انفرادی پیش ببرند و باید از خدمات بخش خصوصی و مؤسسه‌های آموزشی بیرونی هم استفاده کنند. اگر مؤسسه‌هایی آمدند و برای هر یک از برنامه‌ها و کتاب‌های درسی موجود، مواد آموزشی تکمیلی، طرح درس‌های نیمه‌آماده و مجموعه راهبردهای یاددهی - یادگیری پیشنهادی تولید کردند و برای حضور در مدرسه به دریافت مجوز و تأییدیه نیاز داشتند، با این‌ها چه باید کرد؟ اینجا هم ما نیازمند یک کار بین بخشی هستیم که باید میان دفترهای گوناگون سازمان شکل بگیرد. در نظر داشته باشید، اگر ما در این زمینه و بخش‌های دیگر بسته آموزشی

حرفی که در سال‌های گذشته همواره در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی زده شده و آن اینکه کتاب درسی هم یکی از اجزای اصلی بسته آموزشی یا به عبارتی برنامه درسی است و نباید اجازه دهیم حاکم مطلق فرایند یاددهی - یادگیری و تنها جزء تأثیرگذار بسته باشد.

سکوت کنیم، تشخیص سره از ناسره سخت خواهد بود.

ج) آزمون‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری تشخیصی و کنترل یادگیری شامل:

- مجموعه سؤالات استاندارد نشده ماده درسی؛
- مجموعه سؤالات استاندارد شده ماده درسی؛
- مجموعه آزمون‌های روزانه، هفتگی، میان‌ماهی، ماهانه، ترمی و پیشرفت تحصیلی ماده درسی؛
- راهبردهایی برای گروه‌بندی و استفاده از ابزارهای گروه‌بندی؛
- راهبردهایی برای کنترل یادگیری و مقایسه‌های موردی.

در این جزء از بسته آموزشی و زیراجزای آن غوغایی برپاست. اکنون عدد تولیدکنندگان بخش‌های گوناگون این جزء بسته آموزشی، از جمله ناشران و مؤسسه‌هایی که به بازار آمده‌اند، بسیار بالا رفته و به‌طور بی‌رویه و غیراستاندارد و به مدد تبلیغات رادیو و تلویزیون، همچنان در حال بالا رفتن است. چاره کار صدور دستور ممنوعیت تولید این قبیل آثار یا جریمه مدیران مدرسه‌ها و مسئولان اداره‌های آموزش و پرورش به دلیل ورود این قبیل آثار به مدرسه نیست. اگر اعتقاد داریم که تکنولوژی آموزشی و فرایند یاددهی - یادگیری فرایندی سه بخشی و شامل طراحی، اجرا و ارزشیابی است، نمی‌توانیم به دلیل آشفته بازار موجود در زمینه مجموعه سؤالات چاپ شده برخی مؤسسه‌های سودجو، بخشنامه صادر کنیم و بخش سوم این فرایند یا به حالت تعلیق درآوریم و حتی از فعالیت مؤسسه‌های علمی و بدون عیب و نقص جلوگیری کنیم. دفترهای تألیف و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، به‌صورت توأمان و در قالب وظایفی تعریف شده و به مثابه دفترهایی نوآور در آموزش و پرورش، می‌توانند در این زمینه و تصحیح و

چرخش نگرش آموزشگران، مدرسه‌ها، دانش‌آموزان و اولیا تأثیرگذار باشند؛ چرخشی که تحقق آن در سند تحول بنیادین هم پیش‌بینی شده است.

استانداردسازی‌ها و الگودهی‌های ما قطعاً و بی‌شک مسیر غلط کنونی را تصحیح خواهد کرد. سازمان، ابزارهای تأثیرگذار و جریان‌سازی مانند مجلات رشد، جشنواره فیلم رشد، طرح سامان‌بخشی منابع آموزشی و جز این‌ها را در اختیار دارد که در این مسیر باید از آن‌ها بهره‌برد. همچنین سازمان باید از حق و حقوق رسانه‌های تولیدی خود در مقابل مؤسسه‌های سودجو و غیرعلمی که با تبلیغات رسانه‌ای هجمه‌ای، فرایند آموزش را به مسیر باطل می‌کشند، به درستی دفاع کند. آموزش و پرورش در این زمینه به یک مدعی‌العموم نیاز دارد که بی‌شک آن ستاننده داد و ایجادکننده زمینه برای برابری آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

البته در مورد مجلات رشد و جایگاه آن‌ها در بسته‌های آموزشی و اینکه می‌توانند در اکثر اجزای یک بسته آموزشی خودنمایی کنند، به دلیل نیاز به بخشی مطول و رغبت‌برانگیز، سخن‌ها بسیار است که فعلاً آن را به فرصتی مناسب‌تر موکول می‌کنم.

د) وسایل آموزشی مورد استفاده در کلاس درس شامل:

- وسایل آموزشی نمایشی؛
- وسایل آموزشی مرجع؛
- وسایل آموزشی گروهی؛

همان‌طور که می‌بینید، در مورد تولید این اجزا که من از ارائه توضیح درباره آن‌ها درمی‌گذرم و شما را به مطالعه کتاب خودم^۱ در این زمینه ارجاع می‌دهم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌طور مستقیم وظیفه‌ای ندارد. این وسایل را شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی مانند «صنایع آموزشی، نوآوری‌های آموزشی» و دیگر مؤسسات تولیدی بخش خصوصی تولید و به بازار عرضه می‌کنند، ولی اگر مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش را از نظر بگذرانیم و استفساریه آن را از کارشناسان و متخصصان امر طلب کنیم، می‌بینیم که وظیفه نظارتی و طراحی استانداردهای قابل قبول این وسایل هم به نوعی به سازمان (بخش دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی) سپرده شده است. ممکن است برخی موافق این تحلیل از مصوبه ۸۲۸ نباشند و بگویند آقا! لطفاً کار برایمان درست نکن! چشم، ولی یا باید نهادی معرفی کنید که تولیدات وسایل آموزشی را هدایت کند یا خود آستین‌ها را بالا بزنید و وظیفه استانداردسازی این قبیل وسایل را هم که

کاری است سخت و پیچیده عهده‌دار شوید.

هـ) تجهیزات دیداری - شنیداری

علاوه بر تجهیزات دیداری - شنیداری عمومی، آن دسته از برنامه‌های دیداری - شنیداری دیگر که جزو بسته آموزشی است و می‌تواند برای مقاصد گوناگون تدریس به کار رود، به شرح زیرند.

- مجموعه مهارت‌های شروع و نقطه آغاز بحث؛
- مجموعه امکانات تشریحی؛
- مجموعه امکانات تصویری؛
- مجموعه آشنایی با شخصیت‌های علمی - اجتماعی؛
- مجموعه وسایل دیداری - شنیداری عام و خاص.

این بخش پنج جزئی بسته آموزشی به شکل‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند که در برخی از بخش‌های آن، سازمان، از جمله دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، با تولید مستقیم یا نظارت احتمالی خود حضور دارد. برای مثال، تمام تجربه‌هایی که از معلمان در مجلات رشد ویژه معلمان چاپ می‌شود، در این بخش قرار می‌گیرند. حتی داستان، شعر، کمیک استریپ، لطیفه و مشابه آن‌ها که در مجلات دانش‌آموزی رشد چاپ می‌شوند، ضمن استفاده فردی توسط دانش‌آموزان و معلمان، می‌توانند توسط معلمی خوش‌ذوق یا تولیدکننده‌ای حرفه‌ای، به یک امکان تشریحی یا صوتی تبدیل شوند. همچنین، از بین زیراجزای این جزء، بخش چهارم بسیار گسترده و جامع‌الاطراف و صد البته مرتبط با دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. این بخش شامل فیلم‌های ویدیویی و غیرویدیویی، اسلایدها، فیلم استریپ‌ها، ورقه‌های شفاف، اتصال به شبکه‌های کامپیوتری، سایت‌ها، وبلاگ‌ها، کانال‌ها، گروه‌ها، نرم‌افزارهای شخصی‌ساز و حرفه‌ای و بسیاری چیزهای دیگر است که عمدتاً می‌توانند در بخش‌هایی از دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سامان‌دهی شوند و پیش از این زیرمجموعه دفتر تکنولوژی سابق محسوب می‌شدند. برای مثال، از فیلم‌های نمایش داده شده در جشنواره فیلم رشد تا تولیدات مستقیم دفتر مانند مجموعه لوح‌های فشرده «برفراز آسمان» که برای معلمان پایه‌هایی که کتاب‌های جدید داشتند، تولید شد و جنبه بهسازی آموزشی معلمان در مورد برنامه درسی جدید را برعهده داشت، همگی در این جزی از بسته آموزشی قرار می‌گیرند که البته در این موارد هم باید از هم‌افزایی بخش‌های گوناگون سازمان بهره گرفت. برای مثال، چرا خبر پیش‌تولید و نیز خبر ساخت مجموعه عظیم و به یادماندنی «برفراز آسمان» در رشد آموزش ابتدایی، سایت رشد، سایت سازمان و درگاه همه دفترها نوشته نشود؟ یا چرا باید از دو سه ماه قبل، پوستره‌های جشنواره فیلم رشد در مجلات رشد درج نشود؟ این هم‌پوشانی‌های



درون دفتری و نیز ارتباط با سایر بخش‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و وزارتخانه به اثربخشی فعالیت‌های ما یاری می‌رساند.

نتیجه‌گیری

در این گفتار سعی شد از مفهوم بسته آموزشی به مثابه رویکرد و چتری برای زیر پوشش بردن فعالیت‌ها و اقدامات سازمانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بهره برده شود. هر یک از واحدهای سازمان، بسته به وظیفه‌ای که برعهده دارند، یکی از دو اقدام تولیدی، نظارتی یا هر دو را انجام می‌دهند. به اعتقاد ما، تبیین اجزای گوناگون بسته آموزشی می‌تواند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را در مقام یک سازمان نوآور و تأثیرگذار، با برنامه‌های درسی و بسته‌های آموزشی مرتبط با هر یک از آن‌ها پیوند دهد.

از آن‌جا که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به معنای واقعی کلمه سازمانی رسانه‌ای است و تنها با رسانه‌های تولیدی خود است که جایگاه واقعی خود را به‌ظهور و بروز می‌رساند، تمامی رسانه‌های موجود در اجزای تشکیل‌دهنده هر بسته آموزشی در کیفیت بخشی به آموزش و پرورش کشورمان مؤثرند.

پی‌نوشت

1. Affective Objective

گفت وگو با
سیدمحسن گلدان ساز
مدیرعامل شرکت افست
محمد دشتی



هماهنگی فرایند تدوین کتاب درسی و فرایند چاپ، تأثیر زیادی در بهبود کیفیت کتاب درسی دارد!

اشاره

که در توسعه و گسترش چاپ در ایران تأثیرات زیادی به جای گذاشت. در هنگامه‌ای که ناشران و چاپخانه‌داران ایرانی کتاب‌های درسی را در شکل، قطع، رنگ و کیفیت‌های متعدد چاپ می‌کردند و به دلیل نبود انسجام و تمرکز در چاپ، مشکلات فراوانی در چاپ و توزیع به موقع و مناسب کتاب‌ها وجود داشت، راه‌اندازی شرکتی توانمند و متخصص که بتواند با چاپ انبوه این کتاب‌ها سر و سامانی

صنعت نشر مقوله‌ای مدرن است که برای نخستین بار پس از اختراع ماشین چاپ در قرن ۱۵ میلادی در غرب پدید آمد و تکثیر انبوه کتاب را ممکن کرد. البته سال‌ها طول کشید تا صنعت چاپ به معنی واقعی خود در ایران جایگاه خود را پیدا کند، اما نمی‌توان از این نکته گذشت که موضوع چاپ کتاب‌های درسی نقطه عطفی بود

به موضوع نشر کتاب‌های درسی بدهد، کار بسیار بزرگی بود.

شاید بتوان گفت تأسیس شرکت افست که مهم‌ترین هدف آن چاپ متمرکز و منسجم کتاب‌های درسی (به خصوص در دوره ابتدایی) بود، نقطه عطفی است که تأثیری بسیار مهم در چاپ، انتشار و توزیع به موقع این کتاب‌ها در بین دانش‌آموزان داشت. این در حالی بود که تا قبل از تأسیس این شرکت، گاه کتاب‌های درسی تا ایام نوروز هم به دست مخاطبان و دانش‌آموزانی که برای تأمین نیازهای آموزشی خود، به ماده خواندنی دیگری دسترسی نداشتند، نمی‌رسید. ۶۱ سال پس از تأسیس شرکت افست و در آستانه برگزاری سیزدهمین جشنواره تجلیل از مؤلفان کتاب‌های درسی، به سراغ آقای سید محسن گلدان‌ساز، مدیرعامل شرکت افست رفتیم و پای صحبت‌های ایشان نشستیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل این گفت‌وگوی صمیمی است.

جناب آقای گلدان‌ساز، با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، در مورد سابقه بنیان‌گذاری شرکت افست نکاتی را بیان فرمایید.

شرکت افست در حال حاضر شصت و یکمین سال تأسیس خود را پشت‌سر می‌گذارد. این شرکت در سال ۱۳۳۶ تأسیس شده و علت تأسیس آن هم پاسخ‌گویی به کار تولید پر حجم کتاب‌های درسی کشور بوده است. با اطلاعاتی که داریم، تا قبل از تشکیل شرکت افست، کتاب‌های درسی به صورت پراکنده بین ناشران و چاپخانه‌ها منتشر می‌شدند و برنامه‌ریزی درسی هم متمرکز نبوده است. بنابراین هر ناشری، با ذائقه و سلیقه خود کتابی چاپ می‌کرد. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که آن زمان «سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی» نامیده می‌شد، هم‌زمان با سازمان نوسازی مدارس و کمی بعد از تشکیل سازمان برنامه و بودجه، شکل گرفت. این‌ها حلقه‌هایی هستند که آموزش‌وپرورش به معنای امروزی آن در مسیر آن‌ها قدم برداشته است. یکی از محورهای آن هم بحث توسعه در آموزش بود که این امر مستلزم تهیه کتاب و مدرن‌سازی آموزش‌وپرورش بوده است. فکر تأسیس «شرکت افست» از اینجا متولد و ایجاد می‌شود. حدود ۴۳ درصد سهام افست همان موقع به سازمان‌ها و نهادهای دولتی

تعلق داشت و بقیه آن را به صورت شرکت سهامی عام به افراد واگذار کردند؛ از جمله همان ناشران و کتاب‌فروشان که در چاپ کتاب‌های درسی سهمی داشتند و چون تولیدکننده کتاب بودند، می‌خواستند از اینجا بهره‌ای داشته باشند. امروز سهام دولتی آن همچنان باقی‌مانده و بعد از انقلاب به آموزش‌وپرورش منتقل شده است اما سهامی که به بخش خصوصی متعلق بوده، دست به دست چرخیده است و دیگر از آن ناشران اولیه خبری نیست؛ بلکه شرکت سهامی عام است و سهام آن در بورس عرضه و خرید و فروش می‌شود.

کتاب‌های کدام دوره تحصیلی در شرکت افست چاپ می‌شوند؟

در این زمینه رسمی وجود داشته که از سال‌های خیلی گذشته، کتاب‌های مربوط به دوره ابتدایی و مجلات رشد سهم «شرکت افست» است و با تغییر ساختار نظام آموزشی، کتاب‌های متوسطه‌های اول و دوم، به اضافه کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و برخی کتاب‌های تربیت‌معلم، در «شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی» چاپ می‌شود. البته برخی از کتاب‌های تربیت‌معلم هم در اینجا چاپ شده‌اند. ولی پرتیراژ نیستند. کتاب‌های استعدادهای درخشان و کتاب‌های مربوط به آموزش و پرورش استثنایی هم هستند که تعداد چاپ آن‌ها قابل توجه نیست. گاهی هم تعامل و مقابله‌ای بین این دو شرکت هست که اگر گاهی تیراژی کم و زیاد باشد، تعامل و تقابل تیراژی دارند. در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ ما چیزی حدود ۵۵ میلیون کتاب ابتدایی چاپ کرده‌ایم. برای سال تحصیلی گذشته یعنی ۹۷-۹۶، مجلات رشد هم حدود ۳۸ میلیون نسخه تیراژ داشتند. این اتفاقی است که در طول یک سال می‌افتد. البته آرام‌آرام روند تولید کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با شیب ملایمی رو به افزایش است و این نشان می‌دهد جمعیت دانش‌آموزی ما در این دوره دارد بیشتر می‌شود.

عمده‌ترین ماده قابل استفاده در تولید کتاب‌های درسی کاغذ است. شما برای چاپ کتاب‌های درسی از چه کاغذی استفاده می‌کنید و چه سهمی از این کاغذ به تولید داخلی مربوط است؟

در کشور کارخانه‌های کاغذسازی زیادی نداریم، فقط یکی دو کارخانه امکان تولید کاغذ تحریر

را دارند که یکی از آن‌ها «کارخانه چوب و کاغذ مازندران» است. ما حدود ۱۰ سال است از آن‌ها خرید داریم و این خرید را در سال‌های گذشته از ۲۰۰۰ تن در سال شروع کردیم و تا سال ۹۴ به حدود ۱۰۰۰۰ تن در سال رساندیم. اما از سال ۹۴ به بعد، این کارخانه‌ها نتوانستند به ما کاغذ بدهند. یکی به دلیل وضعیت نیاز به تعمیر ماشین‌آلات آن‌ها و یکی هم به دلیل اینکه مواد اولیه کاغذ در استان مازندران محدود شد. برداشت از جنگل را ممنوع کرده‌اند و این کارخانه‌ها باید یا خمیر کاغذ و یا چوب را از خارج بخرند. به همین دلیل، کاغذ تولیدی محصول گرانی از آب درمی‌آید. توجه به این نکته هم مهم است که چون کار ما پر تیراژ است، ما کاغذ تحریر را به صورت رول استفاده می‌کنیم و ماشین‌آلات ما هم ماشین‌آلاتی هستند که رول چاپ می‌کنند. به همین خاطر ناچاریم از کاغذ استاندارد استفاده کنیم.

کارخانه دیگری در اهواز است که در کنار مزارع نیشکر واقع شده است. دو کارخانه در آن منطقه قرار دارد که فکر می‌کنم یکی کارخانه پارس باشد و دیگری کارخانه کارون. از گذشته هم این‌ها بوده‌اند. البته در جنگ آسیب جدی دیدند و الان بخش خصوصی آن‌ها را خریده است. در حال حاضر این کارخانه تا حدودی احیا شده است، ولی تولید کاغذ، به معنایی که تولید قابل استفاده باشد، ندارند. ما یکی دو بار از آن‌ها

خواستیم و یکی دو نمونه کاغذ برایمان فرستادند، ولی کاغذ آن‌ها نتوانست جوابگوی کارهای ما باشد. به نظر می‌رسد در حال حاضر آن‌ها خمیر کاغذ تولید و صادر می‌کنند. چون مشکل مواد اولیه و منابع ندارند و از باگاس مربوط به نیشکر استفاده می‌کنند که به‌عنوان ماده اولیه تولید کاغذ به وفور در اختیار دارند.

موضوع اصلی این است که در تبدیل خمیر کاغذ به کاغذ، که کار پیچیده و دشواری است و تکنولوژی و ماشین‌آلات خیلی دقیقی می‌خواهد، مشکل دارند. از طرف دیگر، وقتی کاغذ به صورت رول در می‌آید، با عرض خیلی زیادی تولید می‌شود و در طول به‌صورت طوماری تولید و رول‌هایی پیچیده می‌شود، باید در عرض و طول وزن گرمی یکسانی داشته باشد. ضمناً سوراخ و پارگی نباید داشته باشد و مسائل دیگری مطرح است که مربوط به مسائل فنی کاغذ است. به همین دلیل، این‌ها نتوانستند کاغذ مورد قبول را که در چاپ پاسخگوی نیاز ما باشد تهیه و تولید کنند.

در مجموع، این مسائل باعث می‌شود ما نیاز خود را از تولیدکنندگان خارجی تأمین کنیم. تا الان تأمین کاغذ ما به‌طور عمده از کشور فنلاند بوده، چون کشور فنلاند صاحب کاغذ خوبی است و تکنولوژی و منابع خوبی هم دارد. البته در شرایط اخیر محدودیت‌هایی به وجود آمده و ما باید از هر جایی که امکان آن باشد، بخشی از کاغذ خود را تهیه کنیم. کاغذ مصرفی ما برای کتاب درسی کاغذ تحریری ۷۰ گرمی است و شومیز یا کاغذ ۲۰۰ گرمی نیز برای جلد استفاده می‌شود. تقریباً همین دو رقم را در کتاب درسی مصرف داریم. در مجلات رشد، از کاغذ با وزن گرمی پایین‌تر استفاده می‌کنیم، مثل کاغذ ۶۰ گرمی یا ۵۵ گرمی که از نوع مکانیکی است. البته یکی دو سالی است از کاغذ LWC استفاده می‌شود که مقداری شفافیت دارد و باعث می‌شود مطالب در زمان چاپ کیفیت بهتری داشته باشند و گرافیک‌ها و بچه‌ها از آن خوششان می‌آید. چون چاپ در این کاغذ بهتر انجام می‌شود.

— لطفاً در خصوص مراحل و بخش‌های تولید کتاب درسی توضیح دهید.

برای تولید هر محصول و کتاب در چاپ سه مرحله وجود دارد: مرحله اول پیش از چاپ است. مرحله دوم «چاپ» و مرحله سوم پس از چاپ

از همان زمان‌ها، در شرکت افست این تکنولوژی به سرعت روی کار آمد. اگرچه ما هنوز یک دستگاه پلی ستر داریم. به هر حال، سیستم فعلی در پیش از چاپ یا همان لیتوگرافی سیستم به روزی است. تا الان دستگاه‌های ما چند بار روزآمد شده و پیشرفت کرده‌اند، و بالاخره در ساخت و تکنولوژی وضعیت بهینه و سرعت و کیفیت بالاتری پیدا کرده است. همین الان یک دستگاه پلی ستر داریم که در گمرک است و در حال ترخیص است



**برای تولیدکنندگان داخلی
مرکب و همه محصولات داخلی، در
عین اینکه ما یک مشتری قابل توجه
هستیم، آزمایشگاهی هم داریم
که مواد در آن در عمل آزمایش
می‌شوند. ما با هم ارتباط داریم و به
آن‌ها بازخورد می‌دهیم چه مشکلاتی
وجود دارند.**

با کیفیت خیلی بالا آماده می‌شود. این تحول همه آن فرایندهای طولانی و به اصطلاح ناگواری را که کارهای دستی داشت و آدم‌های زیادی را درگیر می‌کرد، حذف کرد.

شاید بتوان گفت، اکنون لیتوگرافی به یکی از شیک‌ترین قسمت‌های چاپخانه تبدیل شده که جایی کوچک و با کیفیت بالا و دارای حرارت مناسب است. قاعدتاً مکان آن باید جای نسبتاً خنکی باشد.

از همان زمان‌ها، در شرکت افست این تکنولوژی به سرعت روی کار آمد. اگرچه ما هنوز یک دستگاه پلی‌ستر داریم. به هر حال، سیستم فعلی در پیش از چاپ یا همان لیتوگرافی سیستم به روزی است. تا الان دستگاه‌های ما چند بار روزآمد شده و پیشرفت کرده‌اند، و بالاخره در ساخت و تکنولوژی وضعیت بهینه و سرعت و کیفیت بالاتری پیدا کرده است. همین الان یک دستگاه پلی‌ستر داریم که در گمرک است و دارد تریکس می‌شود.

است. ما در ایران می‌گوییم لیتوگرافی (پیش از چاپ)، چاپ و صحافی.

در این اصطلاحات، چیزی که بیشتر مد نظر است، همان پیش از چاپ یا لیتوگرافی است. در پیش از چاپ، در دو دهه گذشته تغییرات خیلی مهم و بزرگی به وجود آمده است. چون در گذشته یک دستگاه خیلی عریض و طولی بود. اینجا برای تولید «پلیت» یا همان «زینک» (که اصطلاحی عامیانه و داخلی است) باید در یک مرحله طولانی فیلم تهیه می‌شد، فیلم‌ها کپی و بعد پلیت‌ها در وضعیت خاصی تولید می‌شدند. قبل از آن هم که عکاسی می‌شد و روال‌های پیچیده و فرایندی خیلی طولانی داشت.

از حدود ۲۰ سال پیش، به یکباره تولید فیلم از عکاسی که با دوربین‌های خیلی بزرگ قدیمی انجام می‌شد، به دستگاهی به نام «ایمیج ستر» تبدیل شد. ایمیج ستر فایل را از رایانه می‌گرفت و می‌خواند و دیگر نیازی نبود که عکاسی بشود. فیلم توسط ایمیج ستر تولید می‌شد. ایمیج ستر و فیلم می‌آمد و زینک می‌شد. البته به فاصله خیلی کوتاهی ایمیج ستر برچیده شد. شاید بشود گفت این زمان در جمع به پنج سال نرسید و از آن پس فایل به صورت مستقیم توسط پلی‌ستر خوانده می‌شد. دیگر فیلم معنا نداشت و در عمل حذف شد.

بنابراین، فرایند عکاسی که از قبل حذف شده بود، ایمیج ستر هم حذف شد. الان فایل روی دستگاهی به نام پلی‌ستر خوانده و تبدیل به زینک می‌شود و هر زینکی ظرف یکی دو دقیقه

شرکت افست در بخش پیش از چاپ وضعیت خوبی دارد. در موضوع چاپ هم خوشبختانه ماشین آلات خوبی داریم؛ هم در بخش چاپ ورقی و هم در ماشین رول. در حال حاضر، یک ماشین رول یورومن که ساخت شرکت وب سیستم رول اند آلمان است در گمرک داریم که در حال ترخیص است

– وضعیت ما در این بخش و به خصوص موضوعات فنی چاپ کتاب‌های درسی در مقایسه نسبی با وضعیت کنونی در جهان چگونه است؟ شما به دست‌اندرکاران تولید محتوا و دوستان بخش فنی قبل از چاپ و نیز عزیزان مرحله تدوین متن کتاب چه توصیه‌ای دارید؟

از لحاظ مسائل فنی ما با آخرین تکنولوژی دنیا همراه هستیم و از آن عقب نیستیم. در خصوص نکته دوم هم باید عرض کنم، به خصوص در بحث لیتوگرافی، یکی از چیزهایی که در این بخش و پیش از چاپ مهم است و باید به آن توجه شود، این است که گاهی وقت‌ها مؤلفان و کسانی که کار آماده‌سازی فنی کتاب و محصولی را انجام می‌دهند، فکر می‌کنند که اگر یک محصول و یک کاری (مانند یک تصویر) با کیفیت پایین تحویل شود، می‌توان به آن بهبود بخشید. اما همکاران ما باید توجه داشته باشند، وقتی یک عکس و تصویر را می‌گیرند و در یک فایل آماده‌سازی می‌کنند و می‌فرستند، عکس وقتی به اینجا می‌آید، در اصل و کیفیت بهتر نمی‌شود. در واقع، در بهترین شرایط همانی می‌شود که اصل آن است. شاید بتوان گفت همان هم نمی‌شود. چون بالآخره وقتی از یک فایلی به فایل دیگر می‌رود، افت کیفیتی دارد و این افت سبب می‌شود عکس کمی ناخوشایندتر از وضعیت قبلی خود دیده شود. این موضوع را باید دوستانی که کار تولید محتوا یا کار آماده‌سازی را انجام می‌دهند، در نظر داشته باشند که مواد و کیفیت نمونه کار (عکس و تصویر و هر چیزی) باید در اصل خودش قابلیت چاپ داشته باشد.

نکته دیگر اینکه به لحاظ فنی، دوستان گرافیک باید توجه داشته باشند، معمولاً یک فرم چاپ

در ۱۶ صفحه (به‌طور معمول، بسته به قطع کار) یا ۸ یا متری از این‌ها چیده می‌شود، اینکه چه رنگ‌هایی در این فرم وجود دارد، می‌تواند تأثیرگذار باشد. چون بالآخره دستگاه چاپ و اپراتور با یک قسمتی از این چاپ کار را تنظیم می‌کنند و دستگاه بهترین رنگ را روی آن می‌سازد. خود این طراحی و کنار هم دیدن رنگ‌ها یک کار به اصطلاح ظریف و هنرمندانه است که گرافیک باید به آن توجه داشته باشد و بداند، رعایت این موضوع به تعاملی با چاپ نیاز دارد و این هماهنگی می‌تواند به چاپ بهتر و وضعیت بهتر فرم کمک کند.

از اینکه بگذریم، باید بگویم شرکت افست در بخش پیش از چاپ وضعیت خوبی دارد. در موضوع چاپ هم خوشبختانه ماشین‌آلات خوبی داریم؛ هم در بخش چاپ ورقی و هم در ماشین رول. در حال حاضر، یک ماشین رول یورومن که ساخت شرکت وب سیستم رول اند آلمان است در گمرک داریم که در حال ترخیص است. ما به لحاظ ماشین‌آلات وضعیت خوبی داریم. اگر این مقدمات رعایت شود، می‌توانیم چاپ بهتری داشته باشیم.

از آن طرف باید به این نکته هم توجه کرد که کیفیت کاغذ و سایر موادی که در چاپ به کار می‌روند، در محصول چاپ تأثیر دارد. به هر حال، کاغذ پارامتر خیلی مهمی است و اگر از برندهای خیلی معروف و بین‌المللی خریداری شود، تا حدود زیادی کیفیت ثابتی وجود دارد و آن‌ها معمولاً روی یک فرمول کار می‌کنند و آن را نگه می‌دارند. جاهایی هست که تولیدشان کم و زیاد می‌شود و در محموله‌هایی که می‌آید گاه تفاوت‌هایی از حیث رنگ و جذب مرکب دیده می‌شود. این‌ها باعث می‌شود مقداری وضعیت موجود را به هم بزنند. ماشین چاپ معمولاً برای یک نوع خاص کاغذ تنظیم می‌شود و مثلاً با سرعت ۲۶۰۰۰ فرم در ساعت چاپ می‌کند. نمی‌توان مدام تنظیم آن را تغییر داد، مگر در جایی که وضعیت خیلی بحرانی باشد. با این حال، تغییر وضعیت کاغذ خیلی اثر می‌گذارد.

– دیگر پارامترهای تأثیرگذار در چاپ کتاب درسی چیست؟

در مجموع موارد زیادی هست که باید به آن‌ها توجه شود، اما به طور نمونه، یکی از مواد مطرح، مرکب چاپ است. ما در مرکب هیت ست که چاپ رول است، معمولاً از مرکب‌های داخلی



- وضعیت شرکت در قسمت پس از چاپ و اموری مانند صحافی چگونه است؟ آیا برای توسعه اقدامات این بخش و ارتقای کیفیت محصولات برنامه‌ای دارید؟

در قسمت پس از چاپ یا صحافی، اصولاً ماشین‌آلات صحافی در نوع تکنولوژی در دو سه دهه گذشته جهشی نداشته‌اند و همچنان همان‌ها هستند. البته نیازمند بازسازی است و سرمایه‌گذاری و پول نیاز دارد که الان شرایط شرکت برای اینکه تغییری در آن قسمت بدهیم، فراهم نیست، ولی همین وضع موجود هم وضعیت خوبی است و از آن ناراضی نیستیم. اگر بشود در سال‌های آینده مقداری تأمین منابع انجام داد، شاید بتوان در صحافی و قسمت پس از چاپ تجدید نظر کرد. در مجموع شرکت افسست از نظر تکنولوژی برای مجموع کارهای تولید کتاب‌های درسی و مجلات رشد شرایط خوب و آماده‌ای دارد و در برنامه‌ریزی سالانه هم این مورد توجه است.

- در مجموع، بحث آموزش نیروها و ارتقای سطح و توان حرفه‌ای آنان تا چه حد مورد توجه بود و آیا در حال حاضر برنامه‌ای برای این کار وجود دارد؟

البته باید توجه داشت که تمام این فرایند

استفاده می‌کنیم. مرکب‌سازهای داخلی تلاش می‌کنند مرکب‌های خوبی تولید کنند و ما هم خیلی به آن‌ها کمک می‌کنیم.

- آیا بین تولیدکنندگان مواد و شرکت ارتباطی هم وجود دارد که بتواند بازخوردی به تولیدکنندگان بدهد تا کیفیت کارشان را بالا ببرند و اشکالات احتمالی را رفع کنند؟

بله. این ارتباط وجود دارد. می‌توان گفت به نوعی، برای تولیدکنندگان داخلی کاغذ و تولیدکنندگان داخلی مرکب و همه محصولات داخلی، در عین اینکه ما یک مشتری قابل توجه هستیم، آزمایشگاهی هم داریم که مواد در آن در عمل آزمایش می‌شوند. ما با هم ارتباط داریم و به آن‌ها بازخورد می‌دهیم چه مشکلاتی وجود دارند. در عین حال که برخی مرکب‌های خارجی می‌توانند کیفیت بهتری به چاپ بدهند، ولی اصرار ما این است که از تولید داخلی حمایت و از محصولات ایرانی استفاده کنیم. هر چند ممکن است گاهی اوقات کیفیت کمی پایین‌تری را به دست بیاوریم. ما اعتقاد داریم تا جایی که ممکن است باید پیش برویم تا تولیدکنندگان داخلی هم بتوانند کالاهای باکیفیت و خوبی را تولید کنند.

رشته‌های مرتبط را جذب کنیم. به هر حال، با آموزش‌هایی که حین خدمت می‌گذاریم، در ابتدای کار یا در طول کار انتظار ما این است که اپراتوری و تولید وضعیت بهتری داشته باشد. ما تعداد قابل توجهی لیسانس در رشته چاپ داریم. با وجود دوستانی که در بخش سرپرستی و مدیریت کار می‌کنند، انتظار می‌رود آینده چاپ بهتر شود و ان‌شالله عملکرد بهتری پیدا کنیم.

– گاهی اوقات این موضوع مطرح می‌شود که شاید بتوان چاپ کتاب‌های درسی را به شکل غیرمتمرکز و استانی انجام داد! با توجه به تجربه تاریخی در این خصوص و شرایطی که داریم، نظر شما در این باره چیست؟

در خصوص چاپ کتاب‌های درسی در استان‌ها باید بگویم، متأسفانه در کشور چنین ظرفیتی را نداریم که چاپ کتاب‌های درسی را به استان‌ها واگذار کنیم. مهیا کردن چاپخانه‌ای که بتواند یک کار ملی و آن هم یک کار حساس ملی را پاسخ دهد، کار بسیار حساب شده‌ای است و نمی‌توان بدون حساب و کتاب و بدون برنامه کار کرد. کشور ما در آموزش و پرورش به شدت کتاب‌محور است. اگر اول سال تحصیلی و اول مهر کتاب در مدرسه نباشد و معلم و دانش‌آموز کتاب نداشته باشند، می‌توان گفت تقریباً آموزش تعطیل می‌شود و بعد از آن هم البته بحران پیش می‌آید و حتی وزیر آموزش و پرورش باید جواب بدهد و پاسخگوی مجلس و رسانه‌ها باشد که چرا کتاب درسی دیر رسیده است. این وضعیت موجود کشور ماست که معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌ها به کتاب درسی متکی هستند.

ما مجرای دیگری هم در کشورمان داریم. بسیاری از مدرسه‌ها وسط سال و تابستان دنبال تهیه کتاب هستند تا مقداری جلو بروند و به صورت خاص آموزش را شروع کنند. این‌ها با جدیت دنبال کتاب می‌گردند. با چنین وضعیتی نمی‌شود ریسک کرد و کاری ملی را که حساسیتی دارد، واگذار کرد.

نکته دیگر اینکه شما باید ببینید، وقتی کار چاپ را پخش می‌کنید، در سطح ملی چه فایده‌هایی برایش وجود دارد؟ همین حمل و نقل را باید در نظر داشته باشید. اگر لازم باشد کاغذ هر کتابی را تهیه کنید و بفرستید برای استانی



ما اعتقاد داریم تا جایی که ممکن است باید پیش برویم تا تولیدکنندگان داخلی هم بتوانند کالاهای باکیفیت و خوبی را تولید کنند.

مستلزم این است که نیروی کار ماهر و اپراتور ماهر وجود داشته باشد که بتواند از آن استفاده و خودش هم ارتقا پیدا کند. الان در شرکت افست وضعیت خوب است. ما در طول سه سال گذشته سعی کرده‌ایم که اپراتور زیر مدرک کاردانی را به خدمت بگیریم و کاردانی‌های مرتبط با کار را جذب کنیم؛ مثلاً در رشته چاپ (که سال‌هاست در کشور آموزش می‌بینند) یا برخی رشته‌های مرتبط مثل برق و الکترونیک و مکانیک مرتبط با حوزه چاپ. خودمان هم اینجا برای بخشی از کارکنان دیپلمه خود که بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه کار داشتند، یک دوره کاردانی گذاشتیم. یعنی سه کلاس با هماهنگی دانشگاه آزاد تشکیل شد و همکاران در همین جا آموزش دیدند. اولین فارغ‌التحصیلان آن هم خرداد امسال در دو کلاس فارغ‌التحصیل شدند. یک کلاس دیگر هم در بهمن‌ماه سال جاری فارغ‌التحصیل می‌شوند. از این به بعد هم فوق‌دیپلم می‌گیریم و سعی می‌کنیم



وقتی کار چاپ را پخش می کنید، در سطح ملی چه فایده هایی برایش وجود دارد؟ همین حمل و نقل را باید در نظر داشته باشید. اگر لازم باشد کاغذ هر کتابی را تهیه کنید و بفرستید برای استانی که می خواهد تولید کننده باشد

می شود و چه اتفاقی می افتد. جایی که بحث ما تألیف کتابها به صورت استانی است (یعنی استفاده از افرادی که بتوانند در محتوا دخیل باشند و فرهنگ بومی را بگویند) بحث دیگری است. ولی در شرایط فعلی، اگر این مؤلفه ها را کنار هم بگذاریم، ما هنوز نتایج قابل قبولی نیافته ایم که بگوییم مثلاً این اتفاق بیفتد به نفع کشور می شود. البته الان هم شرایط آن وجود ندارد و باید سرمایه گذاری بزرگی صورت بگیرد. بنابراین، چشم انداز این سالها و چهار سال آینده این است که چنین کاری معقول و به صرفه و شدنی نیست، مگر اینکه نظام برای این کار سیاستی داشته باشد و این سیاست با برنامه و سرمایه گذاری لازم خودش تبیین و انجام شود.

که می خواهد تولید کننده باشد، فرایندها اضافه می شوند. در حالی که الان کل این امکانات به یک جا می آید و جابه جایی و حمل فقط در کاغذ و محصول صورت می گیرد. نکته دیگر اینکه وقتی شما کتاب را یکجا تولید می کنید، بخشی از هزینه ها کاهش می یابند. مثلاً ما معمولاً یک کتاب درسی یک پایه دوره ابتدایی را برای حدود یک میلیون و دویست یا یک میلیون و دویست و پنجاه تیراژ داریم. این مقدار روی ماشین چاپ رول بسته می شود. گاهی وقتها کتاب ۶ فرم یا ۷ فرم دارد. هر فرمی از این کتاب که بسته می شود، یک پلیت حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار فرم تولید می کند که چهار تای آن را می بندیم و چهار رنگ آن را می زنند و این ۶۰۰ هزار فرم را تولید می کنند. در واقع، یک تیراژ یک میلیون و ۲۰۰ هزار را با دو سری پلیت تولید می کنیم. حالا اگر شما آن را در چاپخانه های کشور توزیع کردید چند پلیت باید مصرف کنید؟ همین که کارها ریز و خرد شوند، هزینه ها افزایش می یابند، نه کاهش. در ضمن یک رشته هزینه های متمرکز هم دارید؛ مثلاً هزینه پشتیبانی. وقتی شما در کشور مثلاً ۲۰ یا ۳۰ چاپخانه داشته باشید، هزینه واحدهای پشتیبانی و تعمیرات و انبار و سایر وجود دارند. اینها باید در وضعیت اقتصادی - صنعتی محاسبه شوند تا معلوم شود چه عاید کشور

یک قرن و هشت سال

نگاهی به سیر شکل گیری و تطور سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

محمد دشتی

- رسیدگی و تصدیق مطابقت کتب مؤلفین با دستور رسمی مدارس؛
- جمع آوری و تدوین جزواتی که معلمین مدارس متوسطه و عالی تدوین می نمایند و در آخر هر سال تحصیلی طبع و انتشار هر یک از آن ها که شایسته انتشار باشد؛
- جمع آوری کتب و سالنامه ها و نشریات، مخصوصاً به نشریات مربوط به تعلیم عمومی و شعب تحصیلات ثلاثه و فنی که به السنه مختلفه در ممالک معظمه و ممالک همجوار طبع و منتشر می شود.

۱۳۲۸: اداره کل نگارش

در سازمان و تشکیلات آموزش و پرورش واحدی به نام اداره کل نگارش تشکیل شد که وظایف پژوهشی آن در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ هجری شمسی به شرح زیر بود:
- جمع آوری اطلاعات فرهنگی؛
- جمع آوری اطلاعات راجع به امور و روابط فرهنگی جهان و مبادله اطلاعاتی؛
- ترجمه کتب مفید؛
- چاپ و توزیع کتب تحصیلی و غیر تحصیلی.
در ضمن، در سازمان آموزش و پرورش، واحد دیگری نیز به نام اداره امتحانات و بودجه به وجود آمده بود که مسئولیت قسمت «برنامه ها و آیین نامه ها»ی آن، مطالعه اوضاع اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور ایران و مطالعه برنامه های ممالک شبیه به ایران و تهیه و تنظیم برنامه ها و آیین نامه های مربوط به تحصیلات ابتدایی و دوره های متوسطه پسران و دختران و آماده کردن آن ها برای مطالعه و

نخستین گام های عملی در راه تأسیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در وزارت آموزش و پرورش با تصویب قانون اداری وزارت فرهنگ (۱۱ شهریور ۱۳۲۹ هجری شمسی) برداشته شد.

در ماده دهم قانون یاد شده، هیئت مشاوره پیش بینی شده بود که قسمتی از وظایف آن به شرح زیر بود:

- حل غوامض امور معارف؛
- تسویه اختلافات بین مکاتب و مدارس؛
- رد و قبول تألیف معینه برای مدارس و مکاتب؛
- مشورت در تدارکات نواقص تعلیمات و لوازم تحصیلات ثلاثه از وجوه و غیره و ترجیح بعضی تدارکات به مقتضیات حال.

۱۳۱۲: اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۱۲ هجری شمسی، نظام نامه اساسی «اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» به تصویب رسید که از جمله وظایف آن موارد زیر را می توان نام برد:
انعقاد قرارداد با مؤلفین و مصنفین و مترجمین، برای تهیه کتب درسی و مدارس عالی و متوسطه و ابتدایی و نظارت در صحت انجام آن.
- فراهم آوردن وسایل طبع و نشر فرهنگ فارسی؛
- تصحیح و طبع آثار دانشمندان گذشته ایران (از نظم و نشر)؛
- ترجمه کتب معتبر و معروف ملل خارجه؛
- تصدی طبع و انتشار هرگونه کتابی که وزارت معارف مباشر طبع آن است؛



در سال ۱۳۴۶، در اثر تحولاتی که در وظایف و تشکیلات مربوط به شاخه معاونت طرح‌ها و بررسی‌ها به عمل آمد، اداره کل مطالعات و برنامه‌ها منحل شد و سه واحد جدید به نام‌های مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، دفتر هماهنگی طرح‌های آموزشی، و دفتر هماهنگی برنامه‌ها به وجود آمد که واحد نخست زیر نظر مستقیم وزیر، مسئولیت تحقیقات و برنامه‌ریزی مربوط به امور آموزشی را بر عهده گرفت و واحدهای دوم و سوم زیر نظر معاونت طرح‌ها و بررسی‌ها، اموری شامل موارد زیر را بر عهده گرفتند: تهیه و تنظیم طرح‌های آموزشی و پیشنهاد آن به سازمان برنامه، تشخیص و پیشنهاد اولویت برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در سطح کشور، ایجاد هماهنگی در برنامه‌های تهیه شده به وسیله دفاتر برنامه‌ریزی واحدهای دیگر وزارتخانه، جمع‌آوری اطلاعات و آمار و تجزیه و تحلیل آن‌ها.

تشکیلات مربوط به شاخه معاونت طرح‌ها و بررسی‌ها به عمل آمد، اداره کل مطالعات و برنامه‌ها منحل شد و سه واحد جدید به نام‌های مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، دفتر هماهنگی طرح‌های آموزشی، و دفتر هماهنگی برنامه‌ها به وجود آمد که واحد نخست زیر نظر مستقیم وزیر، مسئولیت تحقیقات و برنامه‌ریزی مربوط به امور آموزشی را بر عهده گرفت و واحدهای دوم و سوم زیر نظر معاونت طرح‌ها و بررسی‌ها، اموری شامل موارد زیر را بر عهده گرفتند: تهیه و تنظیم طرح‌های آموزشی و پیشنهاد آن به سازمان برنامه، تشخیص و پیشنهاد اولویت برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در سطح کشور، ایجاد هماهنگی در برنامه‌های تهیه شده به وسیله دفاتر برنامه‌ریزی

تصویب شورای عالی فرهنگ بود. همچنین، بررسی معایب و نواقص برنامه‌ها و ارائه راه‌حل‌های لازم برای رفع نقایص و تنگناهای موجود از وظایف مربوط به این واحد بوده است.

در ۲۵ دی‌ماه ۱۳۲۷ هجری شمسی، در ششصد و هفتاد و یکمین جلسه شورای عالی فرهنگ، آیین‌نامه مربوط به تشکیل هیئت مخصوصی به نام «هیئت تألیف و ترجمه» (مکرب از پنج تن از دانشمندان رشته‌های مختلف علمی و ادبی با انتخاب شورای عالی فرهنگ) در اداره کل نگارش به تصویب رسید که مسئولیت تألیف و ترجمه کتب درسی و نظارت بر این امر به شورای مذکور واگذار شد.

در تیرماه ۱۳۳۴ هجری شمسی، اداره «مطالعات و برنامه‌ها» از اداره «امتحانات و برنامه‌ها» جدا شد تا وظایفی همچون تهیه و تنظیم و تجدیدنظر در برنامه‌ها و آیین‌نامه‌های تعلیماتی و اجرای اصول و قواعد تربیتی و روان‌شناسی در مدارس و تهیه و اجرای تست‌های مختلف برای سنجش استعدادها و مطالعه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و تعیین ارزش کار معلمان را عهده‌دار شود.

۱۳۳۹: سازمان کتاب‌های درسی ایران

در سال ۱۳۳۹ با ملحق شدن اداره آمار به اداره فوق، اداره کل «مطالعات و برنامه‌ها» تأسیس و تحقیقات تربیتی و برنامه‌ریزی درسی در واحد یاد شده متمرکز شد. براساس تصویب‌نامه جلسه ۱۳۴۲/۷/۸ هجری شمسی هیئت وزیران، «سازمان کتاب‌های درسی ایران» به وجود آمد. هدف از تأسیس این سازمان در ماده یک اساس‌نامه آن به شرح زیر بیان شده بود:

به منظور تألیف و تهیه کتاب‌های درسی مورد نیاز دبستان‌ها و دبیرستان‌های کشور، یک مرکز علمی به نام «سازمان کتاب‌های درسی ایران» تحت نظر وزارت فرهنگ، طبق مقررات زیر تأسیس می‌گردد. همچنین، در ماده ۶ همین اساس‌نامه قید شده بود: سازمان دارای یک دبیرخانه و یک کتابخانه شامل کتاب‌های درسی کشورهای جهان و کلیه منابع و مآخذ لازم خواهد بود.

(لازم به توضیح است، اداره کل مطالعات و برنامه‌ها به‌عنوان بازوی تحقیقاتی و برنامه‌ریزی، در کنار سازمان کتاب‌های درسی و زیر نظر معاونت طرح‌ها و بررسی‌ها به فعالیت خود ادامه می‌داد). در سال ۱۳۴۶، در اثر تحولاتی که در وظایف و

واحدهای دیگر وزارتخانه، جمع‌آوری اطلاعات و آمار و تجزیه و تحلیل آن‌ها.

۱۳۵۵: سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی

قانون تشکیل سازمانی موسوم به سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی مشتمل بر ده ماده و یک تبصره، پس از تصویب مجلسین وقت، از تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۵۵ به‌مورد اجرا نهاده شد.

در ماده یک قانون مذکور، تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی چنین تبیین شده بود: «تحقیق و بررسی در مسائل کیفی آموزش و پرورش و ارزشیابی مستمر و تنظیم برنامه‌های تحصیلی و تألیف و تدوین کتب درسی و آماده‌سازی مدارس و مؤسسات آموزشی تابع وزارت آموزش و پرورش.

۱۳۵۸: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۵، به موجب مصوبه شورای انقلاب، ضمن اصلاح قسمتی از قانون این سازمان، نام آن به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تغییر یافت. اهم وظایف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عبارت‌اند از:

* پژوهش در محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف تحصیلی با توجه به نیازها و توجه به توانایی و خصوصیات روانی دانش‌آموزان هر دوره تحصیلی و تهیه و تنظیم برنامه‌های درسی و تعیین نسبت‌های مطلوب برای تحصیلات در سطوح و رشته‌های مختلف.

* مطالعه و تنظیم روش‌های ساده در زمینه امتحانات و ارزشیابی‌های تحصیلی.

* تألیف و تدوین و انتشار کتب و نشریات آموزشی و کمک‌آموزشی برای دانش‌آموزان، معلمان و مربیان.

* تعیین و تهیه مواد و وسایل آموزشی و فهرست استاندارد تجهیزات وسایل آموزشی با همکاری سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور و تهیه طرح‌های لازم برای نوآوری در روش‌ها و وسایل آموزشی و اجرای طرح‌های آزمایشی به منظور ارزشیابی روش‌ها و وسایل آموزشی.

* انجام تحقیقات بنیادی در زمینه بهبود کیفی و کمی آموزش و پرورش.

* برقرار ساختن ارتباط دائم با معلمان و متخصصان امر آموزش و پرورش و نظرخواهی از آنان و فراهم ساختن موجبات مشارکت آنان در برنامه‌ریزی و برنامه‌نویسی و ارزشیابی آموزشی. * پژوهش در امور هنری با توجه به منابع اسلامی و تهیه و ارائه آثار هنری نمونه جهت تعیین خط مشی جدید در زمینه امور هنری در وزارت آموزش و پرورش.

* همکاری با سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و دیگر واحدها و شوراهایی که به نحوی با وظایف سازمان ارتباط دارند.

* و ... انجام اقداماتی که شورای سازمان در جهت هدف‌های سازمان ضروری تشخیص دهد.

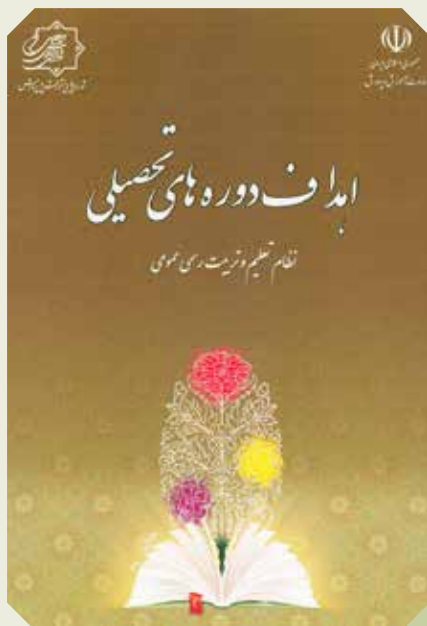
۱۳۸۶: تصویب قانون مقررات مالی و معاملاتی سازمان

در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۴ با تصویب ماده واحدهای در مجلس شورای اسلامی، قانون مقررات مالی و معاملاتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به شرح زیر تصویب و ابلاغ شد.

ماده واحده - سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، همانند دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی مشمول بند (الف) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و امور مالی، معاملاتی، تشکیلاتی، اداری و استخدامی آن براساس این قانون عمل خواهد شد.

شورای این سازمان به‌عنوان هیئت امنای محسوب می‌شود و مصوبات آن پس از تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری لازم‌الاجرا خواهد بود. قوانین مغایر با این قانون کان لم یکن تلقی گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم دی‌ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسید.



اهداف دوره های تحصیلی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

کتابچه حاضر که توسط شورای عالی آموزش و پرورش تدوین و تنظیم شده است، اهداف دوره های تحصیلی را با استناد به مصوبه جلسه ۹۵۲ «شورای عالی آموزش و پرورش» به این نحو آورده است: «اهداف دوره های تحصیلی، تجلی اهداف آموزش و پرورش متناسب با ویژگی ها و شرایط سنی دانش آموزان است، زمینه دستیابی آنان به شایستگی های پایه را فراهم می آورد و به رشد متوازن و همه جانبه ایشان کمک می کند. مدیران، برنامه ریزان و عوامل سهیم و مؤثر در تعلیم و تربیت دانش آموزان، باید در برنامه ریزی امور، سامان دهی فعالیت ها و انجام وظایف خود به گونه ای عمل کنند که دانش آموزان در پایان هر یک از دوره های تحصیلی به اهداف تعیین شده دست یابند».

اهداف دوره های تحصیلی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در کتابچه ای تدوین شده و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. این اهداف به طور خلاصه عبارتند از:

«ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی»، «ساحت تعلیم و تربیت زیبایی شناسی و هنری»، «ساحت تعلیم و تربیت زیستی و بدنی»، «ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناورانه»، «ساحت تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی»، «ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای».

ساحت های اصلی برای دوره اول ابتدایی شامل پایه های اول تا سوم، دوم ابتدایی شامل پایه های چهارم تا ششم، دوره اول متوسطه شامل سه سال اول و دوره دوم متوسطه شامل سه سال آخر تبیین شده اند. هدف فراساحتی دوره های تحصیلی نیز به این شکل بیان شده است: «دانش آموز با کسب مهارت های نوشتاری، شفاهی، ادراکی و تولیدی زبان، از این مهارت ها برای حل مسائل یا رفع نیازهای خود در سطح جامعه و تحلیل موقعیت های پیچیده بهره بگیرد».

تصویرسازی در متنهای آموزشی از دهه ۱۳۴۰

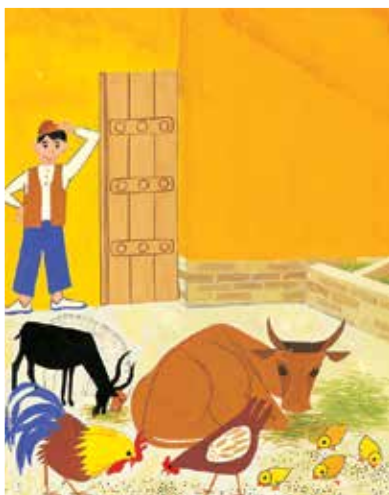
محبت الله همتی

اشاره

تصویرسازی در کتابهای درسی فرصتی برای یادگیری است که متناسب با مخاطب و موضوع، باید ویژگیهای دیگری نیز داشته باشد. در کتابهای درسی، برخلاف کتابهای غیردرسی، دانشآموزان با تنوع متن روبهرو هستند؛ انواع متنهای داستانی، مستند و علمی.

آنچه در پی میآید، مروری است به تصویرسازی کتابهای درسی بهعنوان رسانه‌ای در انتقال محتوای متن. این تصویرها از دهه ۱۳۴۰ تاکنون از کتابهای درسی و مجله‌های رشد انتخاب شده‌اند.

آنچه بهعنوان تصویرسازی از آن نام برده می‌شود، به گونه‌ای هنر تصویری توضیح‌دهنده و وصف‌کننده اطلاق می‌شود. تصویرگری غالباً به تجسم و ارائه موضوعی می‌پردازد که با زبان نوشتاری یا گفتاری نیز قابل بیان است. همین نکته، عمده‌ترین وجه تمایز تصویرگر از نقاش به شمار می‌آید. ممکن است هدف کلی تصویرگر قابل فهم کردن یا جذاب کردن موضوعی از یک متن باشد (پاکباز، ۱۳۷۸).



همه ما از این تصویر خاطره داریم. عناصر بومی تصویر به خوبی توانسته‌اند با متن هماهنگ شوند. فضای شاد تصویر در ایجاد نشاط در مخاطبان بسیار مؤثر است.

کتاب فارسی دوم دبستان، سال ۱۳۴۷

تصویرگر: پرویز کلانتری



حس به کار رفته در تصویر در نگاه اسب به پسرک که سرشار از تشکر و قدردانی است با محتوای اثر هماهنگ است.

نام درس: «از حیوانات نگهداری کنیم»

کتاب: علوم تجربی اول دبستان، سال ۱۳۵۰

تصویرگر: پرویز کلانتری



کوکب خانم زن پاکیزه‌ای است ...
این تصویر در حافظه تاریخی چندین نسل ماندگار شده است.
سال ۱۳۵۵

یادتان هست؟
فارسی دبستان سال ۱۳۵۴



انتقال یک مفهوم علمی
در سه فریم تصویر در یک قاب
کتاب: علوم تجربی دوم دبستان، سال ۱۳۵۱



معجزه حضرت عیسی (ع).
ارتباط عمیق تصویرسازی با مفهوم و درون مایه
متن برای کتابهای دینی دوره راهنمایی.
تصویرگر: منوچهر درفشه، سال ۱۳۵۸



مطالعات اجتماعی، چهارم دبستان، ۱۳۸۵
تصویرگر: شیرین شیخی



تصویرگر با الهام از تکنیک قهوه خانه ای توانسته است
واقعه شهادت حضرت قاسم (ع) را روایت کند.
کتاب: فارسی چهارم دبستان، سال ۱۳۸۵
تصویرگر: حمیدرضا رشیدیان

یک تصویر تاریخی؛ بارگاه فرعون.
تصویرگر برای تصویرسازی متون تاریخی نیازمند
اطلاعات صحیح است، چون این گونه تصویرها باید بتوانند
اطلاعات تاریخی را نیز به دانش آموزان منتقل کنند.

کتاب: تاریخ اول راهنمایی، سال: ۱۳۸۵
تصویرگر: فرهاد جمشیدی



نیایش
براساس متنی از کتاب بخوانیم فارسی دبستان.
برگزیده جشنواره تصویرسازی.
تصویرسازی خانم فاطمه رادپور



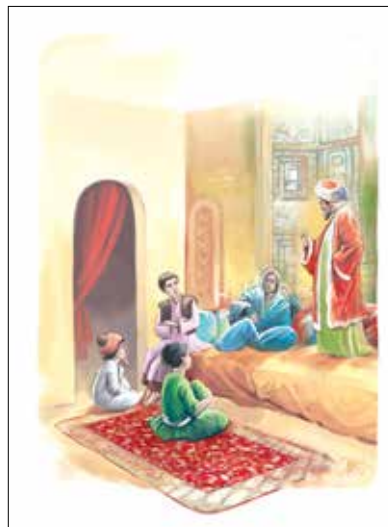
اثر حمیدرضا رشیدیان براساس داستان حضرت نوح
(ع). این تصویر در کتاب‌های درسی چاپ نشده است.



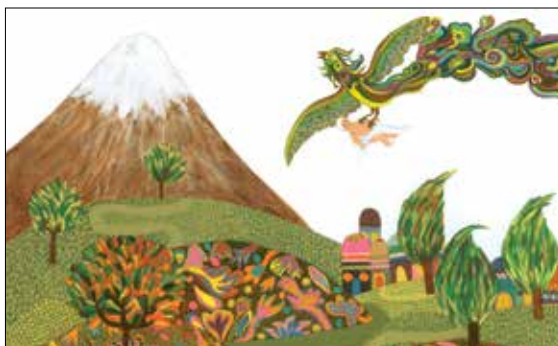
اثر برگزیده دومین جشنواره تصویرسازی
کتاب‌های درسی، براساس متنی از کتاب درسی
قرآن دوره دبستان؛ ابراهیم در گلستان
تصویرگر: امیر نساجی



کتاب: قرآن سوم دبستان، سال ۱۳۹۶
تصویرگر: نقیسه شهدادی



فارسی پنجم دبستان، ۱۳۹۶
تصویرگر: ثنا حسین پور



فارسی پنجم دبستان، ۱۳۹۶
تصویرگر: نرگس دلاوری



هدیه‌های آسمان، پنجم دبستان، ۱۳۹۶
تصویرگر: حسین آسیوند



هدیه‌های آسمان، پنجم دبستان، ۱۳۹۶
تصویرگر: شیوا ضیایی



این تصویر با فضای کودکانه به خوبی با گروه
سنی مخاطب هم‌خوانی دارد.
براساس داستان «غذای خوش‌مزه»
تصویرگر: مهشید ازده‌فر
رشد کودک، شماره ۱۳۹۵



تناسب تصویر با موضوع بازگشایی
مدرسه
تصویرگر: مهدیه قاسمی
مجله رشد نوآموز شماره ۱، ۱۳۹۷



سرفه دارد خاله پاییز در نمی‌آید صدایش
گوشه ایوان نشسته با کلاف کاموایش ...
ارتباط تصویر و متن شعر خاله پاییز
رشد دانش آموز، شماره ۱، مهرماه ۱۳۹۷
تصویرگر: افروز قلی‌زاده



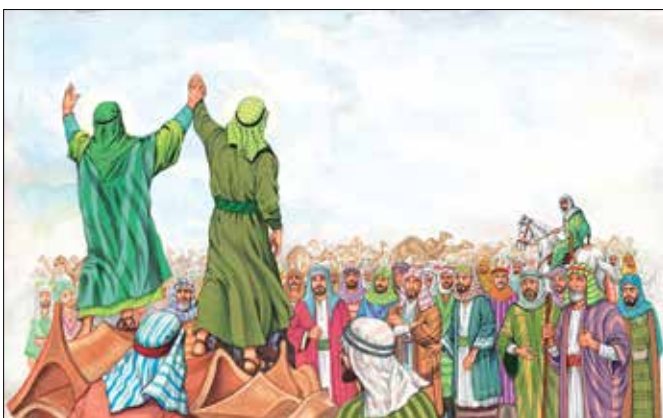
تصویر روی جلد هدیه‌های آسمان،
سوم دبستان، ۱۳۹۶
تصویرگر: مجید ذاکری

چندین نسل از مردم سرزمینمان با
تصویرهای این بزرگان آشنا هستند



مرحومه ژانت میخائیلی
تصویرگر مجله‌های رشد.
عناصر بومی در کارهای ایشان برجسته است.

استاد غلامعلی مکتبی
کتاب ابلق، انتشارات مدرسه
از نظر مفهومی، وجه حماسی این تصویر،
با درون‌مایه داستان کاملاً هماهنگ است.



تصویرسازی واقعه غدیر
اثر استاد صادق صندوقی

سازمان پژوهش در دوره پساچهل سالگی

محمد ابراهیم محمدی
دبیر همایش تجلیل از مؤلفان

سیاست چندتألیفی، با نظارت دفترها و شورای تألیف کتاب‌های درسی، با سازمان پژوهش همکاری داشته باشند. این موضوع هر چند یک حرکت مهم در حوزه استفاده از ظرفیت‌های بیرونی است، اما به همان نسبت، وظایف و تکلیف سازمان را در بررسی و تطبیق آن با سند تحول و برنامه درسی ملی حساس‌تر و پرننگ‌تر می‌کند. سازمان در گذر تحول‌های پیش‌آمده باید گام‌های جدی‌تری در زمینه پایدارسازی کتاب‌های درسی (حداقل به مدت پنج‌سال) و پرهیز از چاپ همه ساله آن‌ها بردارد. زیرا اقتضای اقتصاد مقاومتی در پرهیز از هزینه سربار و حفظ محیط زیست و منابع ارزی آن است. گرچه این اقدام در مورد همه کتاب‌ها و پایه‌ها به یکباره میسر نیست، اما اقدام و متناسب با آن فرهنگ‌سازی رسانه‌ای و همکاری برخی از نهادهای ذی‌نفع، مانند محیط زیست، شهرداری، صنعت و تجارت راهگشا خواهد بود.

شاید یکی از جلوه‌های مهم تحول و البته تغییر در خدمات‌رسانی سازمانی، استفاده از ظرفیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باشد. ارائه برخی محتواها در قالب لوح‌های فشرده و یا استفاده از تبلت دانش‌آموزی، با وجود کهنگی و اشکالات وارد بر آن، یک ضرورت است. تغییر شکل خدمات از مکتوب به الکترونیک، به‌ویژه در قالب پیام‌رسان تأسیسی «رشد» و یا پیام‌رسان‌های موجود، ضمن توسعه دامنه خدمات و نوسازی پیوسته اطلاعات، سهم بسزایی در صرفه‌جویی و پرهیز از هدررفت منابع دارد و در گردش سریع اطلاعات و توسعه ارتباطات کمک خوبی خواهد بود. ارائه ده‌ها مجله علمی و آموزشی تخصصی و عمومی، اقدامی هوشمندانه در ترغیب بدنه عظیم آموزش و پرورش از صف تا استاد برای چرخش از ارائه محتوای تکمیلی و دانش‌افزایی کاغذی به الکترونیک خواهد بود. گرچه این چرخش مثل بسیاری از ریل‌گذاری‌ها نیازمند ریسک‌پذیری شهامت‌مندانه است. گرچه سختی‌ها و دلسردی‌ها در زمینه تعدیل نیروی کار و امکانات و تأسیسات صنعتی و چاپی است، اما واقعیتی غیرقابل اجتناب است که از زمان معقول و طبیعی آن دیرزمانی گذشته است.

چهل سالگی نشانه رشد، بلوغ و عقلانیت است. در این مقوله تفاوتی بین عقلانیت فردی و سازمانی نیست. همان‌گونه که فرد در گذر از چهل سالگی به رشد و تحول مبتنی بر کسب تجربه و راه‌رفته می‌رسد، سازمان هم پس از چهار دهه فعالیت و حرکت، به سطحی از بلوغ و عقلانیت در تولید، ارائه خدمات و بهره‌وری می‌رسد. چهل سالگی هر سازمان آغاز بازنگری، بازسازی و حرکت در مسیر انتظارات و مطالبات مبتنی بر مناسبات سازمان و مخاطبان، به‌خصوص جامعه هدف، است. هر چند تأمل و بازنگری در فرصت‌های مختلف یک ضرورت است، اما هیچ کارکرد این بازنگری را که لزوماً بر شهامت، جسارت و هوشمندی در آستانه بلوغ و عقلانیت چهل سالگی مبتنی است، ندارد.

ماهیت چهل سالگی با تغییرات بزرگ و سترگی گره خورده است و در مقابل، انتظارات مبتنی بر نقشه راه و حرکت جدید را ناگزیر می‌سازد؛

سازمان پژوهش در آستانه بلوغ مبتنی بر عقلانیت خویش، گام‌های اساسی چندی برداشته و حرکت‌های بزرگی از جنس تغییر و تطور در نظام برنامه‌ریزی درسی، تألیف و ارائه بسته‌های آموزشی کرده است. تغییرات میدانی صورت گرفته و نیز تنوع و تکثر رسانه‌های آموزشی، مطالبات را از سازمان پژوهش جدی‌تر ساخته است.

نیک پیداست، سازمان پژوهش به‌عنوان نهاد مغزافزار و اندیشه‌ورز دستگاه بزرگ تعلیم و تربیت نمی‌تواند به تنهایی پاسخ‌گوی همه مطالبات و انتظارات باشد. لذا به همراهی و هم‌افزایی بخش‌های علمی و آموزشی حاکمیتی و مردمی نیازمند است. ظرفیت‌های بیرونی، به‌ویژه انجمن و سمن‌های مردم‌نهاد علمی که از جنس معلمان و خانواده تعلیم و تربیت هستند، می‌توانند در راستای سیاست مرزگسترانه سازمان و در راستای سند تحول بنیادین و برنامه‌ریزی درسی، مشارکت هم‌افزایانه‌ای داشته باشند.

استفاده از تجربه و توان نهادهای مردمی و علمی در قالب نهادهای فرهنگی، علمی و آموزشی و نیز انجمن‌های علمی و ظرفیت استان‌های برخوردار، فرصت خوبی است تا نهادهای مزبور در بخشی از محتواهای علمی و آموزشی، اعم از علوم پایه و فنی، در راستای

پیران سخن ز تجربه کجا می گویند؟

حسن مظاهری

آیا تجربه زیسته برنامه‌ریزان و مؤلفان در هم‌سوسازی کتاب‌های دوازده ساله با اسناد تحولی به اشتراک گذاشته شد؟ بعد از ابلاغ «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در اسفندماه ۱۳۹۱، کمیته‌ای برای عملیاتی‌سازی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش تشکیل شد. یکی از وظایف این کمیته، انجام تکلیفی بود که «شورای عالی آموزش و پرورش» برای سازمان تعیین کرده بود و در پانویس صفحه ۱۹ این سند به آن اشاره شده بود. طبق این تکلیف سازمان موظف بود، اهداف دوره‌های تحصیلی چهارگانه را تدوین و برای تصویب به شورای عالی ارسال کند. کار گروه تخصصی تدوین اهداف دوره‌های تحصیلی تشکیل شد که اولین دستور کار آن «گردآوری پیشینه هدف‌نویسی» بود.

اگرچه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ اهداف آموزشی تدوین و تصویب شده‌اند، ولی به صراحت عرض کنم، هیچ‌گونه سند و مدرک علمی به‌عنوان سابقه عملیاتی هدف‌نویسی بدست نیامد که در آن منابع تدوین اهداف، فرایند هدف‌نویسی، نحوه ارتباط اهداف دوره‌ها و ساحت‌های یادگیری، اعضای تدوین‌کننده اهداف و مواردی از این قبیل ثبت و ضبط شده باشد. به همین خاطر، انرژی و زمان فراوانی برای تدوین اهداف دوره‌های تحصیلی صرف شد که تقریباً راه نرفته‌ای به حساب آمد. بنابراین، انجام این کار، شبیه اجرای پژوهشی شد که بدون پیشینه تجربی است و استادان دانشگاهی، انجام این‌گونه تحقیقات را به دلیل دشواری کار توصیه نمی‌کنند.

نمونه دیگری که می‌توان در این خصوص مطرح کرد، فرایند تدوین سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار در سال ۱۳۸۴ بود که در سال ۱۳۹۱ تصویب و به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ابلاغ شد. اما خروجی این فرایند که ظرف حدود ۶ یا ۷ سال حاصل شده، همان سند حدود ۵۰ صفحه‌ای است که تقریباً نگاشت ششم آن محسوب می‌شود. سؤال اینجاست که «دانش ضمنی» (پنهان و در ذهن‌ها و تجربه زیسته نوشته نشده) متولیان این امر و

همچنین فرایندها و رویه‌های دستیابی به خروجی، چگونه و در کجا برای پژوهشگران و متخصصان آینده ثبت و ضبط شده است؟ چرا که کاری چنین کلیدی و گسترده که خروجی‌اش ۵۰ برگ شده است، چه بسا باید پنج هزار برگ سند پشتیبان می‌داشت. البته منظور از دانش ضمنی، دانشی فراتر از متن صورت جلسات است. دیگر اینکه این دانش چگونه برای واکاوی، بررسی و نقد در اختیار دانشجویان و متخصصان قرار گرفته و به اشتراک گذاشته شده است؟

مصادقی عینی‌تر، موضوع تغییر کتاب‌های ریاضی دوره ابتدایی است که از سال ۱۳۹۱ به بعد (بعد از سال‌ها تغییر نکردن) شروع به تغییر کردند. اولاً استدلال‌های این تغییر و تحول چه بود و بر اساس کدام پژوهش‌ها و تحقیقات تغییر کتاب درسی ریاضی ضرورت پیدا کرد؟ ثانیاً فرایند طی شده که به تألیف صدوچند صفحه کتاب درسی ریاضی منجر شد، چیست؟ در کجا ثبت شده و چگونه به اشتراک گذاشته شده است؟ معلم به‌عنوان متولی اجرای آن چقدر در جریان رویه‌های پشت صفحه کتاب است؟

از این دست مثال‌ها فراوان قابل طرح‌اند و چه تجربیات ارزشمند و دانش بی‌ظیری که طی سال‌های گذشته در این سازمان کسب شده‌اند و کارشناسان و مدیران در ذهن خود برده‌اند! در پی این مسئله‌ها، چند سؤال مرتبط با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی پیش می‌آید:

۱. چگونه می‌توان دانش موجود در سازمان، شامل اسناد، صورت جلسه‌ها و مکاتبات علمی، و غیره را ثبت، سازمان‌دهی و ذخیره کرد که به آسانی و با حفظ جامعیت و مانعیت قابل بازیابی باشد؟

۲. چگونه می‌توان دانش ضمنی و مکتوب نشده مدیران، برنامه‌ریزان، مؤلفان و کارشناسان سازمان را آشکار کرد و بین مخاطبان آن دانش به جریان انداخت، تا به خلق دانش منجر شود؟

۳. نهادینه‌سازی فرهنگ اشاعه دانش در سازمان، با هدف ایجاد دغدغه در مدیران و کارشناسان سازمان به‌منظور ثبت، اشتراک‌گذاری و خلق دانش جدید، با چه ساز و کاری اتفاق می‌افتد؟

۴. از آنجاکه ماهیت کاری سازمان و جنس مأموریت‌های آن به گونه‌ای است که روزآمد شدن و خلق دانش جدید از ضروریات تحقق برنامه‌های سازمان است، چگونه می‌توان زمینه هم‌افزایی و خلق دانش جدید در سازمان را فراهم آورد؟

بنابراین پیشنهاد می‌شود، بعد از هشت سال کار نفس‌گیر در هم‌سوسازی کتاب‌های درسی دوازده ساله، زمانی برای تدوین و ترسیم فرایند طی شده به‌منظور انجام این کار، ثبت تجربه‌های کسب‌شده در این مسیر، و به اشتراک‌گذاری آن با کارشناسان، مؤلفان، اندیشمندان، دانشجویان و معلمان در دستور کار قرار گیرد، تا با دریافت دیدگاه‌ها و نظرات مخاطبان، و هم‌افزایی، خلق دانش جدیدی اتفاق افتد. چه بسا در این وادی حاشیه‌گران‌تر از متن است؛ حاشیه‌هایی که می‌توانند چراغ راهایی روشن‌تر، درست‌تر و ساده‌تر در آینده باشند.

تمبر؛ دریچه‌ای به وسعت یک سرزمین

اکرم امینیان
کارشناس ارتباطات



اشاره

سیزدهمین همایش تجلیل از مؤلفان و پدیدآورندگان مواد و رسانه‌های آموزشی با مشارکت سازمان‌ها و نهادهای دولتی برگزار می‌شود؛ سازمان‌ها و نهادهایی که هر کدام در طرح موضوع مربوط به خود، در کتاب درسی، دغدغه‌ای دارند و یا علاقه‌مندند در ترویج فرهنگ مطالعه و نیز موضوعات تخصصی کتاب‌های درسی سهمی داشته باشند. در این دوره، شرکت پست جمهوری اسلامی ایران که بزرگ‌ترین شرکت دولتی خدمات‌رسان از گذشته‌های دور تا به امروز است، با مشارکت خود در این همایش، تمبری اختصاصی ویژه این همایش طراحی و منتشر

کرده است. تمبر اختصاصی همایش بیانگر اهمیت موضوع در کتاب درسی است تا ماندگاری آن در یادها و خاطره‌ها کمک کند.

به همین مناسبت و به پاس چاپ تمبر اختصاصی کتاب‌های درسی، توجه شما را به مقاله‌ای جلب می‌کنیم که به تاریخ و قدمت تمبر به‌عنوان رسانه‌ای جهانی، انواع تمبر به‌عنوان سفیران فرهنگی و عامل پیوند فرهنگ‌ها پرداخته است و نشان می‌دهد تمبر رسانه‌ای بدون مرز محسوب می‌شود.

حدود دو قرن است که تمبر در جوامع بشری استفاده می‌شود. در طول این مدت، سالانه در هر کشور هزاران قطعه تمبر چاپ و منتشر شده است. این قطعه کوچک، پنجره فراخی است که به روی فرهنگ بی‌انکار و تاریخ بدون تحریف هر سرزمینی گشوده می‌شود. به بیانی دیگر، تمبر نشان و نماد فرهنگ و تاریخ کشورها به شمار می‌رود.

تمبر در نگاه نخست به منزله قطعه کاغذی چهارگوش و مصور است که به‌عنوان هزینه پستی روی پاکت می‌نشیند، ولی این کاغذ کوچک، در کنار ارزش‌های هنری و زیباشناختی‌اش، یک رسانه ارتباطی مؤثر محسوب می‌شود که با قابلیت پیام‌رسانی گسترده و فراگیر خود، از جهات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کند.

نخستین تمبر جهان در سال ۱۸۴۰ میلادی در انگلستان چاپ و منتشر شد و ۲۵ سال بعد، در سال ۱۸۶۵ میلادی (۱۲۴۴ شمسی) اولین تمبر ایرانی با عنوان «باقری» به چاپ رسید. پس از آن، تصاویری از فرهنگ، اقتصاد، هویت، ابنیه، تاریخ، تمدن، مذهب، طبیعت، ورزش، سیاست و غیره ایران بر قاب تمبر نقش بست و جاودانه شد؛ قاب‌هایی که تاریخ کهن این سرزمین را روایت می‌کنند فرهنگ و تمدن غنی مردمانش را به تصویر می‌کشند. دلوری‌ها و رشادت شهیدان و قهرمانانش را فریاد می‌زنند و ابهت و عظمت ابنیه، مشاهیر و میراث فرهنگی‌اش را به رخ می‌کشند.

آمارها حاکی از آن‌اند که از آغاز پیدایش تمبر در ایران تا پایان دوره قاجار ۵۳۶ قطعه و در دوره پهلوی اول ۲۴۸ قطعه تمبر چاپ و منتشر شده است. تعداد تمبرهای یادبود و جاری پیش از انقلاب در دوره پهلوی دوم به ۴۳۱ عنوان و تعداد تمبرهای یادبود و جاری بعد از انقلاب تاکنون به ۸۰۰ عنوان می‌رسد. در سالی که پشت سر نهادیم نیز ۷ عنوان دیگر به چاپ رسیده‌اند.

سفیر فرهنگی تمبری برای همه

یکی از انواع تمبرهایی که شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌کند، «تمبرهای جاری» است. درواقع، این تمبرها هدف اصلی ایجاد تمبر بوده‌اند. یعنی برای پرداخت هزینه‌های پستی استفاده می‌شوند. تمبرهای جاری در شمارگان میلیونی چاپ می‌شوند و قیمت‌های آن‌ها متفاوت است و بنا به مسافت ارسال نامه، از چند عدد آن‌ها استفاده می‌شود.

«تمبرهای یادگاری» نیز دیگر تمبرهایی هستند که بسیار دیده‌ایم. این تمبرها به مناسبت‌های خاص، موضوع‌های معین، بزرگداشت یک شخصیت یا نشان دادن یک واقعه مهم منتشر می‌شوند. معمولاً شاخصه یا نماد فرهنگی خاصی دارند و نشانه‌هایی از مردم‌شناسی کشور در آن‌ها دیده می‌شود. این دسته از تمبرها از نظر تنوع رنگ و طرح، نسبت به تمبرهای جاری ارزش هنری بیشتری دارند.

تمبرهای یادگاری به ندرت به مصرف پستی می‌رسند، چرا که شمارگان کمی دارند و در مدت محدودی منتشر می‌شوند. درواقع این تمبرها بیشتر ارزش کلکسیونری دارند. این‌ها همان تمبرهایی هستند که همه می‌توانند با مراجعه به دفاتر پستی مشترک آن‌ها شوند و کلکسیون‌های خود را به تازه‌ترین تمبرهای منتشر شده مزین کنند. در حال حاضر، تعداد مشترکان دائمی تمبر شرکت ملی پست نزدیک به ۱۸ هزار نفر است.

در کنار این دو دسته تمبر، از نوعی تمبر می‌توان نام برد که هر کس می‌تواند آن را از عکس یا طرح مورد نظرش به پست سفارش دهد. این تمبر به تعداد محدود و براساس سفارش مشتری، به مناسبت‌هایی، نظیر اعیاد و جشن‌ها و مناسبت‌های شخصی نظیر تولد یا ازدواج یا حتی قبولی در کنکور، در کنار تمبرهای ویژه‌ای که به همین منظور تهیه شده‌اند، چاپ و منتشر می‌شود.

هر «تمبر اختصاصی» دو قطعه دارد؛ یک قطعه ثابت و یک قطعه متغیر. قطعه ثابت همان قطعه دارای ارزش است. درواقع، این قطعه، تمبرهای جاری ارائه شده توسط شرکت ملی پست است که مشتری، به سلیقه خود یکی را انتخاب می‌کند تا در کنار تصویری که در نظر گرفته است، قرار گیرد. قطعه متغیر یا همان تصویر، آرم یا لوگوی دلخواه مشتری است. نکته‌ای که در استفاده از این گونه تمبرها باید یادآور شد، این است که اگر متقاضی تمبر اختصاصی بخواهد از تمبر خود روی مرسولاتش استفاده کند، باید هر دو قطعه را

تمبر پستی ابزاری ارتباطی و نوعی رسانه ملی اثربخش است که مرزهای جغرافیایی را در نور دیده و پیوندی مستحکم بین مردمان سرزمین‌ها و کشورها، از هر ملتی، مذهبی، زبانی و نژادی برقرار می‌کند. تمبر رسانه‌ای مصور و دیداری است که با زبان تصویر با همه سخن می‌گوید؛ زبانی که به مترجم نیاز ندارد و هر کس آن را می‌شناسد؛ زبانی که پیامش از تمامی تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی، نظام‌های سیاسی و طبقه‌بندی‌های اجتماعی عبور می‌کند و بی‌هیچ دخل و تصرفی به مخاطب می‌رسد.

با هم روی پاکت الصاق کند.

تمبر اختصاصی همچنین می‌تواند براساس سفارش اشخاص حقیقی و حقوقی، به منظور انجام تبلیغات مؤثر، چاپ و منتشر شود که به آن «تمبر تبلیغاتی» اطلاق می‌شود. حداقل شمارگان تمبر تبلیغاتی برای متقاضی ۲۰۰ هزار مجموعه است. مشتریان شرکت پست می‌توانند با مراجعه به دفاتر پستی یا سایت شرکت <http://stamp.post.ir> درخواست چاپ تمبر اختصاصی بدهند و خاطره‌های زندگی خود را ماندگار کنند.

تمبر گویای تمدن و فرهنگ هر کشور است. از این رو می‌تواند ابزاری مؤثر برای گسترش و شناساندن آداب، اخلاق، منش، آیین، رسوم، عادات و سنن مردمان آن سرزمین باشد. تمبر، به واسطه اینکه سندی قانونی و معتبر محسوب می‌شود، کارکرد ارتباطی توانمندی در امور فرهنگی دارد.

در کشور ما نیز از طریق چاپ و انتشار تمبر می‌توان فرهنگ ایران اسلامی را تقویت و صادر کرد. حتی می‌توان از آن به‌عنوان سفیری برای فرهنگ‌سازی و انتقال فرهنگ غنی کهن جامعه ایران به آیندگان و سایر جوامع استفاده کرد و به عظمت و قدمت کشور بالید.

آیینۀ تاریخ

هنگامی که آلبوم‌های تمبر را ورق می‌زنیم، در میان انبوه این قاب‌های کوچک، تمبرهایی به چشم می‌خورند که تصویرهای افراد و شخصیت‌های بنام و بزرگ بر آن حک شده‌اند. بسیاری از تمبرهای پستی

صادرات را رونقش بخشند و به سودآوری کشورها کمک کنند. علاوه بر این، با گسترش فعالیت این بخش در زمینه توسعه و ترویج فرهنگ تمبر و تمبرشناسی، این مهم می‌تواند به اشتغال‌زایی و رونق و کسب و کار بینجامد.

متأسفانه، امروزه در کشور ما تمبر جایگاهی ناشناخته دارد و این برای ملتی با تمدنی دیرینه و فرهنگی درخشان چون ایران واقعاً حیف است! درواقع، به دلیل نبود تنوع و جذابیت تمبرهای پستی، این هنر مهجور مانده و نسل نوپا و جوان چندان رغبتی به آن نشان نمی‌دهند و با جدیت و به‌صورت حرفه‌ای به جمع‌آوری و حفظ این اسناد ارزشمند ملی نمی‌پردازند. از این‌رو، شرکت ملی پست، به‌عنوان بانی اصلی تمبر کشور، با همکاری شورالی عالی تمبر، متنوع‌سازی این اثر هنری و ارتقای جایگاه آن را در دستور کار خود قرار داده است و در نظر دارد با مشارکت فرهیختگان هنری و خلق آثار بدیع، شوق و انگیزه جوانان و نوجوانان را برای ورود به عرصه تمبر برانگیزد و این هنر ارزشمند و میراث گرانبها را پاس دارد و جایگاه آن را در کشور تثبیت و تقویت کند.

تمبر مشترک؛ عامل پیوند ملت‌ها

در اقدامی نوین و زیبا، کشورهای دنیا کوشیده‌اند از ورای تمبر پیوند خود را با سایر کشورها تحکیم بخشند و روابط دوستی خود را تقویت کنند. این کشورها از یک‌سو با صحنه گذاشتن بر این موضوع که تمبر مهم‌ترین سفیر فرهنگی هر سرزمینی به شمار می‌رود، هریک گوشه‌ای از قرابت‌های تمدن غنی و ارزش‌های فرهنگی خود را به‌طور مشترک در قاب تمبر نهادند و آن را در خاطره مردمان دیگر سرزمین‌ها جاوید می‌سازند. از سوی دیگر، بر پیوند برادری و اتحاد ناگسستنی خود می‌بالند. درواقع، تمبر مشترک را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ روابط کشورها و مهر اطمینانی بر مشارکت سیاسی فرهنگی آنان تلقی کرد. شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران تاکنون توانسته است با برخی کشورها نظیر برزیل، چین، روسیه، هندوستان، ونزوئلا، اوکراین، اسپانیا، کوبا، قزاقستان، قرقیزستان، مغرب، تاجیکستان، پرتغال، مکزیک و ترکیه، ۱۹ تمبر مشترک را در مراسم نمادین، با حضور سفرا و مقامات پستی آن کشورها منتشر کند.

همچنین، در راستای توسعه فعالیت‌های بین‌المللی، در سال‌های اخیر هشت نمایشگاه مشترک تمبر نیز برگزار شده است.

خیره‌کننده آن‌هایی هستند که واقعیت رویدادها، وقایع و تاریخ، و چهره شخصیت‌های برجسته تاریخ‌ساز و درخشان و نخبگان شاخص کشور را که در اعتلای فرهنگ و عظمت ایران نقش ارزشمند داشته و دارند و همچنین رشادت‌ها، دلاوری‌ها، افتخارآفرینی‌ها و جان‌فشانی‌های شهیدان، جانبازان و ایثارگران جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را (که همگان اعتبار و استقلال میهن اسلامی را مدیون آن می‌دانند) به تصویر کشیده‌اند.

آنچه در تاریخ تمبر کشور ما اهمیتی بسزا دارد، این است که با پیروزی انقلاب اسلامی، روند سیاست‌گذاری چاپ و انتشار تمبر دستخوش تحولاتی عظیم شد. ثبت وقایع مهم و حیاتی انقلاب اسلامی و نکوداشت و بزرگداشت چهره‌ها و شخصیت‌های بزرگ در قالب تمبر، از رویکردهای مهم دوره اسلامی به شمار می‌رود.

رسانه بدون مرز

تمبر پستی ابزاری ارتباطی و نوعی رسانه ملی اثربخش است که مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و پیوندی مستحکم بین مردمان سرزمین‌ها و کشورها، از هر ملتی، مذهبی، زبانی و نژادی برقرار می‌کند. تمبر رسانه‌ای مصور و دیداری است که با زبان تصویر با همه سخن می‌گوید؛ زبانی که به مترجم نیاز ندارد و هرکس آن را می‌شناسد؛ زبانی که پیامش از تمامی تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی، نظام‌های سیاسی و طبقه‌بندی‌های اجتماعی عبور می‌کند و بی‌هیچ دخل و تصرفی به مخاطب می‌رسد.

هنری ماندگار

امروزه در خلق این تابلوی مینیاتوری هزار نقش، تکنیک‌های هنری، با ذوق و سلیقه‌ای خاص با هم درآمیخته‌اند. این خود شاهکاری برجسته به شمار می‌آید، به طوری که فن طراحی تمبر در سابقه کاری فرهیختگان هنری افتخاری بس بزرگ است. علاوه بر طراحی، تمبرشناسی و جمع‌آوری تمبر را نیز می‌توان در زمره هنرهای مفرح و سرگرم‌کننده به شمار آورد. دوستداران این هنر، با طبقه‌بندی موضوعی، از این قاصدان کاغذی مجموعه‌های ارزشمندی می‌آفرینند که تاریخ، تمدن، فرهنگ و سرگذشت یک ملت را زنده و جاودانه می‌کنند. همچنین، مجموعه‌های تمبر، از یک سو اندوخته‌های اقتصادی ارزشمندی برای مجموعه‌داران محسوب می‌شوند و از سوی دیگر می‌توانند بازار

تاریخچه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در جهان و ایران

اشاره

یکی از فرایندهای تاریخی ارزشمند، رشد و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران و جهان است. در این مقاله به منظور آشنایی هر چه بیشتر مخاطبان با این پدیده مهم و اثربخش، ابتدا اشاره‌ای کوتاه به سیر تکاملی صنایع و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهان داشته‌ایم و سپس آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ایران را در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی تحلیل کرده‌ایم. همچنین اشاره‌ای به فرایند برنامه‌ریزی و تاریخچه کتاب‌ها داشته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: دارالفنون، مدرسه فخریه، هنرستان صنعتی تهران، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، هنرستان ایران و آلمان، دنیای کار، برنامه درسی تلفیقی، مهارت، شایستگی، بسته آموزشی

رشد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهان

در سده هفدهم میلادی، با توجه به اوضاع اقتصادی و سیاسی کشورهای اروپایی، آموزش به قشرهای خاص، مانند ثروتمندان و اشراف اختصاص داشت و توده مردم از آن بی‌بهره بودند. در آن زمان، خانواده‌ها و اصناف مسئولیت مهارت‌آموزی نسل جوان را برعهده داشتند و مهارت‌ها به روش استاد - شاگردی آموزش داده می‌شدند و مانند روش سنتی در ایران، پسر شغل پدر را انتخاب می‌کرد. گسترش نیاز جامعه به نیروی کار ماهر و متخصص سبب انقلابی عظیم شد که به «انقلاب صنعتی»^۱ انجامید.

انقلاب صنعتی از سال ۱۷۵۰ آغاز شد و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را به شدت تحت تأثیر قرار داد. هم‌زمان با آن، صنایع پارچه‌بافی نیز کار خود را در انگلستان آغاز کردند. در سال ۱۷۶۹ ماشین بخار توسط جیمز وات^۲ و قایق بخار به وسیله همکار وی، رابرت فولتن^۳ اختراع شد. به این ترتیب می‌توان گفت کشور انگلستان نقشی اساسی در تأسیس و رشد صنایع کوچک و کارخانه‌های کوچک و بزرگ و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهان داشته است. زیرا گسترش صنایع ماشینی و ارتباط تعلیم و تربیت با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، عامل مهمی در تأمین نیروی ماهر مورد نیاز بازار کار محسوب می‌شود.

از همین زمان تبادل فرهنگی برای کسب مهارت بین کشورها شکل گرفت. اولین کشوری که به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای صنعتی، به برنامه‌ریزی مدون و طراحی برنامه آموزش فنی و حرفه‌ای دست زد، کشور آلمان بود. بعدها مدرسه‌های مشترک پسرانه بین «آلمان - انگلیس»، «اتریش - سوئد» و «ایتالیا - فرانسه» دایر شدند و این روند برای سایر کشورها ادامه یافت. رشته‌های تحصیلی در مدرسه‌های فنی و حرفه‌ای اولیه در اروپا، ریسمندگی، بافندگی و مبلمان‌سازی بود. با بروز جنگ جهانی اول و ادامه و پایان آن، یکی از مشکلات اساسی جامعه صنعتگران، تأمین نیروی انسانی بین کارگر و مهندس بود که سرکارگر یا تکنسین می‌توانست آن را پوشش دهد. اولین قانون حمایت از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سال ۱۹۱۷ در آمریکا تصویب شد. کشورهای آلمان و آمریکا از اولین کشورهایی بودند که در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای خود بازنگری و آن را به‌روز کردند. در طول جنگ جهانی اول تقریباً همه فعالیت‌های صنعتی، آموزشی و پژوهشی در زمینه فنی و حرفه‌ای در خدمت فعالیت‌ها و امور نظامی بود. پس از پایان جنگ به تدریج این خدمات توزیع شدند و در راستای نیازهای رفاهی جامعه قرار گرفتند. با وجود رشد و توسعه شگفت‌انگیز صنایع و فناوری‌های آن در قاره‌های اروپا و آمریکا در عصر حاضر، کشورهای ذی‌ربط با کمبود نیروی ماهر در زمینه‌های صنعتی و خدماتی در سطح کارگر ماهر و تکنسین مواجه هستند و این نوع خدمات فنی در همه زمینه‌ها بسیار گران‌قیمت‌اند.



روند رشد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران

با توجه به تمدن اقوام ایرانی و وجود صنایع دستی سنتی وسیع و صنعتگران ماهر در میان آنان در گذشته‌های دور، تحولات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران مانند سایر کشورهای جهان از نوسان‌ها، پیچیدگی‌ها و تغییرهای گسترده‌ای برخوردار بوده است. شروع آن را می‌توان از قرن پانزدهم میلادی و زمان تیموریان دانست که تاکنون ادامه دارد. با وجود اینکه کشور ایران دارای بیشینه طولانی در زمینه صنایع، به خصوص صنایع دستی است و همیشه استادکاران و صنعت‌کاران ماهر، خلاق و کارامدی را پرورش داده است، ولی به دلیل جنگ‌های طولانی و ناخوابسته از زمان نادرشاه افشار تا شروع سلسله قاجاریه، نتوانست در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیشرفتی داشته باشد و هم‌گام با کشورهای اروپایی رشد و توسعه یابد.

پس از انعقاد قراردادهای «گلستان» (۱۲۲۸ ق/ ۱۱۹۱ ش) و «ترکمن‌چای» (۱۲۴۳ ق/ ۱۲۰۶ ش)، وضعیت نابسامان نیروی انسانی موردنیاز ماهر و فنی، زمامداران وقت را به این فکر واداشت که برای تأمین نیاز کشور و گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از سایر کشورها کمک بگیرند و با برقراری ارتباط با آنان، محصل به خارج بفرستند. در زمان عباس میرزا دو نفر از درباریان را به انگلستان می‌فرستند تا طب و نقاشی بیاموزند. چهار سال بعد، پنج نفر دیگر را برای تحصیل در علوم توپخانه و قفل و کلیدسازی به انگلستان و هم‌زمان تعداد دیگری را برای کسب مهارت در زمینه معدن و ساعت‌سازی به روسیه اعزام می‌کنند. اما این افراد نتوانستند مهارت‌های لازم را که در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بود، بیاموزند و به ایران انتقال دهند. اما تا حدودی توانستند پیشرفت‌های سایر کشورها را در زمینه‌های متفاوت، از جمله صنایع، در ایران به نمایش بگذارند.

فرایند اعزام محصل به فرنگ ادامه یافت تا اینکه در زمان امیرکبیر پنج نفر را برای آموختن بلورسازی، چدن‌ریزی، تصفیه شکر و قند، اسباب چرخ‌سازی و شمعی (شمع‌سازی) به روسیه و دو تن از حریربافان کاشان را

برای تکمیل مهارت حریربافی و تهیه ابریشم به استانبول ترکیه می‌فرستند. روند اعزام محصل به خارج برای اشراف و درباریان ادامه می‌یابد و به تدریج علوم و صنایع غربی در ایران رواج پیدا می‌کنند. در زمان محمدشاه قاجار، علاوه بر اعزام محصل به خارج، تأسیس مدرسه‌های ایرانی و خارجی نیز شکل می‌گیرد. اولین مدرسه از این نوع در سال ۱۸۳۸ م (۱۲۱۷ ش) توسط کشیشی آمریکایی به نام دکتر هاپکینز در ارومیه تأسیس شد.

ورود کالاهای صنعتی از کشورهای اروپایی به ایران و جهان‌بینی خاص امیرکبیر سبب شد که در سال ۱۸۴۸ م (۱۲۲۷ ش) او مدرسه دارالفنون را تأسیس کند. در سال ۱۸۵۰ م (۱۲۲۹ ش) تدریس علوم مشق پیاده‌نظام، مشق توپخانه، مشق سواره‌نظام، هندسه، دواسازی، طب و جراحی، و معدن در دارالفنون آغاز شد. افتتاح دارالفنون از اولین اقدامات مؤثر در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به شمار می‌آید. مدرسان دارالفنون فرانسوی بودند و مترجمان ایرانی متن‌های درسی را به صورت جزوه به زبان فارسی ترجمه می‌کردند.

در سال ۱۲۳۷ ش از میان ۱۰۰ دانش‌آموخته دارالفنون در رشته‌های گوناگون، ۴۲ نفر به فرانسه اعزام شدند و تحصیلات خود را در علوم چینی‌سازی، ماهوت‌بافی، مخمل‌بافی، چاپ، کشاورزی، عکاسی، کاغذسازی، علوم نظامی و ذوب آهن تکمیل کردند و به ایران بازگشتند. اما در ایران شغلی متناسب با تحصیلات آنان وجود نداشت.



افتتاح شدند و مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. برنامه درسی در این مدرسه‌ها، بر اساس برنامه‌های سایر کشورها بود و منابع درسی از طریق ترجمه و ارائه جزوه تأمین می‌شد. فاصله زمانی ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۲ش را می‌توان فاز اول رشد و توسعه صنایع در ایران نامید. تأسیس راه آهن سراسری و ایجاد کارخانه‌های بزرگ سبب شد، نیاز به نیروی متخصص بیش از پیش احساس شود و توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جدی‌تر صورت گیرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ش، به دلیل افزایش درآمدهای نفتی و سهم اختصاص داده شده به صناعی مانند شیشه، کبریت، قند و شکر، نساجی، مصالح ساختمانی و محصولات چرمی، نیاز به نیروی انسانی متخصص چندین برابر شد. به این ترتیب برنامه‌ریزی آموزش و پرورش سازمان‌دهی منسجم‌تری یافت و فرایند ادامه تحصیل تا پایان دانشگاه کاملاً مشخص شد. همچنین، جایگاه هنرستان‌ها در ساختار تشکیلاتی سازمانی به‌طور دقیق تعیین و تعداد هنرستان‌ها و رشته‌های هنرستانی در تهران و شهرستان‌ها نیز افزایش یافت. اما کماکان برنامه‌ریزی درسی تخصصی هنرستان‌ها به خارج وابسته بود و منبع آموزشی به صورت کتاب وجود نداشت. یکی از ویژگی‌های این مقطع زمانی، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان‌ها و یتیم‌خانه‌هاست که سبب یادگیری مهارت و تخصص و در نهایت اشتغال پس از ورود به جامعه شد.

در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش، به دلیل ورود متفقین به ایران و وابسته بودن درآمد ایران به نفت، وضعیت اقتصادی کشور دچار بی‌تعادلی و آشفتگی شد و اجرای تعهدات، دولت را با مشکل جدی مواجه کرد. در این دوره، شاغلان بخش صنایع حدود ۲۰۰ هزار نفر بودند که در



به این ترتیب در سمت‌های تشریفاتی و مدیریتی که با رشته تحصیلی آنان ارتباط نداشت، به فعالیت پرداختند. بعد از این رخداد مدرسه دارالفنون به یک مرکز آموزش درس‌های نظری تبدیل شد.

با تأسیس «انجمن مکاتب ملیۀ ایران»، مدرسه‌های ایران توسعه یافتند. هم‌زمان مدرسه‌های هنری و صنعتی، مانند مدرسه نقاشی مجانی و مدرسه‌های تخصصی فنی و حرفه‌ای در تهران و اصفهان تأسیس شدند. از زمان انقلاب مشروطه تا سال ۱۲۸۵ق، آموزش و پرورش ایران به‌خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دچار تحولات و دگرگونی‌های گسترده شدند. با افزایش مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه به سبک و شیوه غربی، مدرسه‌های صنعتی و فنی و حرفه‌ای بیشتری تشکیل شدند. مدرسه ایران و آلمان با نام «هنرستان صنعتی دولتی» در سال ۱۲۸۶ش در خیابان سی تیر (قوام السلطنه سابق) تهران افتتاح شد، ولی به دلیل بروز جنگ جهانی دوم تعطیل شد.

این هنرستان در سال ۱۳۰۳ دوباره با برنامه‌ریزی هدفمند به ریاست دکتر اشترونک، با نام «هنرستان صنعتی تهران» و با رشته‌های رنگرزی، فلزکاری، برق، مکانیک اتومبیل، درودگری و ساختمان افتتاح شد. به‌منظور تأمین کادر آموزشی این هنرستان، هرساله تعدادی از دانش‌آموختگان ممتاز هنرستان برای ادامه تحصیلات در سطوح تکنسین و لیسانس به آلمان فرستاده می‌شدند. به این ترتیب طی چند سال کادر آموزشی مورد نیاز تکمیل شد. این مدرسه امروزه به نام هنرستان ماندگار شهید بهشتی در خیابان سی تیر با رشته‌های مکترونیک، الکترونیک، مکانیک خودرو، الکتروتکنیک، ماشین‌افزار و صنایع چوب و کاغذ دایر است.

در سال ۱۲۸۹ش «مدرسه صنایع مستظرفه» در رشته نقاشی با مدیریت استاد کمال الملک (محمد غفاری) شکل گرفت. هم‌زمان نیز مدرسه‌های دیگری مانند مدرسه فلاح و دبستان برزگران، مدرسه موزیک (هنرستان موسیقی)، مدرسه طب (مامایی، داروسازی و دندان‌سازی) در تهران، و مدرسه‌های فلاح رشت، صنایع مستظرفه تبریز، متوسطه اصفهان و تجارت تبریز نیز در شهرستان‌ها





جامعه، ضرورت تدوین برنامه‌های دقیق و متناسب با نیازهای شغلی جامعه مشاهده شد. این برنامه‌ریزی از سال ۱۳۶۸ در دفتر آموزش و پرورش فنی‌وحرفه‌ای بر اساس نظریه بلوم در سه حوزه شناختی، روانی - حرکتی، و عاطفی آغاز و برنامه آن برای دوره کاردانی پیوسته شامل دوره سه‌ساله هنرستان و دوره ۲ ساله کاردانی هر رشته، بر اساس «جدول هدف محتوا» و با توجه به هدف‌های رفتاری که از فراگیرندگان انتظار می‌رفت، در متجاوز از ۵۰۰ صفحه برای هر رشته، تدوین شد. این برنامه در سال ۱۳۷۲ به صورت ترمی - واحدی با همکاری نهادهای و ارگان‌های گوناگون کشور به اجرا درآمد.

هم‌زمان با تدوین برنامه‌ها، کتاب‌های درسی نیز تألیف شدند. در واقع این اولین گامی بود که در زمینه تولید و بومی‌سازی برنامه‌ها و تولید کتاب‌های درسی برای تمام رشته‌های موجود، و در زمان جمهوری اسلامی برداشته شد. تدوین برنامه‌های تولید کتاب‌ها در شوراهای برنامه‌ریزی هفت نفره، شامل استاد دانشگاه، مدرس آموزش‌شده، هنرآموز خبره هنرستان، کارشناس تخصصی از بخش صنعت، کارشناس رشته در دفتر آموزش فنی‌وحرفه‌ای، کارشناس حوزه تربیت و یادگیری، کارشناس تخصصی برنامه‌ریزی و تألیف به اجرا درمی‌آید که روند برنامه‌ریزی مزبور همچنان ادامه دارد. حاصل این تلاش تألیف کتاب‌هایی بر اساس برنامه درسی مدون و تجهیز هنرستان‌ها و آموزش نیروی انسانی با توجه به نیازهای شغلی جامعه بود. هم‌زمان با این برنامه‌ریزی، تشکیل رشته‌های کاردانش نیز در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت که خود به بحث مستقل و جداگانه‌ای نیاز دارد.

برنامه ترمی - واحدی تا سال ۱۳۷۹ تداوم یافت و در فاصله زمانی اجرا با توجه به اعتبارسنجی میدانی و قضای، اصلاحاتی در آن صورت گرفت. پژوهش‌های انجام شده نشان دادند، به دلیل وجود پنجره‌های باز و تعامل ناکافی هنرجویان با هنرآموزان در فاصله یک نیم‌سال، مشکلاتی از نظر اجرایی وجود دارد. از این رو در سال ۱۳۷۲ برنامه

مقایسه با جمعیت ۱۶ میلیونی آن زمان، چندان زیاد نبود؛ گرچه واقعاً اثرگذار بودند. در سال ۱۳۲۸ اولین برنامه مدون هفت ساله (یعنی تا سال ۱۳۳۵) تدوین شد. با ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹، این مشکلات همچنان ادامه یافتند.

در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳، تعداد زیادی از مدرسه‌ها و هنرستان‌ها تعطیل شدند، اما تا سال ۱۳۳۵ که این مشکلات کمی فروکش کرده بودند، بر تعداد هنرستان‌ها و هنرجویان افزوده شد و تا سال ۱۳۴۱ به ثبات نسبی رسید. تا آن زمان معمولاً نیاز بازار، تعداد هنرجویان و نوع رشته‌های آن‌ها را تعیین می‌کرد. ولی متأسفانه از این زمان به بعد رویکرد تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص موردنیاز به سوی برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور سوق داده شد. این امر مشکلاتی را از نظر تورم نیروی انسانی متخصص در بعضی از حوزه‌ها پدید آورد.

تدوین کتاب‌های درسی بر اساس برنامه‌های مدون وارداتی، از سال ۱۳۵۳ در «دفتر آموزش و پرورش فنی‌وحرفه‌ای» آغاز شد و اولین مجموعه کتاب‌های درسی هنرستان‌ها در سال ۱۳۵۴ به هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای عرضه شد.

روند رشد و توسعه هنرستان‌ها تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت و برای تأمین نیروی انسانی متخصص و به‌روز، به اعزام هنرآموزان فنی‌وحرفه‌ای به خارج از کشور برای تکمیل مهارت‌های موردنیاز کشور ادامه دادند. یکی از فعالیت‌های مفید در این مقطع زمانی تأسیس «مراکز تربیت معلم فنی» در سطوح متفاوت بود که از نمونه‌های آن می‌توان از «هنرسرای عالی فنی» (دانشگاه علم و صنعت ایران) و «دانشکده پلی تکنیک ایران» (دانشگاه امیرکبیر) نام برد.

از سال ۱۳۵۷ تاکنون

با رشد تعداد هنرستان‌ها و هنرجویان و تغییر نیازهای

با تغییرات نسبتاً اساسی به صورت سالی - واحدی تغییر کرد. در این مرحله برخی از درس‌ها تعدیل، برخی به‌روز، و برخی تألیف مجدد شدند.

یکی از دستاوردهای مهم در فرایند برنامه‌ریزی بومی در کشور، تربیت متجاوز از ۱۰۰ کارشناس متخصص برنامه‌ریزی در شاخه فنی‌وحرفه‌ای توسط وزارت آموزش‌وپرورش بود که در قالب فعالیت‌های عملی واقعی و کارگاه‌های آموزش اجرایی و پروژه‌ای محور به اجرا درآمد. این امر در تاریخ جهان کم‌نظیر است.

تغییر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر اساس نظام ۳-۶ همان‌طور که گفته شد، یکی از عوامل مهم در پیشرفت و توسعه صنعتی و اقتصادی هر کشور، تقویت بنیه علمی و گسترش رشته‌های تخصصی فنی‌وحرفه‌ای و رشد فناوری‌های نوین است که به دنبال آن، شاخص‌های مربوط به موفقیت‌های ملی، و پایداری اقتصادی، فرهنگی و صنعتی کشور تا حدود زیادی در سطح کشور افزایش می‌یابد.

از آنجا که با توجه به تغییرات فناوری، رشته‌های آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای همواره دچار تغییر می‌شوند، ضرورت توانمندسازی سرمایه‌های انسانی، ایجاد الگوهای جدید برای بهبود آموزش در سطح کشور، و مشاوره تحصیلی مناسب به چشم می‌خورد تا انگیزه فراگیرندگان را برای ورود به دوره‌های آموزش فنی ارتقا دهد.

از سوی دیگر، معمولاً با رشد فناوری تعدادی از شغل‌ها حذف و تعدادی دیگر دستخوش تغییرات اساسی می‌شوند. لذا ضرورت دارد، دست‌اندرکاران به ایجاد تحول در برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای موجود و مدرن‌سازی آن اقدام کنند. خوش‌بختانه وجود اسناد بالادستی برای چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در قانون برنامه پنجم توسعه و نقشه جامع علمی کشور و سند برنامه درسی و سند مبنای نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، فرصت مناسبی را برای سازمان پژوهش و دفترهای ذی‌ربط آن فراهم کرد تا از این بستر مناسب برای تحول در برنامه‌ریزی درسی استفاده کنند. دفتر تألیف فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش، از سال ۱۳۹۰ فرایند تحول را در دو عرصه «دنیای کار»، از طریق «طرح پژوهشی دیکوم» و بر اساس تجزیه و تحلیل حرفه‌های بین‌المللی ایسکو (ISCO ۲۰۰۸)، و «دنیای آموزش» با رویکرد «شایستگی‌محوری» آغاز کرد که نتیجه آن تولید اسناد استاندارد شایستگی، استاندارد ارزشیابی حرفه، استاندارد فضا و تجهیزات، و متجاوز از ۳۰ سند راهنمای برنامه درسی و ۱۸۰ سند برنامه درسی برای رشته‌هاست. این اسناد در سایت «دفتر برنامه‌ریزی

و تألیف کتب فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش» در دسترس قرار دارد.

پس از تدوین برنامه درسی هر درس، بسته آموزشی شامل کتاب‌های درسی، کتاب راهنمای هنرآموز، و کتاب همراه هنرجو، و نیز فیلم، پوستر و پویانمایی با رویکرد شایستگی محوری و توجه به شایستگی‌های پایه، فنی و غیر فنی با هدف تربیت شهروند مسئول و کارآمد تدوین شد. یادآور می‌شود که برنامه‌های درسی با توجه به عرصه‌ها و عناصر در اسناد بالادستی و با توجه به رویکرد شایستگی‌ها در سه حوزه دانش، مهارت و نگرش تدوین شده است. در برنامه درسی لازم است محتوای آموزشی به‌صورت تلفیقی، یعنی محتوای نظری، نرم‌افزاری، کارگاهی، آزمایشگاهی و پروژه‌ای برای هر موضوع و به‌صورت درهم‌تنیده به اجرا درآید. یعنی ابتدا مبحث نظری گفته شود سپس فعالیت‌های متنوع به‌صورت نرم‌افزاری شبیه‌سازی شوند و در نهایت فعالیت‌های عملی، آزمایشگاهی و پروژه‌ای به اجرا درآیند.

هریک از کتاب‌های درسی دارای پنج پودمان یا پیمانه هستند و هر پیمانه یک یا چند شغل را پوشش می‌دهد. مجموعه شغل‌های موجود در هر کتاب درسی به یک یا چند حرفه منتج می‌شود. دوره هنرستان در «طرح تحول بنیادین آموزش‌وپرورش» به‌صورت سه ساله و دوره دوم متوسطه در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم به اجرا درمی‌آید. همچنین امکان تغییر رشته برای هنرجویان پیش‌بینی شده است. از سال ۱۳۹۴ پایه دهم هنرستان فنی‌وحرفه‌ای در نظام جدید ۳-۶ آغاز شد و در سال ۱۳۹۷، با اجرا شدن پایه دوازدهم، فرایند برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی به پایان رسید.

یادآور می‌شود که یک برنامه درسی زمانی به‌خوبی اجرا می‌شود که سه ضلع مثلث یا سه حلقه زنجیر «برنامه و محتوا»، «نیروی انسانی» و «فضا و تجهیزات» آماده باشند. اتصال این سه حلقه به هم نیازمند توجه مدیریت‌های کلان کشور و همکاری نهادهای ذی‌ربط است.

پی‌نوشت‌ها

1. Industrial Revolution
2. James Watt
3. Robert Fulton
4. Strunk

فرایند آماده سازی کتاب‌های درسی و مواد و رسانه‌های آموزشی

معصومه چهره آرا

اشاره

«اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی» یکی از بخش‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. این بخش، در سال تحصیلی ۹۸-۹۷، تعداد ۱۰۷۴ عنوان کتاب را با شمارگان ۷۹۹، ۴۷۷، ۱۳۴ جلد به چاپ رسانده است.

این اداره کل مسئولیت برنامه‌ریزی، نظارت و آماده‌سازی و چاپ و توزیع کتاب‌های درسی و نیز تکثیر و توزیع لوح‌های فشرده، حاوی نرم‌افزارها و فیلم‌های آموزشی را در سطح کشور بر عهده دارد. اهم وظایف آن عبارت‌اند از:

- برنامه‌ریزی و انجام کلیه امور آماده‌سازی و امور هنری کتاب‌های درسی، اعم از حروف‌چینی، رسامی، عکاسی، تصویرسازی، طراحی و گرافیک، صفحه‌آرایی و تصحیح؛
- برنامه‌ریزی و نظارت بر کلیه امور پیش از چاپ، چاپ و پس از چاپ؛

- شناسایی و عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی برای برون‌سپاری برخی فعالیت‌های هنری براساس قوانین و مقررات جاری کشور؛

- برنامه‌ریزی و نظارت بر فرایند تولید، توزیع و فروش بسته‌های آموزشی (کتاب‌های درسی، لوح فشرده و راهنمای معلم) برای تمامی دوره‌های تحصیلی بین دانش‌آموزان کشور؛

- طراحی و تولید قلم‌های متنی مورد نیاز کتاب‌های درسی؛

- پیاده‌سازی سیستم مکانیزه و راهبری الکترونیکی فرایندهای آماده‌سازی، تولید، توزیع مواد آموزشی؛

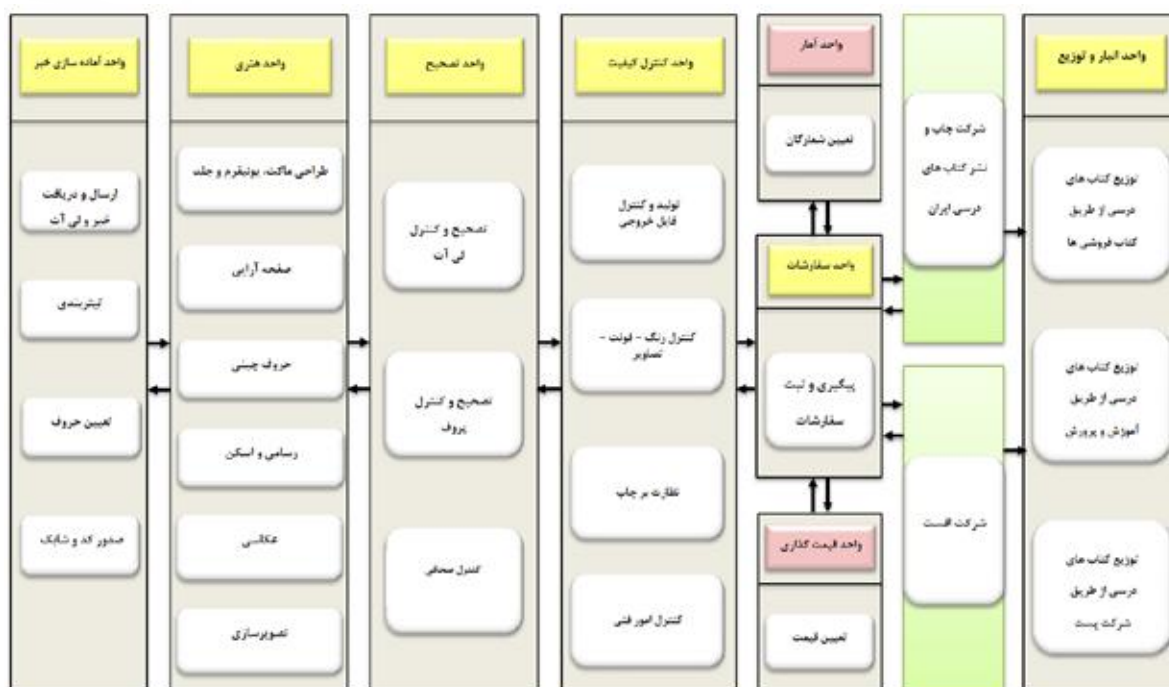
- نظارت و ارزیابی عملکرد شبکه چاپ و تولید، فروش و توزیع کتاب‌های درسی.

فرایند آماده‌سازی کتاب‌های درسی

پس از دریافت خبر (پیش‌نویس اولیه کتاب) و ملحقات آن از دو دفتر تألیف کتاب‌های درسی شاخه نظری و شاخه فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش، واحد آماده‌سازی، خبر را بررسی می‌کند و مشکلات و موارد دارای نقص، با همکاری و مشارکت کارشناسان و مؤلفان کتاب درسی رفع می‌شود.

در این مرحله، با توجه به ماهیت کلی و کاربرد کتاب، نیازها و ویژگی‌های گروه سنی مخاطب، ویژگی مواد و مصالح چاپ و اقتضات اقتصادی و قطع کتاب درسی مشخص و کتاب درسی کدگذاری، تیربندی و نوع قلم آن تعیین می‌شود و برای انجام مراحل بعدی به واحد امور هنری ارجاع می‌شود. کارشناسان واحد هنری یونیفرم و ساختار گرافیکی کتاب را براساس قطع کتاب و رشته، دوره و پایه تحصیلی مشخص می‌کنند. سپس حروف‌چینی، رسامی، اسکن، عکاسی و تصویرسازی کتاب به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود. بعد از آماده‌سازی عناصر اولیه کتاب، صفحه‌آرایی آن صورت می‌پذیرد. در نهایت، پرینت فایل صفحه‌آرایی شده یا لی‌آت برای نمونه‌خوانی و تصحیح به واحد تصحیح ارائه می‌شود. کارشناسان واحد تصحیح متن لی‌آت را برابر خبر و طبق رسم‌الخط و فرهنگ املایی خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاندارد داخلی گروه ویراستاری سازمان تصحیح می‌کنند. لی‌آت تصحیح شده و خبر برای کنترل مؤلف به دفترهای تألیف ارسال می‌شود.

مؤلفان و کارشناسان حوزه تألیف کتاب درسی، لی‌آت را بررسی و پس از اعتبارسنجی^۱ نتیجه را به واحد آماده‌سازی خبر ارائه می‌کنند. این چرخه چند بار تکرار می‌شود و پس از تأیید نهایی لی‌آت توسط مؤلفان و کارشناسان حوزه‌های تألیف و آماده‌سازی، و مدیران ذیربط، فایل خروجی چاپ آماده می‌شود. این فایل از لحاظ فنی، گرافیکی، رنگ، قطع، فرم‌بندی و سایر استانداردهای چاپ بررسی و پس از تأیید نهایی به واحد سفارشات ارسال می‌شود. واحد سفارشات براساس شمارگان تعیین شده توسط واحد برنامه‌ریزی و آمار، به ثبت سفارش چاپ کتاب درسی اقدام می‌کند. چاپخانه یک نسخه پروف تهیه و برای بازبینی و کنترل نهایی به اداره کل ارسال می‌کند. در واحد تصحیح، پروف با لی‌آت نهایی کنترل (مقابل) و پس از تأیید کیفیت، برای تولید به چاپخانه ارسال می‌شود و فرایند توزیع کتاب درسی براساس آمار و سهمیه‌های تعیین و برنامه‌ریزی شده و سفارشات که در سامانه فروش و توزیع مواد آموزشی ثبت شده‌اند، انجام می‌پذیرد.



شمارگان تولید کتاب درسی در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ تا تاریخ ۹۷/۶/۳		
دوره‌های تحصیلی	تعداد کتاب	شمارگان
ابتدایی	۵۱	۵۰،۷۱۴،۰۸۹
متوسطه اول (هفتم، هشتم، نهم)	۵۶	۴۰،۲۶۴،۵۸۰
متوسطه دوم (نظری)	۱۳۸	۳۳،۸۴۷،۵۵۰
متوسطه دوم (فنی حرفه‌ای، و کاردانش)	۷۰۰	۹،۰۰۰،۰۰۰
کودکان استثنایی	۱۲۱	۵۹۵،۳۰۰
روش تدریس	۸	۵۶،۲۸۰
جمع کل	۱،۰۷۴	۱۳۴،۴۷۷،۷۹۹

کمیته‌های تخصصی امور هنری سازمان

این اداره کل، با توجه به وظایف محوله سازمانی، کمیته‌های استانداردسازی فعالیت‌های هنری را در پنج حوزه تشکیل داده است.

با توجه به اهمیت و ویژگی‌های فعالیت‌های هنری و در راستای آماده‌سازی مطلوب کتاب‌های درسی و به منظور رفع برخی دغدغه‌ها و نیز نواقص آماده‌سازی هنری در حوزه طراحی گرافیک، تصویرگری، عکاسی و صفحه‌آرایی کتاب‌های درسی، پنج کمیته تخصصی با عنوان‌های «خط و خوش‌نویسی»، «تصویرگری»، «گرافیک»، «عکاسی» و «صدا و تصویر» تشکیل شده است. کمیته‌های تخصصی مذکور استانداردهای مرتبط را براساس مبانی و اصول هنرهای تجسمی و رویکردها و جهت‌گیری‌های سند برنامه درسی ملی و بهره‌گیری از تجربه‌های ملی و بین‌المللی طراحی گرافیک کتاب‌های درسی و یافته‌های پژوهشی، با امضای ریاست محترم سازمان تدوین و پس از بررسی و تأیید توسط شورای سیاست‌گذاری امور هنری و شورای هماهنگی علمی، برای اجرا ابلاغ می‌شود. در حال حاضر، استانداردهای خط و خوش‌نویسی، تصویرگری و عکاسی تأیید و ابلاغ شده‌اند و استانداردهای طراحی گرافیک و سانه‌های دیداری و شنیداری در دستور کار شورای هماهنگی علمی قرار دارند و پس از تأیید استانداردهای دیگر، کتاب مجموعه استانداردهای هنری مواد و منابع آموزشی منتظر و مبنای آماده‌سازی هنری کتاب‌های درسی خواهد بود.

ثبت سفارش و توزیع کتاب‌های درسی

در راستای تسهیل فرایند نظارت بر فروش و توزیع کتاب‌های درسی در سطح استان، منطقه و مدرسه، سامانه الکترونیکی فروش و توزیع مواد آموزشی، از سال تحصیلی ۹۵-۹۴ راه‌اندازی شده و در حال توسعه است. در سال تحصیلی ۹۸-۹۷، برابر تقویم زمانی زیر، سفارش کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، شاخه فنی‌وحرفه‌ای، و کاردانش دوره دوم متوسطه، رشته معارف اسلامی دوره دوم متوسطه و کتاب‌های درسی تکمیلی ویژه دانش‌آموزان استعدادهای درخشان دوره اول متوسطه و فروش تک‌جلدی (توزیع از طریق شرکت پست) از طریق سامانه فروش و توزیع مواد آموزشی انجام می‌شود.

در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ و برای اولین بار بسته آموزشی کتاب‌های درسی کاردانش با همکاری دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای، و کاردانش، و دفتر آموزش کاردانش، ایجاد و به تمامی مدرسه‌های کاردانش کشور اطلاع‌رسانی و ثبت نام کتاب درسی براساس آن انجام می‌شود.

مشارکت و همکاری اداره‌های آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق و نواحی، مدیریت مدارس و اولیای دانش‌آموزان و مسئولان توزیع بیش از ۹۹ درصد ثبت‌نام اینترنتی کتاب‌های درسی دانش‌آموزان از طریق سامانه فروش و توزیع مواد آموزشی انجام شده است.

مُعَلِّم، یک رسانه است.

محمد ابراهیم محمدی
مشاور رسانه‌ای رئیس سازمان

سایت، وب‌نوشت، کانال و ده‌ها بستر برای به اشتراک گذاشتن دانش و اندیشه، و بهترین ظرفیت برای توسعه و ترویج دانش و خدمات آموزشی و علمی هستند. و معلم به واسطه حضور علمی و آموزشی و نشاط فرهنگی در بستر شبکه‌های اجتماعی می‌تواند دامنه حضور و ارتباطات خود را وسعت بخشد و به مأموریت‌های خود شتاب بیشتری بدهد. معلم با وجود این ظرفیت می‌تواند ضمن پیشگامی، الگویی علمی و فرهنگی برای دانش‌آموزان باشد. می‌تواند علم، دانش‌افزایی و مهارت‌های شغلی را به شایستگی جلوه دهد و اقبال بیشتری برانگیزد.

این توصیه‌ای دینی است که انسان نباید دمی از آموختن باز ایستد. باز ماندن از آموختن برای انسان ناپسند و به مثابه مرگ اندیشه و عقلانیت است.

در این میان، کسانی که مأموریت اجتماعی و تعامل عمومی دارند، پیش از دیگران به دانش‌افزایی نیازمندند. دانش‌افزایی لزوماً مدرک و گواهی‌های مرسوم نیست. گاهی خود مدرک آفت دانش و توانمندسازی می‌شود. دانش‌افزایی بر خورداری از دانش روزآمد، مهارت و تخصص‌های به‌روز شغلی و فنون ارتباطات متناسب با مأموریت است. کم نیستند کسانی که مدارج عالیّه ظاهری دارند، اما سواد و دانش لازم را ندارند. ادعا و اسناد مثبت دارند، اما از حداقل‌های مهارتی و فنی بهره‌مند نیستند و دور نباشد که لشکر مدرک‌داران مدعی و بی‌سواد یکی از چالش‌های جدی نظام تعلیم و تربیت آینده شود.

معلم باید با تأسی به آموزه‌های دینی، مطالعه جهت‌مند، کارآمد و مؤثر داشته باشد و هر روز با اندوخته‌های جدید فعالیت خود را بهبود ببخشد.

این اقتضای دانش است که هر روز نو و تازه می‌شود. انسان اجتماعی ناگزیر باید خود را از این قافله کنار نکشد، بلکه بهره خود را از این جریان پرشتاب افزون سازد. این یک قانون استثنانپذیر انسانی است.

باید معلم به لحاظ اندیشه‌ورزی و تولید دانش عمومی و تخصصی شاخص باشد و کارنامه فعالیت سنواتی ایشان با ارائه آثار فاخر و سودمند علمی غبطه‌آمیز شود.

و امروز که به مدد فضاهای مجازی و الکترونیکی دسترسی‌ها آسان و انبوه شده است، دیگر عذری از جنس هزینه و زحمات چاپ و کاغذ و نشر و توزیع و سرمایه نیست، بلکه هر معلم می‌تواند یک رسانه از جنس تعلیم و تربیت باشد.

منابع

سوره طه/ آیه ۱/۱۱۴

نهج البلاغه، حکمت ۲/۳۷۲

نهج الفصاحه، حدیث ۳/۱۲۶

بصائر الدرجات، جلد ۱ صفحه ۳۹۵/ ۴



گفت و گو با مهندس
سید محمد موسوی،
مدیر عامل شرکت چاپ و نشر
کتاب‌های درسی ایران

محمد دشتی

فرایند تألیف کتاب درسی در چاپخانه کامل می‌شود

اشاره

پس از تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ شمسی و ورود استادان خارجی به ایران، فرایند تألیف و ترجمه کتاب‌های درسی با محتوای علوم و فنون (که در ایران پیش از آن رواج نداشت) آغاز شد. چهل و هشت سال، بعد از این تحول بزرگ نظام آموزشی ایجاد شد و دبستان‌ها و دبیرستان‌ها تأسیس شدند و مؤسسان، مدیران و معلمان این مدرسه‌ها کتاب‌های درسی را منتشر کردند. پس از دوره مشروطه و از ۱۲۹۷ شمسی، کتاب‌های درسی بر اساس برنامه وزارت معارف و با تشکیل شورای عالی معارف نوشته شدند. از سال ۱۳۱۰ هم کتاب‌های دوره ابتدایی و از ۱۳۱۷

چاپ و نشر کتاب‌های درسی در ایران، تاریخی به قدمت بیش از یک قرن دارد. حداقل از دوران تأسیس دارالفنون، تلاش متصدیان مدرسه‌ها و بعدها آموزش و پرورش بر این قرار بود که برای داشتن منابع درسی مشخص و کارآمد، دست به تألیف کتاب بزنند. به این ترتیب، این فرصت فراهم شد که معلمان مؤلف و آگاه بتوانند حاصل تجربه‌های خود را به صورت مکتوب در اختیار دانش‌آموزان و دانشجویان خود قرار دهند. در نتیجه، گامی بزرگ در تثبیت متون درسی برداشته شد. با مرور تاریخ کتاب‌های درسی در می‌یابیم که



شد. در آستانه برگزاری سیزدهمین جشنواره تجلیل از مؤلفان کتابهای درسی، به سراغ مهندس سیدمحمد موسوی، مدیرعامل «شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران» رفتیم و پای صحبت‌های ایشان نشستیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل این گفت‌وگوی صمیمی است.

لطفاً ابتدا به‌طور مختصر تاریخچه شرکت را بیان کنید و فرمایید شرکت چه اهدافی را دنبال می‌کند و چه بخشی از کتابهای درسی در اینجا منتشر می‌شوند.

آغاز تأسیس شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران سال ۱۳۵۶ بوده است. البته موضوع چاپ کتابهای درسی در شرکت افسست تاریخچه‌ای قدیمی‌تر دارد و آغاز آن در دهه ۴۰ بوده است. شرکت افسست از ابتدا متولی چاپ کتابهای ابتدایی و همچنین مجلات رشد (که قبلاً با نام پیک منتشر می‌شدند) بوده است. در آن سال‌ها، کتابهای متوسطه در چاپخانه‌های مختلف چاپ می‌شدند و به همین دلیل نظم و نسق خاصی نداشتند. خوب یادم هست، آن موقع که ما دانش‌آموز بودیم، در بسیاری از سال‌ها کتابهای درسی به موقع به دستمان نمی‌رسیدند و گاهی

هم کتابهای دوره دبیرستان را وزارت فرهنگ و بعد از آن اداره نگارش منتشر کردند. در ۱۳۱۲ دولت نظام‌نامه اداره انطباعات را از تصویب شورای معارف گذراند و تألیف کتاب درسی را نظمی نو بخشید. اما در سال ۱۳۲۰ بر اثر آشفتگی‌های سیاسی و اقتصادی، دولت تصمیم دیگری گرفت و تألیف و چاپ کتاب درسی را آزاد کرد. گرچه در این زمان بسیاری از دبیران و استادان دست به تألیف و ترجمه زدند، اما به خاطر رقابت آزاد در تألیف و چاپ کتاب درسی، کتابهای مشابهی در یک موضوع منتشر شدند و کار به هرج‌ومرج رسید و سرانجام دوباره حق انتشار کتاب به انحصار دولت درآمد. پس از آن دولت با تأسیس «سازمان کتابهای درسی ایران» و سپس شکل‌گیری «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، تألیف و انتشار کتاب‌ها را بر عهده گرفت. با تأسیس شرکت افسست و به عهده گرفتن امور چاپ کتاب درسی و نشریه‌های آموزشی، نظم و نسق بهتری در این زمینه رقم خورد، اما هنوز هم موضوع انتشار کتاب درسی مشکلات خاص خود را داشت. در آستانه انقلاب اسلامی، موضوع تأسیس شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی در دستور کار قرار گرفت و پس از انقلاب نیز این شرکت، چاپ و نشر بخش عمده‌ای از کتابهای درسی را عهده‌دار



تومان وام به آن‌ها داد. شش ماشین معمولی ورقی شیت خریدند و کار را شروع کردند. این جریان تا انقلاب اسلامی ادامه داشت. بعد از انقلاب هم چون موضوع چاپ و نشر کتاب درسی برای دولت مهم بود، دولت سعی کرد به آن‌ها کمک کند. قراردادی امضا کردند و کتاب‌ها را به آموزش و پرورش می‌فروختند. تا سال ۱۳۷۴ هم این قرارداد

پابرجا بود.

در نهایت، براساس توافقی که صورت گرفت، ۴۹ درصد شرکت جزو اموال آموزش و پرورش محسوب می‌شد و ۵۱ درصد هم، به بخش خصوصی سپرده شد و آنان سهامدار این شرکت شدند. الان آن ۵۱ درصد به صورت سهامی خاص و متعلق به چاپخانه‌دارها و انتشاراتی‌هاست. البته تعداد زیادی از سهام‌داران اولیه فوت کرده‌اند و سهام اکنون در دست وارثان و فرزندان آنان است.

در این شرکت کتاب‌های کدام دوره‌های تحصیلی چاپ می‌شوند و شمارگان آن‌ها چقدر است؟

در شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران کتاب‌های دوره متوسطه، هنرستان و تربیت معلم را چاپ می‌کنیم. قبلاً که جمعیت دانش‌آموزی پایین‌نیا شده بود، حدود ۱۲۰ میلیون کتاب چاپ می‌کردیم، ولی الان این تعداد به ۸۰ میلیون جلد رسیده است. البته زمانی که من به اینجا آمدم، از ۱۲۰ میلیون جلد کتاب

اتفاق می‌افتاد حتی تا عید هم کتاب نداشتیم؛ چون در فرایند چاپ تا توزیع کتاب‌ها مشکلات زیادی وجود داشت.

به دلیل همین مشکلات، در آن سال‌ها نتوانستند کتاب‌های درسی مورد نیاز را در ایران چاپ کنند و مجموعه‌ای از کتاب‌ها را در کشور سوئیس به چاپ رساندند. از بد

حادثه، همان سال هم کتاب‌ها در گمرک آتش گرفتند و این باعث شد باز هم کتاب‌ها دیر به دست دانش‌آموزان برسند.

سازمان خدمات اجتماعی در قبل از انقلاب مراکز انتشاراتی و چاپخانه‌دارها را جمع کردند و گفتند باید یک «شرکت سهامی» تشکیل دهید تا بتوانیم در یک جا و به صورت متمرکز، کتاب‌های دوره متوسطه را هم مثل کتاب‌های ابتدایی (که افسس چاپ می‌کرد) چاپ کنیم. البته آن‌ها در ابتدا زیر بار موضوع نمی‌رفتند، ولی به زور پولی از آن‌ها گرفتند و سهام‌دارشان کردند. مبلغی که از کل سهام‌داران جمع کردند، آن زمان شش میلیون تومان شد. با همان پول این مکان (محل فعلی شرکت) را در کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج خریدند. در آن دوره، اینجا خارج از شهر تهران و به شکل یک باغ بود. با خرید این ملک پولشان تمام شد. پس به سراغ وزیر وقت آموزش و پرورش رفتند و گفتند برای ادامه کار پول نداریم و سازمان خدمات اجتماعی هم فشار می‌آورد که این کار پیش برود.

در ظاهر فشارها و پیگیری‌ها جواب داد و به هر حال، وزیر از حساب آموزش و پرورش ۱۰۰ میلیون

درسی تنها ۳۰ میلیون جلد آن را خودمان چاپ می‌کردیم و بقیه را به چاپخانه‌های دیگر می‌دادیم. از کتاب‌های دوره ابتدایی هم ۴۰ تا ۵۰ میلیون را شرکت افست چاپ می‌کرد و بقیه را چاپخانه‌های دیگر.

آیا برای به‌روز شدن و امکان انجام کارهای باکیفیت‌تر و مورد نیاز شرکت تجهیزات خاصی هم تهیه و تدارک دیده شده‌اند؟

بله. این موضوع یک ضرورت بوده و مورد توجه هم قرار گرفته است. ما در این مجموعه حدود ۲۷ هزار متر مربع ساختمان صنعتی ساخته‌ایم. در ضمن، آخرین نمونه ماشین‌آلات را وارد کرده و به واسطه افزایش ظرفیت توانسته‌ایم خودمان تمام کتاب‌ها را چاپ کنیم. البته موضوع چاپ کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش هم هست. چون شمارگان این کتاب‌ها خیلی کم است و گاهی به زیر ۵۰۰ جلد هم می‌رسد، برای ما صرف نمی‌کند خودمان آن‌ها را چاپ کنیم. بنابراین، چاپ آن‌ها را به چاپخانه‌های کوچک اطراف می‌دهیم، ولی مسئولیت توزیع آن‌ها به‌صورت متمرکز بر عهده خود ماست.

در موضوع چاپ و انتشار کتاب، همیشه موضوع کاغذ و تأمین آن به‌صورت نیاز و چالشی جدی مطرح بوده است. شما این نیاز را چگونه مدیریت کرده‌اید و چشم‌انداز آینده را، با توجه به بحث تحریم‌ها، چگونه می‌بینید؟ اگر ابتدا تصویری از گذشته و سپس درباره پیش‌بینی‌تان برای آینده بگویید، ممنون می‌شوم.

ما بیشتر کاغذ مورد نیازمان را از خارج وارد می‌کنیم، چون به اندازه نیاز ما در داخل کشور کاغذ تولید نمی‌شود. در ایران فقط کارخانه چوب و کاغذ مازندران کاغذ تحریر تولید می‌کنند، که آن هم در تمام سال‌ها نمی‌تواند کاغذ مورد نیاز را تولید کند. برای مثال، ما و شرکت افست در همین سال جاری ۱۵ هزار تن کاغذ از آن‌ها خریده‌ایم که نتوانسته‌اند تحویل بدهند. بحث مهم این است که کاغذ کتاب درسی، به‌عنوان اصلی‌ترین ماده تولید کتاب، خیلی مهم است و اگر نتوانیم به موقع

کاغذ مورد نیاز را تأمین کنیم یا فرایند چاپ دیر انجام شود، در مهرماه کتاب به دست دانش‌آموزان نمی‌رسد. این موضوعی است که حتی تصور آن برای ما غیرقابل قبول است، چون ما خودمان را کامل‌کننده حلقه تألیف کتاب می‌دانیم که از مؤلف آغاز می‌شود و با تحویل کتاب درسی به دانش‌آموز به پایان می‌رسد. اگر ما نتوانیم کتاب درسی را به موقع چاپ و توزیع کنیم، فرایندی ارزشمند، طولانی و تأثیرگذار، در عمل بدون نتیجه می‌ماند. ما دی‌ماه سال ۱۳۹۶ پنج هزار تن از آن شرکت خریداری کردیم و قرار بود اسفندماه این مقدار را به ما تحویل بدهند، اما تا آخر اسفندماه فقط ۶۰۰ تن کاغذ تحویل داده‌اند و هنوز هم ۷۰۰ تن از مقدار تعهد شده باقی مانده و این در حالی است که ما حتی پولش را هم پیش‌پرداخت کرده‌ایم. این در حالی است که وقتی ما کاغذ ایرانی مصرف می‌کنیم، حدود ۲۵ درصد تولیدمان کمتر می‌شود.

به‌طور استاندارد، برای یک میلیون جلد کتاب باید چهار بار ماشین‌های چاپ را باز کنیم و بشوییم، ولی اگر در همین فرایند بخواهیم از کاغذ ایرانی استفاده کنیم، باید هشت بار ماشین را باز کنیم و بشوییم، چون این کاغذها پرز زیادی دارند که روی لاستیک‌های چتپ می‌نشینند و با مرکب مخلوط می‌شوند و کار را مختل می‌کنند. در ضمن باز کردن و شستن و دوباره نصب کردن دستگاه زمان زیادی می‌برد و تولید ما را پایین می‌آورد. ولی با این احوال، برای اینکه به تولید کاغذ داخلی خودمان کمک کنیم، نه از حالا، که از حدود ۱۲ سال پیش، با کارخانه‌های داخلی تولید کاغذ همکاری داریم. از سویی دیگر، ما در اساس خواهان این هستیم که کاغذ مورد نیازمان را از داخل کشور تأمین کنیم، چون وارد کردن کاغذ برای ما کار خیلی مشکلی است. پس دوست داریم کاغذ مصرفی‌مان تولید داخلی باشد تا اصلاً به سمت کاغذ خارجی نرویم.

این کاغذهای خارجی بیشتر از چه کشورهایی وارد می‌شوند؟

ما بیشتر از کشور اروپایی کاغذ وارد می‌کنیم؛ کاغذهای تولیدی کشورهایی مانند آلمان، فنلاند و



توزیع داریم. کتابفروش‌های هر استان یک نفر را انتخاب و به آموزش و پرورش محل معرفی می‌کنند و از آنجا هم به ما معرفی می‌شود. ما با آن‌ها قرارداد می‌بندیم و او هم کتاب‌های درسی را بین کتابفروش‌ها توزیع می‌کند. در مورد بعضی استان‌ها هم دو یا سه استان را با مشارکت استان‌های بزرگ قرارداد می‌بندیم و بقیه را هم با شهرستان‌ها قرارداد داریم. آن‌ها یک نماینده انتخاب می‌کنند و او هم کتاب را تحویل می‌گیرد و بین کتابفروش‌ها توزیع می‌کند. کتابفروشی‌ها هم کتاب‌ها را به دست دانش‌آموزان می‌رسانند.

زمانی بحث چاپ کتاب‌های درسی در استان‌ها مطرح شده بود و ظاهراً شما موافق آن نبودید. انگار این موضوع سابقه‌ای تاریخی هم دارد. لطفاً در این خصوص هم توضیح دهید.

اصلاً فلسفه تشکیل شرکت افست و این شرکت بحث تمرکز در چاپ و توزیع کتاب‌های درسی است. این تجربه تاریخی قبل از انقلاب هم وجود داشت؛ با اینکه تعداد دانش‌آموزان خیلی کمتر

سوئد کیفیت خیلی مناسبی دارد. در ضمن، امکان و توان تأمین مقدار کاغذی را که ما می‌خواهیم دارند. زمانی که ما می‌خواهیم کاغذ بخریم، در روزنامه انگلیسی‌زبان هم آگهی می‌کنیم. ما و شرکت افست سالانه باید تقریباً ۵۰ هزار تن کاغذ بخریم. فقط کشورهای پیشرفته در خصوص تولید کاغذ تحریر می‌توانند این مقدار را به ما برسانند.

وضعیت دستگاه‌های فنی و پتانسیل حرفه‌ای شرکت چگونه است؟ به نظر می‌رسد باید خیلی پیشرفته و به‌روز باشد تا بتواند چنین حجم بالایی از کتاب‌های درسی را، آن هم با کیفیت بالا و در زمان مقرر، چاپ و توزیع کند. خوشبختانه با تدبیر صورت گرفته، ما پیشرفته‌ترین ماشین‌های چاپ و صحافی و سرعت بالا را در اختیار داریم. دلیلش هم این است که ما باید کتاب را در عرض نه ماه چاپ و در عرض سه ماه در کل کشور توزیع کنیم. توزیع در کل کشور هم با خود شرکت است. این را هم اضافه کنم که ما در برخی استان‌ها نماینده



دست بود و خیلی دقیق نمی‌شد، اما الان خیلی دقیق است.

اگر ما بتوانیم کاغذ خوب خارجی داشته باشیم، درخصوص افزایش کیفیت هر کاری برایمان ممکن است. البته امسال و پارسال هم با کاغذهای ایرانی کتاب چاپ کرده‌ایم. فقط چون تکنولوژی مربوطه را نداریم، کتابهای مفتولی را نمی‌توانیم چاپ کنیم. وقتی مفتول را وسط کاغذ ایرانی می‌زنیم، چون کاغذ خشک است، نمی‌تواند مفتول را قبول کند و می‌ترکد. این است که مجبوریم ته چسب کار کنیم. البته صدای بچه‌ها هم درمی‌آید، چون کیفیت کار روی کاغذ ایرانی از نظر رنگ و ... فرق می‌کند. اما همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم، چون می‌خواهیم و بر آن هستیم که از تولید داخلی حمایت و پشتیبانی کنیم، این مسیر را در پیش گرفته‌ایم. امیدواریم به روزی برسیم که بتوانیم حتی از این کشور کاغذ را صادر کنیم و خود ما هم بتوانیم تمام نیاز خودمان به کاغذ و سایر مواد و تجهیزات را از داخل کشور تأمین کنیم.

بود. ناشران، چاپخانه‌داران و مؤلفان کتاب‌ها چند سالی این کار را انجام دادند و نتوانستند موضوع را جمع و مدیریت کنند. موضوع فقط سپردن کار و گرفتن محصول نیست، چاپ کردن یک کار است و موضوعاتی مانند کیفیت، نوع کاغذ و نظارت و اصل یکدستی چاپ کتاب‌ها خودش فرایند دیگری است. در مرحله بعد هم موضوع جمع‌آوری انبوهی از کتاب در یک محل و توزیع متمرکز آن است که باز خودش هزار و یک چالش و اما و اگر خواهد داشت.

در پایان، اگر نکته دیگری درخصوص مشکلات مبتلا به وجود دارد یا موضوعاتی درخصوص چاپ کتاب‌های درسی مطرح است، بفرمایید.

با تغییر نظام آموزشی کشور، ما درخصوص چاپ کتاب‌های درسی که تغییراتی در کیفیت و تعداد هم داشتند، مشکلات زیادی داشتیم. اما الحمدالله امسال سال آخر این فرایند بود و چاپ کتاب‌های کلاس دوازدهم را هم تمام کردیم و فکر می‌کنم ان‌شاءالله صددرصد کتاب‌های مربوط به پایه دوازدهم - مانند سال‌های گذشته - در روز اول مهر در دست دانش‌آموزان باشند. شاید خوب باشد برای اطلاع خوانندگان عزیز عرض کنم، وقتی در سال ۱۳۷۹ به اینجا آمدم، تعدادی از کتاب‌ها را نمی‌رسیدیم چاپ کنیم و در بیرون چاپ می‌کردیم، ولی به لطف الهی، در حال حاضر این کتاب‌ها هم در شرکت چاپ و توزیع می‌شوند.

خوشبختانه کیفیت کتاب‌ها از زمان قبل تاکنون خیلی فرق کرده است و واقعاً با گذشته قابل مقایسه نیست. فرایند کار هم خیلی بهتر و به‌روزتر شده است. در حال حاضر، ما فقط سی‌دی را تحویل می‌گیریم، اما در گذشته باید در لیتوگرافی سنتی متن فیلم‌برداری، عکس‌برداری و صفحه‌بندی می‌شد که کار مشکلی بود. اما الان سی‌دی را که می‌آورند، در رایانه صفحه‌بندی و فرم‌بندی و در دستگاه زینک می‌شود و فرم چاپی بیرون می‌آید. آن موقع همه این کارها کار چشم و

چند قاب از کتاب‌های کهنسال درسی

محمد دشتی



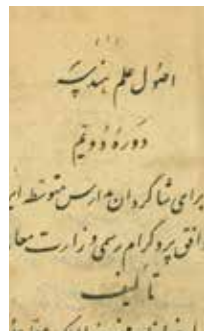
نام کتاب: تاریخ (شامل تاریخ ملل قدیمه مشرق، یونان، روم، ایران)
مؤلفان: علی اکبر جلایی فر؛ حسن مشحون؛ رضا خزایل
مخاطبان: دانش آموزان پایه اول دبیرستان
سال انتشار: ۱۳۳۹ شمسی



نام کتاب: معرفت الارض (از مجموعه کتاب‌های امیر)
مؤلف: میرزا محمدحسین
مدرس نهاوندی
مخاطبان: دانش آموزان پایه سوم متوسطه
سال انتشار: ۱۳۰۲ شمسی؛
۱۳۴۴ قمری



نام کتاب: اصول علم هیئت (از مجموعه کتاب‌های امیر)
مؤلف: احمد آرام
مخاطبان: دانش آموزان پایه ششم دوره متوسطه
سال انتشار: ۱۳۰۶ شمسی



نام کتاب: علم هندسه
مؤلف: میرزا رضاخان
مهندس الملک
مخاطبان: دانش آموزان دوره متوسطه
سال انتشار: ۱۲۸۷ شمسی؛
۱۳۲۹ قمری

با تأسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ شمسی مقارن با سال ۱۳۱۰ قمری تحولات فراوانی در امور مربوط به مدرسه‌داری در ایران اتفاق افتاد. یکی از آن‌ها تدوین و طبع کتاب‌های فارسی در شکل انبوه و در قالب کتاب‌های درسی رسمی برای این مدرسه و بعدها مدرسه‌های دیگر است. این کتاب‌ها را در آغاز مدرسان هر درس تدوین و چاپ می‌کردند و بعدها عده‌ای به‌عنوان مؤلف به این کار ارزشمند دست یازیدند. عنوان‌ها و برخی از مشخصات شناسنامه‌ای تعدادی از این کتاب‌های تاریخی را با هم مرور می‌کنیم:



نام کتاب: حفظ الصحه
مؤلف: میرزا احمدخان آرام
(معلم علوم فیزیک و طبیعی)
مخاطبان: دانش آموزان سال سوم دوره متوسطه
سال انتشار: ۱۳۰۸ شمسی؛
۱۳۵۰ قمری



نام کتاب: منتخب نصاب
(موافق با پروگرام وزارت جلیله معارف و اوقاف)
مؤلف: آقا شیخ محمدعلی ناطق الاسلام قمی
مخاطبان: دانش آموزان پایه‌های پنجم و ششم ابتدایی
سال انتشار: ۱۳۰۱ شمسی؛
۱۳۴۳ قمری



نام کتاب: اخلاق اجتماعی (یا دانش افزا)
مؤلف: آقا شیخ محمدعلی طهرانی (کاتوزیان)
مخاطبان: دانش آموزان پایه‌های پنجم و ششم ابتدایی
سال انتشار: ۱۲۹۷ شمسی؛
۱۳۳۹ قمری



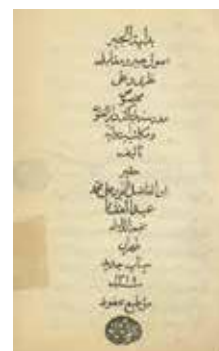
نام کتاب: چهارم ابتدایی
ناشر: وزارت معارف
مخاطبان: دانش آموزان پایه
چهارم ابتدایی
سال انتشار: ۱۳۱۰ شمسی



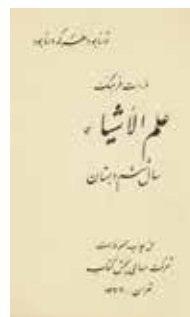
نام کتاب: تدبیر منزل (و دستور بچه داری)
مؤلف: بدرالملوک بامداد
مخاطبان: دانش آموزان دوره
اول دبیرستان
سال انتشار: ۱۳۳۳ شمسی



نام کتاب: جبر و مقابله
مؤلفان: عزت الله والا و مصطفی
زمانی
مخاطبان: دانش آموزان سال های
پنجم و ششم دبیرستان های
معارف و نظام
سال انتشار: ۱۳۱۷ شمسی



نام کتاب: بداية الجبر (اصول
جبر و مقابله نظری و عملی)
مؤلف: علی محمد عبدالغفار
نجم الدوله
مخاطبان: مخصوص مدرسه
مبارکه دارالفنون و مکاتب
ابتداییه
سال انتشار: ۱۲۳۵ شمسی؛
۱۲۷۷ قمری



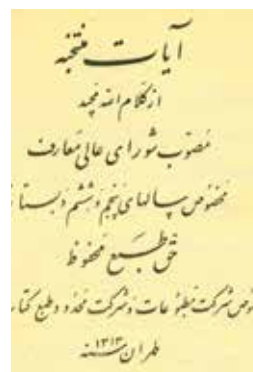
نام کتاب: علم الاشیا
ناشر: وزارت فرهنگ
مخاطبان: دانش آموزان سال
ششم دبستان
سال انتشار: ۱۳۳۷



نام کتاب: پنجم (ابتدایی
پسران)
ناشر: وزارت فرهنگ
مخاطبان: دانش آموزان سال
پنجم ابتدایی
سال انتشار: سال ۱۳۱۷
شمسی



نام کتاب: فراید اللغة ناصری
(فرانسه به فارسی)
مؤلف: میرزا حسینخان
معتدالملک با همکاری میرزا
ابوالمکارم
مترجم: میرزا خلیل طبیب وزارت
جليلة امور خارجه و معارف
عمومی
مخاطبان: دانش آموزان مدرسه
مبارکه دارالفنون
سال انتشار: ۱۲۶۳ شمسی؛
۱۳۰۵ قمری



نام کتاب: آیات منتخبه
(از کلام الله مجید)
به تصویب شورای عالی
معارف
مخاطبان: دانش آموزان
سال های پنجم و ششم
دبستان
سال انتشار: ۱۳۱۳
شمسی



نام کتاب: هندسه دبستان
مؤلف: عزت الله همایونفر
مخاطبان: دانش آموزان دوره
دبستان
سال انتشار: ۱۳۱۸ شمسی

معرفی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

پرویز قراگوزلی

شروع به انتشار کرد تا به نیازهای علمی دبیران کشور در درس‌های علوم پایه و علوم انسانی پاسخ گوید. انتشار این مجلات نیز در سال ۱۳۷۲ به دفتر انتشارات کمک آموزشی واگذار شد. فصل‌نامه‌های رشد عمدتاً جنبه اختصاصی دارند و برای استفاده معلمان و دانشجویان تربیت معلم منتشر می‌شوند. این نشریات، به دلیل نقشی که در جهت حفظ طراوت علمی معلمان و اطلاع‌رسانی درباره تازه‌های مربوط به محتوای برنامه‌های درسی دارند، از اهمیت خاصی برخوردارند.

در سال‌های بعد، علاوه بر افزایش شمارگان مجلات رشد، عنوان نشریات نیز براساس نیاز مخاطبان و شرایط اجتماعی به ۳۵ عنوان افزایش یافت و شمارگان نشریات رشد نیز به حدود ۴۰ میلیون نسخه در سال رسید.

توزیع مجلات رشد نیز با تدابیر و رویکردهای جدید، تحول چشمگیری یافته است. امروزه مجلات رشد، بدون تأخیر و طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده، خوانندگان خود را در سراسر کشور پوشش می‌دهند. بدون شک، نشریات آموزشی رشد، در مقایسه با سایر مطبوعات کشور، پرمخاطب‌ترین، پرشمارگان‌ترین، جدی‌ترین و متنوع‌ترین نشریات هستند.

وظایف و برنامه‌ها

- مدیریت تولید نشریات رشد (مجلات رشد و کتاب‌های کمک آموزشی) برای گروه‌های سنی و دوره‌های گوناگون تحصیلی با بهره‌مندی از برنامه‌ریزان و پدیدآورندگان شایسته؛

- اجرای طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، تولید کتاب‌نامه‌های رشد، تهیه راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی و مشارکت در زمینه تجهیز منابع کتابخانه‌های مدارس؛
- انجام نیازسنجی، پژوهش و برگزاری نشست‌های علمی - کاربردی نشریات رشد در حوزه کتاب و مجلات؛

- بررسی آثار مخاطبان مجلات دانش‌آموزی در قالب‌های گوناگون ادبی و هنری و ارائه مشاوره‌های غیرحضور (نوشناری و الکترونیکی) توسط کارشناسان مرکز بررسی آثار؛

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با وظیفه اصلی مدیریت و تولید نشریات آموزشی رشد و سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی، از دفاتر تابع سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است. این دفتر در سال ۱۳۴۱ با عنوان «مرکز تهیه خواندنی‌های برای نوسوآدان» تأسیس شد و وظیفه تولید و توزیع نشریات پیک را به عهده گرفت، چند سال بعد مرکز انتشارات آموزشی نام گرفت.

تاریخچه مجلات رشد

مرکز انتشارات آموزشی به مدیریت ایرج جهان‌شاهی، از سال ۱۳۴۳ به تدریج به انتشار مجموعه نشریاتی با عنوان اصلی پیک و عنوان‌های فرعی کودک، نواآموز، نوجوان، جوان، معلم و خانواده و همچنین ماهنامه آموزش و پرورش (در تداوم ماهنامه فرهنگ) همت گماشت.

نکته درخور توجه در انتشار مجله‌های پیک، ارزیابی علمی، مطالعه و آزمایش‌های مقدماتی قبل از انتشار مجله‌ها براساس گروه‌های سنی بود. در سال ۱۳۴۸ «ماهنامه آموزش و پرورش» نیز به جمع مجلات پیک اضافه شد. در سال ۱۳۴۹ پیک جوان برای دانش‌آموزان دوره دبیرستان منتشر شد و بالاخره در سال ۱۳۵۱ مجله پیک نوجوان برای مخاطبان سنی دوره راهنمایی تحصیلی انتشار یافت و تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ادامه داشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشریات پیک با نام جدید نشریات رشد شروع به انتشار کرد.

نخستین نشریه از گروه نشریات رشد، مجله رشد معلم بود که در مهرماه ۱۳۶۰ پا به عرصه مطبوعات کشور گذاشت. سپس رشد دانش‌آموز و پس از آن رشد نوجوان منتشر شدند. طولی نکشید که مجلات رشد، هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ کمیت، از پیک سبقت گرفتند؛ به‌طوری که علاوه بر هشت عنوان نشریه‌ای که جایگزین نشریات پیک شده بودند، چندین نشریه جدید نیز به جمع این خانواده اضافه شد. هم‌زمان با انتشار مجلات رشد در این دفتر، در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی نیز مجلاتی با عنوان کلی «مجلات رشد تخصصی»

- توسعه شبکه ارتباطی و تعامل فعال با مخاطبان، با استفاده از قابلیت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) از طریق وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshtmag.ir

رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش هنر، رشد آموزش تربیت‌بدنی، رشد آموزش پیش‌دبستانی، رشد آموزش زبان‌های خارجی، رشد آموزش مشاور مدرسه، رشد آموزش جغرافیا، رشد مدیریت مدرسه، رشد جوانه فصلنامه‌های علوم پایه و فنی عبارت‌اند از: رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش زیست‌شناسی، و رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش.

مرکز بررسی آثار مخاطبان مجلات دانش‌آموزی

این مرکز با هدف شناخت، جذب و پرورش استعدادهای ادبی و هنری دانش‌آموزان و حمایت از هنرجویان مستعد، فعالیت خود را از سال ۱۳۶۰، هم‌زمان با انتشار نخستین مجلات رشد دانش‌آموزی آغاز کرده است و می‌کوشد با ایجاد ارتباط با مخاطبان مجلات رشد و پرورش استعدادهای ادبی و هنری دانش‌آموزان و آموزش مکاتبه‌ای و الکترونیکی، در زمینه نگارش داستان، شعر و قطعه ادبی، رسم نقاشی و خوش‌نویسی به هنرجویان مشاوره بدهد و آنان را راهنمایی کند.

سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

منابع آموزشی و تربیتی، به‌ویژه کتاب‌های آموزشی، در فرایند یادگیری مؤثر و پایدار دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی دارند. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با عنایت به این موضوع، در سال ۱۳۸۷ طرحی با عنوان سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی را به اجرا درآورد.

از آن سال تاکنون، ضرورت ایجاد سامانه مدیریتی کارآمد در وزارت آموزش و پرورش به منظور استفاده بهینه از فرصت‌ها و امکانات بخش دولتی و غیردولتی در تولید و عرضه منابع مبتنی بر اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی، بیش از پیش احساس شد. بر این اساس، شورای عالی آموزش و پرورش در نشست ۸۲۸ (۸۹/۲/۶) با تصویب آیین‌نامه اجرایی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها)، ضمن پی‌ریزی این سامانه و سپردن مسئولیت آن به سازمان پژوهش، دامنه فعالیت آن را از دایره کتاب‌های آموزشی به منابع آموزشی گسترش داد.

از جمله فعالیت‌های این بخش، برگزاری جشنواره

کتاب‌های آموزشی رشد است. دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی به منظور شناسایی و معرفی آثار برتر و تشویق مؤلفان و ناشران کتاب‌های آموزشی به تألیف و تولید کتاب‌های مناسب و منطبق با معیارها و استانداردهای آموزشی و تربیتی به معلمان و دانش‌آموزان، جشنواره‌هایی برگزار می‌کند. تاکنون ۱۵ دوره جشنواره برگزار شده و در مجموع ۲۲۸۹ عنوان کتاب برگزیده و معرفی شده‌اند.

مجلات رشد

در چارچوب اهداف و راهبردهای آموزش و پرورش، با زمینه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی، به دو دسته ماهنامه و فصلنامه تقسیم می‌شوند.

ماهنامه‌های رشد

ماهنامه‌های رشد با هدف ترویج خواندن، توسعه فرهنگ مطالعه، تعمیق تفکر خلاق و بهبود کیفیت آموزش و پرورش، برای همه گروه‌های سنی و در دو بخش دانش‌آموزی و بزرگسال منتشر می‌شوند. ماهنامه‌های دانش‌آموزی عبارت‌اند از: رشد کودک، رشد نوآموز، رشد دانش‌آموز، رشد نوجوان، رشد جوان، رشد برهان ریاضی متوسطه ۱، رشد روشن (برای دانش‌آموزان نابینای دوره ابتدایی تا دوره دوم آموزش متوسطه)، رشد کم‌بینایان (برای دانش‌آموزان کم‌بینای دوره ابتدایی).

ماهنامه‌های بزرگسال عبارت‌اند از: رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد آموزش ابتدایی و رشد مدرسه فردا.

فصلنامه‌های رشد

فصلنامه‌های رشد در حوزه‌های علوم انسانی و علوم پایه و فنی، با هدف ارتقای دانش، بهبود نگرش و اصلاح مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، مدیران، مشاوران و مربیان مدارس منتشر می‌شوند.

فصلنامه‌های علوم انسانی عبارت‌اند از: رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش هنر، رشد آموزش تربیت‌بدنی، رشد آموزش پیش‌دبستانی، رشد آموزش زبان‌های خارجی، رشد آموزش مشاور مدرسه، رشد آموزش جغرافیا، رشد مدیریت مدرسه، رشد جوانه

فصلنامه‌های علوم پایه و فنی عبارت‌اند از: رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش زیست‌شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش، رشد برهان ریاضی متوسطه ۲.

حوزه تکنولوژی آموزشی

در سال ۱۳۳۸ تشکیلاتی به نام اداره فعالیت‌های هنری و سمعی و بصری در وزارت فرهنگ وقت شکل گرفت. وظایف این اداره عبارت بودند از نمایش فیلم در آموزشگاه‌ها و سازمان‌دهی امور فوق‌برنامه در مدرسه‌ها.

در طول سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ این اداره دچار تغییراتی شد و این در حالی بود که برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی فیلم‌های آموزشی - تربیتی، تهیه فیلم و وسایل کمک آموزشی برای مدرسه‌ها به شکل پیوسته ادامه داشت.

پس از انقلاب اسلامی، با درک نیازهای تازه در آموزش و پرورش، ساختار تشکیلاتی جدیدی به وجود آمد. این تغییرات حاصل تکمیل امکانات فنی و کمک آموزشی بود که در سال ۱۳۷۰ به شکل گرفتن دفتر تکنولوژی آموزشی انجامید.

اکنون پس از گذشت بیش از نیم قرن از تشکیل این دفتر و با توجه به تحول صورت گرفته در راستای برنامه درسی ملی و تغییر در ساختار تشکیلاتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وظایف دفتر تکنولوژی آموزشی و دفتر انتشارات کمک آموزشی به شکل درهم تنیده در آمدند و دفتر جدیدی به نام «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» متولد شد.

مهم‌ترین وظایف حوزه تکنولوژی آموزشی

۱. برنامه‌ریزی و گسترش کاربرد تکنولوژی آموزشی در واحدهای آموزشی کشور
۲. برنامه‌ریزی برای تهیه و تولید انواع رسانه‌های آموزشی مورد نیاز واحدهای آموزشی از جمله: ۱-۲ فیلم آموزشی (ویژه دانش‌آموزان و کلاس درس)

۲-۲ فیلم‌های آموزش معلمان (بسته‌های آموزشی ویژه معلمان)

۳-۲ نرم‌افزارهای آموزشی (ویژه دانش‌آموزان، معلمان و کلاس درس)

۴-۲ فایل‌های صوتی (کتاب گويا) برای درس‌های فارسی، عربی و زبان انگلیسی

۳. انجام پژوهش‌ها و مطالعات مورد نیاز

۴. سرمایه‌گذاری در تولید رسانه‌های آموزشی

۵. ارتباط با دفترهای تألیف کتاب‌های درسی و سایر بخش‌های وزارت آموزش و پرورش، به منظور هماهنگی در تهیه و تولید رسانه‌های آموزشی

۶. برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی آموزشی و تربیتی رشد

۷. برگزاری جشنواره تولید محتوای الکترونیکی دانش‌آموزان و معلمان

۸. راه‌اندازی شبکه ملی مدارس ایران (رشد)

۹. شرکت در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی

برنامه‌های جاری

۱. تولید فیلم‌های ویژه والدین دانش‌آموزان در خصوص آشنایی هرچه بیشتر آن‌ها با تغییرات انجام‌شده در برنامه و محتوای درسی کتاب‌ها؛
۲. راه‌اندازی شبکه ملی مدارس با رویکرد جدید به‌منظور مشارکت هرچه بیشتر معلمان و دانش‌آموزان در راستای جهت به اشتراک گذاشتن منابع متنوع یادگیری؛

۳. تولید بسته‌های آموزشی ویژه معلمان؛

۴. برنامه‌ریزی برای مشارکت هرچه بیشتر معلمان (دانشجو معلمان) دانش‌آموزان و کارشناسان در ارائه نظرات و تولیدات آن‌ها؛

شبکه رشد

دستیابی به نظام آموزش و پرورش مبتنی فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT به عنوان نظامی که لازمه آماده‌سازی شهروندان برای جامعه اطلاعاتی است، همکاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های گسترده و همه جانبه‌ای را در نظام آموزش و پرورش طلب می‌کند. شبکه آموزشی رشد؛ با وجود دامنه گسترده مخاطبان میلیونی خود (دانش‌آموزان، معلمان، مربیان، مدیران، اولیا و کارشناسان آموزش و پرورش) نقش مهمی در آموزش و فرهنگ‌سازی کشور دارد.

دستیابی به نظام آموزش و پرورش مبتنی فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT به عنوان نظامی که لازمه آماده‌سازی شهروندان برای جامعه اطلاعاتی است

جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی آموزشی، تربیتی رشد از قدیمی‌ترین جشنواره فیلم ایران با نام فستیوال فیلم‌های آموزنده در سال ۱۳۴۲ شروع به کار کرد

با نام فستیوال فیلم‌های آموزنده در سال ۱۳۴۲ شروع به کار کرد. برگزاری این جشنواره موجب ارتباط و تبادل فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر و سبب ارتقاء سطح دانش علمی و هنری شرکت‌کنندگان می‌گردد، به طوری که سازندگان فیلم‌های علمی و آموزشی کشورمان با تولیدات خارجی آشنا می‌شوند و می‌توان ادعا نمود با هر دوره از برگزاری جشنواره‌ای با این خصوصیات، صنعت فیلم آموزشی و مستند گامی به جلو بر می‌دارد. در این رهگذر دانش‌آموزان که سرمایه‌های علمی و عملی کشور در ساختن فردایی بهتر می‌باشند نیز از این خیزش فرهنگی بی‌نصیب نمی‌مانند و با ادب و فرهنگ، تحولات و پیشرفت‌های علمی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها آشنا می‌شوند.

اهداف برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم رشد:

- ۱- شناسایی، انتخاب و معرفی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی از سراسر جهان.
- ۲- بهره‌گیری از توانایی‌های صنعت سینما و تلویزیون در آموزش و پرورش و نقش مؤثر آن در پیشبرد فرآیند یاددهی و یادگیری.
- ۳- تبادل فرهنگی و هنری بین کشورهای مختلف دنیا و جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- ارتقاء جایگاه فیلم‌های آموزشی و تربیتی از نظر کمی و کیفی در سطح کشور و تشویق هنرمندان برجسته ایران و سایر کشورها به تهیه ساخت فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی.
- ۵- آگاهی از تحولات و نوآوری‌های علمی-آموزشی و تربیتی کشورهای جهان.
- ۶- ایجاد ارتباط متقابل بین تولیدکنندگان فیلم‌ها و برنامه‌های علمی، آموزشی و تربیتی با علاقمندان و خواستاران امتیاز فرهنگی این نوع آثار.

شبکه ملی مدارس ایران (رشد):

محیطی الکترونیکی است که با استفاده از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، در راستای اهداف نظام آموزشی؛ زمینه تعمیق ارزش‌های اسلامی، هویت دینی و ملی، غنی‌سازی اوقات فراغت، تکمیل آموزش‌های رسمی، پرورش خلاقیت، اطلاع‌رسانی و تبادل تجربیات مخاطبان و کاربران به ارائه خدمات و محتوای آموزشی و تربیتی در چهارچوب برنامه درسی ملی می‌پردازد.

هدف:

ارتقاء کیفیت فرآیند تعلیم و تربیت با تأکید بر استفاده خردمندانه از فناوری‌های نوین در جهت گسترش عدالت آموزشی

مأموریت‌ها:

- ۱) ارائه خدمات و محتوای آموزشی و تربیتی برای پشتیبانی از مدرسه.
- ۲) متناسب‌سازی خدمات و محتوای آموزشی و تربیتی بل نیازها و علایق دانش‌آموزان؛ معلمان؛ خانواده.
- ۳) ایجاد فضای تولید، تبادل و هم‌افزایی دانش و تجربه آموزشی و تربیتی مبتنی بر خلاقیت و نوآوری.
- ۴) زمینه‌سازی برای رسیدن به برابری آموزش؛ تربیتی در سراسر کشور
- ۵) تهیه و تدوین استانداردهای آموزش؛ تربیتی در فضای مجازی
- ۶) استفاده از فناوری برای افزایش کیفی و کمی برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزش؛ تربیتی

مخاطبان شبکه رشد:

- ۱- دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی (ابتدایی و متوسطه)
- ۲- آموزگاران؛ دبیران و معلمان
- ۳- دانشجویان دبیری
- ۴- اولیاء دانش‌آموزان
- ۵- کارشناسان و مدیران
- ۶- همکاران اداری

جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی آموزشی، تربیتی رشد از قدیمی‌ترین جشنواره فیلم ایران

معرفی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره عمومی و نظری

فاطمه میرعارفین

و به دفتر تحویل شد، باید پیش‌نویس کتاب در شورای برنامه‌ریزی گروه به‌طور دقیق بررسی شود و چنانچه به اصلاح و بازنگری نیاز داشته باشد، به تیم تألیف اعلام شود. تیم تألیف موظف است پیشنهادهای اصلاحی شورا را در کتاب اعمال کند و برای بررسی نهایی به شورا ارائه دهد. اعضای شورای برنامه‌ریزی که تخصص‌های گوناگون دارند، باید محتوای کتاب را از منظر تخصص خود و نقشی که در شورا دارند، تأیید کنند.

اصلاح و بازنگری کتاب‌های موجود

هر کتاب درسی، پس از ورود به چرخه آموزش از دیدگاه‌های مختلف نقد و بررسی می‌شود. معلمان، اولیای دانش‌آموزان، صاحب‌نظران و گاهی خود دانش‌آموزان می‌توانند کتاب‌ها را نقد و بررسی کنند و نظرات خود را از طریق آدرس پستی و الکترونیکی دفتر تألیف که روی تمام کتاب‌های درسی چاپ شده است، ارسال کنند. گروه‌های درسی در طول سال تحصیلی این نقدها و نظرها را بررسی می‌کنند و مواردی را که بجا و درست تشخیص دهند، در کتاب‌ها اعمال می‌کنند. میزان تغییراتی که لازم می‌شود در کتاب‌ها اعمال شود، در شرایط گوناگون متفاوت است و از کمترین میزان تغییرات تا ایجاد تغییرات اساسی در محتوا و فصل‌ها را شامل می‌شود.

ویرایش کتاب‌های درسی

با توجه به اینکه محتوای کتاب درسی حاوی مطالبی است که دانش‌آموزان باید آن‌ها را بخوانند و یاد بگیرند و در امتحانات بتوانند آموخته‌های خود را ارائه کنند، متن کتاب باید با جملات صحیح و روان نوشته شود و از لغات و اصلاحات غامض و پیچیده و دور از ذهن (با توجه به دوره تحصیلی) به دور باشد تا دانش‌آموزان بتوانند به‌راحتی با آن ارتباط برقرار کنند. به منظور یکدست کردن لغات و اصطلاحات و منطبق کردن عبارات و جملات براساس زبان فارسی معیار و یکسان‌سازی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری یکی از دفترهای اصلی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است که وظیفه برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره‌های تحصیلی شامل ابتدایی و متوسطه را در سطح آموزش و پرورش برعهده دارد. در این دفتر ۱۳ گروه برنامه‌ریزی درسی کار تألیف کتاب‌ها و اصلاح برنامه‌های درسی را انجام می‌دهند.

فرایند تألیف و آماده‌سازی کتاب‌های درسی برنامه‌ریزی

تألیف هر کتاب بر مبنای یک برنامه درسی انجام می‌شود که معلوم می‌دارد هدف از آموزش آن درس در نظام آموزشی چیست، چه محتوایی باید در آن کتاب گنجانده شود، با چه شیوه و روشی باید تدریس شود و چگونه یادگیری دانش‌آموزان در آن موضوع مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد و ... این کار را شوراهای برنامه‌ریزی هر گروه درسی، جمعی از معلمان، کارشناسان، استادان دانشگاه و دیگر صاحب‌نظران عضو انجام می‌دهند.

تألیف کتاب جدید

پس از آنکه برنامه درسی جدید هر درس مراحل بررسی، اعتباربخشی و تأیید نهایی را طی کرد، باید کتاب درسی جدید بر مبنای آن تألیف شود. البته عوامل دیگری به جز تغییر برنامه درسی نیز می‌توانند سبب تغییر کتاب شوند.

بررسی کتاب جدیدالتألیف در شورای برنامه‌ریزی

پس از آنکه کتاب جدید توسط مؤلفان منتخب مطابق برنامه و ضوابط ارائه شده از سوی دفتر، تألیف

ساختار تشکیلاتی دفتر تألیف نظری



رسم‌الخط کتاب‌های درسی، لازم است کتاب‌ها قبل از چاپ توسط ویراستاران خبره ویرایش شوند. ویراستاران بخش ویرایش دفتر، با همکاری گروه‌های درسی، متون نوشته شده را بررسی، معایب نوشتاری آن‌ها را برطرف و رسم‌الخط کتاب را کنترل می‌کنند.

تنظیم نسخه نهایی خبر کتاب و تکمیل کارت خبر

پس از آنکه کتاب درسی مورد تأیید شورای برنامه‌ریزی قرار گرفت، باید همراه نامه‌ای برای تأیید و امضای مدیران دفتر و سازمان ارسال شود. در این مرحله به نسخه کتاب اصطلاحاً «خبر» و به نامه آن «کارت خبر» گفته می‌شود.

تعداد کتاب‌های درسی

دوره ابتدایی: ۶۰ عنوان
دوره اول متوسطه: ۴۴ عنوان
دوره دوم متوسطه: ۱۳۴ عنوان

جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های دفتر

آموزش و پرورش از بسترهای مهمی است که وظیفه دارد با تربیت نیروی انسانی متخلق و کارآمد در چارچوب میانی فکری انقلاب و نظام اسلامی و در راستای تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، فلاح، رشد و سعادت فرد و جامعه را تأمین و تضمین کند. قطعاً یکی از راهکارهای نیل به این امر، داشتن برنامه درسی و مواد آموزشی مناسب است.

در این راستا، ضمن ارج نهادن به همه تلاش‌هایی که تاکنون به عمل آمده است، باید با اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های روشن و مؤثر برای نزدیک‌تر شدن به اهداف مصوب، تلاشی هماهنگ و مجدانه را سامان داد. به همین منظور، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی برای تحقق اصول و میانی برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۹) و اجرای سیاست‌ها و رویکردهای مصوب نظام، جهت‌گیری‌ها، خط‌مشی‌ها و روش‌های زیر را در تولید برنامه‌ها و مواد درسی و بازنگری و اصلاح آن‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد.

رعایت میانی، اصول و ارزش‌های تربیت دینی به معنای عام و عمیق آن، بهره‌برداری از مطالعات و تجربه‌های ملی و جهانی، توجه به نیازها و اقتضائات کنونی و آینده جامعه در راستای افزایش و تعمیق کارآمدی و بازدهی برنامه‌های درسی و مواد آموزشی، اصول حاکم بر همه جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های دفتر خواهد بود.

رویکردها

۱. توجه بیشتر به اهداف فرهنگی - تربیتی نظام آموزش و پرورش؛
۲. توجه به نقش تربیتی و هدایتی معلم و نیز ارتقای جایگاه وی از یاددهی صرف به تسهیل یادگیری؛
۳. تقویت برنامه‌محوری به جای کتاب‌محوری با تأکید بر کاهش تمرکز در برنامه‌ریزی و انعطاف در برنامه‌های درسی؛
۴. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در برنامه‌های درسی و مواد آموزشی در محتوا؛
۵. ارتقای خودباوری و هویت اسلامی - ایرانی؛
۶. اهتمام نسبت به تقویت و ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی؛

- بررسی مداوم برنامه درسی، مواد آموزشی، شرایط اجرا و ارزشیابی
- پژوهش در خصوص ارکان و مؤلفه‌های برنامه درسی

● نیازسنجی

- نیازسنجی در سطوح مختلف برنامه درسی اعم از دوره‌های تحصیلی، موضوعات درسی و پایه‌های تحصیلی به منظور تدوین برنامه‌ها و حوزه اجرا
- تشخیص نیازهای آموزشی مربوط به آماده‌سازی معلمان دوره‌های مختلف تحصیلی به منظور تهیه برنامه‌های موردنیاز

● تولید مواد

- تولید مواد آموزشی شامل کتاب درسی، راهنمای معلم، لوح‌های آموزشی و سایر موارد آموزشی برای دانش‌آموزان و معلمان دوره‌های تحصیلی
- برنامه‌ریزی و تهیه سرفصل درس‌ها و تألیف کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف تربیت معلم (کاردانی تا کارشناسی ارشد)
- شناسایی و استفاده از کلیه نیروهای متعهد و متخصص برای همکاری در زمینه تولید و منابع آموزشی مفید (کتاب درسی، راهنمای معلم، لوح‌های آموزشی)
- نظارت بر تألیف و تهیه مواد آموزشی متناسب با برنامه‌های درسی

● اجرای برنامه

- مطالعه و گردآوری اطلاعات در ارتباط با شرایط اجرایی برنامه‌ها و تدوین آیین‌نامه
- برگزاری دوره‌های توجیهی آموزشی برای معلمان و مدرسان مراکز تربیت معلم، در راستای تحولات برنامه درسی یا نوآوری‌های آموزشی
- شرکت کارشناسان دفتر در گردهمایی‌ها، نشست‌ها و مجامع آموزشی معلمان در استان‌ها
- برگزاری دوره‌های توجیهی برای عوامل اجرایی، به منظور حمایت از برنامه‌های نوین
- برگزاری دوره‌های آموزشی توجیهی برای ناظران و ارزشیابان از برنامه‌های درسی
- هماهنگی و همکاری با دفترهای معاونت آموزشی در ایجاد شرایط اجرایی مناسب برنامه‌ها
- مدیریت قراردادهای دفتر با افراد و شرکت‌های طرف قرارداد
- ارزشیابی
- ارزشیابی از برنامه‌های درسی و عوامل مؤثر بر

۷. توجه به نیازهای علمی و فکری دانش‌آموزان و نیز فناوری‌ها و دانش‌های نوین؛

۸. توجه به یادگیری عمیق و معنی‌دار، تعدیل حافظه‌مداری و تأکید بر پژوهش‌محوری در قالب‌ها؛

۹. تقویت رویکرد چندرسانه‌ای و توسعه استفاده از «بسته آموزشی» به جای «کتاب درسی»؛

۱۰. اصلاح و ارتقای کیفیت نگارش و ویرایش کتاب‌های درسی و ساختار و سازمان‌دهی مطالب آن و استفاده از ادبیات مناسب با سطح رشد دانش‌آموزان؛

۱۱. توجه بیشتر به جنبه‌های روان‌شناختی و زیبایی‌شناختی کتاب‌های درسی در جهت افزایش جذابیت و نشاط؛

۱۲. تعدیل حجم کتاب‌ها و ایجاد تناسب بین محتوا و زمان آموزش؛

۱۳. کاهش عنوان‌ها و تعداد کتاب‌های درسی، به‌خصوص در دوره عمومی براساس رویکرد تلفیق؛

۱۴. افزایش بهره‌گیری از ظرفیت‌های کارشناسی و پژوهشی مراکز علمی کشور به‌ویژه مراکز پژوهشی ستادی و استانی آموزش و پرورش؛

۱۵. افزایش نقش معلمان در تولید برنامه‌های درسی؛

۱۶. کاربردی کردن طرح‌های پژوهشی و کاربردی نتایج آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی؛

۱۷. کیفیت‌بخشی به پژوهش‌ها و ارزشیابی‌های مستمر در راستای نیازسنجی و اصلاح برنامه‌های درسی؛

۱۸. تقویت و توسعه تعامل فعال با مراکز و دفاتر مرتبط درون یا بیرون وزارتخانه و جلب همکاری آن‌ها؛

۱۹. اصلاح، تکمیل و ساده‌سازی مراحل فرایند تولید برنامه‌های درسی در روش‌ها؛

۲۰. برون‌سپاری تألیف کتاب‌های درسی در راستای استفاده از همکاری و مشارکت اشخاص و مراکز علمی ذی‌صلاح همراه با ارتقای نقش هدایتی و نظارتی دفتر؛

۲۱. اتخاذ روش چندتألیفی و زمینه‌سازی برای گسترش آن؛

۲۲. تکمیل و توسعه نظام اشاعه برنامه درسی با استفاده از همه امکانات و ابزارها،

پژوهش

- همکاری با کلیه واحدهای ستادی و اجرایی آموزش و پرورش در جهت اجرای برنامه‌های پژوهشی
- بررسی طرح‌های آموزشی - پژوهشی رسیده از سوی اشخاص و سازمان‌ها

موفقیت یا شکست برنامه‌ها

- نظارت و ارزشیابی از فرایند اجرای برنامه‌های درسی
- ارزشیابی از کارایی درونی و بیرونی برنامه‌های درسی

راهنمای برنامه درسی

راهنمای برنامه درسی سندی است مشتمل بر اهداف و اصول دوره تحصیلی، رویکرد و منطق حاکم بر برنامه درسی، اهداف ماده درسی، تنظیم محتوا، ارائه روش‌های یاددهی - یادگیری مناسب و ارائه شیوه‌های ارزشیابی. این سند در واقع راهنمای عمل تولیدکنندگان مواد آموزشی است.

عناصر و اجزای تشکیل دهنده راهنمای برنامه درسی عبارت‌اند از:

۱. مقدمه: شامل تصویری کلی از برنامه و تبیین فلسفه وجودی درس.

۲. تبیین رویکرد: شامل جهت‌گیری کلی برنامه و منطق حاکم بر آن.

۳. اهداف: اهداف ماده درسی در طول دوره تحصیلی در سه حیطه یادگیری، شناختی، مهارتی (ذهنی و عملی) و نگرشی بیان می‌شود و سپس اهداف در پایه‌های تحصیلی در سه حیطه ذکر شده، تدوین می‌شوند.

۴. محتوا: شامل تبیین مفاهیم اساسی مربوط به هر دوره تحصیلی و تنظیم جدول‌ها و وسعت و توالی مفاهیم و مهارت‌ها برای هر دوره تحصیلی. ملاک‌هایی که در تهیه محتوای آموزشی مدنظر قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: سازمان‌دهی محتوا، رعایت ارتباط افقی و عمودی.

۵. روش‌های تدریس: روش‌های مناسب یاددهی - یادگیری و توصیه‌های لازم (بر مبنای رویکرد برنامه درسی) در هریک از پایه‌های تحصیلی.

- بیان روش‌های مناسب یاددهی - یادگیری برای واحد یادگیری ماده درسی موردنظر

۶. ارزشیابی پیشرفت تحصیلی: توصیه‌های کلی در مورد ارزشیابی متناسب با اهداف، تعیین روش‌های ارزشیابی و تعیین سهم هر حیطه (دانستنی‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها) در هر پایه تحصیلی که شامل موارد زیر است:

- تعیین سطح عملکرد مورد انتظار از دانش‌آموزان در هریک از واحدهای یادگیری.
- تعیین شیوه‌های ارزشیابی از پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان در واحدهای یادگیری.
- بیان ابزارهای اندازه‌گیری مناسب برای ارزشیابی از پیشرفت یادگیری دانش‌آموز.
- بیان وسعت و محدودیت ارزشیابی از پیشرفت یادگیری برای هر واحد یادگیری.

۷. بیان ویژگی‌ها و مهارت‌های معلم برای تدریس هر ماده درسی:

- مهارت‌هایی که باید در معلم تقویت شود.
- دانش و اطلاعاتی که معلم باید کسب کند.
- عملکردی که باید در رفتار معلم تجلی پیدا کند.
- ویژگی‌های عمومی و اختصاصی معلمان.

۸. تعیین استاندارد، ملزومات، تجهیزات و امکانات مورد نیاز اجرا:

- در زمینه فضای کلاس شامل وسعت، آرایش میز و نیمکت و ...
- تجهیزات و ملزومات لازم مانند وسایل دیداری و شنیداری، و تجهیزات آزمایشگاهی.

۹. اشاعه برنامه درسی: شامل تعیین رؤس و محتوا و روش‌های اشاعه (حضور یا غیرحضور) و شیوه‌های دیگر در خصوص هر یک از گروه‌های معلمان، اولیا، دانش‌آموزان، مدیران و عوامل اجرایی

۱۰. نظام تجدیدنظر: شامل اصول و ملاک‌های تجدیدنظر در راهنمای برنامه‌ی درسی ارتقای برنامه‌ریزی درسی که از اهداف سازمان در برنامه پنج ساله است، در ابعاد زیر صورت گرفته است:

۱. بهبود کیفیت فرایند برنامه‌ریزی درسی با توجه به جدیدترین یافته‌های علمی
۲. اعتلای کیفیت برنامه‌ها و روش‌های آموزشی با توجه به رویکردهای جدید آموزشی
۳. تهیه روند نمای چگونگی تولید، اصلاح و بازنگری طرح‌ها و برنامه‌ها و نهادینه کردن تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای پژوهش
۴. تولید راهنمای برنامه درسی جامع در دوره‌های گوناگون تحصیلی و مواد متفاوت درسی با رویکرد تلفیقی.



تألیف اجزای بسته آموزشی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای

پای صحبت مهندس احمد رضا دوراندیش
مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های فنی حرفه‌ای و کار و دانش

گفت‌وگو: معصومه رضوانفر

اشاره

تألیف کتاب‌های درسی در حوزه فنی و حرفه‌ای با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و اقتضات دنیای کار تغییر می‌کند. هدف ما این است که در تدوین فرایند برنامه‌ریزی درسی و نوسازی و توسعه برنامه‌ها به توانمندی نیروی انسانی و نیز به کارگیری نیروی تخصصی در شوراها توجه کنیم. ایجاد ظرفیت‌های کاری مبتنی بر حجم بهره‌برداری از منابع انسانی خارج از سازمان، از برنامه‌های جدی این دفتر است. احمد رضا دوراندیش، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، در گفت‌وگو با ما، ضمن تشریح هدف فوق گفت: «در کنار تألیف کتاب، مسئولیت برنامه‌ریزی و تألیف اجزای بسته آموزشی حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری که یکی از حوزه‌های یازده‌گانه برنامه درسی ملی است را برعهده داریم که از دوره ابتدایی شروع می‌شود و در دوره اول و دوم متوسطه نیز وجود دارد، مانند کتاب «کار و فناوری» متوسطه اول و در متوسطه دوم شاخه نظری نیز کتاب «کارآفرینی» در این دفتر تهیه می‌شود.»

مهندس دوراندیش می‌گوید: سعی کرده‌ایم بحث تألیف کتاب را به خارج از سازمان ببریم و از افراد

صاحب تجربه استفاده کنیم. گفت‌وگوی ما با مهندس احمد رضا دوراندیش را در ادامه ملاحظه می‌کنید.

لطفاً درباره فرایند تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار و دانش توضیح دهید.

همان‌طور که می‌دانیم، تألیف براساس برنامه درسی هر درس انجام می‌شود. با این توضیح که مبنای تألیف در هر رشته مجموعه‌ای از مطالعات و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در آن رشته است. در گام نخست، در هر رشته نیازسنجی شغلی انجام می‌شود. در نیازسنجی شغلی براساس سیاست‌های کلی نظام و مطالعات مربوط به حرف، مسیر توسعه حرفه‌ای و شایستگی‌های حرفه مشخص می‌شود. همچنین، وظایف، تکالیف کاری از منظر دانش و مهارت، ویژگی‌های شاغل و شغل، و تناسبات دنیای کار و شرایط دنیای کار به صورت سند تدوین می‌شوند. در مرحله بعد، به منظور تدوین معیارهای اثبات مهارت، شایستگی‌های مربوط به هر حرفه در سطح صلاحیت حرفه‌ای استاندارد ارزشیابی

محتوای کتاب‌های درسی منطبق بر اهداف و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری مندرج در برنامه‌های درسی است، لذا هنرآموزان می‌توانند با مراجعه به برنامه درسی بر اساس چارچوب‌های مشخص، خودشان موقعیت‌های یادگیری را طراحی کنند و آن را در محیط یادگیری به اجرا در آورند

کار است. یکی از مراحل اصلی طراحی برنامه‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای مرحله نیازسنجی شغلی است که صاحبان مشاغل و حرفه‌ها، با توجه به نیازهای جامعه و ویژگی‌های مشاغل نسبت به تعیین وظایف و تکالیف کاری هر حرفه با دفتر همکاری می‌کنند. تحلیل وظایف حرفه و تدوین استانداردهای شایستگی مبنای طراحی برنامه‌ریزی‌های درسی در دنیای آموزش است. از طرف دیگر کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای بر اساس برنامه‌های درسی تألیف می‌شوند، لذا محتوای تألیف شده با نیاز دنیای کار متناسب است. تألیف کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش با رویکرد شایستگی‌محور صورت می‌گیرد و ما در تلاشیم از این طریق هنرآموزان را به فراگیری‌های مهارت لازم برای ورود به بازار کار سوق دهیم.

برنامه شما در دفتر برای چندتألیفی کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای چیست؟
بحث چند تألیفی را از سه سال گذشته شروع کرده‌ایم. یعنی قرار است با توجه به نیازهای متفاوت در حرفه‌ای خاص، منابع متفاوت درسی داشته باشیم تا هنرآموز با توجه به نیازهای موجود کار آموزش را انجام دهد؛ ضمن اینکه نزدیک به ۷۰۰ عنوان کتاب در شاخه فنی‌وحرفه‌ای تألیف شده‌اند که برخی از آن‌ها مشترکاتی با شاخه کاردانش دارند.

با توجه به امکانات متفاوت استان‌ها، آزادی عمل معلم در تدریس مباحث کتاب درسی چقدر است؟

آزادی عمل هنرآموزان در تدریس کتاب‌ها در دو سطح مورد توجه قرار گرفته است: اول اینکه، از آنجا که پودمان‌های هر درس یا کتاب از سایر پودمان‌ها مستقل است، ترتیب ارائه درس با توجه به امکانات و شرایط

طراحی می‌شود. در طراحی هر دو سند اشاره شده است، مشارکت ذی‌نفعان آموزش فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی بسیار پررنگ است. در اصل، طراحان این اسناد خبرگان حرفه‌ای دنیای کار هستند. طراحی ساختار، اصول آموزش فنی‌وحرفه‌ای، نیازسنجی آموزشی در هر رشته، جزو مراحل قبل از تدوین راهنمای برنامه‌ریزی هر رشته است. در نهایت، در برنامه درسی هر رشته، شایستگی‌های فنی و غیرفنی، استانداردها و تجهیزات هر درس، جدول‌های وسعت و توالی در محتویات اهداف توانمندسازی و راهبردهای یاددهی - یادگیری، به‌صورت فعالیت‌های یادگیری ساخت یافته سازمان‌دهی می‌شوند و وسعت محتوا در هر شایستگی تعیین می‌شود. همچنین، شیوه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، فرایند تهیه و تدوین بسته‌های یادگیری و صلاحیت حرفه‌ای نیروی انسانی در هر بسته تحصیلی به‌صورت یک سند فراهم می‌شود. ضمن اینکه فرایند برنامه‌ریزی درسی در حوزه فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش توسط ۳۲ گروه در دو بخش «دنیای کار» و «دنیای آموزش» انجام گرفت. در بخش دنیای کار از صاحبان حرفه‌ها و مشاغل برای اظهار نظر و دریافت اطلاعات دعوت می‌شود. پس از جمع‌بندی نتایج این تعاملات، تصمیمات خوبی گرفته می‌شود.

کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای از تنوع در رشته و شاخه برخوردارند، لطفاً در مورد تعداد کتاب‌ها و نیز شمارگان آن‌ها توضیحاتی بدهید.

در طراحی برنامه‌های جدید رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای که مصوب شورای عالی آموزش و پرورش است، در هر رشته تحصیلی - حرفه‌ای شش عنوان کتاب کارگاهی، دو عنوان کتاب دانش فنی تخصصی، چهار عنوان کتاب شایستگی‌های غیرفنی و سه عنوان کتاب علوم پایه وجود دارد. همراه با کتاب درسی، سایر اجزای بسته آموزشی هم در نظر گرفته شده‌اند که در برخی رشته‌ها آماده شده‌اند و در برخی در دست تدوین هستند. کتاب راهنمای هنرآموز، فیلم هنرجو، فیلم هنرآموز، مجله رشد فنی‌وحرفه‌ای، و کتاب همراه هنرجو از جمله آن‌ها هستند. در شاخه فنی‌وحرفه‌ای تعداد ۴۵۴ رشته وجود دارد و تیراژ کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای در هر رشته متفاوت است.

در تألیف کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای چه مقدار به بازار کار توجه شده است؟

اساس برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوای کتاب‌های درسی و سایر اجزای بسته آموزشی توجه به نیازهای دنیای

تحصیلی به انتخاب خود هنرآموزان است.

دوم اینکه، با توجه به اینکه محتوای کتاب‌های درسی منطبق بر اهداف و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری مندرج در برنامه‌های درسی است، لذا هنرآموزان می‌توانند با مراجعه به برنامه درسی براساس چارچوب‌های مشخص، خودشان موقعیت‌های یادگیری را طراحی کنند و آن را در محیط یادگیری به اجرا درآورند. اگر سند تحول و برنامه درسی بخواهد اجرا شود، باید بقیه زیرنظام‌ها نیز به‌طور هماهنگ حرکت کنند که یکی از آن‌ها تجهیزات و دیگر منابع انسانی است. دانش‌آموزان نیز هم‌زمان با مهارت‌های فنی، باید مهارت‌های غیرفنی را کسب کنند تا نیازهای خود را در جامعه برطرف کنند. کتاب «اخلاق حرفه‌ای» و «مدیریت تولید» نیز داریم که در همه رشته‌های فنی و کاردانش و در پایه دوازدهم قرار دارد.

در مورد عنوان‌های تألیف پایه دوازدهم دفتر در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و تعداد آن‌ها در مجموع توضیح دهید.

در جدول درس‌های رشته‌های فنی و حرفه‌ای، علاوه بر درس‌های عمومی، شش درس کارگاهی، دو درس دانش فنی و دانش فنی تخصصی، چهار تا شش درس شایستگی‌های پایه و چهار درس شایستگی‌های غیرفنی نیز تصویب شده است.

سهم پایه دوازدهم از جدول درس‌ها به این ترتیب است که برای تمامی رشته‌های صنعت، درس ریاضی سه خوشه، از درس‌های شایستگی‌های پایه را در برمی‌گیرد. همچنین درس اخلاق حرفه‌ای از درس‌های شایستگی‌های غیرفنی برای تمامی هنرجویان رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در نظر گرفته شده است و در خوشه شایستگی‌های فنی، درس دانش فنی تخصصی که خاص هر رشته تحصیلی - حرفه‌ای است و دو درس کارگاهی که سطوح صلاحیت حرفه‌ای را شامل می‌شود برای هر رشته برنامه‌ریزی شده است.

برای هر کدام از عنوان‌ها یک کتاب درسی هنرجو، یک کتاب راهنمای هنرآموز و برای کل پایه. یک کتاب همراه هنرجو تألیف شده است. البته کتاب همراه هنرجو برای هنرجویان پایه دهم به صورت یک کتاب سه ساله شامل پایه‌های دهم، و یازدهم و دوازدهم چاپ شده است. در مجموع، در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ تعداد ۲۷۴ عنوان کتاب نو نگاشت داریم.

آیا حجم کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای در برنامه‌های جدید تغییر کرده است؟

حجم کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای از دو طریق در برنامه‌های جدید کاهش یافته است. اول، کاهش تعداد عنوان کتاب‌ها در هر رشته، تخصصی - حرفه‌ای است و دوم ارائه آموزش به صورت پودمانی است که شامل فعالیت‌های یادگیری ساخت یافته‌ای است که به صورت عملی در کارگاه انجام می‌شوند. مطالبی که نیاز به حفظ کردن دارند، به کتاب همراه هنرجو منتقل شده‌اند. سایر محتوا را هنرآموز براساس کتاب راهنما در فرایند یاددهی - یادگیری فرا می‌گیرد.

ویژگی‌های کتاب‌های درسی جدید فنی و حرفه‌ای چیست؟

در مجموع ویژگی کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای را در شش مورد می‌توان بیان کرد.

۱. توجه به رویکرد پودمانی در تألیف، ارائه و ارزشیابی؛
۲. گذر از تألیف منبع آموزشی به سمت کتاب درسی؛
۳. کاهش حجم محتوا با تأکید بر فعالیت‌های یادگیری ساخت یافته؛
۴. در هم تنیدگی شایستگی‌های فنی و غیرفنی؛
۵. تألیف براساس تعامل هنرجو با سایر هنرجویان، هنرجو با محتوا و هنرجو با هنرآموز در فعالیت‌های ساخت یافته؛
۶. تألیف براساس رویکرد شایستگی.

لطفاً درباره ضرورت بسته آموزشی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توضیح دهید.

در راهکار ۹-۲۱ از سند تحول بنیادین و جزء هفتم از بند ۱۲ برنامه درسی ملی توجه به بسته آموزشی به جای کتاب درسی در برنامه‌های جدید تصریح شده است. بر این اساس در تدوین برنامه درسی هر درس برای هر رشته قالبی در نظر گرفته شده است که نقش اجزاء بسته آموزشی (یادگیری) را مشخص می‌کند. با این توضیح که محتوای طراحی شده هر فعالیت یادگیری در کدام جزء یا اجزای بسته آموزشی مانند کتاب درسی، کتاب همراه هنرجو، کتاب راهنمای هنرآموز، فیلم یا نرم‌افزار یا سایر موارد و رسانه‌های یادگیری قرار دارد.

مؤلفان کتاب‌های درسی فنی و مهارتی چه کسانی هستند؟

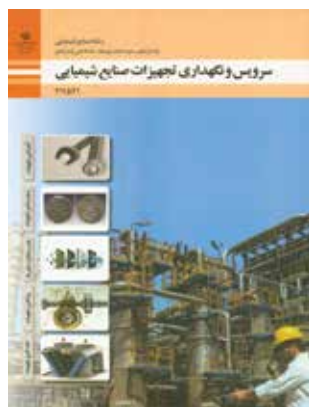
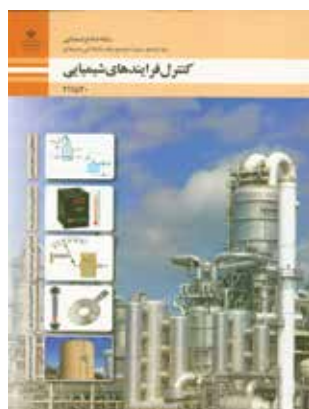
تمامی درس‌های رشته‌های فنی و حرفه‌ای از پنج پودمان تشکیل شده‌اند. در درس‌های کارگاهی، هر پودمان یک شغل را شامل می‌شود. با توجه به ویژگی‌های درس‌های فنی و حرفه‌ای، ناچار بودیم از تیم مؤلف برای تألیف هر کتاب بهره بگیریم. مؤلفان کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای، علاوه بر دارا بودن صلاحیت‌های عمومی، می‌باید در پودمان تألیفی مورد نظر از تجربه عملی برخوردار باشند و نحوه کار بست دانش‌پداگژی را در طراحی موقعیت‌های یاددهی یادگیری به خوبی بشناسند. اکثر مؤلفان کتاب‌های درسی را هنرآموزانی با این ویژگی‌ها تشکیل می‌دهند.

مؤلفان کتاب‌های درسی پایه ۱۲ فنی و حرفه‌ای چند نفر هستند؟

تعداد مؤلفان کتاب‌های نونگاشت فنی و حرفه‌ای پایه دوازدهم که با دفتر برنامه‌ریزی تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش همکاری داشته‌اند، ۴۳۵ مؤلف است. در آموزش فنی و حرفه‌ای ما از تمامی استان‌های کشور مؤلف داریم.

در پایان اگر صحبت تکمیلی دارید بفرمایید.

در پایان لازم می‌دانم از همکاران گرامی و اعضای محترم گروه‌های تخصصی و مؤلفان محترم، به خاطر تلاش‌های بی‌وقفه و مسئولانه خود در تدوین اسناد و تألیف اجزای بسته آموزشی قدرانی کنم. همچنین از مسئولان و کارشناسان محترم دستگاه‌ها، اتحادیه‌ها، اصناف و شرکت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و خبرنگاران دنیای کار و حرفه که با ارائه اطلاعات و تجربیات ارزشمند خود ما را یاری داده‌اند، سپاس‌گزاری می‌کنم.





شیراز محسن و حجج



قصه این است: چه اندازه ~~کبوتر~~ باشیم!

قصه محسن با چشم‌هایش آغاز شد؛ همان دو چشمی که آینه‌های روبه‌روی فریادی را در سینه ما نهاده بودند. قصه محسن قصه شگفتی بود. او با دست‌هایی که از پشت بسته شده بود، به سمت روبه‌رو می‌آمد؛ در غروبی که دوردست‌هایش سرخ و شفقناک بود. میدان جنگ بسیار خشک و خشن می‌نمود، اما پیام آن عکس روشن بود: زانوانش نلرزیده بود در لحظه‌های آخر و با اینکه می‌دانست به قربانگاه می‌رود، آرام می‌نمود.

محسن حججی جوانی ۲۶ ساله که تنها ۲۸ روز از تولد ۲۶ سالگی‌اش گذشته بود، حالا اسیر داعشی‌ها شده بود. خیلی زود خبر اسارت و پس از آن شهادت مظلومانه‌اش نقل خبرگزاری‌ها شد. او حالا یک قهرمان حماسی بود. محسن حججی در ۲۱ تیرماه ۱۳۷۰ در نجف آباد اصفهان زاده شد. تمام عمرش را در همان شهر سپری کرد و آخرین سفرش به سوریه بود، برای دفاع از کیان ایران و ایستادگی در برابر دشمن اهل بیت (ع).

در این ویژه‌نامه، برخی از گوشه‌های زندگی این شهید حماسه‌ساز را برای مخاطبان به تصویر کشیده‌ایم. در یکی از فیلم‌هایی که از محسن حججی، هنگام اعزام به مناطق محروم به یادگار مانده، محسن شعری را می‌خواند که حال و هوای امروز ما را دارد: آسمان فرصت پرواز بلندی‌ست ولی / قصه این است چه اندازه کبوتر باشیم؟

همه چیز با یک نگاه آغاز شد. با انتشار تصویر نگاه مقتدر مرد جوانی با نام اسیر نیروهای داعشی که در یک چشم

از نگاه رسانه های جهان



محسن حججی؛ تصویری از ایران متحد

مریم احمدی

خبرگزاری رویترز، شبکه خبری بی بی سی نیوز و ... هم به طور مکرر با پوشش گزارش تشییع جنازه شهید حججی و سخنان رهبر انقلاب اسلامی و سایر شخصیت های سیاسی و مذهبی حاضر در این مراسم، حیرتشان را از هم بستگی و اتحاد وصفناپذیر مردم ایران ابراز کردند.

در کنار واکنش های بی سابقه مسئولان، اهل سیاست و چهره های مشهور، هنرمندان، ورزشکاران و اقشار و اصناف مختلف، به شهادت افتخار آفرین شهید محسن حججی، رشادت این بزرگوار تحسین بسیاری از غیرمسلمانان ساکن در کشورهای اروپایی را هم برانگیخت. تا آنجا که با انتشار عکس هایشان همراه با تصویر شهید حججی در فضاهای مجازی، ارادتشان را به شهید حججی نشان دادند و بر تحسین برانگیز بودن رفتار قهرمانه او صحنه گذاشتند.

شهید محسن حججی با شجاعتش در قلب مردم ایران ماندگار شد و حالا تقریباً همه دنیا او را می شناسند. جوانی ۲۶ ساله که با گام هایی استوار به سوی مرگ رفت تا حماسه ای ماندگار را در تاریخ رقم بزند.

به هم زدن، مرزهای فضای مجازی را از هم گسست و دست به دست به خانواده صاحب عکس رسید و بعد از آنکه غوغای بی سابقه ای در کشور به پا کرد، عزیز یک ملت شد. از زمان انتشار عکس اسارت تا خبر شهادت محسن حججی، نگاه پرصلابت شهید حججی وقتی در یک قدمی مرگ بود، بخش عظیمی از عرصه شبکه های اجتماعی داخل و خارج کشور را به هشتگ محسن حججی اختصاص داد. در دیوار شهرها، از نجف آباد شهر زادگاهش گرفته تا پایتخت، از عکس های سرفرازی شهید محسن حججی پر شد. فضایی که از چشم رسانه های خارجی هم دور نماند و با انعکاس اخباری در این باره، نتوانستند حیرتشان را از جریان شورانگیز ایجاد شده در میان ایرانیان پنهان کنند. جریانی که متعلق به هیچ حزب، فرقه و دسته ای

نبود و سیاسیون، مقامات کشوری و لشکری، عام و خاص را به واکنش و داشت. رسانه های آمریکایی شهادت محسن حججی را اتفاقی توصیف کردند که «ایرانی ها را متحد کرده است». خبرگزاری های رسمی فرانسه نوشتند: «دستگیری و شهادت محسن حججی، باعث حمایت گسترده مردم ایران از عملیات نظامی این کشور در عراق و سوریه شد و خیل عظیمی از جمعیت در مراسم سوگواری سربازی که به نماد مبارزه علیه داعش تبدیل شده است، شرکت کردند.» خبرگزاری «آسوشیتدپرس» هم نوشت: «در حالی که داعش تلاش می کرد از دستگیری و سربردن حججی به عنوان پروپاگاندا استفاده کند، بسیاری در ایران این موضوع را متفاوت دیدند و تصویر حججی الهام بخش حس میهن دوستی در میان ایرانی ها و کشته شدن او باعث وحدت بی سابقه در میان طیف های مختلف سیاسی در این کشور شد.»

روزنامه های دلی میل، سان دیلی، واشنگتن پست، سانفرانسیسکو کرونیکل، پایگاه میدل ایست آی،



احمد محمد تبریزی

الگوی که راه را نشان داد حاج احمد دست محسن را گرفت

رفت و درس‌هایش را آموخت.

عشق و علاقه محسن حججی به شهدا، به ویژه شهید احمد کاظمی، سردار بزرگ زادگاهش، بر کسی پوشیده نیست. زندگی‌اش را مدیون حاج احمد می‌دانست. هم محسن و هم همسرش. هر دو وقتی وارد مؤسسه شهید کاظمی شدند و با این سردار بزرگ دفاع مقدس آشنایی بیشتری پیدا کردند، مصمم‌تر از همیشه برای رسیدن به اهدافشان تلاش کردند. آشنایی با شهید کاظمی برای محسن پلی شد برای رسیدن به آرزوهای سخت و دشوار.

در این مؤسسه، برنامه‌های فرهنگی و شرکت در اردوهای جهادی فعالیت‌هایی بودند برای بازسازی و آبادی ایران. محسن پس از ورود به این مؤسسه، انگیزه‌های بیشتری برای خدمت یافت. او با شرکت در اردوهای جهادی، مسیرش را انتخاب کرد. حججی در کار برق ساختمان بود، اما می‌گفت: «مسیری که حاج احمد (کاظمی) برای من مشخص کرده، در کار برق و این‌ها محقق نمی‌شود. من باید به جایی بروم که مسیرم به شهادت نزدیک‌تر باشد.»

نصف شب‌ها بر سر مزار شهید کاظمی می‌رفت و فاتحه می‌خواند. اوقات بسیاری به یاد حاج احمد بود و حرف‌هایش را به خاطر می‌آورد. وقتی کسی روزش را با حرف‌های شهید بگذراند و به آن‌ها عمل کند، منش او هم به آن سمت می‌رود. یکی از جمله‌ها و رهنمودهای شهید احمد کاظمی در اهداف او تأثیر شگفتی گذاشت. آنجا که

شهید احمد کاظمی می‌گوید: «اگر می‌خواهید شهید شوید، باید مثل شهدا باشید؛ باید شهید زنده باشید، باید مثل شهدا کار کنید.» این ارتباط معنوی با گذشت زمان هر روز پررنگ‌تر شد.

محسن به مسیری رفت که حاج احمد پیش از تولدش در آن گام نهاده بود. حاج احمد و محسن به دو نسل متفاوت با آرمان‌هایی یکسان تعلق دارند. شهید حججی هیچ‌گاه حاج احمد را از نزدیک ندید، ولی آرمان، مسیر و راهش را درک کرد.

امروز شهید کاظمی الگوی جوانان هم‌سن و سال محسن است و آنان با تاسی از ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی‌شان، مسیر زندگی‌شان را انتخاب می‌کنند و قطعاً فردا محسن الگویی برای نسل‌های آینده خواهد بود. شهید حججی امتداد راه حاج احمد بود و معلوم نیست فردا چه انسان‌هایی امتداد راه محسن باشند.

شهدای مدافع حرم در همان مسیری حرکت می‌کنند که روزی شهدای دوران دفاع مقدس آن را پیمودند. هدف، عقیده و آرمان رزمندگان مدافع حرم همانی است که رزمندگان دفاع مقدس به خاطرش حماسه آفریدند و جان‌شان را فدا کردند. بسیاری از جوانانی که امروز در جبهه‌های مقاومت مشغول دفاع در برابر دشمنان هستند، الگوی زندگی‌شان را از میان بزرگان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق انتخاب کرده‌اند. این الگوپذیری عامل مهمی برای شناخت مسیر زندگی‌شان شد. آن‌ها سعی کردند در سبک زندگی‌شان متر و معیاری برای زندگی بهتر انتخاب کنند و برای این موضوع چه کسی بهتر از شهدای دفاع مقدس؟ همان‌هایی که راه بندگی و عبودیت را در زیباترین حالت ممکن پیموده و برای جوانان امروز سیره و روش‌شان را به یادگار گذاشته‌اند. میراثی گران‌بها که تنها باید با چشم دل به سراغش

شهید
محسن
حججه

مریم احمدی

سفیر فرهنگ کتاب در پادگان و مدرسه

شهید محسن حججه در مدت زمان کوتاه زندگی‌اش دوره‌های درخشانی را در کارنامه زندگی‌اش ثبت کرد. قبل از شهادت قهرمانانه‌اش که برگ افتخار دیگری به تاریخ ایثار و شهادت این مرزوبوم افزود، به‌عنوان سفیر فرهنگی در زادگاهش نقش مهمی در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان نوجوانان و جوانان داشت. از سنین دبیرستان و سال ۱۳۸۵، با ورود به «مؤسسه نشر شهید کاظمی»، در کنار کتابفروشی و فعالیت در عرصه نشر، به تبلیغ و ترویج کتابخوانی در مدارس پرداخت و از جمله اولین کسانی بود که در

راستای اهداف مؤسسه نشر شهید کاظمی و کتاب شهر ایران، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، سنت حسنه تبلیغ کتاب را به جایگاه‌های نماز جمعه شهرها کشاند. مؤسسه‌ای که با فعالیت جوانانی چون محسن حججه یکی از مراکز فرهنگی مؤثر در شهر نجف‌آباد و استان اصفهان به شمار می‌آید و تا به امروز جریان فرهنگی تأثیرگذاری در عرصه نشر، کتابفروشی و ترویج فرهنگ دفاع مقدس پایه‌گذاری کرده است.

حمید خلیلی، رئیس انتشارات شهید کاظمی، از دوستان و نزدیکان شهید حججه، در این باره می‌گوید: «ارادت محسن به شهید احمد کاظمی سبب شد او در شکل‌گیری مؤسسه و نشر شهید کاظمی نقش پررنگی داشته باشد و یکی از فعال‌ترین اعضا در انجام فعالیت‌های فرهنگی این مؤسسه و کتاب شهر ایران باشد. عصرها بعد از فراغت از کار برق‌کشی ساختمان، برای اجرای برنامه‌های مؤسسه به مدارس می‌رفت و به معرفی کتاب به دانش‌آموزان می‌پرداخت.»

خلیلی که از دوران دبیرستان محسن حججه و فعالیتش در مؤسسه نشر شهید کاظمی روزهای زیادی را با او سپری کرده است، می‌گوید: «محسن در کنار کتاب خواندن به نوشتن هم علاقه زیادی داشت و از زمان ورودش به بخش کتاب مؤسسه، تمام خاطراتش را می‌نوشت. برپایی نمایشگاه و ترغیب مردم به خرید کتاب هم از علائقش بود. تمام توانش را برای فروش کتاب می‌گذاشت و پول جمع شده را صرف اردوهای جهادی و خرج مناطق محروم می‌کرد.»

فعالیت و تلاش محسن حججه برای ترویج کتاب و کتابخوانی در دوران خدمت سربازی‌اش هم ادامه داشت، تا آنجا که هم‌خدمتی‌هایش به کمد وسایل

محسن لقب کتابخانه داده بودند و حتی در خاطراتشان از دوران سربازی با محسن حججه نقل کرده‌اند. این علاقه به کتاب و مطالعه که از زمان ورود محسن به مؤسسه شهید کاظمی در وجودش شکل گرفته بود، به مرور بیشتر می‌شد. بهترین هدیه‌ای که به اطرافیانش می‌داد، کتاب بود.

دوستانش می‌گویند در نمایشگاه کتاب با همسرش آشنا شده و به گفته مدیر مؤسسه شهید کاظمی اولین هدیه‌ای که محسن به همسرش داد، کتاب بود و بعد از ازدواج هر ماه این رویه را ادامه می‌داد و به همسرش یک کتاب هدیه می‌کرد. حتی در مراسم عقدش هم هدیه‌ای که به همسرش تقدیم کرد، کتاب «سلام بر ابراهیم» بود.

به واسطه ارادت مشترک او و همسرش به شهید کاظمی و فعالیت‌های فرهنگی‌اش در مؤسسه نشر این شهید بزرگوار، همسرش در کنار او قرار گرفت تا او را برای رسیدن به شهادت که نقطه اوج آرزوهایش بود، همراهی کند. حضور در مدارس و میان دانش‌آموزان برای معرفی کتاب و ترویج کتابخوانی به دوستی بین محسن حججه و نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به کتاب منجر شد و پای این افراد را هم به مؤسسه نشر شهید کاظمی باز کرد. نوجوانان و جوانانی که حالا محسن حججه را الگو و سرمشق ادامه راه و زندگی‌شان می‌دانند.



نذر رضایت: بوسه برپای مادر

احمد محمد تبریزی

پدر و مادرم راضی نباشن، من به آرزوم نمی‌رسم! مدتی بعد، وقتی کارهایش برای رفتن دوباره به سوریه جور نمی‌شد، دریافت یک جای کار گیر دارد و شاید به این دلیل که بدون اجازه مادر عزم رفتن کرده است، نمی‌تواند راهی شود. بنابراین می‌رود تا رضایت مادر را به دست آورد. در برابر مادر زانو می‌زند و گریه می‌کند. او به مادر التماس می‌کند: «اجازه بده من برم!» مادرش هم می‌گوید: «برو، ولی شهید نشو.»

محسن در پاسخ به مادر می‌گوید: «نه، من می‌رم، ولی عزیز می‌شم مادر.»

شهید حججی برای راضی کردن پدر و مادر آن‌ها را به زیارت امام رضا (ع) می‌برد. پدر شهید ماجرای این سفر را چنین شرح می‌دهد: «ما را به مشهد برده بود تا ضامن و شفیعش شویم. شب قبلش هم به مادرش گفته بود: تو را به خدا اجازه رفتن به من بده!»

مادر شهید نیز درباره اجازه دادن به پسرش می‌گوید: «به من می‌گفت مامان رضایت بده من شهید بشوم و پیش حضرت زینب روسفید شوم. من هم گفتم باشد حرفی ندارم. من تو را به حضرت زینب می‌سپارم. گفت: مامان نذر کرده‌ام، اگر قسمتم شد سوریه بروم، پای مامان و بابایم را ببوسم. من نمی‌گذاشتم، اما گفت نذر کرده‌ام و بگذارید این کار را بکنم.»

همان دیدار، آخرین دیدار محسن با خانواده‌اش شد. محسن رفت و عزیز مادر و میلیون‌ها انسان دیگر شد. حالا پدر و مادرش با افتخار از پسرشان صحبت می‌کنند. پسری که آوازه شهرتش شهر به شهر گشت و در سراسر ایران پخش شد.

مگر می‌شود بدون دعای خیر پدر و مادر عاقبت به خیر شد؟ مگر می‌شود دل پدر و مادر را رنجاند، بعد یک‌شبه عزیز یک ملت شد؟ محال است بدون رضایت قلبی پدر و مادر به جایی رسید. از امام صادق (ع) نقل است: یکی از دعاها این است که حتماً مستجاب می‌شود، دعای پدر و مادر در حق فرزندی است که نسبت به والدین خود نیکوکار باشد. شهید حججی راه رستگاری را از دعای خیر پدر و مادرش پیدا کرده بود. محسن به زیبایی دانسته بود که شرط اول موفق شدن در هر کاری راضی بودن پدر و مادر از اوست. پس از شهادت از شهید حججی فیلم‌ها و کلیپ‌های زیادی در فضای مجازی پخش شد. یکی از این فیلم‌های ماندگار و تأثیرگذار، فیلم خداحافظی شهید حججی از خانواده‌اش است. او در کمال تواضع و خشوع، جلوی پای پدر و مادرش خم می‌شود تا قبل از رفتن پایشان را ببوسد. مادر اشک می‌ریزد و بغض در گلویش اجازه سخن گفتن به او نمی‌دهد. محسن از این سکوت پیش آمده استفاده می‌کند و می‌گوید: «نذر کرده بودم، اگر قسمت شد به سوریه اعزام شوم، دست و پای مادرم را ببوسم.» محسن در این فیلم در حال ادای نذری این چنین زیبا و بی‌نظیر است.

شهید حججی پیش‌تر یک بار دیگر به سوریه اعزام شده بود. آن زمان همسرش باردار بود و او از همسرش خواست کرد: «به خاطر شرایطت به کسی نگو من به سوریه رفتم. چون آگه پدر و مادرم متوجه بشن، ممکنه به من اجازه رفتن ندهن.»

محسن در این سفر درس بزرگی می‌گیرد. او پس از بازگشت به همسرش می‌گوید: «در این سفر فهمیدم تا



سروان سعید هاشمی، فرمانده گروهان شهید محسن حججی:

همه می دانستیم این بار، رفتن محسن برگشته ندارد

مریم احمدی

مدتی که به گردان ویژه پیوست، چند بار به سوریه اعزام شد؟

محسن اولین بار چند روز پیش از محرم ۱۳۹۴ به سوریه

اعزام شد و حدود سه ماه در مناطق «حلب»

و «لاذقیه» با رشادت جنگید و از مردم این

سرزمین در مقابل داعش دفاع کرد. محسن در شرایطی به

سوریه رفت که منتظر به دنیا آمدن فرزندش بود. بعد از

برگشت با وجود تمام پیگیری‌ها و اصرارش برای رفتن به

سوریه، شرایط اعزامش پیش نیامد. به قول خودش، گیری

در کارش بود که البته بعدها فهمید نارضایتی والدینش به

ویژه مادرش یکی از موانع رفتنش بوده است. دومین بار

هم ۲۷ تیر امسال به سوریه اعزام شد که در عملیاتی

مستشاری نزدیک مرز سوریه با عراق در منطقه التنف به

اسارت گروه تروریستی داعش درآمد و به شهادت رسید.

محسن از سال ۱۳۹۴ تا زمان اعزام مجددش بارها پیگیر

رفتنش به سوریه شد و مدام برای رفتن اصرار داشت تا

اینکه بالاخره به خواستش رسید.

از نقطه‌ای که مسیر طلبش را پیدا کرد، تا لحظه نوشیدن شهد شهادت، فاصله زیادی نبود. با اینکه از ورودش به سپاه پاسداران و عضویت در یگان ویژه گردان زرهی زمان زیادی نگذشته بود، عزم راسخ برای رسیدن به هدفی که سال‌ها در سر داشت، در مدت زمان کوتاهی به او آنقدر قدرت و توان نظامی بخشید که با نیروهای مبارز اعزامی به سوریه همراه شد. سروان سعید هاشمی، فرمانده مستقیم محسن حججی در گروهان زرهی سپاه، در گفت‌وگو با ما از ورود محسن به گردان زرهی و اعزام و شهادتش می‌گوید.

سروان هاشمی، آشنایی شما با محسن حججی از چه زمانی بود؟

همان‌طور که می‌دانید، از زمان حضور محسن در سپاه مدت زیادی نمی‌گذرد. بعد از دوره آموزشی در سال ۱۳۹۳ به عنوان نیروی جدید مستقیماً به گروه ما ملحق شد. آشنایی من با محسن از زمان عضویتش در «گردان ویژه» شکل گرفت.

چه عواملی سبب شده بود که شهید حججی با وجود اینکه نیروی جدید سپاه بود، بلافاصله برای دفاع از حرم به سوریه اعزام شود؟

نیروهای زرهی از همان ابتدا آموزش‌های تخصصی می‌بینند و از نظر قوای جسمانی و توان نظامی تقویت

شهید محسن حججی



لباس و این موقعیت نباشد شاید نتواند به راحتی این حرف‌ها را درک کند. محسن آرام و قرار نداشت. رفتار و برخوردش به خوبی نشان می‌داد، این بار قرار است شهید شود. اما کسی نمی‌دانست چطور به شهادت می‌رسد و چه نوع رفتنی را از خدا خواسته است.

ظاهراً همین روحیه شهادت‌طلبی و شوق رفتن به سوریه که خیلی از دوستان و هم‌زمانش به آن اشاره می‌کنند، سبب شده بود ایشان با وجود داشتن یک فرزند کوچک و همسر جوان و یک زندگی مشترک نوپا از تعلقاتش دست بکشد.

بله. هر آدمی در زندگی‌اش یک سلسله تعلقات دارد که به آن‌ها عشق می‌ورزد. عشق محسن، اعزام به سوریه و دفاع از حرم بود. ورد زبانش دائم سوریه بود و برای رسیدن به آنجا ماه‌ها تلاش کرد تا بالاخره مجوز رفتنش را گرفت. بعد از برگشت از سوریه در سال ۱۳۹۴ از گروه اعزامی همراه محسن، شش نفر به شهادت رسیده بودند. محسن ناراحت بود و از خدا طلبکار شده بود. می‌گفت: من هم باید شهید می‌شدم، چرا نشدم؟!

می‌شوند. شهید حججی هم از این امتیازها برخوردار بود. ضمن اینکه آمادگی اعتقادی بسیار خوبی داشت. در اولین اعزام به سوریه آن‌قدر شجاعانه جنگید که هر کس او را می‌دید، فکر می‌کرد چند سال است در سوریه می‌جنگد. به لحاظ تخصص زرهی خیلی زود خودش را به بچه‌های زرهی با سابقه رسانده بود. از نظر جسمانی همیشه چالاک و قیصر بود و آمادگی کامل داشت. یک امتیاز و ویژگی بارزتر هم داشت و آن روحیه شهادت‌طلبی و جهادی‌اش بود که سبب شد، سالار شهدای مدافع حرم شود و به آرزویش برسد.

آخرین باری که شهید محسن حججی را دیدید کی بود؟

حدوداً ۲۰ روز قبل از شهادتش برای خداحافظی آمد. همه بچه‌های گردان، وقت خداحافظی با محسن می‌دانستند که این‌بار دیگر برگشتی در کار نیست و حتماً محسن شهید می‌شود. بچه‌ها به شوخی می‌گفتند: آقا محسن نوربالا می‌زند و این‌بار رفتنی است. انگار همه می‌دانستیم شهید می‌شود.

به دلیل موقعیت سوریه و شرایط پرخطر منطقه بود که این تصور برای شما و هم‌زمانش ایجاد شده بود؟

نه، نیروهایی که به منطقه اعزام می‌شوند، دقیقاً می‌دانند کجا می‌روند، شرایط منطقه چگونه است و چه خطراتی را باید انتظار داشته باشند. شرایط اعزامی مدافعان حرم در ۲۷ تیرماه امسال هم مثل قبل بود، اما حال و هوای محسن فرق می‌کرد. تا کسی در این

اگر بخواهید به چند ویژگی بارز و صفات شهید حججی اشاره کنید، چه می‌گویید؟

محسن جوان منضبط و خوش خلقی بود. در کنار معنویت و اعتقادات دینی قوی و توجه خاص به انجام اعمال مستحبی، تلاشش برای حفظ و قرائت قرآن ستودنی بود. حتی مهریه همسرش را هم حفظ کل قرآن تعیین کرده بود. در کنار این معنویت، اخلاص محسن هم سبب شده بود عزیز شود. محسن هیچ‌وقت نمی‌گفت فلان کار را من کرده‌ام. به شهدا ارادت خاص داشت و به خانواده‌شان سر می‌زد. مدام به زیارت قبور شهدای مدافع حرم می‌رفت و به آن‌ها متوسل می‌شد. خاطره جالبی هم در این مورد از او دارم. یادم هست یک روز صبح با چهره خواب‌آلود آمد. پرسیدم: آقا محسن خواب‌آلود به نظر می‌رسی؟ با لهجه شیرین نجف‌آبادی‌اش جواب داد: دیشب حاج‌علی بی‌قرار بود و نمی‌خوابید. پسرش را حاج‌علی صدا می‌زد. گفت مجبور شدم ساعت دو نصف شب حاج‌علی را بغل کنم و در گلزار شهدای نجف آباد چرخ می‌زدم تا آرام شود. تا برگشتیم خانه و خوابیدیم، دیگر خیلی دیر شد.

شهادت محسن حججی با آن شیوه مظلومانه چه تأثیری روی هم‌زمانش داشت؟

همان‌طور که گفتم، انتظار شهادتش را داشتیم و هیچ‌کس از خبر شهادت محسن تعجب نکرد. اما نحوه اسارت و شهید شدنش شوری در میان بچه‌ها ایجاد کرد و به طرز عجیبی روحیه آن‌ها را تقویت کرد. تا آنجا که ما دو سه روز بعد از شهادت محسن بار دیگر به منطقه نیرو اعزام کردیم. درخواست بچه‌ها برای اعزام بیشتر و مصرانه‌تر شده بود.



حجت الاسلام احمد لقمانی:

منه خواست دیده شود، خدا به دنیا نشان داد

مریم احمدی

کرد که به ایشان همان آقا محسن حججی خودمان است که دو سال تمام خادم هیئت بوده است و ایام روضه و مراسم هر شب تا دیروقت اینجا کار می کند و آخر شب پنجاه شصت کیلومتر رانندگی می کند تا برسد به نجف آباد.

روزی که برای خادم شدن به حسینیه آمد، گفت: «حاج آقا به من کاری بدهید که جلوی دید نباشد. کارهای پشت صحنه و تدارکاتی را به من بسپارید که دیده نشوم. بعد هم گفت می خواهم سخت ترین کارهای حسینیه را من انجام بدهم.»

می خواست سخت ترین کارها را انجام دهد و دیده نشود تا مبدا غبار تزویر و ریا، زلالی نگاهش را بیوشاند. مثل وقتی که اراده کرد برای خدمت سربازی اش به سخت ترین جا برود و یگان زرهی سپاه را انتخاب کرد! می خواست به جایی برود که مسیرش به شهادت نزدیک تر باشد. شاید می دانست همین کارهای سخت حسینیه هم پله ای می شود برای رسیدن به آرزوی همیشگی اش!

حجت الاسلام لقمانی می گوید: «یک شب که بعد از کلی کار در حسینیه خسته و کوفته سوار ماشین شد تا به نجف آباد برگردد، کنارش رفتم و با ناراحتی گفتم: آقا محسن ببخش خیلی خسته شدی. آقا محسن با همان چهره خسته جواب داد: حاج آقا ناراحت نباشید، این ها که کار نیست. برای امام حسین (ع) باید سر داد.»

می گویند اعمال درجه خلوص دارند. هرچه خلوص بیشتر باشد، نتیجه اش بیشتر است. گاهی این درجه خلوص به حدی می رسد که غایت خواسته ات از خدا، می شود نتیجه اش! تو نمی خواهی دیده شوی، حسنت را مخفی می کنی تا مبدا رنگ تزویر بر روحت بنشیند. آن وقت خدا عزتت را برای دنیا آشکار می کند.

حجت الاسلام احمد لقمانی، یکی از روحانیان اصفهانی و مؤلف کتاب هایی چون «یک زندگی زیبا»، «مردی از ملکوت»، «هفت شهر عشق» و... بعد از شهادت محسن حججی از این خادم هیئت اباعبدالله خاطره ای نقل می کند که عیار خلوص نیت محسن را نمایان می کند. خلوصی که در جانت ریشه نمی گیرد، مگر بنده نظر کرده و عزیز خدا باشی.

حجت الاسلام لقمانی می گوید: «در یکی از حسینیه های اصفهان سخنران بودم. حسینیه ای که همیشه محفل عاشقان اباعبدالله است و سفره روضه و نذر و حاجتش در ایام خاص ده ها شبانه روز برپاست. یک روز در شبکه های مجازی عکس اسارت جوانی را دیدم که در سوریه به دست داعشی ها اسیر شده بود. عکسی که صلابتش غوغا کرده بود.

به نظرم چهره جوان اسیر خیلی آشنا بود. با دقت که نگاه کردم، شناختمش. آقا محسن خودمان بود؛ خادم حسینیه.

به مسئول حسینیه زنگ زدم و قضیه را گفتم. تأیید



شهید
محسن
حججی

دور از شهر اما به خدا نزدیک

احمد محمد تبریزی

این بود که زود قضاوت نکنم. بعضی‌ها به ظاهر کم کار می‌کردند، ولی در باطن کارهایی می‌کردند که حتی ماها که خیلی ادعا داشتیم، نمی‌توانستیم انجام بدهیم. مورد دیگر که خیلی به دلم نشست این بود که بین مردم روستا می‌چرخیدیم و می‌گفتیم که بیایید کمک کنید و کار کنید. می‌خواهیم مسجد بسازیم. چهار تا منت هم می‌گذاشتیم که ما از شهر آمده‌ایم تا به شما کمک کنیم. آن‌ها یک جورهایی ما را پیش خودشان ناجی در نظر می‌گرفتند و فکر می‌کردند که خدا ما را از آسمان فرستاده است که بیاییم فقط به این‌ها کمک کنیم. من وقتی از پیششان می‌رفتم می‌گفتم: این‌ها چه آدم‌هایی هستند که در مورد ما این‌جوری فکر می‌کنند؟! یا ما خیلی خودمان را دست پایین گرفته‌ایم، یا این‌ها ما را خیلی بزرگ فرض می‌کنند! از اردوی جهادی خیلی خوشم می‌آید. به نظرم اردوی جهادی مصداق ضرب‌المثل علف باید به دهن بزی شیرین بیاید است. افرادی که در اردوی جهادی شرکت می‌کنند، کار فرهنگی، عمرانی، هنری یا هر کار دیگری که انجام می‌دهند، بحث کار نیست، بحث خدمت به اهالی روستاست. به قول شاعر:

آسمان فرصت پرواز بلندی‌ست ولی / قصه این است
چه اندازه کیوتر باشیم»

شرکت در این اردوها خیلی در روحیه محسن مؤثر بود. روی بحث خدمت‌رسانی در این اردوها تأکید ویژه‌ای داشت و معتقد بود جا برای کار زیاد است. شهید حججی در یکی از اردوها در جمله‌ای تاریخی می‌گوید: «ما اینجا از شهر دوریم، ولی به خدا نزدیکیم. اگر در شهر خودمان خدایمان را داشته باشیم، بیشترین جهاد را کرده‌ایم.»

انسان‌ها در شرایط سخت ساخته می‌شوند. اردوی جهادی فرصت مناسبی است تا با رفتن به مناطق محروم در کمک به محرومان و آبادی کشور تلاش کرد. اردوهای جهادی، سختی و دشواری زیاد دارند، ولی شیرینی خاصی درونشان نهفته است که به تمام سختی‌ها می‌ارزد. هم‌صحبتی و معاشرت با مردم صمیمی و خودمانی شهرهای دور افتاده، چیزی شبیه به نوشیدن آبی گواراست. روح و روان آدمی را صاف و زلال و حال آدمی را خوش می‌کند. حضور در این مناطق پر از تجربه‌های گران‌بهاست. برای آن‌ها که به دنبال معنای حقیقی زندگی و بندگی هستند، اردوهای جهادی فرصت مناسبی برای شناخت خویشتن و تفکر است.

تصویرهای شهید محسن حججی با لباس‌های ساده و خاکی در اردوهای جهادی هنوز در ذهنمان مانده است. بیشترین تصویرها و فیلم‌هایی که پس از شهادت از شهید حججی در فضای مجازی منتشر شد، مربوط به حضور ایشان در اردوهای جهادی است.

خیلی کم درباره فعالیت‌هایش در اردوهای جهادی صحبت می‌کرد و حالا با انتشار این فیلم‌ها، دوستان و نزدیکان متوجه فعالیت‌های جهادی شهید حججی شده‌اند. پدر شهید درباره حضور محسن در اردوهای جهادی می‌گوید: «او دورافتاده‌ترین مناطقی را که حتی با ماشین امکان رفتن به آن‌ها نبود، برای رفتن انتخاب می‌کرد. به دل محروم‌ترین مناطق می‌رفت و مسجد و حمام می‌ساخت و در کنارش کارهای فرهنگی و تبلیغاتی می‌کرد.»

اردوهای جهادی درس‌های زیادی برای شهید حججی داشتند. خودش درباره این درس‌ها می‌گفت: «از جمله درس‌های مهمی که از اردوهای جهادی گرفتم، یکی



حسین کشتکار

قول داده بودیم مانع پرواز هم نشویم

از زبان همسری که با دست خود عزیزش را راهی کرد

رؤیاهایت به واقعیت تبدیل شده بودند. روز رفتن هوا جور دیگری بود. بعد از نماز آماده سفر شدم. پسران علی که چند روزی از دوسالگی اش می گذشت، در خواب ناز بود. او را بوسیدی و نگاهش کردی. دوباره بوسیدی و باز بوسیدی و باز... شاید با هر بار بوسیدن، تشنه تر می شدی.

کوله پشتی ات را برداشتی. زهرا خودش کوله بارت را بسته بود. آخرین نگاهت هنوز پیش چشمان اوست. ای کاش بیشتر نگاهت کرده بود، هم چشمانت را، هم قد و بالایت را، هم سرت را محسن.

جلو آمد و خیره خیره نگاهت کرد. با نگاهت چیزی می گفتمی و می خواستی چیزی را بفهمانی، ولی همسرت نمی دانست چه می خواهی بگویی. همچنان نگاهت می کرد. موقع رفتن بار دیگر برای خداحافظی و ادای نذر نزد مادر و پدر رفتی. گفته بودی: «در مشهد نذر کرده ای که اگر پدر و مادر رضایت دهند و شرایط رفتن به سوریه برایت فراهم شود، پایشان را ببوسی. پای مادر را بوسیدی و مادر قبولی نذرت را با اشک روانش اعلام کرد. بعد از آن نوبت به پدر رسید. پدر اما

ساعت ها به ماه خیره می شود. صورتت را در هلال روشنش تجسم می کند. از همان روز که رفتی، عکس یادگاری ات همدم تنهایی اوست. می خواهد بدانی که همیشه تمام قول و قرارهایتان یادش می ماند. همه خاطره های همیشه همراهش است. مادر می گوید: سرنوشت این بود، ولی به قول خودت آدم های عاشق می توانند حتی سرنوشت حتمی را عوض کنند. تصمیمت را گرفته بودی. عازم سفر شدم. سفری که برگشتنش زندگی بود و ماندنش هم زندگی. اولی زندگی در دنیا و دومی زندگی هم در دنیا و هم در آخرت.

چقدر تلاش کردی تا رضایت پدر و مادر را به دست بیاوری و در این راه به نذر متوسل شدم. ماه رمضان که مشهد بودید و شب قدر را با یکدیگر در صحن و حرم امام رضا(ع) تا صبح سر کردید، همسرت به هتل رفت. تو رفته بودی کنار ضریح و از آنجا به او زنگ زدی و التماس دعا داشتی. به پدر و مادر گفتی: «تو رو خدا دعا کنین و رضایت بدین من برم سوریه». بعد از رضایت آن ها دیگر سر از پا نشناختی. انگار تمام



گرفته بود انگار. شوق رفتن را از گام‌های سریع و تندت دریافت که چه مشتاق، برای دفاع از حریم حرم اهل بیت، به مصاف حرامیان ناپاک می‌شتابد.

و این بار زهرا با علی، فرزند دوساله‌تان به سراغت آمدند با کوله‌باری از دلتنگی و فراق. مهربانی‌ات با علی، زبازد عام و خاص بود، اما با همه تعلق خاطری که داشتی، از پرواز بازماندی.

زهرا یکی یکی قبرها را پشت سر می‌گذارد تا به آرامگاهت برسد؛ میعادگاهی برای دو عاشق. به آرامی می‌نشیند. باد سردی می‌وزد. سرما تا مغز استخوانش نفوذ می‌کند، ولی گرمای عکس خندان قاب گرفته‌ات مانع از احساس سردی می‌شود.

دستانش را روی مزارت می‌گذارد. نگاه کن ... مروارید اشکش از صدف چشمان روی گونه‌اش می‌لغزد. چه بی‌پروا اشک می‌ریزد. نه برای رفتن که موهبت این‌گونه آسمانی شدن غصه ندارد. نبودن را باور ندارد که تو زنده‌ای؛ زنده‌تر از هر زنده. که وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ

در چشمانش عهدی تازه برق می‌زند؛ باتو، با آرمان و اعتقادات. به سنگ مزارت خیره مانده است. این جمله را می‌خواند: «شهید حججی عزیز، حجت خداوند در مقابل چشم همگان شد.» با خواندن این جمله آقا، به یاد آخرین نوشته‌ات افتاد.

تو آخرین جمله‌هایت را چنین نوشته بودی: «ان شاء الله شهادتم صدق گفتارم را گواهی می‌دهد ... شک نکنید و مطمئن باشید: راه ولایت همان راه علی‌ست/ رهبر برحق سید علی‌ست ... محسن حججی.»

نمی‌گذاشت خم شوی. می‌گفت: نذرت قبول شد. اما تو اصرار داشتی که دینت را ادا کنی و آخر پدر راضی شد به آنچه مقدر بود!

تو می‌رفتی و زهرا در نبودن سر می‌کرد شب را و روز را و هنوز را. کوله را به دوش انداختی تا بروی. موقع رفتن در حیاط پشت‌سرت قدم در جای قدمت گذاشت. برگشتی باز نگاهش کردی. از اول آشنایی و ازدواج‌تان تا آن روز هیچ‌وقت به این حد نگاهت برای زهرا معنادار نبود. در را باز کردی و ایستادی. توقف در مرز بین خاک و افلاک. بین دنیا و آخرت لحظه‌ای درنگ کردی. قرآن را بالای سرت گرفت. از زیر قرآن گذشتی و باز نگاهش کردی. انگار می‌دانستی چه می‌خواهد بگوید. با لبخندت فهماندی که بغضش مانع از گفتن نشود. زهرا گفت: «محسن حس می‌کنم دیگر بر نمی‌گردد!»

جوابش را بی‌هیچ کلامی با نگاه معنادار پاسخ دادی که زهرا را به یاد قولتان انداخت؛ قولی که در اول زندگی‌تان به هم داده بودید؛ اینکه «مانع پرواز هم نباشیم». دستانت را به نشانه خداحافظی بالا آوردی. نگاه زهرا به انگشتت افتاد. خاطره آن انگشت زنده شد. چند روز قبل از عزیمت، وقتی که عبارت «یا زهرا(س)» را بر نگین انگشتت حکاکی کردی، رازش را هم خودت برملا کردی. گفتی: «دلم می‌خواهد نشانه‌ای همراهم باشد که اگر دشمن مرا اسیر کرد، دیگر رهایم نکند.» گفتی: «من نمی‌ترسم، در چشمان آن حرامیان نگاه می‌کنم و می‌گویم که شیعه امام علی(ع) هستم.» از خانه که بیرون رفتی، برخلاف همیشه در را نیستی و گذاشتی همسرت نظاره‌گر رفتن باشد. رفتنی با پاهایی استوار و بی‌تردید. روح از کالبدت سبقت



گفت وگو با حسین
فرهادی،
هم‌رزم شهید محسن
حججی:

به محسن اقتدا مے کر دیم

مریم احمدی

توی گروهان از خیلی‌ها کم‌سن‌تر بود اما آنقدر اعتقادات و معنویتش عمیق داشت که یک جمع پشت سرش نماز می‌خواندند. همه جوهر قبولش داشتند و پای درس اخلاقش می‌نشستند. حسین فرهادی، هم‌رزم و دوست شهید محسن حججی، در گفت‌وگو با ما به بیان برخی خصائص و ویژگی‌های وی می‌پردازد. حاصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

دوستی شما با شهید حججی از چه زمانی آغاز شد؟

سه سال پیش، یعنی سال ۱۳۹۳، بعد از شهادت یکی از دوستان نزدیکم در گروهان به اسم موسی کاظمی، محسن وارد گروهان شد و از همان روزهای ابتدای ورودش به مقر، به انجام فعالیت‌های فرهنگی در حوزه شهادی مدافع حرم و به‌ویژه شهید موسی کاظمی مشغول شد. با اینکه موسی را نمی‌شناخت، اما ارادت خاصی به او پیدا کرده بود و به منظور جاودانه کردن نام این شهید، از روی عکس لحظه شهادت موسی تصویر زیبایی کشید و در نمازخانه گردان نصب کرد. همان زمان او را به دسته من معرفی کردند و قرار شد به‌عنوان نیروی توپچی تانک با من همکاری کند. از همان موقع دوستی ما شکل گرفت.

از چند و چون نحوه همکاری‌تان بر ایمن بگویید؟

من باید کار با تانک و جنگ‌افزارها را به محسن یاد می‌دادم. زمانی که قرار شد با هم پای دستگاه برویم، گفتم: محسن، یا به کار فرهنگی برس یا دنبال این کار باش. چون کار با تانک حساسیت

خاص خودش را دارد. قرار شد محسن بعد از ساعات اداره، کارهای فرهنگی‌اش را دنبال کند و در ساعات اداری همراه من جنگ‌افزار آموزش ببیند. یک قرار دیگر هم گذاشتیم. به او گفتم: «من هر روز به تو جنگ‌افزار و کار با دستگاه را یاد می‌دهم و تو هم روزی یک درس اخلاق به من بده.»

چرا این خواسته را از او داشتید؟

محسن در امور دینی و مذهبی مطالعات زیادی داشت و به مفاهیم اخلاق و احکام کاملاً مسلط بود. از طرف دیگر، آنقدر رفتار و گفتارش پسندیده و درست بود که با وجود سن کمش، برای ما الگو شده بود. همه ما قبولش داشتیم و بیشتر اوقات به عنوان پیش‌نماز به او اقتدا می‌کردیم. یکی از درس‌هایی هم که شفاهی و عملی به ما داد و بر آن تأکید داشت، پرهیز از غیبت بود. محسن می‌گفت: یکی از راه‌های نزدیک شدن به خدا این است که زبان را از غیبت، چه مستقیم و چه تلویحی، دور نگه داریم. می‌گفت: سعی کنیم هیچ‌وقت در غیاب کسی اسمش را نبریم یا در حرف‌هایمان طوری اشاره نکنیم که در ذهن دیگران نسبت به کسی شک و شبهه‌ای ایجاد کنیم. خودش حواسش به این موضوع بود و با اطمینان می‌گویم، در این سه سال حتی یک بار هم نشد که از زبانش غیبت کسی را بشنوم. محسن روی حرف‌هایی که می‌زد خیلی حساس بود و هیچ‌وقت نه مستقیم و نه تلویحی از کسی بد نمی‌گفت.

از دوران همکاری تان خاطره‌ای هم دارید؟

خاطره که زیاد است، اما یکی‌شان در ذهنم برای همیشه حک شده است. علاوه بر محسن که به عنوان توپچی در کنار من بود، فردی به نام آقا بهزاد هم رانندگی دستگاه را به عهده داشت. آموزش نحوه پر کردن دفترچه تانک به محسن و بهزاد از وظایف من بود. به دلیل حساسیت، روی این موضوع سخت‌گیر بودم و از اشتباهات راحت نمی‌گذشتم. یک روز توصیه‌های لازم را به محسن و دیگر همکاران کردم و در مورد چند و چون پر کردن دفترچه و کارهایی که باید انجام می‌شد، برایشان توضیح دادم. تا زمانی که کار انجام شود، به دفتر فرماندهی رفتم. بعد از یک ساعت که برگشتم، دفترچه به شیوه‌ای که گفته بودم پر نشده بود. عصبانی شدم و گفتم: «این کاری نیست که من از

شما خواستم!»

بچه‌ها خسته بودند. آقا بهزاد اعتراض کرد که: شما هر چه گفتید انجام دادیم. گفتم: «باشد، اما اگر بازرس از دفترچه تانک ایراد بگیرد، هر دوی شما را توبیخ می‌کنم!» و باز به مقررمانده‌ی رفتم.

بعد از مدتی وقتی برگشتم، بازرس در حال پرس‌وجو از محسن و بهزاد بود. سؤالات پیچیده و تخصصی بودند. هرچه اصرار کردم که این سؤالات را من باید به عنوان مسئول جواب بدهم، بازرس قبول نکرد و گفت اطلاعات این افراد باید در حدی باشد که بتوانند این سؤالات را پاسخ بدهند. بعد هم از دفترچه حساسی ایراد گرفت. آن روز محسن و بهزاد متوجه شدند که دلیل سخت‌گیری من چه بود. از دستشان عصبانی بودم. هنوز چند قدم دور نشده بودم که محسن به گوشی همراهم پیغام داد: «حسین آقا حلال کن، من در موردت فکر بد کردم.» پیام را خواندم و گوشی را خاموش کردم و توی جیبم گذاشتم.

ساعتی بعد محسن را صدا کردم توی دستگاه. به فاصله چند متری از من توی تانک نشست. آموزش را شروع کردم و گفتم: «باید کار با این سیستم را خوب یاد بگیری.» وسط توضیحاتم محسن گفت: «حسین آقا گوشی تون خاموشه؟» گفتم: «آره باتریش تموم شده.» گفتم: «شارژ دارم، می‌رم بیارم.» با حالت ناراحتی گفتم: «لازم نیست!» می‌خواست بداند پیامش را خوانده‌ام یا نه. من هم وانمود کردم که نخوانده‌ام. هنوز از دستش عصبانی بودم.

بالاخره بخشیده شد؟!

مگر می‌شد آقا محسن را نبخشید. همین نوع حلالیت گرفتنش در ذهنم حک شد. وقت نماز رفتم کنار تانکر آب. مشغول وضو گرفتن بودم که کسی از پشت بغلم کرد. برگشتم. محسن بود. با بغض گفت: «حسین آقا منو ببخش تا حلالم نکنی نمی‌تونم برم جلوی صف و ایسم بچه‌ها پشت سرم نماز بخوند. اشتباه کردم. فکر کردم سخت‌گیری‌هات از روی هوای نفس و جایگاه بالاتره. تو رو خدا حلالم کن.»

بغض هر دویمان ترکید. یکدیگر را بوسیدیم. وضو گرفتیم و رفتم پشت سرش ایستادم و نماز خواندم.

بدرقه آخر

دنیاچیدری

خم شد و مشتی از خاک کوچه را برداشت. دست مادر را پیش کشید و خاک را بعد از بوییدن کف دست مادر ریخت. انگشتان مادر را جمع کرد و دستش را دور مشت کوچک مادر مشت کرد. گفت: «این مشتی خاک که در دستانت گذاشتم، جان من است. جانی که تو سال‌ها برای به ثمر رساندنش تلاش کردی و من می‌روم برای محافظت از آن. دلم نمی‌خواهد هیچ بیگانه‌ای به قصد و نیتی شوم پا بر آن بگذارد. اگر برگشتم و نفسی نداشتم، مشتی از همین بر پیکرم بریز؛ اما بی‌اشک و با افتخار که توانسته‌ام دینم را به جانی که به من دادی و خاکی که برایم از جان عزیزتر بود، ادا کنم. اگر هم که بازنگشتم، هزار چندگاهی که دلتنگی بی‌تابت کرد، مشتی از آن را بردار و بو کن. این همان خاکی است که برای گرفتنش از اجنبی رفتم و برنگشتم. همان خاکی که با پاهای برهنه بر آن گام گذاشتم.»

احتیاجی نبود چیز دیگری بگوید که مادر بداند حرف‌هایش تمام شده. یک گام به عقب برداشت و مادر هم سینی‌اش را از روی نیم پله کنار در حیاط برداشت. سلامی نظامی به مادر داد و با گام‌هایی محکم و مطمئن رفت برای ادای دینش به مام وطن. رفت تا دست گستاخان را از خاک پاک ایران‌ش کوتاه کند و مادر نیز با دعایی خیر، آبی پشت سرش ریخت؛ نه برای اینکه تمام دارایی‌اش به سلامت بازگردد، که با این نیت که ثمره زندگی‌اش آخرین آزمون زندگی را نیز با موفقیت و افتخار از سر بگذراند.

دستانش را دو گردن مادر حلقه کرد. موهایش را یک بار دیگر بویید و گونه‌هایش را بوسید. از آغوش بیرون آمد و بار دیگر سرتاپایش را نگاه کرد. چشم‌هایش می‌خندید، وقتی قامت خمیده مادر را می‌نگریست. آن چارقد گل‌داری که همیشه گره آن پشت گردنش پنهان بود، موهای حنایی از فرق باز شده‌اش که ریشه‌های سپیدش خودنمایی می‌کرد، آن بافت‌هایی که کم‌پشتی آن گذر عمر را نشان می‌داد و مثل همیشه روی شانه‌هایش جا خوش کرده بود، چادری که همیشه نیمه دور کمر گره شده بود و آن دامن گل‌داری که بوی گل‌های سرخش روحش را نوازش می‌کرد، تصویری بود که باید در ذهنش ماندگار می‌شد، از مادری که او را با کاسه‌ای آب و جلدی قرآن بدرقه می‌کرد. نگاهی گذرا به حیاط انداخت که هر بار صبح که چشم باز می‌کرد، پیش‌تر از بیدار شدنش آب و جارو شده بود.

در چوبی حیاط را که باز کرد، آوازی آشنا لبخندی به گوشه لبانش نشان داد. این همان آواز تکراری بود که هر بار پا از چهارچوب در بیرون می‌گذاشت، بدرقه‌اش می‌کرد و به وقت ورود، به استقبالش می‌آمد. این بار اما این آهنگ هم‌گویی برایش معنایی دیگر داشت.

بساط مادر در سینی استیل کوچکی در دستانش خودنمایی می‌کرد. از زیر قرآن رد شد و به مخمل سبزرنگش بوسه زد. بیرون از در مقابل قامت لرزان مادر ایستاد. این بار هم انگار مادر خوب می‌دانست او حرفی دارد برای گفتن. سینی را روی نیم پله سیمانی و کوچک کنار در گذاشت و سراپا گوش شد برای شنیدن آنچه تنها ثمره عشقش قرار بود برایش بگوید.



بزرگوارانه



آدبیاتِ دفاعِ مُقدس به مَثابه «ذکر»

جعفر ربانی

از ایثارگران، آزادگان، جانبازان، شاعران و نویسندگان به بازار آمده گواه این معناست.

پس باید همهٔ این عزیزان را «مذکرانی» دانست که به مسئولیت «ذکر» آفرینی خود واقفاند و از این طریق رسالت خود را به انجام می‌رسانند.

اینک به پاس فرا رسیدن هفتهٔ دفاع مقدس، در این چند صفحه، سه شعر را از نظرتان می‌گذرانیم. شعری از امام خمینی (ره) قافله سالار، رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی، شعری از حمید سبزواری به‌عنوان یکی از شاعران فجر انقلاب اسلامی و بالاخره شعری از فروغ تنگاب به‌عنوان نسل دوم شاعران دفاع مقدس، یعنی شاعرانی که خودشان جنگ را تجربه نکردند اما ذاکران و مذكران بعد از جنگ شدند؛ و این راه ادامه دارد...

مدرسۀ عشق

امام خمینی (ره)

این رهروان عشق کجا می‌روند زار؟
ره را کنار نیست، چرا می‌نهند بار؟
هر جا روند جز سر کوینگار نیست
هر جا نهند بار همان جا بود نگار
ساغر نمی‌ستانند از غیر دست دوست
ساقی نمی‌شناسند از غیر آن دیار
در عشق روی اوست همه شادی و سرور
در هجر وصل اوست همه زاری و نزار
از روی نور اوست گلستان شود چمن
در یاد سرو قامت او بشکفت بهار
ما را نصیب روی تو با این حجاب نیست
بر دار این حجاب از آن روی گلعداز

«ذکر» از واژه‌های کلیدی قرآن و به معنی آگاهی، هشدار، بیدار باش، یادآور و یادآورنده است.

پیامبران «مذکر» اند و یکی از رسالت‌های اساسی آن‌ها «ذکر» است؛ یعنی بیدار کردن و آگاهی دادن به انسان‌ها در راستای توحید و یکتاپرستی. با توجه به این تعریف، ادبیات را نیز، به‌طور کلی، می‌توان نوعی «ذکر» دانست؛ چه، هدف از آن بیدار کردن و آگاهی دادن به انسان‌ها در جهت زیست متعالی و فراتر از زندگی روزمره است. با این تعریف، و به طریق اولی، می‌توان از «ادبیات دفاع مقدس به مثابه ذکر» یاد کرد و از آن در راستای آگاهی بخشیدن به نسل‌های امروز و فردای ایران سود جست.

منظور از ادبیات دفاع مقدس، هر اثری است اعم از شعر، نثر، خاطره، تاریخ، گزارش، دعا، سرود... و بسیاری از مقولات دیگر که هر کدام کارکرد و نقش ویژهٔ خود را در ماندگار ساختن ارزش‌های دفاع مقدس دارند.

خوشبختانه پس از جنگ تحمیلی، و حتی در زمان جنگ، ادبیات مقاومت و مبارزهٔ ملت ما، که امروز آن را ادبیات دفاع مقدس می‌خوانیم، به خوبی ریشه‌هایش استوار شد و به ویژه در سه دههٔ اخیر نیز پیوسته رو به رشد و تعالی داشته است. بنابراین این نوع ادبیات سبب شده است نسل «امروز» ما خود را در «دیروز» یعنی در حضور پدران، مادران، برادران و خواهران شهید، آزاده یا جانباز خود احساس کند و آن حادثه بلکه فاجعهٔ عظیم را که جهان‌خواران دیوصفت بر ملت ما تحمیل کردند از یاد نبرد؛ هر چند می‌دانیم آن حادثه به نوبهٔ خود موجب شد ملت بزرگ ایران به شور آید و فرزندان‌ش را به صحنهٔ آفرینش زیباترین صحنه‌های ایثار و جهاد و شهادت بفرستد و قیامتی برپا سازد که ما برکات آن را شاهدیم. کتاب‌ها، شعرها، خاطره‌ها، داستان‌ها، سرودها، آهنگ‌ها، فیلم‌ها و دیگر آثار ادبی و هنری که در این سال‌ها پیوسته

همپای جلودار

حمید سبزواری

وقتی است تا زاد سفر بر دوش بندیم
دل بر پیام دلکش چاووش بندیم
چابک سواران، رهروان، احرام بستند
دل بر طنین این صلاهی عام بستند
آهنگ رفتن کن که ما را چاره فرد است
وا ماندن از این کاروان درد است، درد است
باید خطر کردن، سفر کردن، رسیدن
نگ است از میدان رمیدن، آرمیدن
وادی به وادی سینه باید سود بر راه
منزل به منزل رفت باید تا سحرگاه
کز خار و خارا اگر دور است منزل
حکم جلودار است بر بندیم محمل
ما را گریزی جز که آهنگ سفر نیست
عزم سفر کن فرصت بوک و مگر نیست

یک خاطره

فروغ تنگاب (جهرم)

با آن دو چشم آبی زیباتر از دریا
باید نمی خوابید آن شب را که تا فردا
بنویسد آزادانه هر چه گفتنی دارد
بر کاغذی کاهی و با پیوست یک امضا...
تا صبح اما با خودش صد بار اندیشید
بی فایده است این حرف‌ها بعد از من، او تنها...
چشمش به ساکش خورد، یادش آمد از دیروز
می خواست بارش را ببندد چند بار، اما...
پوتین خاکی! وای فردا موقع رفتن
از لای در حتما نگاهش می کند سارا
و ... باز چشمش روی کاغذهای کاهی ماند
خط زد تمام گفته‌های روی کاغذ را
بعد، از میان دفتر سبز غزل‌هایش
یک شعر نو، همراه یک شاخه گل زیبا
برداشت و دل را به دریا... نه، به کوچه زد
تو، تو، خودت، تو تو تو، در را باز کن سارا
کوچه نشان آسمانی داشت و باران
یکریز می بارید روی صورت آن‌ها
تنها از او یک خاطره با یک غزل ماند و ...
یک جفت چشم خیس پشت در که از حالا...



اشاعه فرهنگ دفاع مقدس در کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش

احمد رضا دوراندیش

محمد کفاشان

شدن قابلیت خلاقیت رزمندگان بود. مشکلات و تنگنای‌های ناشی از جنگ و دفاع در برابر مدرن‌ترین سلاح‌های اهدایی استکبار به دشمن بعضی از یک‌سو و تبعات ناشی از تحریم ناجوانمردانه دولت‌های حامی رژیم صدام حسین از سوی دیگر، عرصه‌های جنگ را بر رزمندگان سخت و نفس‌گیر کرده بود، اما اراده دلیرمردان عرصه دفاع و جانبازی ورای این مسائل بود. رزمندگان غیرتمند، توانمند و باذکاوت ما در میان خون و آتش، توپ و تانک و نبردهای رودرو و نفره‌نفر برای رهایی از بن‌بست‌ها، دست به کارهایی نوآورانه و بدیع زدند که دنیا را مات و میبهوت خود قرار دادند و بزرگ‌ترین متخصصان نظامی و صاحب‌نظر در تجهیزات نظامی و طراحی عملیات‌های نظامی را وادار به اقرار و کرنش نمودند و بعضاً امروزه به‌عنوان یکی از فنون جنگی و نظامی قابل استفاده آن‌ها قرار گرفته است.

بدیهی است فهم فرهنگ دفاع مقدس می‌تواند درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست‌بوم طبیعی و شهری را به منزله امانات الهی، فرهنگی و میان‌فرهنگی و... در پی داشته باشد و شایستگی‌های متنوعی را در دانش‌آموز ایجاد کند.^۱

یکی از راه‌های ایجاد خلاقیت در دانش‌آموز رفع نیازهای بومی او با استفاده از علوم فراگرفته مبتنی بر یافته‌های علمی و معتبر بشری است. این امر متناسب با فرهنگ دینی و بومی کشور است.^۲

دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش در سیر اشاعه گوشه‌ای از این کارهای بزرگ، در کتاب‌های درسی پایه دهم متناسب با رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای و کار دانش، به ذکر نمونه‌هایی از این خلاقیت‌ها پرداخته است، تا هنرجویان عزیز و آینده‌سازان

در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و در اسناد تحولی آموزش و پرورش تأکید ویژه‌ای روی شایستگی‌های پایه (تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) شایستگی‌های محوری (غیرفنی) و شایستگی‌های فنی شده است. در رأس شایستگی‌های محوری موضوع دین، دینداری، اخلاق مبتنی بر دین، هویت ملی و حفظ و حراست از کیان کشور از سایر مسائل برجسته‌تر است. تأکید این اسناد بر تعامل شایستگی‌های انسان در عرصه‌های چهارگانه ارتباط با خود، با خدا، با خلق، و با خلقت، تبیین کاملی از انسان فعال، جامع‌نگر، خلاق، ارزش‌محور و با هویت را رقم می‌زند که در مواجهه با ناملایمات قدم‌های استواری را برمی‌دارد و در سخت‌ترین و تاریک‌ترین شرایط راه می‌جوید یا راه ایجاد می‌کند. تاریخ ایران و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی پر از فراز و نشیب، مشکلات و حوادث خارق‌العاده‌ای است که تلخی‌ها و شیرینی‌های خاصی را به همراه دارد. موضوع هشت سال دفاع مقدس، به‌رغم همه سختی‌ها و نامهربانی‌ها، یکی از جلوه‌های بسیار غرورآفرین ماست. در جایی که ترکیبی بسیار زیبا از رابطه انسان با خداوند (اجرای کامل دستورات الهی)، رابطه با خویش‌تن (در سازندگی معنوی افراد و پیمودن ره صدساله در یک شب و ایثارها و از خودگذشتگی)، رابطه با خلق خدا (تقدیم بهترین دارایی انسان برای راحتی و حفظ خاک وطن و جان و مال و ناموس هم‌نوعان) و رابطه با خلقت (استفاده از منابع طبیعی و حفظ و نگه‌داری منابع طبیعی و...) ترسیم شد و تمامی عناصر تربیتی متناسب با ظرفیت افراد رشد کرد و افراد به مرحله‌ای از حیات طیبیه دست یافتند. در جریان دفاع مقدس از منظرهای مختلف اتفاقاتی افتاد که در شرایط عادی معمولاً قابل پیش‌بینی نیست؛ از جمله این اتفاقات و رخدادها بارور

این مرز و بوم متوجه توانمندی رزمندگان و هوش سرشار آنان شوند و با در نظر گرفتن فضایی که رزمندگان آن کارهای بزرگ را انجام داده‌اند، متوجه اعتماد به نفس آنان شوند که این امر می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای توانمندی‌ها و اعتماد به نفس هنر جویان را فراهم نماید. در این رابطه به نمونه‌هایی از درس‌نوشته‌هایی اشاره می‌شود که در کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای آمده است:

۱. رشته صنایع چوب و مبلمان: در کتاب تخصصی دانش فنی پایه مطلب زیر آمده است.

شاه‌کار مهندسی جنگ در رودخانه‌های خروشان در دوران دفاع مقدس بعد از تصرف فاو، عبور از دریای خروشان اروند و رساندن تجهیزات و پشتیبانی از نیروها بسیار ضروری بود. با نصب چند پل بر روی این رودخانه و ناموفق بودن آن، احداث پل بر روی رودخانه با فشار آب دریا را دارد. فشار آب باعث می‌گشت جهت رهاسازی و شناور ماندن در محل مورد نظر چارهای اندیشیده شود تا از ورود آب در ابتدای ورود آب در ابتدای رهاسازی درون لوله ممانعت به عمل آید.

برای بستن ابتدا و انتهای لوله‌ها جهت جلوگیری از برزنت و پلاستیک استفاده می‌شد و برای محکم کردن درپوش به دور تا دور سر لوله، تسمه‌های پلاستیکی مخصوص کارتن‌بندی به کار می‌رفت. بعد از اتصال لوله‌ها به هم و تنظیم محل غرق نمودن آنها روی سطح آب، یکی پس از دیگری درپوش‌ها را باز می‌کردند و آب با فشار وارد لوله‌ها شده، آنها را غرق و روی لوله‌هایی که قبلاً غرق شده بودند قرار می‌داد تا بدنه پل ایجاد شود. انتهای رشته لوله‌ها برای اتصال لوله‌های بعدی و ادامه کار، روی آب باقی می‌ماند.

البته باید اشاره کرد که این قسمت کار، بسیار خطرناک بود زیرا هر لوله با خروش و تکان شدیدی غرق می‌شد. اما در مواقعی که عمق رودخانه از ۶ متر بیش تر بود، برزنت به تنهایی حتی با تقویت شدن به وسیله میل گرد و غیره گذاشتن تخته چوبی در پشت برزنت مشکل را حل می‌کرد. تخته‌های چوبی به صورت خورشیدی یا طیفی‌های گرد

طراحی پل به این صورت بود که با انتقال حدود ۵۰۰۰ لوله فولادی ۱۲ متری و چینش آن‌ها از کف رودخانه تا بالای آب، ساخته شود. به دلیل نزدیکی به خلیج فارس و جریان جزر و مد، آب رودخانه کیفیت آب دریا را دارد. فشار آب باعث می‌گشت جهت رهاسازی و شناور ماندن در محل مورد نظر چارهای اندیشیده شود تا از ورود آب در ابتدای رهاسازی درون لوله ممانعت به عمل آید.

برای بستن ابتدا و انتهای لوله‌ها جهت جلوگیری از ورود آب و غرق شدن آن‌ها قبل از اتصال به بقیه، از درپوش‌های برزنت و پلاستیک استفاده می‌شد و برای محکم کردن درپوش به دور تا دور سر لوله، تسمه‌های پلاستیکی مخصوص کارتن‌بندی به کار می‌رفت. بعد از اتصال لوله‌ها به هم و تنظیم محل غرق نمودن آن‌ها روی سطح آب، یکی پس از دیگری درپوش‌ها را باز می‌کردند و آب با فشار وارد لوله‌ها شده، آنها را غرق و روی لوله‌هایی که قبلاً غرق شده بودند قرار می‌داد، تا بدنه پل ایجاد شود. انتهای رشته لوله‌ها برای اتصال لوله‌های بعدی و ادامه کار، روی آب باقی می‌ماند.

البته باید اشاره کرد که این قسمت کار، بسیار خطرناک بود زیرا هر لوله با خروش و تکان شدیدی غرق می‌شد.

اما در مواقعی که عمق رودخانه از ۶ متر بیش تر بود، برزنت به تنهایی حتی با تقویت شدن به وسیله میل گرد و غیره قادر نبود نیروهای فشاری آب را تحمل نماید. گذاشتن تخته چوبی در پشت برزنت مشکل را حل

شاه‌کار مهندسی جنگ در رودخانه‌های خروشان

در دوران دفاع مقدس بعد از تصرف شهر فاو، عبور از دریای خروشان اروند و رساندن تجهیزات و پشتیبانی از نیروها بسیار ضروری بود. با نصب چند پل بر روی این رودخانه و ناموفق بودن آن، احداث پل بر روی رودخانه اروند در دستور کار فرماندهان جنگ قرار گرفت. از نظر مهندسی احداث پل بر روی رودخانه‌ای با شرایط و مشخصات اروند در حالت عادی نیاز به ماه‌ها وقت و مصالح انبوهی دارد. اما پل مورد نظر فرماندهان جنگ باید در کمترین زمان، در استتار و پوشش کامل احداث می‌شد.

طراحی پل به این صورت بود که با انتقال حدود ۵۰۰۰ لوله فولادی ۱۲ متری و چینش آنها از کف رودخانه تا بالای آب، ساخته شود. به دلیل نزدیکی به خلیج فارس و جریان جزر و مد، آب رودخانه کیفیت آب دریا را دارد. فشار آب باعث می‌گشت جهت رهاسازی و شناور ماندن در محل مورد نظر چارهای اندیشیده شود تا از ورود آب در ابتدای رهاسازی درون لوله ممانعت به عمل آید.

برای بستن ابتدا و انتهای لوله‌ها جهت جلوگیری از ورود آب و غرق شدن آنها قبل از اتصال به بقیه، از درپوش‌های برزنت و پلاستیک استفاده می‌شد و برای محکم کردن درپوش به دور تا دور سر لوله، تسمه‌های پلاستیکی مخصوص کارتن‌بندی به کار می‌رفت. بعد از اتصال لوله‌ها به هم و تنظیم محل غرق نمودن آنها روی سطح آب، یکی پس از دیگری درپوش‌ها را باز می‌کردند و آب با فشار وارد لوله‌ها شده، آنها را غرق و روی لوله‌هایی که قبلاً غرق شده بودند قرار می‌داد تا بدنه پل ایجاد شود. انتهای رشته لوله‌ها برای اتصال لوله‌های بعدی و ادامه کار، روی آب باقی می‌ماند.



البته باید اشاره کرد که این قسمت کار، بسیار خطرناک بود زیرا هر لوله با خروش و تکان شدیدی غرق می‌شد. اما در مواقعی که عمق رودخانه از ۶ متر بیش تر بود، برزنت به تنهایی حتی با تقویت شدن به وسیله میل گرد و غیره قادر نبود نیروهای فشاری آب را تحمل نماید.

گذاشتن تخته چوبی در پشت برزنت مشکل را حل می‌کرد. تخته‌های چوبی به صورت خورشیدی یا طیفی‌های گرد

دانش فنی پایه رشته صنایع چوب و مبلمان

از داخل گذاشته می‌شود سپس پشت آن را با نبشی جوش داده و روی آن برزنت نصب می‌شد. بهترین نوع آن به خصوص با بست‌ها و پشت‌بندها مقاومت خوبی در مقابل فشار آب داشت. البته همین تخته‌ها در عمق حدود ۱۰ متر در اثر فشار آب نیز با مشکلاتی همراه بوده و احتمال شکستن وجود داشت. شکل زیر مراحل ساخت و نصب طبق‌های چوبی و همچنین مراحل پایانی نصب پل را نشان می‌دهد.



مراحل ساخت و بهره‌برداری از پل بعثت



شهید حسن آغاسی

از طراحان و مجریان این پل می‌توان به مهندس بهروز پورشریفی، مهندس سید هاشم بنی‌هاشمی، مهندس محمدرضا توسلی، عبدالرحمن جزایری و ... اشاره کرد.

یکی از شهدای نطفه جنگ که فعالیت‌های فنی بسیاری داشته است، شهید حسن آغاسی است. ایشان فارغ‌التحصیل دانشگاه تورنتوی کانادا با رتبه اول و مدرک کارشناسی ارشد در رشته پل‌سازی بود.

می‌کرد، تخته‌های چوبی به صورت خورشیدی یا طبق‌های گرد از داخل گذاشته می‌شود. سپس پشت آن را با نبشی جوش داده و روی آن برزنت نصب می‌شد. بهترین نوع آن به خصوص با بست‌ها و پشت‌بندها مقاومت خوبی در مقابل فشار آب داشت. البته همین تخته‌ها در عمق حدود ۱۰ متر در اثر فشار آب نیز با مشکلاتی همراه بوده و احتمال شکستن وجود داشت.

شکل زیر مراحل ساخت و نصب طبق‌های چوبی و همچنین مراحل پایانی نصب پل را نشان می‌دهد.

از طراحان و مجریان این پل می‌توان به مهندس بهروز پورشریفی، مهندس سید هاشم بنی‌هاشمی، مهندس محمدرضا توسلی، عبدالرحمن جزایری و ... اشاره کرد.

یکی از شهدای نابغه جنگ که فعالیت‌های فنی بسیاری داشته است، شهید حسن آغاسی است. ایشان فارغ‌التحصیل دانشگاه تورنتوی کانادا با رتبه اول و مدرک کارشناسی ارشد در رشته پل‌سازی بود.

۲. رشته صنایع چوب و مبلمان: در کتاب طراحی و ساخت کابینت آشپزخانه مطلب زیر آمده است:

فناوری چوب

نوآوری پل کابلی لحظه عبور

محدودیت‌ها و مصائب جنگ هشت ساله تحمیلی جز با نوآوری‌ها و تلاش‌های فراوان و پرشور مهندسان و پزشکان و دیگر نوآوران ایرانی به سرانجامی این چنینی نمی‌رسید. نوآوران متعهد و خلاق ایرانی در دوره جنگ با اتکا به امکانات محدود و خلاقیت سرشار خود توانستند به نوآوری‌هایی دست یابند که بسیاری از آن‌ها نه تنها در

یکی از اولین سازنده‌های پل چوبی «فتح‌الله همتی» معروف به «دایی همتی» پل چوبی جاده سوسنگرد - بستان را ساخت. این پل ۸۵ متری در عملیات امام مهدی (عج) مهم‌ترین راه مواصلاتی محسوب می‌شد. این پل که اولین راه بین رودخانه در جبهه بود به پل «دایی همتی» معروف شد. شکل صفحه قبل همتی را در آستانه پل نشان می‌دهد. نمونه‌های دیگری از این نوع پل در شکل‌های زیر آمده است.



نمونه‌هایی از طرح و اجرای پل لغو رو

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد.

139

رقیب شما در بازی، فردی است که از طریق اینترنت با شما بازی می‌کند و می‌تواند در هر کجای دنیا باشد.

کنجکاو

۱. چند بازی آنلاین که می‌شناسید را نام ببرید.
۲. امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز بازی رایانه‌ای آنلاین را با یک بازی غیر آنلاین مقایسه کنید.

۴. رشته مکانیک خودرو: در کتاب دانش فنی پایه مطلب زیر آمده است:

این کتاب غیرقابل استناد می‌باشد

۵. آشنایی با قوانین کار

برای موفقیت در کار لازم است یک تعمیرکار از قوانین بیمه، مالیات، کار و بازنشستگی، حقوق و دستمزد، مرخصی و ساعت کار اطلاع کافی داشته باشد و در موارد ضروری از این قوانین استفاده کند. دسترسی به این قوانین معمولاً به صورت مدون در یک کتاب برای عموم امکان‌پذیر است.

۶. نگاه اقتصادی

یکی دیگر از ضروریات تعمیرکار موفق نگاه اقتصادی به کسب و کار است. جهت راه‌اندازی یک کسب و کار کوچک اما موفق، بهتر است نکات زیر را مدنظر داشت: - از تعمیرکاران موفق که می‌شناسید پرس‌وجو کنید و رموز موفقیت آن‌ها را بررسی نمایید. - به جغرافیای محلی که برای کار مدنظر قرار داده‌اید توجه کنید، برخی مناطق استعداد ایجاد تعمیرگاه را ندارند (مثلاً دور از دسترس هستند). - یک تعمیرکار خودرو همواره با چند شغل دیگر در ارتباط نزدیک است (مثلاً فروشنده لوازم یدکی، تراشکار و...). تعمیرکاری موفق است که با شاغلان در این رشته‌ها ارتباط مناسبی برقرار کند. - یکی از مهم‌ترین مسائل ایجاد خلاقیت در کار است. شاید پرسیدن اینکه «چگونه می‌توان در کاری مانند

تعمیر خودرو خلاقیت به خرج داد؟»، سؤال خوبی برای اندیشیدن باشد.

بحث کافی

یک تعمیرکار چگونه می‌تواند با استفاده از روش‌های ابتکاری و خلاقانه، درآمد خود - با در نظر گرفتن اخلاق حرفه‌ای - را افزایش دهد؟

دانستنی‌ها

خلاقیت در شرایط سخت

چالش و سختی برای همه پیش می‌آید. برخی از افراد در بیرون آمدن از چالش‌های سخت بهتر از دیگران عمل می‌کنند. این افراد معتقدند که همواره می‌توانند پیشرفت کنند و می‌دانند که چطور می‌توانند در زمان مناسب چهارچوب مشکلات را تغییر داده و یا روش بهینه آن مشکل را حل کنند. در این زمینه می‌توان به خلاقیت‌های زمان جنگ تحمیلی اشاره کرد که با وجود شرایط سخت ابتکارات نظامی و مهندسی می‌توانست نتیجه عملیات‌های ضد دشمن را جور دیگری رقم بزند. جبل باتلاق رو یکی از تجهیزاتی بود که برای عبور از باتلاق‌ها و نزارها ساخته شد. این دستگاه بزرگ با چرخ‌هایی با قطر ۴ متر برای یدک‌کشی، باز کردن راه و موانع در باتلاق‌ها و نزارهای جنوب ساخته شده بود.

قایق مرداب‌رو یکی دیگر از ابتکارات دفاع مقدس بود. مهندسان برای رفع مشکل گیر کردن پروانه موتور قایق‌ها به گیاهان و نی‌های مرداب، دست به ابتکاری نو زدند که با ملخ چوبی و از طریق جابه‌جایی هوا روی نی و آب با

نجات یک مهندس ایرانیاز چنگال نیروهای رژیم صهیونیستی	محصول ۱۳۸۳	انرژی‌هسته‌ای
براساس یک داستان واقعیدر جنگ تحمیلی	محصول ۱۳۸۵	نجات بندر
اتحادمسلمانان برای شکست ابرقدرتها	محصول ۱۳۸۷	مدافعین کربلا
روایت دفاع مردم خرمشهر در ۳۴ روز اول جنگ تحمیلی	محصول ۱۳۹۳	مقاومت خرمشهر

و مهمات برای آن‌ها حیاتی بود. در اثر بمباران‌های مکرر شیمیایی، آب سالم در فاو پیدا نمی‌شد و جبهه فاو به جبهه سختی تبدیل شده بود. پشت سر رزمندگان حاضر در فاو، رودخانه خروشان اروند با عرض حدود ۹۰۰ متر بود. انجام تدارکات سنگین با قایق، بسیار سخت و کند بود. مهندسين پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد چند پل روی اروند پیش‌بینی و نصب کردند ولی هواپیماهای دشمن و سرعت حرکت آب، آن پل‌های به زحمت نصب شده را از بین می‌برد، از طرف دیگر نیاز به تدارکات سنگین، به‌شدت به فرماندهان جنگ فشار می‌آورد ولی راهی برای برقراری ارتباط نمانده بود. شرایط نیروهایی که در فاو مستقر بودند روزبه‌روز سخت‌تر می‌شد. مهندسين جوان جهاد؛ در نهایت برای حل مشکل بزرگ عبور از اروند، «پل خضر» را که یک سازوکار حرکتی بود، طراحی و اجرا کردند.

این پل از یک صفحه بزرگ شناور که «دوبه» نام داشت تشکیل می‌شد. سه رشته سیم بکسل، با شمع کوبی و بتن‌ریزی در دو طرف اروند رود، محکم و مهار شده بودند. سیم بکسل‌ها از داخل گوشواره‌هایی که بر روی دوبه تعبیه شده بود عبور داده شده بودند. دو سیم بکسل بزرگ، نقش هدایت دوبه را داشتند تا جریان شدید آب، آن را از مسیر مشخص شده (امتداد عرض رودخانه) خارج نکرده و با خود

۵. آشنایی با قوانین کار

برای موفقیت در کار لازم است یک تعمیر کار از قوانین بیمه، مالیات، کار و بازنشستگی، حقوق و دستمزد، مرخصی و ساعت کار اطلاع کافی داشته باشد و در موارد ضروری از این قوانین استفاده کند. دسترسی به این قوانین معمولاً به صورت مدون در یک کتاب برای عموم امکان پذیر است.

۶. نگاه اقتصادی

یکی دیگر از ضروریات تعمیر کار موفق نگاه اقتصادی به کسب و کار است. جهت راه اندازی یک کسب و کار کوچک اما موفق، بهتر است نکات زیر را مد نظر داشت.

- از تعمیر کاران موفق کی می شناسید. پرس و جو کنید و رموز موفقیت آن را بررسی نمایید.
- به جغرافیای محلی که برای کار مد نظر قرار داده اید توجه کنید، برخی مناطق استعداد ایجاد تعمیرگاه را ندارند (مثلاً دور از دسترسی شهساده شغل دیگر در ارتباط نزدیک است (مثلاً فروشندۀ لوازم بدکی، ترانزاکت و...)
- از تعمیرکاری موفق است که با شافلمان در این رشته ها ارتباط مناسبی برقرار کند.
- یکی از مهم ترین مسائل ایجاد خلایق در کار است. شاید پرسیدن اینکه چیچونه می توان در کاری ماند تعمیر خودرو خلایق به خرج داده، سوال خوبی برای اندیشیدن باشد.

یک تعمیر کار چگونه می تواند با استفاده از روش‌های ابتکاری و خلاقانه، درآمد خود را در نظر گرفتن اعلان حرفه‌ای را افزایش دهد؟

دانشتني ها

خلاقيت و شرايط ساخت

چالش و سختی برای همه پیشانی می آید، برخی از افراد در بیرون آمدن از چالش‌های سخت بهتر از دیگران عمل می کنند. این افراد معتقدند که هوادار می‌توانند پیوسته کنند و می‌دانند که چطور می‌توانند در زمان مناسب چهارچوب، مشکلات، تغییر داده و با روشی بهینه آن مشکل را حل کنند. در این زمینه می‌توان به خلاقیت‌های زمان جنگ تحمیلی اشاره کرد که با وجود شرایط سخت ابتکارات نظامی و مهندسی می‌توانست نتیجه عملیات‌های ضد دشمن را جور دیگری رقم بزند.

جل باقاي رو بکسي از تجهيزاتي بود که برای عبور از

باتلاي ها و تيرازها ساخته شد. این دستگاه بزرگ با

چرخ‌هایی با قطر ۴ متر برای یک کشش، باز کردن راه

و مواقع در باتلاي ها و تيرازهاي جنوب ساخته شده بود.

شکل ۲-۵. جل باقاي رو

سيرةالاولات آن



شهيد مصطفي ابراهيمي مجد

ماجراي هشت سال دفاع مقدس جنبه‌هاي گوناگون دارد. داستان تلاش مستمر و اندیشه پويا و خلاقانه رزمندگان، اقدامات علمي، مبتکرانه و هوشمندانه آنان را بيان می‌کند.

شهيد چمران در ابتکاري اولين بار از طريق رهامباري آب در دشت خوزستان که خاک آن رسي بود و آب را جذب نمی‌کرد، باتلايي برای نبروهای دشمن درست کرد. با نصب بمب‌های آب در کنار رود کارون و احداث یک کانال به طول حدود بیست کیلومتر و عرض یک متر در مدتی حدود یک ماه، آب کارون را به طرف تانک‌های دشمن روانه ساخت، به طوری که آنها مجبور شدند چند کیلومتر عقب‌نشینی کنند و با احداث خاکریز، سدی عظیم مقابل خود بسازند.

با ابتکار شهيد چمران و شهيد مصطفي ابراهيمي مجد برای ايجاد خاکريزهاي نيز چاره‌اي انديشيده شد. مقدمه ساخت موشک‌هاي پيشرفته تر شد.

دکتر چمران پیشنهاد ساخت دوبرخه‌ای داد. به طوری که در مرحله اول با سوخت از بی جی روی آب حرکت کند و داخل خاکریز شود، در مرحله دوم انفجار حاصل از حجم زیاد مواد منفجره داخل لوله که با تأخیر اتفاق می افتاد باعث می‌شد تاجریان آب کانال یک مسیر برای حرکت به سمت تانک‌های زرهی دشمن پیدا کنند. موشک پر از TNT روی تخت‌های شبیه به قایق موتوری نصب می‌شد و نیروی پرتاله از یک الکتروموتور مجهز به پورانه و انرژی الکتریکی مورد نیاز توسط باتری تأمین می‌شد. با برخورد این سامانه به خاکریز، موشک از تخته جدا شده و پس از انفوذ به تروخ خاکریز منفجر می‌شد.



شهيدچمران ومهرالان ايشان در حال آرمایش موشک



شکل ۱۱

حاکم مملو (دع): خاکی که دارای انواع داده‌های ریز و درشت و درمیدی نیز خاکریس باشد معلوم یا دج نامیده می‌شود.

درمان دفاع مدنی یکی از اشکالات جدی در جبهه ساخت جاده بود که با توجه به جبهه خاک در شرایط اقلیمی منطقه این کار صورت می‌گرفت چندان برای جلدای

که پس از ساخت مملو به نام گرفت از صلبیت خاک

ساحل جور در قسمت ایران که رس بود استفاده کردند.

تیراهای کنار جاده کمک‌های زیادی به جلوگیری از نفوذ آب

به جاده می‌کردند، با ریختن خاک در کنارها مانع نفوذ آب به جاده شده و همچنین باعث رشد ریشه‌های بی شدند.

سنگ

سنگ‌های ساختمانی از نظر منشأ شکل‌گیری به سه دسته آذرین، ناهشی و دگرگون تقسیم می‌شوند منشأ و نحوه تشکیل سنگ‌ها در کیفیت و ویژگی آنها بسیار تأثیرگذار است. سنگ‌های ساختمانی از نظر کاربرد به دو دسته بارور و تزیینی تقسیم می‌شوند.



شکل ۱۲

فصل اول: کلیات

گیربکس لایجر برناب، توسط بعضی از کارشناسان همه این تانک‌ها منجر به ساخت خانواده موشکی غربی به عمد دستکاری شده بود تا برای ایران قابل (الانج)، (الز)، (النجیل)، (المد)، (المد)، استفاده نباشد که با طرح‌هایی از کارخانه تراکتورسازی انواع سوارها برها ... و... شد که برد بعضی از آنها به ۲۰۰۰ کیلومتر می‌رسد.

موشک ناو جزو اولین موشک‌های تحقیقاتی یکی از افرادی که پرورش یافته خانواده فرهنگی است دانشمندان ایرانی بود. موشک ناو یک پیکه است و و فعالیت‌های مهمی در زمینه طراحی جنگ‌افزارهای

رونی به آن نگاه می‌کنید یک لوله استولهای می‌بندید، مورد نیاز عملیات جنگی انجام داده شهید علیرضا

هرچه هست در آن لوله قرار دارد. جالب است افرادی عامی است (شکل ۱-۵). تهیه فرش برزنتی برای

که قرار بود بر روی آن کار کنند نمی‌دانستند ناو گسترش روی سیم خاردار، اشپار (آل بی جی)،

چه شکلی است. آمریکا برای طراحی و آرمایش این موشک برای انداختن دژ دشمن، سیم خاردار

محمول پیچیده هفت سال زمان صرف کرده بود. هیدرولیکی و تهیه انواع تللهای انفجاری، اتمام

ساخت، سیستم کنترل هدایت، منابع سوخت، مرحله تولید آنبود رسیده از فعالیت‌های موثر او بود.

و موثر - ر ع یاد این تیم ضمن شناسایی فناوری، سرانجام وی در اثر انفجار بمب عمل نموده به‌درجه

تمام سوارهای ممکن با یک وسیع علمی تحقیقاتی رفیع نهایتاً نقل آمد.

از ایرانیان دنیا و جامعه صنعتی جهانی طی سه سال شکل ۱-۶. مبران شهرها و تخریب ناشی از آن را

ايجاد و در ۵ سال تکمیل کردند. همین گروه صدها نشان می‌دهد.

موشک محبوب را درست کردند و به جنگ رساندند.



شکل ۱-۶. شهید علیرضا عاصمی



شکل ۱-۷. توانمندی ساخت موشک‌های هوشمند



شکل ۱-۸

هواپیماهای عراقی هیچ‌گاه نتوانستند این پل متحرک را که برایشان نامرئی بود، مورد حمله قرار دهند.

یکی از تیم‌های اجرایی قوی در ساخت پل‌های خضر، تیم شهید «اسدالله هاشمی» بود. تیم ایشان کار کردن با سیم بکسل را بسیار عالی بلد بود. او یک کانتینر همراه خود داشت که در آن همه‌جور وسیله برای تعمیر ماشین‌آلات یا ساخت و تعمیرات دیگر، وجود داشت. هر جا تیم حاج اسدالله هاشمی بود، خیال فرماندهی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد از بابت حل مشکلات آن منطقه راحت بود.

شهید اسدالله هاشمی، یکی از فرماندهان دلیر پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد بود (شکل ۱۹-۳).

۷. رشته معماری داخلی: در کتاب دانش فنی پایه مطلب زیر آمده است:

خاک مخلوط (دج): خاکی که دارای انواع دانه‌های ریز و درشت و در صدی نیز خاک‌رس باشد مخلوط یا دج نامیده می‌شود.

در زمان دفاع مقدس یکی از اقدامات مهم در جبهه ساخت جاده بود که با توجه به جنس خاک در شرایط اقلیمی منطقه این کار صورت می‌گرفت جهادگران برای جاده‌ای که پس از ساخت سیدالشهدا نام گرفت از خاصیت خاک ساحل حور در قسمت ایران که رُس بود استفاده کردند. نیزارهای کنار جاده کمک زیادی به جلوگیری از نفوذ آب به جاده می‌کردند، با ریختن خاک در کنارها مانع نفوذ آب به جاده شده و هم‌چنین باعث رشد ریشه‌های نی شدند.

سنگ

سنگ‌های ساختمانی از نظر منشأ شکل‌گیری به سه دسته آذرین، تهنشینی و دگرگون تقسیم می‌شوند. منشأ و نحوه تشکیل سنگ‌ها بر کیفیت و ویژگی آن‌ها بسیار تأثیرگذار است. سنگ‌های ساختمانی از نظر محل کاربرد به دو دستهٔ باربر و تزئینی تقسیم می‌شوند.

نوآوری، خلاقیت در دفاع مقدس

در عملیات عاشورا در منطقه میمک، یکی از تخریب‌چی‌ها، چشم‌های الکترونیک زیر مین‌ها تعبیه کرده بود. این سنسورهای حساس به نور، به محض قرارگرفتن در معرض نور با فعال کردن یک مدار باعث انفجار زمین می‌شد. روی مین مسلح با این سنسور با کمی خاک پوشانده می‌شد و زمانی که نیروی دشمن قصد پاکسازی معبر را داشت با احتیاط مین را از زمین بلند می‌کرد تا چاشنی آن را جهت خنثی‌سازی خارج کند اما بلافاصله با برخورد نور به سنسور مین منفجر می‌شد.

به نظر شما رزمندگان خلاق برای انجام این ابتکار از سنسور حضور افراد PIR استفاده کردند یا مقاومت تایمور (LDR)؟



ساخت یک تخته موج‌سواری بهتر

امواج موجود بر روی لبه‌های کوهانی پال تهنگ موجب می‌شود تا آب به راحتی و با ظرافت خاصی برش داده شود. این برجستگی‌ها به تهنگ‌ها کمک می‌کند تا نیروی کششی موجود در آب را کاهش دهند و با مهار کردن آب بدون توجه به ایجاد بزرگ خود در محل‌های تنگ نیز بتوانند به خوبی شنا کنند. یکی از شرکت‌های توسعه‌دهنده تخته‌های موج‌سواری، پال‌های تخته‌های موج‌سواری خود را با الگوبرداری از همین امواج موجود بر روی پال تهنگ‌ها تولید کرده است.

خلاقیت و نوآوری در دفاع مقدس

آتش تهیه و پشتیبانی سنگین و استفاده مؤثر از معکوس موشک‌های اسکادبی کار ساخت آن را کلید تویخانه جزو لاینفک سیستم نبرد ارتش عراق بود. زد، در این زمان یکی از کشورهای همسایه قبول آتش تهیه سنگین عراق از همان ماه‌های ابتدای می‌کند نیروهای ایرانی را آموزش دهد و شهید حسن جنگ فشار شدیدی را بر نیروهای ایرانی وارد آورد و طهرانی مقدم در صدر گروه ۱۲ نفره آموزش‌های خمسه‌خسه‌های معروف عراقی (واحدهای تویخانه سه‌ساله را در دو ماه فرا گرفته و به ایران باز می‌گردند، که به صورت ۵ تایی شلیک می‌شدند) از نظر روانی بار از هشت فروند موشک خریداری شده یکی را جهت سنگینی را بر نیروهای خودی وارد می‌کرد. بررسی و مهندسی معکوس استفاده می‌کنند و با توجه به اینکه ایران در نبرد خود با رژیم بعثی همزمان کار را بر روی ساخت لانچر پرتاب‌گر موشک عراق تأثیر موشک‌های بالستیک و فناوری موشکی را نیز آغاز می‌کنند. شهید سلامی یکی از اولین افراد آزمایش‌کننده در استراتژی دفاعی به‌خوبی درک کرده بود، بهترین موشک با برد بیش از ۱۲۰ کیلومتر در شرایط بسیار دشوار برای ایجاد امنیت در مرزهای خود را، استفاده سخت و خطرناک در دوران دفاع مقدس است، یکی از ایران تصمیم به ساخت موشک گرفت و با مهندسی افراد حاضر در پرتاب اولین موشک می‌گوید: سیستم

مهندسی معکوس، ساخت و بهبود جنگ‌افزار چارهای ناگزیر



شکل ۱-۲

شکل ۱-۳



شکل ۱-۴: تصاویری از مراحل آماری نصب و آماده‌سازی بل خیر

شکل ۱-۵: مراحل مختلف اجرای این بل را نشان می‌دهد.

مشاغل رشته متالورژی

مشاغلی که هنرجویان پس از فارغ التحصیلی می‌توانند در بازار کار مشغول شوند در جدول زیر ارائه شده است.

ردیف	نام گروه کاری / شغل	ردیف	نام گروه کاری / شغل
۱	متصدی ساخت مغفوط سازه	۶	فلایگیکر سازه‌های
۲	فلایگیکر سازه تر	۷	مدل‌ساز جوی
۳	کنک ماهیچه گیر	۸	ماهچه گیر درجه ۲
۴	کنک متصدی گوره دوط فلزات	۹	متصدی قالب‌های فلزی
۵	کنک دوبریز	۱۰	کارگر نقیبه برجه ریخته‌گری
۶	کنک مدل‌ساز جوی	۱۱	مدل‌ساز فومی
۷	مدل‌ساز جوی	۱۲	برش کار محصولات فلزی
۸	ماهچه گیر درجه ۲	۱۳	جوشکار محصولات فلزی
۹	متصدی قالب‌های فلزی	۱۴	متصدی تعمیر قطعات ریخته‌گری
۱۰	کارگر نقیبه برجه ریخته‌گری	۱۵	متصدی تکمیل کاری قطعات ریخته‌گری
۱۱	مدل‌ساز فومی		
۱۲	برش کار محصولات فلزی		
۱۳	جوشکار محصولات فلزی		
۱۴	متصدی تعمیر قطعات ریخته‌گری		
۱۵	متصدی تکمیل کاری قطعات ریخته‌گری		

وفاق، وظایف و وظایف در رشته متالورژی به قرار زیر است.

تولید فلزات. مدل‌سازی. ماهیچه‌سازی. قالب‌گیری. دایس‌سازی. ریخته‌گری. آزمایشات متالورژی. عملیات حرارتی

- تولید متالورژیکی قطعات - حفاظت از فلزات در برابر خوردگی

۸

کلیات

کافی وجود داشت. مواد شیمیایی یعنی پلی‌اتیلن و پلی‌استایرن که مواد اصلی پلاستوفوم می‌باشد نیز در داخل کشور موجود بود. تنها تفاوتی رزین برای کار فایبرگلاس لازم بود که از خارج وارد شد. کارخانه‌های زیادی از جمله زاگرس، FM، تیوغ، فایس، ساهو، پوریتان رشت و... تولید قطعات پلی‌اورتان، پلی‌استایرن، پوشش کامپوزیتی قطعات پلیمری و... را بر عهده داشتند. تمام قطعات بل از جمله بلوک‌های پلی‌استایرن همانند قطعات یک جورچین (بازر) در گوشه و کنار ایران توسط حدود ۲۰ کارخانه داخلی تهیه شده و برای مونتاژ به اهواز حمل شدند.

عمده‌ترین مشخصه این بل سبکی وزن، امکان تولید آن در مدت کوتاه و حالت خاص شنلورهای آن می‌باشد. شنلورهای بل‌های نظای در واقع صندوقچه‌های هوا هستند که با ورقه‌های فلز ساخته شده‌اند اما اگر گلوله‌ای با ترکشی بخورد، دیگر قابل استفاده نمی‌باشند، ولی خاصیت این بل‌ها این است که هر چقدر هم که گلوله و یا ترکشی به آن اصابت کند اگر حتی سوراخ نیز بشود، غرق‌شدنی نیست؛ از دیگر خاصیت‌های مهم این بل این است که قطعاتش قابل تعویض بود و در هر شرایطی می‌توان بدون اینکه سیستم بل به هم بریزد یک الی چند قطعه از بل را تعویض کرد.

این بل در مدت حدود دو ماه ساخته شد. افراد مختلفی جهت تکمیل شدن طرح بل نقش داشتند، از طراحان آن آقایان مهندس بهروز پورشرقی، مهندس افشارزاده، مهندس مرجوی و... است. شهادت زیادی هنگام اجرای این بل شیمیایی شده و به شهادت رسیدند که از آن جمله شهید سید محمد صمد خانی بود که بعد از پایان جنگ به شهادت رسید (شکل ۱-۵).



شکل ۱-۵: شهید سید محمد صمد خانی

۷

فکر ایشان برای بهبود و ارتقای فرهنگ ایثار و **شهادت** در جامعه و مدارس و به‌ویژه نسل آینده‌ساز استمداد جوییم.

مقام معظم رهبری:
من مشتاقم که
جوان‌های ما قصه جنگ
تحمیلی هشت ساله را
بدانند که چه بود. یک
نگاه کلان به این هشت
سال، با اطلاع از جزئیاتی که
وجود داشته است، خیلی برای
برنامه‌ریزی آینده نسل جوان در
روزگار ما مهم است.
۱۳۸۷/۸/۸

روش تحقیق در این پژوهش اجمالی، توصیفی است. جامعه پژوهش را نیز کلیه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه، چاپ دو سال گذشته (سال تحصیلی ۹۴-۹۵ و ۹۵-۹۶) شامل می‌شود. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر مطالب زیر است:

۱. محورهای موردنظر در این پژوهش عمدتاً:
- بررسی تعداد کتب، دروس و صفحات مرتبط با ثبت و ترویج فرهنگ حماسه هشت سال دفاع مقدس؛

- بررسی عناوین و موضوعات دروس مرتبط با موضوع دفاع مقدس (اعم از متن و تصویر).

۲. در مجموع ۲۱ درس و ۵۳ صفحه از ۱۱ کتاب درسی در دوره ابتدایی به ثبت و نشر فرهنگ دفاع مقدس پرداخته است.

۳. در مجموع ۵۴ درس و ۱۲۲ صفحه از ۱۳ کتاب درسی دوره متوسطه اول به ثبت و نشر فرهنگ دفاع مقدس پرداخته است.

۴. در مجموع تاکنون حداقل ۲۱ درس و ۱۷۰ صفحه از هشت کتاب درسی دوره متوسطه دوم به ثبت و نشر فرهنگ دفاع مقدس پرداخته است.

۵. در مجموع حداقل ۹۶ درس و ۳۴۵ صفحه از ۳۲ کتاب درسی در دوره‌های تحصیلی ابتدایی و متوسطه به ثبت و نشر فرهنگ دفاع مقدس پرداخته است.

با توجه به سیر تغییرات کتاب‌های درسی که هم‌اکنون به دوره متوسطه دوم و پایه یازدهم



فرهنگ‌نگاری حماسه هشت سال دفاع مقدس در کتاب‌های درسی

رضا نباتی / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت
علی اکبر روشندل / کارشناس ارشد برنامه ریزان درسی

مقدمه

ادای دین به مقام شامخ تمامی **شهیدان** و جانبازان و ایثارگران عزیز که حماسه آفرین هشت سال دفاع مقدس شدند، فراتر از وظیفه، بلکه یک تکلیف الهی و میهنی است که تک‌تک کارشناسان و برنامه‌ریزان درسی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همواره به‌عنوان یک اولویت به آن توجه داشته و دارند.

در نوشته حاضر که با هدف بررسی اجمالی میزان توجه کتاب‌های درسی دوره‌های تحصیلی ابتدایی و متوسطه به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با دفاع مقدس، نگارش و تقدیم می‌شود، سعی بر آن بوده تا ضمن معرفی بخشی از این فعالیت‌های علمی صورت‌گرفته در این بخش، دست نیاز به‌سوی صاحبان دل و اندیشه دراز کرده، از نفس و قلم و

رسیده است، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در حال تولید کتاب‌های جدید در سال‌های پایانی این دوره تحصیلی است.

۶. بیشترین توجه به محورها و مؤلفه‌های مفهومی دفاع مقدس به ترتیب در دوره دوم ابتدایی و دوره اول متوسطه بوده است.

۷. روند مذکور در کتاب‌های، تعلیمات دینی و قرآن، فارسی، اجتماعی و تاریخ بیش از سایر دروس و کتب درسی است.

۸. در بین محورهای مفهومی مورد بررسی، بیشترین توجه به محور واژه‌ها و اصطلاحات دفاع مقدس در وهله اول و تصاویر حماسی در وهله دوم و متون ادبی و شعر در وهله سوم بوده است.

۹. با توجه به پایگاه و جایگاه خطیر کتاب‌های درسی در حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و ارتقای فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت در جامعه و نیز با عنایت به تنوع دروس و آموزش‌ها، در هر یک از دروس به میزان ارتباط مفهومی دروس با این موضوع، به موضوع پرداخته شده است و لذا بیش از کمیت باید به میزان ارتباط و عمق و وسعت و اثربخشی مطالب توجه شود.

۱۰. جدول زیر تا حدودی می‌تواند تصویری روشن از مفاهیم به کار رفته درباره دفاع مقدس را در کتاب‌های درسی نشان دهد:

میزان پرداختن کتاب‌های درسی به هر یک از عناوین و موضوعات مرتبط با دفاع مقدس

ردیف	موضوعات	دوره اول و دوم ابتدایی	دوره اول متوسطه	دوره دوم متوسطه	جمع	ملاحظات
۱	تعداد کتاب درسی	۱۱	۱۳	۸	۳۲	کتاب
۲	تعداد دروس	۲۱	۵۴	۲۱	۹۶	درس
۳	تعداد صفحات	۵۳	۱۲۲	۱۷۰	۳۴۵	صفحه
۴	آیات مرتبط با ایثار و شهادت	۱۰	۷	۳	۲۰	آیه و پیام قرآنی
۵	احادیث مرتبط	۲	۴	-	۶	متن
۶	خاطرات دفاع مقدس	۱۳	۷	۵	۲۵	متن و تصویر
۷	شعر دفاع مقدس	۷	۴	۵	۱۶	متن
۸	زندگی‌نامه شهدا	۱۰	۵	۲	۱۷	متن و تصویر
۹	معرفی شهدای دانش‌آموز	۴	۳	-	۱۰	متن و تصویر
۱۰	شهدای هسته‌ای	۲	۲	۲	۶	تصویر
۱۱	ماهواره امید، نماد ایثار و شهادت	۵	۵	-	۱۰	تصویر
۱۲	ولایت فقیه و دفاع مقدس	۱۹	۳	۲	۹۳	متن و تصویر
۱۳	تبیین جهاد و دفاع مقدس	۱۷	۲۳	۵۱	۹۱	صفحه

در پایان ذکر دو نکته لازم است:

۱. بدیهی است آنچه تقدیم می‌شود، تنها گوشه‌ای از این فعالیت‌هاست که در قالب کتاب‌های درسی ارائه می‌شود. در خصوص فعالیت‌های پرورشی و فوق برنامه، تنوع و توجه بیشتری وجود دارد که البته به فرصت و حوصله‌ای بیشتری نیاز دارد.

۲. دروس متعددی وجود دارد که به ظلم‌ستیزی و جهاد در راه خدا و ایثار و شهادت می‌پردازد که به دلیل رعایت اختصار از آوردن آن‌ها صرف‌نظر شده است؛ مانند داستان کودکی حضرت موسی علیه‌السلام و بت‌شکنی حضرت ابراهیم علیه‌السلام و یا مبارزات انبیا و اولیای الهی که در کتب قرآن، دینی، تاریخ، فارسی و... به کرات آمده است.

الف - حماسه هشت سال دفاع مقدس در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم ابتدایی)

ردیف	کتاب درسی	پایه	فصل / صفحه / درس	نام درس و موضوع (و نحوه پرداختن به آن)	
۱	آموزش قرآن	سوم	انس با قرآن ۵، ص ۷۷	پیام قرآنی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» و تصویر لحظه شهادت نوجوان شهید محمد الدوره	
		چهارم	درس ۴، ص ۲۴	تصویر دانش آموز با سربند «القدس لنا» و دختری که در مسجد الاقصی نماز می خواند.	
			درس ۶، ص ۳۶	پیام قرآنی «جاء الحق و زهق الباطل» و تصویر لحظه تاریخی ورود امام به میهن	
			درس ۲، ص ۱۴	سورة فتح و پیام قرآنی «إنا فتحنا لك فتحا مبينا» و تصاویر فتح مکه و فتح خرمشهر	
		ششم	ص ۱۵	۱. انس با قرآن کریم (تصویر شهید غلامحسین تازه عصاره از شهدای دزفول در حال خواندن قرآن) ۲. حتی یک وجب خاک: عملیات‌هایی که به نام سوره‌ها و آیات قرآن اجرا شد.	
			یادآوری ۱، ص ۳۵	گنجاندن فعالیت‌های قرآنی با موضوع دفاع مقدس (مانند تصویر رزمنده‌ای که می‌خواهد پرچم اسلام را بر قله برافرازد).	
			درس ۸، ص ۵۵	حدیث شریف پیامبر اعظم درباره مردان پارسى، همراه با تصویر ماهواره امید	

ردیف	کتاب درسی	معرفی شهید هسته‌ای در کنار دانشمندان و مفاخر ایران زمین ذیل آیه ۱۱ سورة مجادله	درس ۱۱ ص ۷۸
		موضوع عبرت‌آموزی از سقوط مستکبران و ظالمانی مانند فرعون، شاه و صدام و نیز قیام امام حسین علیه‌السلام	درس ۱۲، ص ۸۴ و ۸۵

ردیف	کتاب درسی	پایه	فصل / صفحه/ درس	نام درس و موضوع (و نحوه پرداختن به آن)
۱	فارسی	سوم	درس ۶، ص ۵۰ تا ۵۴	فداکاران - درباره شهیدان حسین فهمیده، سهام خیام و معرفی جایگاه جانبازان (از ص ۵۰ کتاب سوم (فارسی) آورده شود.
			درس ۱۴، ص ۱۰۱ و ۱۰۲	ایران آباد - درباره شهیدان عباس بابایی، عباس دوران و علی‌اکبر شیروودی
			درس ۱۵، ص ۱۰۵ و ۱۰۶	بوی سیب - داستان درباره سالگرد حماسه آزادسازی خرمشهر
		چهارم	درس ۱۱، ص ۸۸ تا ۹۲	نام‌آوران دیروز، امروز و فردا - فرمانده دلا - خاطره از شهید حسین خرازی
			درس ۹، ص ۷۰ تا ۷۳	نام‌آوران دیروز، امروز و فردا - معرفی چهار تن از شهدای علمی و فناوری هسته‌ای
۳	مطالعات اجتماعی	سوم	فصل ۲، درس ۳، ص ۱۷ و ۱۸	از بزرگ‌ترها قدردانی کنیم - تصویر پدربزرگی است که جانباز دفاع مقدس است و پاهای او به‌خاطر دفاع از کشور آسیب‌دیده و اعضای خانواده به او کمک می‌کنند.
		ششم	فصل ۱۱ و ۱۲، درس ۲۲، ۲۳ و ۲۴، ص ۱۱۲ تا ۱۲۴	آزادی خرمشهر/ خرمشهر در جنگال دشمن/ خرمشهر در دامن میهن/ طی سه درس کامل متن و تصویر - بررسی علل حمله نظامی عراق به ایران و اشغال خرمشهر





۴	هدیه‌های آسمان	چهارم	درس ۱۵، ص ۹۲ تا ۹۷	یک ماجرای زیبا - خاطره‌ای از کودکی شهید عباس بابایی
				یک ماجرای زیبا - خاطره‌ای از کودکی شهید علی صیاد شیرازی
۵	ریاضی	ششم	درس ۱۵، ص ۸۴ تا ۹۱	سرزمین‌های همیشه سبز - معرفی مناطق جنگی همراه با داستان و تصاویر مرتبط
		پنجم	مرور دروس، ص ۴۵	معرفی شهید بهنام محمدی به‌عنوان یک قهرمان ملی
			بخش ۵، ص ۸۷	تصویر دو جانباز ملی‌پوش در مسابقات جهانی ورزشی

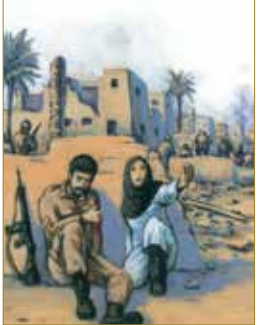
ب - حماسه‌ی هشت سال دفاع مقدس در کتاب‌های درسی دوره‌ی اول متوسطه

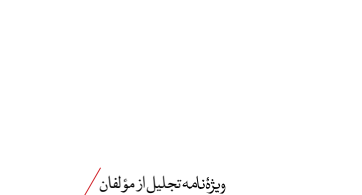
(پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)



ردیف	کتاب درسی	پایه	فصل / صفحه / درس	نام درس و موضوع (و نحوه‌ی پرداختن به آن)
۱	آموزش قرآن	هفتم	درس ۸، ص ۷۹	نماز در اتاق ژنرال - خاطره‌ای زیبا از شهید خلیبان عباس بابایی
		هفتم	درس ۱۱، ص ۱۰۳	قرآن در جبهه - خاطره‌ای از انس رزمندگان با قرآن در دوران دفاع مقدس
		هشتم	درس ۶، ص ۶۷ و ۶۸	جایگاه زن در قرآن و دفاع مقدس - به کمک آیات قرآن کریم و تصاویر مرتبط، نقش مؤثر زنان در جامعه مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است.
		نهم	درس ۹، ص ۱۰۱ تا ۱۰۳	هیئات من‌الدله - بیان آباتی درباره‌ی جهاد در راه خدا با مثال‌هایی از دوران دفاع مقدس و نیز مرور خاطرات یاز نوهای گرم و زیبای حاج صادق آهنگران در آن دوران
			درس ۱۱، ص ۱۲۰ تا ۱۲۲	با عنوان من زنده‌ام (خاطرات آزاده‌ی قهرمان خاتم معصومه‌ی آباد) معرفی کتاب و بازخوانی بخش‌هایی از آن

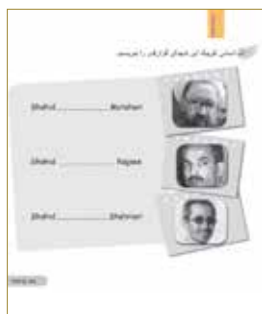
پیام‌های آسمانی	هفتم	فصل ۳، درس ۵، ص ۶۴ تا ۶۶	راهنماشناسی زندگی‌نامه و ویژگی‌های اخلاقی شهید صیاد شیرازی (اسوه فداکاری و عدالت)
		فصل ۵ - اخلاق درس ۱۲، ص ۱۲۹	نشان عزّت - برگزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید درباره حجاب
		درس ۱۴، ص ۱۳۸ تا ۱۴۰	کمال همنشین - ماهواره امید/ زندگی‌نامه شهید تندگویان
		فصل ۴، درس ۶، ص ۵۶	راه و توشه - خاطره‌ای از شهید صیاد شیرازی درباره نماز اول وقت
پیام‌های آسمانی	هشتم	فصل ۶، درس ۱۴، ص ۱۱۳ و ۱۱۴	ما مسلمانان - ذکر افکار و تلاش‌های شهید دکتر مصطفی چمران در زمینه تشکیل جامعه اسلامی
		ص ۱۱۷	فدائیان وحدت - شهید شوشتری یکی از نمایانان وحدت شیعه و سنی که در این راه به درجه رفیع شهادت نایل آمد.
		فصل ۵، درس ۱۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴	اتفاق (خمس) - سیره شهید مهدی باکری و تصویر تعدادی از فرماندهان شهید
		درس ۱۴، ص ۱۳۱ تا ۱۴۰	جهاد - آشنایی با واژه و تعریف جهاد و انواع آن از منظر قرآن کریم و بیان نمونه‌هایی از جهاد فی سبیل‌الله از جمله حماسه هشت‌ساله دفاع مقدس
آمادگی دفاعی	نهم	صفحه ۱۰۰ مطالب کتاب	مقدمه کتاب در یک صفحه کامل به معرفی شهید حسین فهمیده و روز بسیج دانش‌آموزی می‌پردازد. درس اول با جمله‌ای از رهبر معظم انقلاب درباره حفظ امنیت آغاز می‌شود و در ادامه ضمن پرداختن به ضرورت دفاع به معرفی پیشرفت‌های کشور در این حوزه می‌پردازد. معرفی مصداق دفاع مقدس در عرصه‌های پدافند غیرعامل و نیز فضای مجازی و تبیین تکلیف دانش‌آموزان در این عرصه و آموزش مهارت‌های لازم از بخش‌های دیگر این کتاب است.





۴	علوم تجربی	نهم	فصل ۹، ص ۹۱	تصویر موشک فجر و اقتدار ایران اسلامی در ابتدای فصل
۵	تفکر و سبک زندگی	هفتم	بخش اول، ص ۱۵ و ۱۶	بزرگ‌مردان کوچک - برگرفته از کتاب ۲۳ نفره به علاوه آن یک نفر که یک مجموعه خاطرات آزادگان عزیز است. دانش‌آموزان با دیدن فیلم درباره آن به گفت‌وگو می‌پردازند.
۶	ریاضی	هشتم	فصل ۵، ص ۶۹ فصل ۸، ص ۱۱۹	بردار و مختصات - تصویر موشک فاتح ۱۱۰ و اقتدار ایران اسلامی آمار و احتمال - تصویری زیبا و غرورانگیز از شهید مصطفی احمدی روشن و فرزندان و سائتر فیوضایی که در حال کار هستند.
۷	عربی	نهم	فصل ۷، ص ۱۱۳	عبارت‌های گویا - تصویری تاریخی که رزمندگان اسلام بر روی پل خیبر مشغول اقامه نماز هستند.
		هفتم	درس ۱، ص ۱۱ درس ۲، ص ۱۷ ص ۲۱ ص ۲۲	دو تصویر زیبا از حضور زنان در کنار مردان در دفاع از میهن اسلامی تصویر تاریخی و بسیار زیبا از نماز خواندن یک رزمنده در خط مقدم جبهه تصویری از تندیس یک بانوی ایرانی به عنوان نماد حضور زنان در دوران دفاع مقدس تصویر خانم سیده اعظم حسینی نویسنده کتاب حماسی «دا»
		هشتم	درس ۳، ص ۳۵ درس ۱، ص ۷ درس ۴، ص ۴۸ درس ۶، ص ۷۰ درس ۷، ص ۸۰ درس ۸، ص ۹۴ درس ۹، ص ۱۰۵	تصویر یک رزمنده در سنگر در حال قرائت قرآن کریم دو تصویر - تصویر اول: چهار شهید هسته‌ای و تصویر دوم: عکس یادگاری (هشت رزمنده از شهرستان فیروزآباد که همگی به مقام والای شهادت نایل شدند) تصویر پدر شهید/ تصویر مادر شهید در قطعه شهدا در حال تطهیر مرقده شهدای معظم تصویر رزمندگان پیروز در حال صعود به قله برای نصب پرچم اسلام تصویر روحانی رزمنده در حالی که پرچم ایران را در دست دارد. دو تصویر - تصویر اول: رزمندگان در حال نوشتن نامه برای خانواده خود و تصویر دوم: رؤی خواهران رزمنده در دوران دفاع مقدس دو تصویر از دانش‌آموزان دختر و پسر شرکت‌کننده در اردوهای راهیان نور
		نهم	درس ۷، ص ۷۷ درس ۹، ص ۹۸	رزمندگان اسلام در حال گزاردن نماز جماعت تصویر سه فرمانده شهید دوران دفاع مقدس

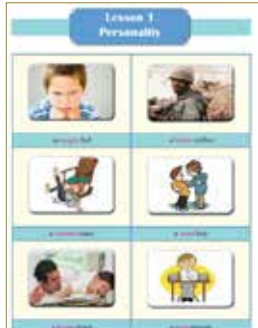
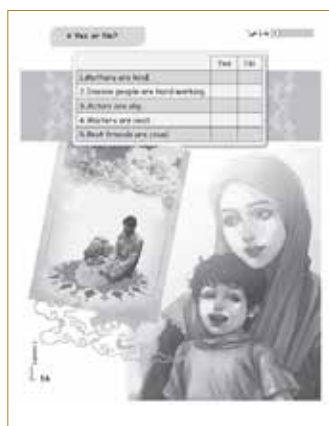




اسلامی و انقلاب اسلامی مرخصی (خاطره‌ایاز یک رزمنده دو دوران دفاع مقدس)	فصل ۵، درس ۱۴، ص ۱۲۶ تا ۱۳۱	هفتم	فارسی	۸
نام‌ها و یادها - پرچمداران (متن ادبی و شعر درباره دفاع از میهن و حضور نوجوانان و جوانان در حماسه هشت سال دفاع مقدس)	فصل ۴، درس ۱۱، ص ۸۸ تا ۸۱	هشتم		
ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات - درآمدبیر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی	درس ۱۳، ص ۹۴ تا ۹۶	نهم		
هم‌زیستی با امام میهن - حضور مقام معظم رهبری در منزل شهدای اقلیت‌های مذهبی	درس ۸، ص ۶۱ تا ۶۵			
آرشی دیگر - بخشی از شعر زیبای کودکی از جنس نازنجک	درس ۱۰، ص ۷۹ تا ۸۳			
دروازه‌ای به آسمان - متن زیبای ادبی از شهید سیدمرتضی آوینی و تصویر یاز شهید محمد جهان‌آرا و مسجد خرمشهر پس از آزادسازی شهر	درس ۱۱، ص ۹۳ تا ۹۶			
تصویر رزمنده در ترجمه واژه man	درس ۲، ص ۵۱	هفتم	انگلیسی کتاب دانش‌آموز	۹
تصویر شهیدان مطهری، رجایی و شهریار	ص ۳۷	هفتم	انگلیسی کتاب کار	۱۰
تصویر شهیدان بهشتی، باهنر و همت	ص ۴۱			

تصویر ادای احترام به مقام شامخ شهیدان به عنوان راهنمایان زندگی	مقدمه کتاب و ص ۱۲۱	نهم	انگلیسی کتاب دانش‌آموز	۱۱
تصویر یک رزمنده در دوران دفاع مقدس با زیرنویس «زنده‌باد سرباز»	ص ۱۱۳			
رژه میلیونی به مناسبت هفته بسیج	ص ۱۲۰			
رزمندگان در حال رژه	ص ۱۱	نهم	انگلیسی کتاب کار	۱۲
تصویری زیبا از رزمندگانی در حال نماز	ص ۱۶			





۱۳	مطالعات اجتماعی	هشتم	فصل ۲، درس ۴، ص ۱۹	وظایف دولت - دیدار رئیس جمهور محترم با یکی از جانبازان عزیز جنگ تحمیلی
		نهم	فصل ۸، درس ۱۶، ص ۱۰۹ و ۱۱۰	اقدامات نظامی بعد از پیروزی انقلاب (حمله نظامی به طیس، ترور شخصیت‌های نظام، مسئله جنگ تحمیلی عراق و هشت سال دفاع و پایداری ملت، ایثار رزمندگان)
			فصل ۱۱، درس ۲۲، ص ۱۵۲	معرفی بسیج و نقش آن در حفاظت از امنیت ملی و دفاع از ارزش‌های اسلامی

ج - حماسه هشت سال دفاع مقدس در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه (پایه‌های دهم، سوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

ردیف	کتاب درسی	پایه	فصل / صفحه / درس	نام درس و موضوع (و نحوه پرداختن به آن)
۱	آمادگی دفاعی	دهم	درس ۱ تا ۱۰، ص ۱۱۰	موضوعاتی چون امنیت، پایداری، فلسفه تشکیل بسیج، آشنایی با یادمان‌های شهدا، جنگ نرم، معرفی مصادیق دفاع مقدس در عرصه‌های پدافند غیرعامل و نیز فضای مجازی و تبیین تکلیف دانش‌آموزان در این عرصه و آموزش مهارت‌های فردی در دفاع و رزم و نیز آشنایی با امداد و کمک‌های اولیه از بخش‌های دیگر این کتاب است.
۲	تاریخ معاصر ایران	سوم متوسطه	درس ۲۴، ص ۲۱۰ تا ۲۱۹	جنگ تحمیلی رژیم بعثی حاکم بر عراق علیه ایران - بررسی وضعیت کشور در دوران هشت ساله دفاع مقدس - ذکر خاطرات و معرفی شهدای سرافراز میهن

 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	هشت سال دفاع مقدس - آشنایی با ابعاد مختلف حماسه هشت سال دفاع مقدس - معرفی کتاب نورالدین پسر ایران - آشنایی با سرداران و امیران شهید	درس ۲۶، ص ۲۳۹ تا ۲۵۰	سوم متوسطه	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	آشنایی با مفهوم هویت و هویت ایرانی و تقابل فرهنگ ایرانی اسلامی با فرهنگ غرب با نگاهی به دوران مختلف سیاسی کشور از جمله حماسه هشت سال دفاع مقدس	ص ۵۷، ۶۹ و ۴۷	سوم متوسطه	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	بررسی جنبش های سیاسی در دوران معاصر - وحدت بلوک شرق و غرب، جهت مقابله با انقلاب اسلامی نقش امریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه به ویژه در مبارزه با ایران اسلامی	ص ۱۲۶ تا ۱۳۶	پیش لشگاهی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	شعر زیبای «خاک آزادکام» از بانو سپیده کاشانی (به خون گر کشی خاک من دشمن من...)	درس ۱۱، ص ۸۳	دهم	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	شیرزنان ایران - متن تقریظ مقام معظم رهبری بر کتاب «من زنده‌ام» و بخش هایی از کتاب برای تقویت مهارت روان خوانی دانش آموزان	ص ۸۶ تا ۹۲	ادبیات فارسی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	دلبران و مردان ایران زمین - شعری از زنده‌یاد محمود شاهرخی (جذبه)	درس ۱۳، ص ۱۰۹ تا ۱۱۰	سوم متوسطه	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	 هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	ادبیات انقلاب اسلامی معرفی آثار و جلوه های ادبی انقلاب و دفاع مقدس در قالب های گوناگون نوشتاری	فصل ۵، درس ۱۳ تا ۱۵، ص ۷۴ تا ۸۹	استان شناسی	هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	هشت سال دفاع مقدس امیرعلی شریعتی	درس هفتم هر ۳۱ کتاب استان شناسی به موضوع «جایگاه استان در دفاع از سرزمین ایران» و معرفی شهیدان والامقام و نیز فعالیتهای مرتبط با موضوع پرداخته است.	فصل ۱۱، درس ۷، ص ۱۰۰ تا ۱۰۷	دهم	۷
---	---	--	-----------------------------	-----------------------	---	---	---	----------------------	-----------------------	--	--	---	---------------------	-----------------------	---	---	---	---------------------	------------	---	---	--	-------------------	---------------------	---	---	---	-----------------------------	-----------------------	---	---	---	--	--------------------	---	---	--	--	------------	----------

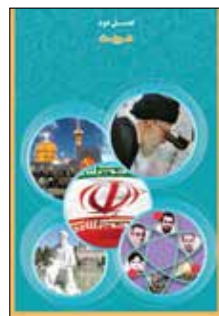


دوران طلایی دفاع مقدس
سرمایه عظیمی است
که مفاهیم و اصطلاحات
معنویت، ایثار، جهاد و
شهادت در آن عینیت یافت
و فرصت مغتنمی است تا
آموزش و پرورش با آشناسازی
نسل جدید کشورمان با آن
دستاورد بزرگ

نتیجه بحث

دوران طلایی دفاع مقدس سرمایه عظیمی است که مفاهیم و اصطلاحات معنویت، ایثار، جهاد و **شهادت** در آن عینیت یافت و فرصت مغتنمی است تا آموزش و پرورش با آشناسازی نسل جدید کشورمان با آن دستاورد بزرگ، تداوم راه امام عزیز و **شهادی** گرانقدرمان را محقق نماید. از زیبایی‌های دوران دفاع مقدس صحنه‌های بی‌بدیلی است که شاید در تاریخ نمونه آن را فقط در کربلای حسینی بتوان یافت که چگونه جوانان و نوجوانان کم‌سن و سال دبیرستانی و بعضاً راهنمایی با گریه و التماس و حتی دستکاری در شناسنامه خود، اشتیاق به حضور در جبهه‌های جنگ علیه دشمنان اسلام را نشان می‌دادند.

شهید حسین فهمیده دانش‌آموز ۱۳ ساله و **شهید بهنام محمدی**، تنها نمونه‌ای از هزاران دانش‌آموز شهیدی است که هر یک می‌توانند رهبر ملتی باشند. گریه‌ها و نماز شب‌های خالصانه و عبادت‌ها و مناجات‌های بی‌ریا و بدون تعلقات مادی آن‌ها در سنگرهای خط مقدم دفاع مقدس و عشق به **شهادت** و رسیدن به قرب الهی و جوار مقدس حضرت حق، برگ‌های زرینی در تاریخ معنویت دانش‌آموزان ایران اسلامی است. حضور بی‌شمار بیش از ۳۹۵ هزار دانش‌آموز و دانشجوی تربیت‌معلم (که ۶۰ درصد نیروهای اعزامی به جبهه‌ها را تشکیل می‌دادند) و **شهادت ۳۶۰۰۰** دانش‌آموز و جانباز و آزاده شدن عده کثیری از آنان در دوران دفاع مقدس، نشانگر تحولی بزرگ و روحیه



موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار می کند:
اردوی دانش آموزی تابستانی



سراسرنمای مقاومت و پیروزی (پائوراما)

تهران، میدان ونک، بزرگراه شهید حقانی، انتهای خیابان سرو،
تلفن: ۰۲۱ ۸۸۶۵۷۰۲۶ | نمایر: ۰۲۱ ۸۸۶۵۷۰۱۶ | سایت: www.iranhdm.ir

